نقش فرهنگیان ارومیه در انقلاب اسلامی



اداره کل آموزش و پرورش
استان آذربایجان غربی

... در یک مقطع خاص، فرهنگیان ارومیه در قالب یکسری اعتراضات صنفی، تشکلی را به وجود آوردند که بعد از حمله چماقداران به ارومیه این اعتراضات به تحصن در دادگستری انجامید که سیر تحولی خود را همانجا آغاز و از یک اعتراض صنفی به اعتراض اجتماعی و از مدیریت افراد حزبی به روحانیت گرائیدند. به نحوی که پس از اتمام تحصن، افراد به سمت مسجد اعظم حرکت و با مردم و روحانیت تجدید میثاق می‌کنند

تحصن به عنوان نقطه عطفی توانست تمام اقشار و صنوف را متوجه آنجا نموده و همین بهانه شد تا همه اطلاعیه ها و بیانیه ها از آنجا صادر و به نوعی به کانون مبارزات مردمی تبدیل شود...

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش فرهنگیان ارومیه در انقلاب اسلامی

اداره کل آموزش و پرورش
استان آذربایجان غربی
۱۳۹۳

به کوشش: حسین غفاری

سرشناسه	:	غفاری، حسین، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	:	نقش فرهنگیان ارومیه در انقلاب اسلامی [کتاب]/ به کوشش حسین غفاری ؛ [به سفارش] اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی.
مشخصات نشر	:	ارومیه : فرسار، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۲۵۵ ص.: تصویر (رنگی).
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۳۱۹-۷۷-۳
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۵۳-۲۵۵.
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- ارومیه
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- معلمان
شناسه افزوده	:	ایران. وزارت آموزش و پرورش. اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی
رده بندی کنگره	:	DSR۱۵۶۰۴ ۱۳۹۳ ۷غ۴الف/
رده بندی دیویی	:	۰۸۳۰۴۵/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۷۳۶۱۱۸

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

مجتمع چاپ افست ارم سامان ارومیه ۳۲۲۴۵۰۶۶-۰۴۴

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۳-۷۷-۶۳۱۹-۶۰۰-۹۷۸

چاپ اول: اسفند ۹۳

قیمت:۱۲۰۰۰ تومان

پیام مدیر کل

بسمه تعالی

آموزش و پرورش همواره منادی آگاهی دهی بوده و هست و کارکرد همه اجزای آن مملو از مفاهیم پاک از یاددهی و یادگیری است. چه بسا به این خاطر، دیگر عناصر جامعه، حیات فکری و معنوی را از آن دریافت کرده و در واکنش به مسایل اجتماعی، اصلاح امور و بیان آرمان‌های ارزشی به نقش معلمان احساس نیاز می کنند. در این راستا بود که معلمان شریف استان آذربایجان غربی به ویژه معلمان شهر ارومیه جزو اولین گروه‌های اجتماعی شدند که در کلاس‌های درس، مظاهر استبداد و استکبار رژیم پهلوی را بر ملا ساخته و به روشنگری پرداختند و در سال ۱۳۵۷ با تحصن عمومی در ساختمان دادگستری استان، مبارزه علنی و گروهی خود را آغاز کرده و زنگ هشدار را به صدا درآوردند. این اقدام در آن زمان یکی از نمونه جهت‌گیری‌های مؤثر در مبارزه سیاسی معلمان به شمار آمد که با بازتاب داخلی و خارجی همراه بود.

مصداق این ادعا، بیانیه‌ها، نامه‌ها و شعارهای معلمان ارومیه می‌باشد که هر خواننده‌ای را به نقش تاریخی این قشر فهیم فرا می‌خواند. به این منظور، برای نشر این اسناد تاریخی که به صورت یک جزوه جمع آوری شده بود، برخود وظیفه دانستیم تا این امانت گران‌بها را که سال‌ها مهجور مانده بود به کمک دوستان و معلمان عزیز، در قالب کتاب به مرحله چاپ برسانیم.

الحمدلله این مهم اتفاق افتاد تا در تاریخ مکتوب انقلاب اسلامی ماندگار شود و از جمله اسنادی باشد تا نسل آینده در کنار دیگر نقش های تربیتی به تعهد سیاسی و مبارزاتی معلمان این خطه دقیق شوند.

ضمن آرزوی توفیق به همه همکاران، از دوستان و عزیزانی که در گردآوری و چاپ این سند تاریخی اهتمام ورزیدند صمیمانه سپاسگزارم.

فریدون سید مصطفوی

مدیر کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی

بهمن ماه ۱۳۹۳

پیشگفتار

در یک مقطع خاص، فرهنگیان ارومیه در قالب یکسری اعتراضات صنفی، تشکلی را به وجود آوردند که بعد از حمله چماقداران به ارومیه این اعتراضات به تحصن در دادگستری انجامید که سیر تحولی خود را همانجا آغاز و از یک اعتراض صنفی به اعتراض اجتماعی و از مدیریت افراد حزبی به روحانیت گرائیدند. به نحوی که پس از اتمام تحصن، افراد به سمت مسجد اعظم حرکت و با مردم و روحانیت تجدید میثاق می‌کنند.

تحصن به عنوان نقطه عطفی توانست تمام اقشار و صنوف را متوجه آنجا نموده و همین بهانه شد تا همه اطلاعیه‌ها و بیانیه‌ها از آنجا صادر و به کانون مبارزات مردمی تبدیل شود. نگاه دوباره به اوضاع و احوال آن دوره به بهانه باز نشر این جزوه که توضیحات آن خواهد آمد، حفظ برگی از افتخارات انقلاب اسلامی در ارومیه می‌باشد.

مجموعه‌هایی مثل «مرکز اسناد انقلاب اسلامی»، « دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری»، «مرکز بررسی اسناد تاریخی»، «مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی»، «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران» و ... بر آن شده‌اند تا با نگاه کلی به انقلاب، آثاری را پدید آورند که در این میان شهر به شهر هم نقش هر منطقه را در انقلاب واکاویده و آثاری را منتشر کرده‌اند. انقلاب اسلامی در ارومیه نیز ویژگی‌های خود را داشته و لازم به بررسی بود.

هرچند برخی از کتاب‌های خاطرات نیز در بردارنده تغییر و تحولات زمانه راویان خاطره می‌باشد اما لازمه یک پژوهش تاریخی نگاه همه جانبه به یک پدیده تاریخی است. خاطرات حجت الاسلام غلامرضا حسنی[1] و آیت‌اله قرشی[2] نیم نگاهی نیز به تحولات انقلاب در ارومیه داشته، لکن از آن نگاه کلی برخوردار نبوده است. در سال ۱۳۸۴ آقای مسعود آسیوند زاده موضوع

---

۱ – حسنی، غلامرضا، ***خاطرات حجه‌الاسلام حسنی امام جمعه ارومیه***، تدوین عبدالرحیم اباذری ، تهران : مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۴

۲ – قرشی بنابی، علی اکبر، ***خاطرات آیت الله سید علی اکبر قرشی***، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸

پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را (در رشته تاریخ، گرایش ایران اسلامی) در دانشگاه اصفهان به «انقلاب اسلامی در ارومیه از ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱م تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۹ م.» اختصاص داده و با افراد مؤثر در انقلاب اسلامی ارومیه به مصاحبه پرداخته و با دست‌یابی به برخی از منابع روزنامه‌ای و کتابخانه‌ای و همچنین اعلامیه‌ها و اسناد ساواک، منظری مناسب از انقلاب اسلامی در ارومیه ارایه می‌نماید.

در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ بالاخره مجموعه «انقلاب اسلامی در ارومیه[۱]» (در دو جلد) از سری کتاب‌های انقلاب اسلامی در شهرستانها از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر و روانه بازار می‌شود که پرداخت کامل‌تری نسب به انقلاب اسلامی و وقایع یکصد سال اخیر ارومیه داشته است.

بعد از این، انتشار خاطرات «حاج حمید فاسونیه‌چی[۲]» و «سرهنگ فتورایی[۳]» نیز در اتصال حلقه‌های تاریخی انقلاب اسلامی نقش مؤثری داشتند. در همین اثنا، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی آذربایجان غربی به جمع‌آوری خاطرات برخی از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب اقدام کرد که شامل ۱۰ نفر از زندانیان از هر طیف سیاسی است که انتشار این خاطرات که کارهای نهایی آن صورت گرفته و در انتظار چاپ به سر می‌برد، که در صورت چاپ و نشر نقش مؤثری در روشنگری انقلاب در ارومیه خواهد داشت.

در مطالعه پایان نامه آقای آسیوندزاده و کتاب انقلاب اسلامی در ارومیه متوجه یکی از اسناد شدیم که به وفور از این منبع آدرس داده شده بود. این مأخذ که «**مسیر مبارزات مردم ارومیه در انقلاب اسلامی و نقش فرهنگیان این شهر**» نام داشت و بنا به مستندات از سوی روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش منتشر گردیده بود، آن را از یکی از معلمان پژوهشگر ارومیه دریافت کردیم.

---

۱ – قاسم‌پور، داود، ***انقلاب اسلامی در ارومیه***، ج ۱ (۱۳۹۱) و ج ۲ (۱۳۹۲)، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۲ – قلیزاده‌علیار، مصطفی، ***پیر پیشگام: خاطرات حاج‌حمید فاسونیه‌چی از پیشگامان انقلاب اسلامی در ارومیه***، تهران، سوره مهر، ۱۳۹۲

۳ – عابدی، هادی، ***ابد+ ۱۰ سال، خاطرات امیر سرتیپ دوم اکبر فتورایی***، تهران، سوره مهر، ۱۳۹۲ (در دست انتشار)

این مجموعه که در قالب یک جزوه در قطع کاغذ A٤، با ماشین تحریر تایپ شده و کپی گردیده بود به دست آمد. هرچند این جزوه حاوی مطالب ارزشمندی است که به آن خواهیم پرداخت لکن از کیفیت مناسب نگارش برخوردار نبوده و خطوط چاپی در برخی جاها ناخوانا بود. جزوه مربوط به اواخر سال ۵۹ و اوایل سال ۶۰ می‌باشد و بنابر اطلاع در تیراژ پایین تکثیر و منتشر شده بود.

یکی از ویژگی‌های این جزوه آوردن روزشمار انقلاب اسلامی در ارومیه بوده که در برخی از موارد به درج روزشمار انقلاب اسلامی دیگر مکانها نیز اقدام شده لکن منابع و مآخذ این روزشمارها ذکر نگردیده است که این امر پژوهشگر را با مشکلاتی روبرو می‌سازد. از دیگر سو با آوردن متون اعلامیه‌ها و بیانیه‌های فرهنگیان و دیگر اقشار و صنوف در آن مقطع تاریخی آنها را از خطر نابودی رهانده است. در کنکاشی که از برخی افراد حاضر در آن دوران و آن محل به عمل آمد، اصل تعدادی از این اعلامیه‌ها به دست آمد و با متن جزوه تطبیق داده شد.

در بازخوانی این جزوه که به عنوان بخشی از اسناد انقلاب اسلامی در ارومیه است سعی بر این بود که خود جزوه بدون هرگونه دخل و تصرف به عنوان متن اصلی دوباره حروف‌چینی شده و در قالب کتاب به کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی سپرده شده و در دسترس عموم قرار گیرد. از سوی دیگر افراد و وقایعی که در این جزوه ذکر شده‌اند با دیگر منابع در دسترس و مصاحبه‌های انجام شده به شرح و تفصیل آنها پرداخته تا خواننده نگاه منطقی به زمان وقوع و افراد پیدا کند.

شاهد برخی از مطالب جزوه، روایت ساواک از آن موضوعات بود که در ابتدا به همان اسناد ساواک اکتفا گردید لکن در ادامه بررسی اسناد ساواک به مطالبی برخورد شد که لازم بود به عنوان تکمله این جزوه که حالا مقرر شده بود به زیور طبع نیز آراسته شود از مجموع ۲۵ جلد کتب «انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک» وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، تمام موضوعات مربوط به آن دوره (سال ۵۷) استخراج و به صورت مستقل در پایان کتاب الحاق گردید که خود این مجموعه می‌توانست به تنهایی «انقلاب اسلامی در ارومیه به روایت اسناد ساواک» نام گیرد. درکنار این اسناد از بولتن خبرگزاری پارس و روزنامه اطلاعات نیز برای مستند سازی بهره کافی برده شد.

عکس‌های داخل متن تا آنجا که قابل پردازش و یا مشابه آن موجود بود، گنجانده شد لکن برخی از عکس‌ها که عمدتاً نیز به بعد از انقلاب و راهپیمایی دانش‌آموزان و فرهنگیان مربوط می‌شد و کیفیت آنها در تکثیر از بین رفته بود، حذف گردید.(۱۱ مورد) لکن عکس‌های جدیدی اضافه گردید که مربوط به تحصن فرهنگیان در محوطه اداره کل و دادگستری بود.
در برخی از موارد مطالب بدون عنوان بود و یا اینکه با اضافه نمودن یک کلمه معنی جمله اصلاح می‌گردید که این اضافات در متن در داخل [ ] آمده است. فهرست مطالب جزوه که در انتهای متن اصلی بود به دلیل تغییر صفحات حذف گردید.
نباید نقش آقای «محمد صادق امجدی» را در ثبت و ضبط مطالب این جزوه که آن زمان به عنوان یکی از ۱۵ نفر جامعه موقت فرهنگیان در نوشتن اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها مؤثر بوده و هم به عنوان خبرنگار روزنامه اطلاعات و در نهایت در زمان نگاشت این جزوه نیز در مقام نویسنده سطور و مسئول روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش در تکثیر و انتشار این جزوه نقش اساسی داشتند، نادیده گرفت که جا دارد از زحمات ایشان در همین جا قدردانی و تشکر به عمل آید.
در زمان نشر این جزوه در سالهای ۶۰-۵۹ مرحوم حجت الاسلام صمدی مدیر کل وقت آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی بوده که با درایت ایشان و همکاری لازم آن جزوه شکل گرفته و منتشر گردید که حالا خود به مثابه باقیات الصالحات آن مرحوم در دست ماست.
در اسفند ماه ۱۳۹۲ که آقای فریدون سید مصطفوی به سمت مدیر کل آموزش و پرورش استان انتصاب یافتند، طرح بازخوانی و پژوهش مجدد این مجموعه مورد اقبال واقع شد که هم اینک به سرانجام رسیده و آماده طبع می‌شود. امید است این گام کوچک بتواند مرضی رضای حق قرار گرفته و راهی برای پیمودن دیگر محققین در عرصه تاریخ انقلاب اسلامی ارومیه گردد.

حسین غفاری

زمستان ۱۳۹۳

فهرست

خواننده محترم؛
جزوه «**مسیر مبارزات مردم ارومیه در انقلاب اسلامی و نقش فرهنگیان این شهر**» با پیام مدیر کل وقت، از این قسمت آغاز می‌شود.

[سخنان مرحوم حجت الاسلام صمدی مدیرکل آموزش و پرورش آذربایجان غربی]

تنها کوته‌بینان و کسانی که هنوز در قید اسارت استعمارگران و چپاولگران خارجی هستند، قادر به دیدن و توان اعتراف به دست‌آوردهای با ارزش انقلاب اسلامی ایران نیستند و هر از گاه با استفاده از دستاویز جدیدی نیروی خود را صرف کوبیدن انقلاب و لوث کردن مبارزات انسان-های مؤمنی می‌کنند که حیات خود را در شهادت و ایثار به خاطر کمک به تحقق آرمانهای انقلابی کشور می‌کنند.

آنچه با انقلاب آمد و آنچه با انقلاب رفت، جز در پناه یک نگرش تطبیقی و یک قضاوت سرشار از نهضت اسلامی میسر نیست زیرا کسی که در طول سالیان متمادی، به خصوص در نیم قرن اخیر از اسلام جز سایه‌ای کم‌رنگ و آن هم صبغه شاهنشاهی آمریکائی ندیده است و همیشه در حوزه تبلیغات پر طمطراق حاکمان دست نشانده بیگانگان که لاقیدی‌ها و شهوترانی‌های جنون آمیز غرب را به عنوان مظاهر درخشان به اصطلاح تمدن به خورد مردم می‌دادند، قرار داشت، بی گمان نخواهد توانست که عمق واقعیات اسلامی و آنچه را که با انقلاب اسلامی به ارمغان آمده است درک کند.

اما آنان که به اندیشه و تفکر اسلامی عادت و با مسایل و پدیده‌های اجتماعی آگاهانه برخورد می‌کنند و از تقلید و پیروی‌های کورکورانه نفرت دارند، آنچه در زمان سلطنت رژیم شاهنشاهی بر فرهنگ این ملت شریف و مسلمان رفته است آگاهند و می‌دانند، از ایران و ایرانی و اسلام محمدی(ص) در ایران جز یک اسم و ظاهر بی‌محتوی باقی نبود.

بدیهی است که ایران مهد پرورش ارزش‌های فرهنگی اسلامی خود نبود و ایرانی بر محور معتقدات اسلامی و رسوم قومی خود متکی نبود و پیوسته خود و آنچه را که خود داشت از دیگران به عاریت گرفته بود و باور می‌کرد که دیگران متمدن و خود وحشی است، از انقلاب اسلامی ایران چه درخواهد یافت.

او که هویت و منش خود را از دست داده بود، ارزش احساس وطن داشتن و مستقل و آزاد زیستن را چگونه خواهد دانست.

فرهنگیان متفکر این مرز و بوم نیز می‌دانند که در انقلاب‌های صرفاً سیاسی جز خرابی چیزی به بار نمی‌آید. انقلاب‌های سیاسی اروپا مبنای فلسفی داشته و با آن نتایج و آثار علمی فلسفی تحقق یافته است و نیز انقلاب‌های فرانسه و روسیه سوابق و مقدمات فلسفی و ادبی و فرهنگی داشته است.

سیاست‌زدگی، دشمن آزاد اندیشیدن است و همه چیز را به سیاست بر می‌گرداند. این سیاست-زدگی زمینه مناسبی برای تفرقه و قطع پیوندها و علائق مهر و محبت بر محور عقیدتی توحیدی غیر وابسته است.

هر نهضت اجتماعی باید پشتوانه‌ای از نهضت فکری و فرهنگی و در نهایت مکتبی داشته باشد وگرنه در دام جریان‌های انحرافی قرار می‌گیرد و به بی‌راهه می‌رود و تغییر مسیر می‌دهد.

هر نهضت فرهنگی که بخواهد پشتوانه نهضت اسلامی اجتماعی ما واقع شود باید از متن مکتب توحیدی ما نشأت بگیرد و تغذیه شود، نه از فرهنگ‌های غیر مکتبی [بدون] معیارهای توحیدی و برای همین است که ملت نجیب ایران با الهام از فرهنگ غنی و اصیل اسلامی و به رهبری قاطع و پیامبرگونه امام امت، خمینی کبیر در کمتر از ۴۸ ساعت طومار ننگین شاهنشاهی جبار را در هم پیچیده و قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۵۷ ملت ایران با اسلحه اندک و غالباً با دست خالی، ارتشی را وادار به تسلیم کرد که ارتشبند ازهاری آن ورشکسته سیاسی چند ماه قبل از آن مدعی بود که می‌تواند با ارتش ایران با ابر قدرت‌های جهانی همچون شوری مقابله کند.

خروش مردان مسلح به ایمان در شب شنبه در نخستین یورش پادگان فرح آباد (ژاله سابق) [شکل] گرفت و با وزیدن طوفان خشم مردم، سقوط کلانتری‌ها در تمام شهرها و تصرف قرارگاه‌های پلیس و دستگیری فرماندهان نظامی و بالاخره پیروزی کامل و تداوم انقلاب بر

دوش اقشار مختلف مردم به ویژه فرهنگیان متعهد می باشد، و من توفیق این شایسته مردان و زنان و دانش آموزان را از درگاه ایزد منان مسئلت دارم والسلام علیکم و رحمه‌اله.

علی صمدی[۶]

مدیر کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی

۶ – حجت الاسلام علی صمدی در بهار سال ۱۳۲۵ شمسی در یک خانواده روحانی در روستای آباجلوی محال نازلوچای ارومیه به دنیا آمد. پدرش میرزا علی پس از پایان تحصیلات ابتدایی علی در قریه طلاتپه، او را جهت ورود به مدرسه علوم دینی به مسجد جامع این شهر فرستاد. وی پس از مدتی در سال ۱۳۴۱ راهی حوزه علمیه قم شد و به ادامه تحصیل در آنجا پرداخت. در سال ۱۳۵۴ با مدرک دیپلم وارد دانشگاه فردوسی مشهد شد و در ۵۸/۴/۱۶ موفق به اخذ دانشنامه لیسانس در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی گردید. وی با برقراری ارتباط با دانشجویان در تنویر افکار آنان می کوشید و همان زمان به استخدام آموزش و پرورش درآمده و در کسوت معلمی به ادامه فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۵۹ با اینکه مدتی نبود که به آموزش و پرورش ورود پیدا کرده بود به عنوان مدیر کل آموزش و پرورش انتخاب و تا اوایل سال ۱۳۶۳ در این سمت خدمت نمود. وی در اول بهمن ماه سال ۱۳۶۸ وفات یافت و در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد.

[مقدمه]

تاریخچه سیاسی و تحول اجتماعی ناشی از شرایط اقلیمی و ترکیب جمعیت ارومیه، به علت هم مرز بودن با سه کشور(اتحاد شوروی[۷] از شمال، ترکیه از مغرب و عراق از جنوب غربی) و وجود اقلیت‌های قومی و مذهبی و مسائل ناشی از بلوا و آشوب درگذشته، یکی از عوامل قابل توجه در این منطقه می‌باشد که اهالی ارومیه نسبت به شهرهای دیگر ایران دیرتر با رژیم فاسد «پهلوی» دست و پنجه نرم کرد، این شهر با اینکه رنگ حکومت نظامی ۶ ماهه اعلام شده در ۱۷ شهریور را که ۱۱ شهر ایران را در برگرفت[۸]، به خود ندید، ولی به علت دسترسی به سلاح‌های

---

۷ – تا آغاز دهه ۹۰ میلادی، اتحاد جماهیر شوروی در کنار ایالات متحده آمریکا یکی از دو ابرقدرتی به شمار می‌رفت که داعیه ارائه الگویی بهتر برای حیات بشری را مطرح می‌ساخت. با وجود رشد سریع شوروی در دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰م، الگوی رشد اقتصادی این کشور از اواسط دهه ۱۹۷۰م ناکارآمدی خود را در حوزه‌های مختلف به نمایش گذاشت و نهایتاً در پایان دهه ۱۹۸۰ نه تنها به عنوان یک راه حل از مباحث نظری اقتصاد سیاسی کنار گذاشته شد، بلکه به همراه خود ساختار سیاسی شوروی را نیز از صفحه جغرافیای سیاسی جهان حذف کرد. اتحاد شوروی بطور رسمی در ۲۵ دسامبر۱۹۹۱م (۴ دی ماه ۱۳۷۰ش)از هم پاشیده شد. یک روز پس از آن، پارلمان اتحاد جماهیر شوروی اعلامیه انحلال این کشور را تصویب کرد. این همان پیش بینی حضرت امام خمینی(ره) بود که در نامه معروف و تاریخی خویش خطاب به میخائیل گورباچف آخرین رئیس‌جمهور شوروی در زمینه مرگ کمونیسم و ضرورت پرهیز روسیه از اتکاء به غرب در اولین روز سال ۱۹۸۹ میلادی (۱۱ دی ۱۳۶۷) به وقوع پیوست. لذا مرز شمالی استان امروزه جمهوری آذربایجان شوروی است.

۸– در پی سرعت گرفتن حرکت انقلابی مردم در سال ۵۶ و افزایش آن در سال ۵۷، شاه برای حفظ قدرت، مجبور به استفاده از ارتش شد. شاه به دلیل آگاه نبودن به عمق نارضایتی مردم بر این نارضایتی ها دامن زد و حرکت مردم را به استهزا گرفت به طوری که در مصاحبه مطبوعاتی روز ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۷ در مورد اوضاع بحرانی ایران گفت: «این شورش ها را دو گروه تجزیه طلبان و سیاسیون قدیمی رهبری می کنند تظاهرات ضدمیهنی چند روز اخیر کار کسانی است که به سلامتی پیشه‌وری شراب می خورند و با کسانی که می خواهند ایران را به ایرانستان تبدیل کنند و افراد این شورش ها به عقاید بچه گانه، احمقانه، عجیب و غیرقابل درک مربوط می شوند.» اما این سخنان بر آتش خشم مردم دمید؛ یکی از تجلی‌های اصلی این خشم در نماز عید فطر به امامت شهید مفتح در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ و تظاهرات گسترده پس از آن در تهران و سایر شهرها رخ نمود. سپهبد ناصر مقدم پس از تظاهرات روز عید فطر به دیدار شاه رفت و با اشاره به راهپیمایی‌های مردم و ابراز نگرانی از تبعات سوئی که

«مرزی»، در اثر هوشیاری و ذکاوت خاص روحانیت و عده زیادی از مبارزین بازار، خیلی زود در تشکیل مجاهدین مسلمان به رهبری «حجت الاسلام غلامرضا حسنی[۹]» موفق شد، بطوری که نخستین شهر در ایران، ارومیه بود که به طور مسلحانه با رژیم درگیر شد و هر وقت که مزدوران رژیم برای سرکوب تظاهرکنندگان به خیابان آمدند، سنگرهای مردمی بلافاصله «الله اکبر» گویان بسته شد و صدای تک سرفه‌های گلوله از در و دیوار و آنگاه آژیر مسلسل‌ها از پشت بام مسجد اعظم (پایگاه مبارزه مردم ارومیه) به صدا درآمد و فریب خوردگان رژیم را بر زمین افکند.

می‌توانست برای ارکان حاکمیت به بار آورد و با استناد به نظر کارشناسان ساواک و اداره دوم ارتش، دستور شاه را برای برقراری حکومت نظامی در تهران و برخی شهرها به دست آورد و دولت شریف امامی سرانجام در شامگاه روز ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ در تهران و ۱۱ شهر دیگر اعلام حکومت نظامی کرد. با این اقدام فاجعه جمعه خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان ژاله (شهدا) تهران رقم خورد و به نقطه عطفی در گسترش مخالفت‌های عمومی با حکومت پهلوی تبدیل شد.(shafaf.ir)

۹ – حجت الاسلام غلامرضا حسنی متولد ۲۹ تیر ماه ۱۳۰۶در روستای بزرگ آباد ارومیه است. وی اولین نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان غربی و امام جمعه شهر ارومیه تا ۲۵ دی ماه ۱۳۹۲بود. او یکی از مخالفان نظام پهلوی در سالهای قبل از انقلاب بود و به گفته خود از ۱۸ سالگی تا زمان انقلاب (و چند سال پس از آن) همیشه اسلحه گرم به همراه داشته داشت. او در ماه‌های انتهایی حکومت پهلوی هم از عوامل مؤثر در بسیج مردم علیه حکومت بود. حجت الاسلام حسنی بزرگ آباد نماینده دور اول مجلس شورای اسلامی بوده‌است. ایشان تا خارج فقه و اصول حوزه درس خوانده و به سوریه و لیبی سفر داشته است. آقای حسنی معاش و رزق خود را از فعالیت غیر مذهبی (کشاورزی) کسب می‌کند. برای «ثبت معنوی» نام غلامرضا حسنی در فهرست «آثار معنوی» اقداماتی گردیده است. در ۱۴ فروردین ۱۳۹۰ و در جلسه اعضای هیئت دولت، حسنی «نشان درجه یک شجاعت» را از محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور وقت دریافت کرد. (نگاه کنید به : حسنی، غلامرضا، ***خاطرات حجه‌الاسلام حسنی امام جمعه ارومیه***، تدوین عبدالرحیم اباذری ، تهران : مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۴.)

افشاگری وعاظ در مسجد اعظم[۱۰] ارومیه بعد از اوایل شهریور ۵۷ که همزمان با رفتن دولت «آموزگار[۱۱]» و تشکیل کابینه «شریف امامی» مزدور و آنگاه در ۵ شهریور ۵۷ لغو تاریخ شاهنشاهی[۱۲] و اعلام تاریخ هجری شمسی به عنوان تاریخ رسمی ایران همچنان ادامه داشت. مردم ارومیه در ۱۳ شهریور ۵۷ (عید فطر) نماز عید فطر را در پشت مسجد اعظم ارومیه به امامت حجت الاسلام حسنی اقامه کردند و با افشاگری روحانیت و برخورداری از اخبار شهرستان‌ها مصمم می‌شدند که رژیم فاسد را در این شهر طوری کلافه کنند که نتوانند طاقت بیاورند.

---

۱۰ – یکی از مساجد کهن واقع در اول بازار قدیمی ارومیه که مسجد بازارباش و عسگرآبادی نیز خوانده شده و در سال ۱۳۵۱ مرمت گردیده است. امامت جماعت این مسجد به عهده آیت اله قرشی است. این مسجد یکی از پایگاههای مهم انقلاب در سال ۵۷ بود که در واقعه ۲ بهمن سال ۵۷ مورد هجوم نیروهای نظامی قرار گرفت و با گلوله تانک، گنبد این مسجد را مورد اصابت قرار دادند.

۱۱ – جمشید آموزگار در مرداد ۱۳۵۶ش. به فرمان شاه نخست وزیر شد. اما بعد از وقایع سینما رکس آبادان که خود را در کنترل اوضاع ناتوان می‌دید، استعفا داد. بعد از او شریف امامی به مقام نخست وزیری رسید. (سلطانی مقدم، سعیده ،***جمشید آموزگار***، پژوشکده باقرالعلوم، pajoohe.com)

۱۲ – دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی حدود ۳۷ سال به طول انجامید (از ۳ شهریور ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷ش). تصویب تغییر تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی از جمله مصوبات مجلسین شورای ملی و سنا بود که پیشنهاد نخستین آن با عنوان «نوشتن فلسفه انقلاب شاه و ملت» به رهبران حزب رستاخیز از سوی شاه و دفتر وی آغاز شد. این طرح با پیش‌نویس طرح گروه آموزگار که ریاست حزب رستاخیز را بر عهده داشت و از جمله مفاد آن تغییر تاریخ کشور بود ادامه یافت. (شریعت جو، منیره،***تغییر تقویم در عصر پهلوی***، پژوهشکده باقر العلوم pajoohe.com)

دنیا در مقابل ایران شگفت زده شده است.

۱۷ شهریور ۵۸ فرا رسید، گارد جاویدان شاه معدوم بعد از اعلام حکومت نظامی در ۱۱ شهر، کابینه «شریف امامی[۱۳]» مزدور با توپ‌ها و تانک‌ها در میدان شهدا به روی مردم بی‌گناه آتش می‌گشاید و آسفالت خیابان‌ها را با خون انقلابیون رنگین می‌کنند. جریان جنایت رژیم در میدان شهدا یکی از ارکان افشاگری می‌شود. اعلامیه امام بعد از جریان میدان شهدا با کیفیت خاص که «... ای کاش خمینی هم در میان شما بود...»[۱۴] بالای منابر قرائت می‌شود. حدت و شدت جنایت به قدری در وسایل ارتباط جمعی دنیا می‌پیچد که در حقیقت دنیا متوجه ایران می‌شود. ایران چه می‌گوید؟ چه می‌خواهد؟ این سؤالاتی است که در برابر مردم قرار گرفته است. دنیا در مورد ایران شگفت زده شده است. کشوری که سالها از آن حرفی شنیده نمی‌شد، کشوری

۱۳ – جعفر شریف امامی (۱۳۷۷– ۱۲۹۸ش.) وی بعد از «منوچهر اقبال» در ۱۳۳۹ش. به نخست وزیری رسید. ایشان با تمام اقدامات خود برای آرام کردن اوضاع نابسامان مملکت و تعیین سه وزیر فرهنگ، نتوانست به خواسته معلمان کشور جامه عمل بپوشاند. طی اعتراضات معلمین و اعتصاب آنان در روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ یکی از معلمین، به نام «دکتر خانعلی» و دانش‌آموزی به نام «کلهر»کشته شدند. دولت شریف امامی مورد انتقاد و اعتراض شدید نمایندگان مجلس واقع شد. روز بعد شریف امامی استعفای خود را به شاه تسلیم نمود و کشور را با مشکلاتی که ظرف ۸ ماه نخست وزیری حل نکرده بود رها کرد. و موقتاً از صحنه سیاسی کشور بیرون رفت. شاه در روزهای بحرانی ۵۷ ناچار شد، دوباره شریف امامی را به عنوان نخست وزیر برگزیند. روز بعد شریف امامی با انتشار اعلامیه-ای با عنوان «میهن در خطر است، مردم به پا خیزید» اقدامات نمایشی خود را آغاز کرد. او در آرام کردن مردم و پیش‌برد سیاستی که خود آن را «آشتی ملی» نامید، دست به اقداماتی جهت تأمین خواسته‌های مخالفان زد. از جمله اقدامات او لغو تاریخ شاهنشاهی و رسمی شدن تاریخ شمسی بود. اقدام بعدی او تعطیلی قمارخانه‌ها و مشروب فروشی‌ها بود. بعد از ظهر روز ۱۳ آبان ماه ۵۷ شریف امامی در یک ملاقات سه ساعته با شاه ناتوانی خود را به اطلاع او رسانید فردای آن روز استعفای شریف امامی روی میز شاه بود. (سلطانی مقدم، سعیده ،***جعفر شریف امامی***، پژوشکده باقرالعلوم، pajoohe.com)

۱۴ – درپی کشتار مردمی که در روز ۱۷ شهریور علیه رژیم پهلوی دست به راهپیمایی زده بودند حضرت امام خمینی(س) در۱۸ شهریور سال ۱۳۵۷ پیامی خطاب به ملت ایران صادر کردند که در بخشی از آن اعلام کرده بودند: *«چهره ایران امروز گلگون است و دلاوری و نشاط در تمام اماکن به چشم می‌خورد. آری این چنین است راه امیر مؤمنان علی و سرور شهیدان امام حسین. ای کاش «خمینی» در میان شما بود و در کنار شما در جبهه دفاع برای خدای تعالی کشته می شد.»* صحیفه امام، ج۳، ص:۴۵۹ تا ۴۶۲

که پس از ملی شدن نفت و یک درخشش کوتاه، در سکوت سنگینی فرو رفت، چگونه شد که اکنون روزی نیست که از او سخنی به میان نیاید.

خیابان‌های ایران که سکوت سرب داشت اکنون لغزندگی جیوه یافته است. صدای جرنگ شیشه با صدای چکمه به هم آمیخته می‌شود. روزی نیست که دسته‌ای خبرنگار در مهر آباد پیاده نشوند، تا همین دو سال پیش می‌بایست ماه‌ها بگذرد، دو سه سطر خبر پریده رنگ در یکی از روزنامه‌های جهان راجع به ایران انتشار یابد ولی اکنون دستگاه‌های خبرگزاری برای او سر و دست می‌شکنند.

ایرانی در خارج از کشور مشتری چاق و چله‌ای شناخته می‌شود که پول بی خون دل دارد و سفیهانه خرج می‌کند، اما اکنون ایرانی در خارج از ایران می‌تواند سر خود را بلندتر نگاه دارد و مستقیم‌تر توی چشم دیگران نگاه کند. خبرهایی که از کشورش و مردمش می‌رسد برای او کسب آبرویی کرده است. در داخل کشور مردم شاد و بی اعتنا راه می‌روند. با تفاخر دارد وطنش را فتح می‌کند.

می‌خواهد در آن مانند صاحب‌خانه عمل کند، کسانیکه جان خود را در میدان شهدا و شهرهای دیگر از دست داده‌اند، کسانی که در خیابان‌ها به نماز یک میلیونی می‌ایستند و زن‌هایی که مانند عروسک در جامعه ایرانی در دست مردها بودند؛ اکنون پایه‌های محکم انقلاب شده‌اند. چشمه-های ناگهانی «الله اکبر» از همه جا می‌جوشد و ناگهان تبدیل به سیل بزرگی می‌شود. مردم در همه جای کشور به خروش آمده‌اند و در برابر گلوله ایستاده‌اند و این همه سلاح را بی اثر کرده-اند. رهبری نهضت در دست یک ابر مرد روحانی هوشیار است، همه دست در دست هم داده‌اند تا هویت مذهبی، هویت ملی ایران را مشخص کنند.

روزشمار انقلاب

اول مهر ماه ۵۷ که در حقیقت «مهر دانش‌آموز» باید ملقب شود و روز تشکل و آغاز مبارزات دانش‌آموزان سرتاسر کشور محسوب می‌شود.

دوم مهر ۵۷ روز محاصره منزل امام در نجف و فصلی دیگر از افشاگری روحانیت و اعتصاب کارکنان سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی به مناسبت عزای عمومی و آنگاه روز انحلال «حزب رستاخیز[۱۵]» طاغوت می‌باشد.

در ۱۱ مهر ماه دانش‌آموزان مدارس کرمانشاه به پشتیبانی از امام خمینی به تظاهرات می‌پردازند که به خاك وخون کشیده می‌شود[۱۶]. به دنبال آن دانش‌آموزان سایر شهرها همین بچه‌های ۱۳-۱۲ ساله، صحنه انقلاب را آنچنان رونق می‌دهند که رژیم از این گوشمالی بچه‌ها سخت مضطرب می گردد.

۱۲ مهر ماه امام خمینی از طرف دولت بعثی عراق تحت فشار قرار می گیرد و دولت عراق از همان لحظه مزدور بودن خود را به امریکا نشان می‌دهد. امام از نجف به کویت عزیمت می کنند و سپس به پاریس می‌روند و سرفصل تازه‌ای در تاریخ مبارزات حق طلبانه مردم قهرمان ایران آغاز می گردد.

آغاز اعتصاب فرهنگیان ۱۴ مهر ماه ۵۷ بود که معلمان با به رخ کشیدن بهانه‌های صنفی پایه های رژیم را سست کردند و با تشکیل کلاس‌هایی در میان اجتماع، آشکارا به افشاگری پرداختند[۱۷].

---

۱۵ – با روی کار آمدن دولت عوام فریب جعفر شریف امامی در بحبوحه انقلاب اسلامی مردم ایران، او قصد داشت با انجام اقداماتی، اعتراضات گسترده مردمی را آرام سازد. وی در روز اول نخست وزیری خود اعلام کرد که عضویت هیچ حزبی را ندارد و با این ترتیب، خود را از تنها حزب دولتی کنار کشید. این در حالی بود که اغلب نمایندگان مجلس و سناتورها و مقامات دولتی، اجباراً عضو حزب رستاخیز بودند. سرانجام در دوم مهرماه ۱۳۵۷، حزب دولتی رستاخیز پس از ۴۳ ماه فعالیت، رسماً انحلال خود را اعلام کرد و اعلام شد که دیگر حزبی به نام رستاخیز در صحنه مبارزات سیاسی وجود نخواهد داشت. آماده‌سازی و افتتاح آخرین دوره مجلس شورای ملی و تغییر تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی از دستاوردهای شوم این حزب بود. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

۱۶ – این تظاهرات که خود به مناسبت سوم شهدای روزهای قبل نیز بود ۴ نفر کشته و ۳۰ نفر مجروح برجای گذاشت. (روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۲ مهرماه ۵۷، شماره ۱۵۷۲۷ ص ۲۳)

۱۷ – روز ۱۴ مهرماه ۵۷ مصادف است با روز جمعه، در واقع فرهنگیان، دانشگاه‌ها و برخی از ادارات از روز شنبه مورخ ۱۵ مهرماه اعتصابات خود را شروع کردند. هرچند اعتصاب فرهنگیان بنابر اسناد موجود در شهرهای مختلف از روزهای قبل نیز آغاز شده بود. در ص۲۵۲ روزشمار انقلاب اسلامی ج ۶ آمده است که: ۵۷/۷/۱۶، امروز کلیه معلمان شهرستان رضائیه اعتصاب کردند و قبل از ظهر در محوطه اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی

۱۷ مهر ماه اعتصاب مطبوعات ایران آغاز شد و سندیکای نویسندگان، مطبوعات و خبرنگاران اقدام به انتشار اعلامیه‌های افشاگرانه می‌کنند[۱۸].

۲۴ مهر ماه ۵۷ ، رهبران سیاسی مذهبی در ایران روز عزای عمومی[۱۹] اعلام کرده و فردای آن روز هر گونه مذاکره و سازگاری با دستگاه ممنوع اعلام می‌شود.

اگر چه نقطه عطف مبارزات پی‌گیر فرهنگیان ارومیه روزهای تحصن درکاخ دادگستری استان آذربایجان غربی می‌باشد ولی فرهنگیان ارومیه پا به پای فرهنگیان سایر شهرستان‌ها، بهانه‌های صنفی را در پلاکاردهایی نوشته و در یک روز بعدازظهر پاییزی برای نخستین بار همراه با دانشجویان مرکز تربیت معلم فنی و حرفه‌ای و دانشجویان دانشسرای راهنمائی تحصیلی، یک راهپیمایی با «سکوت مطلق» انجام دادند، در این راهپیمایی مردم بر سر فرهنگیان «نقل بیدمشک ارومیه» پاشیدند و حالت مغموم و قیافه‌های گرفته و بازوان غم در بغل فشرده فرهنگیان ارومیه، همه ترجمان وضع خاص و پیام انزجار از رژیم بود و بر روحیه اهالی ارومیه تاثیری بس عمیق داشت.

در اینجا باید یاد آور شد که آنچه در انقلاب ایران گذشت و آنچه در ارومیه و سایر شهرستان‌ها گذشت به حدی عجیب است و به حدی در تاریخ جهان بی نظیر است که به آسانی نمی‌توان از موجب‌ها و رمزهایش حرف زد و هرچه بکوشند آن را به تحلیل بگذارند، باز هم گمان می رود که بعضی جنبه‌های ناگفتنی در آن باقی خواهد ماند. این جنبه‌های ناگفتنی همان است که در عمق روح ایرانی مسلمان و تاریخ این مرز و بوم نهفته است و اگر کسی بخواهد در صدد تشریحش برآید گذشته از آنچه توفیقی نخواهد یافت از جهتی شاید بی حرمتی هم باشد، آنچه

اجتماع کردند. اعتصاب کنندگان ضمن این اجتماع خواست‌های خود را طی قطعنامه‌ای به مسئولین آموزش و پرورش تسلیم نمودند. در این قطعنامه خواست‌های بیش از ۵ هزار معلم قید شده است. آنها اعلام نمودند که فعلاً تا ۲۲ مهرماه در محل مدارس حضور خواهند یافت اما به کلاس درس نخواهند رفت. اطلاعات ش ۱۵۷۳۱ ، ۱۳۵۷/۷/۱۷ ص ۱۷ ، حسب اسناد ساواک نیز یک اطلاعیه ۱۱ ماده‌ای که گویا توسط ماشاء اله بوزچلو از سوی آموزگاران تهیه شده بود در اجتماع روز شنبه توزیع شده است. (رجوع شود به ضمیمه)

۱۸ – در بیانیه ۱۸ ماده‌ای کارکنان مطبوعات که در قالب درخواست های صنفی بود از جمله جلوگیری از سانسور مطبوعات نیز درخواست شده بود.(روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۷ مهرماه ۵۷، شماره ۱۵۷۳۱ ص ۴)

۱۹ – این عزای عمومی به مناسبت چهلم شهدای ۱۷ شهریور ۵۷ بود.

می‌توان گفت آن است که واکنشی بود متناسب از نظر وسعت وحدت با اعمال آن بیست و پنج سالی که گذشت بر سر هم، آنچه طی این بیست و پنج سال و بخصوص پانزده سال اخیر ایران گذشته است؛ دنیا از آن بی‌خبر مانده و تا سال‌های سال هم بی‌خبر خواهد ماند ولی برای اینکه عفریت فراموشی بر اذهان انقلابی این استان مخصوصاً برای تدوین جزء به جزء آن غالب نشود با توسل به اعلامیه‌های صادره از ناحیه جامعه موقت معلمان آن زمان در ارومیه سعی در نمونه‌گیری وسعت مبارزات وحدت و تشکل آن که بر روش فرهنگیان به شمار می‌رفت اشاره شود.

۱۶ مهر ماه ۵۷ ، معلمان ارومیه در این روز با اجتماع با شکوه خود در محوطه اداره کل آموزش و پرورش و دبستان ۲۲ بهمن[۲۰] افشاگری‌های خود را علنی کرده و با صدور یک اعلامیه ۲۳ ماده‌ای بهانه‌های صنفی شامل تبعیضات صنفی و سایر مسائل سیاسی اجتماعی روز را طی نخستین اطلاعیه بیان کرده و با صدور قطعنامه، مبارزات متشکل خود را آغاز می‌کنند و ما در این مجموعه عین اعلامیه را می‌آوریم بی آنکه دخل تصرف حتی در تغییر نام رضائیه به ارومیه داشته باشیم زیرا در نوشتن وقایع، امانت دارای سرلوحه کار هر وقایع نگار می‌باشد.

خواسته های معلمان رضائیه در اجتماع روز یکشنبه ۱۳۵۷/۷/۱۶

۱) پاس حرمت مراجع عالیقدر دینی بخاطر تحکیم مبانی وحدت ملی از سوی دولت و زدودن تیرگی حاصله در حدی که این موضوع از طرف مراجع عالیقدر دینی مورد تأیید قرار گیرد.

۲) استقرار حاکمیت ملی بر اساس بازگشت حکومت قانون در زمینه احترام به اصل قوای مملکت ناشی از اراده ملت است.

---

۲۰ – مدرسه پشتی اداره کل آموزش و پرورش که دبستان «ششم بهمن» نام داشت و پس از انقلاب به ۲۲ بهمن تغییر نام یافت. (البته این مدرسه بعداً جزء اداره کل شد)

۳) اجرای دقیق اصل تفکیک قوا که مهمترین تکیه‌گاه از تکیه‌گاه‌های اصول قانون اساسی و متمم آن می‌باشد، مؤثرترین طریق اعمال حق حاکمیت ملی در تعیین سرنوشت ملت ایران است، معلمان رضائیه خواستار انصراف ناپذیر اصل تفکیک قوا می‌باشند.

۴) براساس بند ۳ همین قطعنامه، بخصوص تأمین استقلال کامل مالی و اداری قوه قضائیه و اعاده صلاحیت‌های گرفته شده از قوه قضائیه و به طور کلی تجدید نظر در قوانینی که از قدرت قوه قضائیه و ایفای نقش مستقل آن کاسته است مورد خواست معلمان رضائیه می‌باشد.

۵) ایجاد فضای سالم و قانونی برای برگزاری انتخابات کاملاً آزاد به دور از دخالت قوه اجرائیه، آنگونه که براساس بند ۲ و۳ همین قطعنامه، نمایندگان واقعی ملت به پارلمان راه یابند.

۶) لایحه انحلال دادگاه‌های اختصاصی که متهم را (که چه بسا بی‌گناه است) بدون دفاع و بطور یک جانبه محکوم می‌کنند، تنظیم و جهت تصویب به مجلسین تقدیم گردد.

۷) با در نظر گرفتن اینکه معلمان رضائیه هر گونه حرکت مغایر با قانون اساسی را محکوم می‌کنند مع‌هذا خواستار الغای حکومت نظامی را در شهرهای مبتلی‌به دارند تا از هم-وطنان‌مان رفع ناراحتی و نگرانی و سلب آزادی‌های قانونی بشود.

۸) استرداد لوایح به اصطلاح تأمین آزادی اجتماعات و استقلال دانشگاه‌ها و مطبوعات و انتخابات از سوی دولت و تهیه و تنظیم پیش نویس مجدد آنها به دور از هرگونه تمهیدات قبلی، بدانگونه که هیچ نوع تعارض با قانون اساسی مملکت نداشته باشد.

۹) اجرای واقعی و انقلابی قانون(از کجا آورده ای) بر اساس هر چه مقام بالاتر و هر چه دارائی بیشتر رسیدگی زودتر.

۱۰) تسریع در تعقیب و مجازات بلندپایگان دولتی و غیر دولتی که به نحو مستقیم و یا غیر مستقیم به بیت‌المال تجاوز نموده‌اند.

۱۱) تشکیل دادگاه‌های ویژه ملی جهت رسیدگی دقیق به مفاد بند ۹ و ۱۰ همین قطعنامه.

۱۲) انحلال اطاق‌های اصناف و کمیسیونهای نرخ‌گذاری و نظارت بر اطاق اصناف و اتحادیه‌های صنفی و تجدید نظر اساسی در دگرگونی قانون نظام صنفی بر اساس محکوم ساختن هر گونه روشی در اقتصاد ملی که عملاً موجب استثمار انسان از انسان باشد.

۱۳) تعدیل (عادلانه کردن) دریافتی حقوق معلمان با توجه به حقوق و درآمدهای شغلی سایر تحصیل کردگان و کارکنان جامعه از تکنیسین‌ها، افسران، مهندسان، قضات و پزشکان بر اساس ضوابط سنوات تحصیل، سنوات خدمت و ساعات کار به طوریکه مفهوم عدالت اجتماعی تحقق یابد و شکاف عظیم اختلاف طبقاتی بین معلم و شاگردانش بوجود نیاید و معلم بتواند پس از سال‌های سال خدمت با حقوق دریافتی آنگونه زندگی کند که شاگردانش با شرایط متساوی در سنوات تحصیل زندگی می‌کنند.

۱۴) همطراز نمودن کامل فوق العاده شغلی معلمان با سایر کامندان به ویژه کارمندانی که اخیراً مشمول افزایش فوق العاده شغلی گردیده‌اند و احتساب آن در حقوق بازنشستگی با توجه به کسور بازنشستگی.

۱۵) افزایش حق‌التدریس معلمان به طور منطقی و معقول و متناسب با افزایش هزینه زندگی و تنظیم ضوابطی دقیق برای افزایش آن با توجه به اِشل حقوقی.

۱۶) اجرای سیاست ضد زمین‌خواری جهت ایجاد مسکن مناسب برای معلمان و یا پرداخت کمک هزینه تأمین مسکن و حق اولاد به مانند دیگر سازمان‌های وابسته به دولت.

۱۷) تأمین درمان ملی برای همه خانواده‌های ایرانی به ویژه برای خانواده‌های فرهنگیان بر اساس ایجاد درمانگاه و بیمارستان‌های ویژه ملی از محل مازاد پرداخت‌های بیمه با توجه به یک حسابرسی دقیق.

۱۸) صدور هرچه زودتر احکام ترفیع معلمان واجد شرایط به گروه‌های بالاتر که پس از چندین سال انتظار حالا هم بیش از هفت ماه است که پرونده امر، بدون هیچ‌گونه دلیلی روی میزهای وزارتخانه متبوع بلااقدام مانده است، اصل انقلاب اداری را محترم بشمارند.

۱۹) لغو امتیازات غیر منطقی ارتقاء به گروه‌های بالا با ملحوظ داشتن سنوات خدمت در ترفیع به گروه‌های بالاتر.

۲۰) تقویت شورای آموزش و پرورش منطقه‌ای و تجدید نظر در نحوه انتخابات آن بطوریکه از هر رده آموزشی اقلاً یک نفر برای عضویت در آن انتخاب شود.

۲۱) تجدید نظر اساسی در نحوه اداره خانه معلمان و تبدیل آن به باشگاه مجهز فرهنگیان به نحوی که باشگاه مزبور بتواند بر پایی اجتماعات صنفی و برگزاری سخنرانی‌هایی علمی را در جهت توسعه و تقویت نهادهای ملی و نیز موجبات انجام برنامه‌های رفاهی معلمان را تضمین نماید.

۲۲) توجه به نظرات معلمان در تضمین و انتخاب رؤسای ادارات و واحدهای آموزشی بر اساس انتخاب اصلح.

۲۳) و سرانجام خواست اساسی معلمان رضائیه تشکیل کانون آزاد معلمان در باشگاه فرهنگیان می‌باشد.

معلمان رضائیه

تشکیل جامعه موقت معلمان ارومیه به اختصار

ضرورت تشکیل و انسجام نیروها بیش از پیش لمس می‌شد و فرهنگیان ارومیه به همین مناسبت اقدام به تشکیل یک هیئت ۱۵ نفری بنام هیئت موقت جامعه معلمان ارومیه کردند و برای انتخابات تقریباً اورژانسی این هیئت نمایندگان کلیه مدارس شهر در سالن اجتماعات دبیرستان دکتر علی شریعتی[۲۱] (رضا شاه سابق) اجتماع کرده و برای هر یک از سطوح آموزشی ۵ نفر انتخاب و با صورت جلسه و تعداد آرای مشخص این هیئت شروع به فعالیت کرد.[۲۲]

---

۲۱ – ۲۲ بهمن فعلی، روبروی اداره کل آموزش و پرورش، نبش خیابان خیام و امام که در حال تغییر به موزه آموزش و پرورش می‌باشد.

۲۲ – حسب گزارش‌های ساواک و ارتش و شهربانی فعالیت فرهنگیان در ابراز مخالفت با رژیم شاهنشاهی بسیار بالاتر از اقشار دیگر بوده و در این گزارشات به طیف گسترده‌ای از فرهنگیان اشاراتی شده است در یکی از این اسناد به اسامی بیش از ۳۰۰ نفر اشاره شده که بیشترین آنها فرهنگی می‌باشند. در سند دیگری به برخی از عوامل ضد رژیم اشاره شده که به غیر از یکی دو نفر بقیه فرهنگی هستند و برای نمونه اعلام می‌شود: به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان غربی، از: س ل ۶۴ پ – ر۲، تاریخ : ۱۳۵۷/۹/۲۱، گیرندگان ف ۱۹از جهت آگهی و اقدام لازم.

اشخاص مشروحه زیر که از طبقات مختلف (دانشجو، معلم، دانش آموز دبیرستانی، اصناف) شهرستان رضائیه هستند و ماهیت خود را در جریانات اخیر به ظهور رسانیده اند به طور کلی مخالف دولت و رژیم سلطنت شاهنشاهی هستند و در موقعیت‌های مناسب فعالیت‌های شدید از خود نشان می‌دهند.

۱– علاقمند سنندجی، رئیس دانشسرای مقدماتی پسرانه رضائیه ۲– اسعدی بانه‌ای دبیر مدرسه راهنمایی برزگر ۳– صیادی دبیر مدرسه راهنمایی برزگر ۴– فریدنیا دبیر مدرسه راهنمایی برزگر ۵– زادمهر دبیر مدرسه راهنمایی برزگر ۶– بیژن صمدی دبیر دبیرستان شاهدخت ۷– خانم مسگری دبیر دبیرستان شاهدخت ۸– عبداله نجف آبادی ۹– محمدی سوره‌ای ۱۰– رحیمی افشار دبیر ریاضی فردوسی ۱۱– احمدی کردستانی – دبیر ۱۲– نشانی دبیر دبیرستان شاهدخت ۱۳– یداله زواری دبیرستان فردوسی ۱۴– خانم آژیر (هر دو خواهر) ۱۵ – حسین رازورز، پسر و دو نفر دامادش، شغل معلم ۱۶– حسین فیضی پور ۱۷– حسن فیضی پور ۱۸– حبیب صمدی تبریزی ۱۹– طاهرمرام کوی بابایوف ۲۰– برهان الدین صدر محقق ۲۱ – شمس الدین صدر محقق بازنشسته ۲۲– عباس اکبری دبیر بازنشسته کوی کیوان ۲۳– نقوی پور مقیم پشت شیر و خورشید ۲۴– عطار افشار ۲۵– بنی احمد ۲۶– کوچک داوری افشار بازنشسته اداره راه ۲۷– غلامحسین طریقی ۲۸– حسن زبانی ۲۹– سعادت کارشناس بودجه ۳۰– احمد

هیئت موقت جامعه معلمان ارومیه در حقیقت نماینده ۵ هزار معلم به شمار می‌آمدند. جلسات بسیار طولانی و تبادل نظر در سالن این دبیرستان تشکیل می‌دادند و با دریافت اعلامیه‌های فرهنگیان سایر شهرستان‌ها در جریان جنایات هر روز رژیم قرار می‌گرفتند. نخستین جلسه این هئیت یک جلسه محرمانه با روحانیت مبارز ارومیه در محل «مهدیه[۲۳]» بود که روحانیون در این جلسه خط مشی انقلاب و چگونگی به رخ کشیدن مسائل صنفی و تشکیل و وحدت و علت انقلاب را با نمایندگان معلمان ارومیه در میان گذاشتند و در حقیقت یک جلسه همبستگی روحانی و معلم بود که مسیر مبارزات حق طلبانه مردم ارومیه در این جلسه مشخص گردید.

در این جلسه مذاکره همچنین یکی از رهبران روحانی محل، تذکر دادند که سازش و هر گونه مذاکره مسالمت آمیز با کارگزاران رژیم و مقامات محلی از طرف آیات عظام تحریم شده است و فرهنگیان نیز باید متوجه این موضوع باشند. یکی دیگر از روحانیون در این جلسه حفظ وحدت و ایجاد تشکل در صف دانش‌آموزان و هوشیاری خاصی را یاد آور شد که در آن زمان از اهمیت خاصی بر خوردار بود.

همزمان با صدور اعلامیه «خواسته‌های معلمان ارومیه» محوطه اداره کل آموزش و پرورش و دبستان مجاور آن که مملو از معلم و دانش‌آموز بود حالت عصیان داشت زیرا دانش‌آموز و معلم از سنگر کلاس به سنگر اجتماع گام می‌نهادند.

کاملی کارمند بودجه اداره کل ۳۱- علاء الدین حکمت کارمند حسابداری ۳۲ - علی سلطانی سقزی کردستانی ۳۳- اکبر نوذری رئیس دبیرستان نجفی و پسرش ناصر نوذری دانش آموز ۳۴- مهدی کاظمی معلم ۳۵- حسن خلیلی معلم ۳۶ - قدرت اله جعفری عضو انجمن و دبیر ۳۷- عذرا اقدامی آموزگار ۳۸- محمد صادق امجدی آموزگار ۳۹- اکبر خیاط مینایی عضو انجمن و دبیر ۴۰- حسین صدیق دبیر رضا شاه کبیر ۴۱- مهدی حمزه پور آموزگار ۴۲ - ابراهیم رضازاده دبیر ۴۳ - لطفعلی گلشن گلدانلو آموزگار ۴۴- حمید بهنام آموزگار ۴۵- پرویز سیروس رضایی دبیر هنرستان پسران و ...(بقیه صفحات در دسترس نبود)

۲۳ - در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی حجت الاسلام فوزی تالار مهدیه را جنب عمارت چهاربرج،(خیابان امام کوچه شهید آخرت دوست «بیمارستان عارفیان») که مکان مقدسی برای بهائیان بود به انگیزه مبارزه با بهائیان تأسیس کرده بود. از سال ۱۳۵۴ فعالیت‌های مذهبی آنجا بر پا بوده و حتی سخنرانان شهیری از نقاط مختلف کشور به آنجا دعوت می‌شدند.

ناگفته نماند که در این اجتماع پر شور(۱۶مهر۵۷) مسئولان به اصطلاح امنیتی استان چند تن از زبده‌ترین مأموران خود را به این اجتماع فرستاده بودند به طوری که بعداً معلوم شد یکی از عوامل آنها پرچم مدرسه ۲۲ بهمن را پایین کشید تا دست آویزی جهت دستگیری چند دانش‌آموز انقلابی داشته باشد و با خروج اولین دسته از دانش‌آموزان از محوطه آموزش و پرورش، چند تن از دانش‌آموزان توسط همین مأموران دستگیر و به شهربانی استان انتقال و سپس با دخالت و تهدید فرهنگیان آزاد شدند.

لازم به تذکر است که خانم مدیر کل آموزش و پرورش وقت از چند روز پیش که اوضاع را مناسب حال نمی‌دید به تهران انتقال و گوئیا با سمت به اصطلاح بازرس وزارتی آموزش و پرورش خدمات فرهنگی ارزنده‌اش را ارائه می‌دهد.

در تاریخ ۵۷/۷/۱۵ «هوشنگ قائلی[۲۴]» مدیر کل استان کرمان با انتقال به ارومیه به جای خانم مدیر کل[۲۵] مشغول به کار می‌شود. ناگفته نماند که قائلی مدیر کل زمان انقلاب بود و از ذکاوت و زرنگی خاصی برخوردار بود و به همین مناسبت خیلی زود توانست خود را با فرهنگیان انقلابی تقریباً تطبیق دهد و مدت ۱۹ روز و ۶ ماه در رأس آموزش و پرورش حتی بعد از پیروزی انقلاب بماند. قائلی مدیر کل وقت با درک ضرورت‌های انقلاب و مسائل موجود در بطن مبارزات فرهنگی خیلی کوشش می‌کرد. حتی در جلسات هیئت موقت فرهنگیان شرکت می-کرد به طوری که در یکی از نخستین جلسات اظهار داشت من کلیه خواسته‌های معلمان ارومیه را به تهران تلکس کردم و قرار است وزارتخانه جواب لازم را متقابلاً بدهد.

۲۴ – هوشنگ قائلی در سال ۱۳۱۱ش در اصفهان متولد شد. تحصیلات خود را تا مقطع فوق لیسانس در رشته ریاضی ادامه داد. وی در سال ۱۳۳۲ در وزارت آموزش و پرورش استخدام شد. در سال ۱۳۵۶ از طرف منوچهر گنجی (وزیر آموزش و پرورش وقت) به سمت مدیر کل آموزش و پرورش کرمان منصوب گردید. در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۵ با اوج گرفتن اعتصابات دانش آموزی و دانشجویی به مدیریت آموزش و پرورش رضائیه برگزیده و بعد از دو سال به تهران منتقل شد. (جامعه بازنشستگان آموزش و پرورش کرمان jbap.ir)

۲۵ – خانم نرگس سری از سال ۱۳۵۵ مدیر کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی، در زمان منوچهر گنجی وزیر آموزش و پرورش وقت در دولت جمشید آموزگار بودند.(خادم علماء، علی، ***تاریخ آموزش و پرورش ارومیه از آغاز تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۹ م***، بهار ۱۳۸۰، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی)

بعد از صدور اعلامیه شماره ۲ جامعه موقت فرهنگیان که حاکی از معرفی ۱۵ نفری و تشکل و انسجام نیروها بود سومین اعلامیه این هئیت صادر شد و طی آن چون از طرف افراد موذی و ضد انقلاب وقت اعلامیه‌های جعلی بنام جامعه معلمان و ایجاد شکاف در میان آنها صادر می‌شد این هئیت امضاهای خود را برای معلمان معرفی کرد و یادآور شد که از این به بعد اعلامیه‌ها به این امضاهای پانزده‌گانه صادر خواهد شد[۲۶].

اطلاعیه شماره ۳ معلمان رضائیه

بنام پروردگار که جهان را آفرید و انسان را .. تا جهان را بکاود و دگرگون کند و دگرگون شود تا خدای خود را بشناسد و بستاید و بعد برای رسیدن به آرمان‌ها و ایده‌آل‌های خود دیوارهای اسارات را فرو ریزد و با هم‌آوایی راه رهائی خود را بیابد و بندگی و رقیت را بگسلد. اینک که ملت ایران برای احقاق حق خود بر پا خاسته‌اند؛ ما معلمان رضائیه ضمن تأیید و حمایت و پشتیبانی از نهضت مذهبی و ملی و ضمن تأیید کلیه نیات مشروع و قانونی معلمان در سراسر کشور با حصول به نتیجه کلی، صفوف متشکل خود را رها نساخته و تسلیم اعمال نظرهای مسئولان امر نخواهیم شد. اینک با توجه به پیشگفتار، نتایج حاصله از جلسات و نشست‌های متوالی را اعلام می‌داریم.

همکاران گرامی، با اینکه دو فقره قطعنامه که روز یکشنبه مورخ ۵۷/۷/۱۶ در اجتماع با شکوه معلمان رضائیه مورد تأیید قرار گرفت تعداد زیادی نیز درخواست به هئیت موقت نمایندگان معلمان رسیده است. هئیت در روزهای پنچشنبه، جمعه و شنبه طی ۲۲ ساعت نشست همه مطالب را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد و با توجه به سیاست کلی که در مسیر مبارزات آیات عظام مراجع عالی قدر دینی و تلاش‌های حق طلبانه ملت

۲۶- این افراد به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از : ۱.اسعدی، ناصر ۲.اقدامی، عذرا ۳.امجدی، صادق ۴.جعفری، قدرت اله ۵.حمزه پور، مهدی ۶.حمیدبهنام، احمدعلی ۷.خلیلی، حسن ۸.دهقان، علی ۹.رضازاده، ابراهیم ۱۰.سیروس رضایی، پرویز ۱۱.صدیق، حسین ۱۲.کاظمی، مهدی ۱۳.کیائی‌فر، محمدرضا ۱۴.گلشن گلدانلو، لطفعلی ۱۵.مینایی، اکبر

شریف ایران و اجرای دقیق قانون اساسی و متمم آن خواهد بود، موارد قطعنامه‌ها و درخواست‌های رسیده، به سه گروه به شرح زیر تفکیک و به اطلاع مسئولان امر رسید.
۱- در مورد درخواست‌های ملی قطعنامه که شامل مسائل عمومی مملکت است خواسته شد که تا روز یکشنبه مورخ ۵۷/۷/۲۷ جواب منطقی توأم با عمل از دولت اخذ و در اجتماع همان روز که ساعت ۱۰ صبح در محوطه اداره کل آموزش و پرورش برگزار خواهد شد به اطلاع کلیه همکاران برسد.
۲- در مورد درخواست‌های عمومی معلمان در سطح مملکتی خواسته شد که تا روز مزبور جواب مستدل به صورتی که مورد تأیید جامعه معلمان رضائیه باشد از وزارت آموزش و پرورش اخذ که به اطلاع همکاران برسد.
۳- در مورد درخواست‌های منطقه‌ای معلمان رضائیه مندرج در دو فقره قطعنامه و همچنین مواردی که از نامه‌های رسیده استخراج شده و مربوط به اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی می‌باشد درخواست گردید که اقدام فوری به عمل آید.
البته تا روز سه شنبه مورخ ۵۷/۷/۲۵ که همچنان اعتراض ادامه خواهد داشت و اگر اقدام قاطع از جانب اداره مزبور به عمل نیاید با نظر همکاران محترم اعتراض تبدیل به اعتصاب شده و آن اعتصاب تا انجام درخواست‌های منطقی که در صورت تحقق مسلماً همه ملت ایران از مواهب آن برخوردار خواهند شد همگام با سایر معلمان کشور ادامه خواهد یافت. معلمان رضائیه توجه دارند که عده‌ای عناصر غیر فرهنگی می‌خواهند با رخنه در صفوف متشکل معلمان و صدور اعلامیه بنام آنان و دادن بعضی شعارها در این تشکل ایجاد نابسامانی نمایند لذا [به] چنین عناصری نبایستی فرصت داد و باید با هشیاری و مراقبت کامل، از دادن هر گونه شعاری جلوگیری نمود چون این تشکل صرفاً برای بازگشت حکومت قانون و بسط عدالت اجتماعی بوجود آمده است. با توجه به اطلاعیه شماره ۲ اکنون که ۱۵ نفر به عنوان هیئت موقت [به] وسیله نمایندگان معلمین انتخاب شده‌اند تا انتخاب نمایندگان معلمان شهر و روستا که ان‌شاءالله به این زودی برگزار خواهد شد، کلیه اعلامیه‌ها به امضای این ۱۵ نفر خواهد بود و هر گونه قطعنامه و اطلاعیه بدون امضای آنان از طرف جامعه معلمان رضائیه نمی‌باشد.

بقیه روز شمار انقلاب

وقایع دردناک مسجد کرمان در این روزها اتفاق افتاد و از آنجایی که یک سال از شهادت فرزند برومند امام خمینی (حاج آقا مصطفی[۲۷]) می‌گذشت و به مناسبت بزرگداشت این روز، عزای عمومی اعلام شده بود و تعطیل و اعتصاب نیز ادامه داشت. ساواکی‌های کرمان با اجیر کردن عده‌ای به مردان و زنان مسجد جامع کرمان حمله کرده و ۱۲ نفر را شهید کرده و بیش [از] ۱۰۰ نفر [را] مجروح می‌کنند و آنگاه مسجد جامع را به آتش می‌کشند. حمله به مسجد جامع کرمان (۲۵مهرماه ۵۷) یکی دیگر از دسته گل‌های رژیم فاسد بود که خشم ملت را برانگیخت و این عمل (به آتش کشیدن مسجد جامع) یکی از ارکان مبارزات مردم شد. وعاظ و سخنرانان مذهبی در شهرستان‌ها این عمل وحشیانه رژیم را بخوبی افشاء کرده و دژخیمی

---

۲۷ - سید مصطفی خمینی فرزند ارشد حضرت امام خمینی در آذر ۱۳۰۹، در قم متولد شد. از همان روزهای نخستین فعالیت‌های سیاسی حضرت امام خمینی بر ضد حکومت پهلوی، در کنار او به فعالیت سیاسی پرداخت و در پیشبرد حرکت اسلامی نقش بسزایی داشت. ساواک، آقا مصطفی را دستگیر و سپس به ترکیه و عراق تبعید کردند. سید مصطفی مشاور برجسته‌ای برای حضرت امام بود. سید مصطفی خمینی در ۱ آبان ۱۳۵۶ در ۴۷ سالگی به طرز مشکوکی درگذشت. او از آغاز فعالیت‌های سیاسی همواره مورد تهدید نیروهای امنیتی قرار داشت و با توجه به تلاش گسترده او در نهضت خمینی در ایران و عراق، از سوی مقامات ایرانی و عراقی شدیداً مورد تهدید قرار داشت، به همین دلیل هنگام انتشار درگذشت او، برای بسیاری از انقلابیون قابل قبول نبود که فوت وی به صورت طبیعی اتفاق افتاده باشد، علاوه بر اینکه تا آن زمان نشانی از بیماری جدی در او دیده نمی‌شد. بسیاری معتقد بودند که رژیم با مرگ سید مصطفی می‌خواسته ضربه سنگینی به پدرش بزند. مراسم عزای سید مصطفی حرکتی ضد حکومت پهلوی شد. بعد از مرگش حضرت امام در پیامی کوتاه چنین نوشت:

انا لله و انا الیه راجعون

در روز یکشنبه نهم ذی القعده الحرام ۱۳۹۷ مصطفی خمینی، نور بصرم و مهجه قلبم دار فانی را وداع کرد و به جوار رحمت حق تعالی رهسپار شد.

اللهم ارحمه واغفر له واسکنه الجنه بحق اولیائک الطاهرین علیهم الصلوه والسلام.

نماز را حضرت آیت الله سید ابوالقاسم خوئی برای مصطفی خمینی اقامه کرد و پس از تشییع، وی را در حرم علی ابن ابی‌طالب و در کنار قبر محمد حسین اصفهانی کمپانی دفن کردند.

دستگاه را بیش از پیش نشان دادند. افشای جنایات رژیم، هر شب در مسجد اعظم ارومیه توسط وعاظ و روحانیت مبارز این شهرستان ادامه داشت و هر روز بر عده مبارزین مسجد افزوده شد. پلیس وقت هر شب جلو مسجد کمین می‌کرد و گفتار وعاظ و شعارهای کوبنده مسجد را که علناً از بلندگو پخش می‌شد به اربابان محلی خود گزارش می‌دادند.

ملیتاریسم[۲۸] داخلی مخصوصاً محلی از بپا خاستن دانش‌آموزان در منطقه حساس ارومیه بیم زیادی داشت به طوری که همیشه عده‌ای را برای به هم زدن صفوف متشکل فرهنگیان می‌گمارد. مسئله دیگر در ایجاد شکاف و به هم زدن راهپیمایی (۵۷/۷/۲۳) وجود برخی گروه‌های منحرف وقت بود که با اینکه مبارزات زیادی می‌کردند ولی می‌خواستند مسیر اسلامی انقلاب را به انحراف بکشانند. در همین رابطه بود که اعلامیه شماره ۴ جامعه موقت صادر شد.

اطلاعیه شماره ۴ معلمان رضاییه

بسمه تعالی

۱۳۵۷/۷/۲۳

همان طور که در اطلاعیه شماره ۳ آمده بود عده‌ای عناصر غیر فرهنگی می‌خواهند با رخنه در صفوف متشکل معلمان و دادن بعضی شعارها، ایجاد نابسامانی نماید و با تمامی کوششی که به عمل آمده بود در روز یکشنبه مورخ ۵۷/۷/۲۳ گروهی ناشناخته در اجتماع معلمان وارد و خواستند که از احساسات پاک مذهبی و ملی دانش‌آموزان به نفع خود بهره برداری نمایند که خوشبختانه معلمان و دانش‌آموزان آگاه رضائیه به موقع متوجه شده برای جلوگیری از هرگونه نا آرامی و به خاطر اینکه فرصت طلبان نتوانند با بر هم زدن تشکل فرهنگیان و ایجاد بلوا و آشوب به هدف نائل آیند با مختصر بیانی اجتماع معلمان را به وقت دیگری موکول کردند لذا از نمایندگان معلمان تمامی مدارس دعوت می‌شود که روز سه‌شنبه مورخ ۵۷/۷/۲۵ ساعت ۴ بعدازظهر برای تبادل نظر و تصمیم‌گیری در سالن دبیرستان رضا شاه با در دست داشتن صورت جلسه شورای

۲۸ – ***میلیتاریسم*** یا نظامی‌گری یک ایدئولوژی است که معتقد است توان ارتشی سرچشمه و منبع همه امنیت‌هاست.

معلمان که موید نمایندگی‌شان خواهد بود حضور بهم رسانند. در ضمن مدارس روستاها و آن تعداد از مدارس شهر که تاکنون نماینده انتخاب و معرفی نکرده‌اند شورای معلمان آن مدارس نیز دو نفر نماینده معلمان خود را جهت شرکت در جلسه مزبور معرفی نمایند. جامعه موقت معلمان ارومیه

سیر مبارزات حق طلبانه ملت ستمدیده ایران یکی پس از دیگری مشخص می‌شود و فرهنگیان ارومیه نیز که جدا از این جامعه نیستند در اعلامیه‌های خود این مسیر را در منطقه مشخص می‌کنند. در اعلامیه قبلی از تبدیل اعتراض به اعتصاب سخن رفته بود و حالا لباس عمل پوشیده و ایادی رژیم یارای برآوردن خواسته‌های فرهنگیان را ندارند. ناگفته نماند که مأموران محلی رژیم شدیداً علاقه‌مند اعتصاب فرهنگیان هستند زیرا هر ساعتی [که] از تشکل مدارس می‌گذرد، آگاهی دانش آموزان و قدرت انقلابی آنها بیشتر می‌شود و این آگاهی برای رژیم سنگین است و اعلامیه شماره ۵ شکل خبری ۱۰ روز بازگشت مشروط به سر کلاس‌ها را نشان می‌دهد لازم به تذکر است که در چند روز اعتصاب، عده‌ای از فرهنگیان فرصت طلب به جای پیوستن به صف انقلابیون شهر، پی کارهای خصوصی خود می‌رفتند و گاهاً به شهرهای دیگر مسافرت می‌کردند که بازگشت مجدد به مدارس و انسجام مجدد نیروی‌های دانش آموزان در اثر این اعلامیه میسر گشت.

متن اعلامیه شماره ۵

بسمه تعالی

۵۷/۷/۲۶

همکاران ارجمند

با توجه به این‌که نمایندگان منتخب کلیه واحدهای آموزشی رضائیه طی جلسات مورخه ۵۷/۷/۲۵ و ۵۷/۷/۲۶ تصمیم گرفتند که تا ۱۰ روز دیگر، معلمان رضائیه به طور مشروط در کلاس‌های درس حاضر شوند. علی‌هذا از همه همکاران عزیز دعوت می‌شود صبح روز پنج‌شنبه مورخ ۵۷/۷/۲۷ در مدارس حاضر شده و به تدریس در کلاس‌های درس

بپردازند. مشروح مذاکرات و تصمیمات نمایندگان طی اعلامیه شماره ۶ متعاقباً اعلام خواهد شد. جامعه معلمان ارومیه

نکته قابل توجه از مسائل حساس این مرحله از انقلاب نقش ایادی و دست نشاندگان رژیم در رأس ادارات استان می‌باشد. آنها بی توجه به مبارزات اصیل و قدرت گرفته از یک فرهنگ کهن اسلامی می‌خواستند انقلاب را به بیراهه کشانند و هرکدام که بیشتر به اربابش خوش خدمتی کرده باشد در فرهنگ مرده خودشان مقام و منزلتی بالاتر خواهند یافت زهی خیال باطل. « استاندار، فرمانده لشکر ۶۴، رئیس شهربانی[۲۹]، رئیس ساواک[۳۰] و مدیر کل آموزش و پرورش وقت» با همفکری و طرح ریزی برنامه خاصی درصدد تشکیل «کمیسیون امنیت اجتماعی استان» بر می‌آیند. برای متقاعد کردن فرهنگیان، اعضاء جامعه موقت فرهنگیان را نیز در سالن استانداری جمع می‌کنند. استاندار[۳۱] بعد از استماع وضعیت منطقه از زبان فرمانده لشکر ۶۴[۳۲] بلافاصله رو به نمایندگان فرهنگیان کرده و خیلی راحت از مدیر کل آموزش و پرورش می‌خواهد که اعلامیه خواسته‌های معلمان را بخواند و تمام گفته‌های آنان را زیر نظر استانداری به مقامات تهران برساند و با گرفتن جواب مثبت، نمایندگان فرهنگیان را در جریان می‌گذارد تا فرهنگیان استان آذربایجان غربی از موهبات توجه رژیم به فرهنگیان آگاه باشند.

---

۲۹ – در خاطرات حجت الاسلام حسنی از سرهنگ کهنمویی یاد شده لکن در کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (ج ۲۰) در پاورقی تاریخ ۲۳ آذر ۵۷ آورده است: در پی درگیری پلیس با تظاهرکنندگان در رضاییه که روز پنج‌شنبه ۲۳ آذر ماه گذشته انجام گرفت و به کشته شدن هفت نفر و مجروح شدن بیش از چهل نفر انجامید، سرتیپ شاکری رئیس شهربانی آذربایجان غربی از سمت خود برکنار شد. در پی برکناری سرتیپ شاکری، سرتیپ اسماعیل محمودیان به این سمت تعیین گردید.» (اطلاعات، «ضمیمه» ش ۱۶۶۲۲، ص ۳)

۳۰ – مبینی

۳۱ – مهندس عبدالعلی دهستانی از تاریخ ۱۳۵۰/۲/۱ لغایت ۵۷/۸/۲۰ استاندار آذربایجان غربی بودند (محمد قلی‌زاد، محمدرضا، ***آذربایجان غربی در آیینه تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران ...***، ارومیه: حسام‌الدین چلبی، ۱۳۹۱)

۳۲ – سرلشکر عبدالعلی هومان، وی قبلاً فامیلی‌اش غلامعلی‌زاده بوده و زادگاهش روستای قره‌قشلاق در حوالی سلماس است و بعد از انقلاب در اثر سکته قلبی در تهران دار فانی را وداع گفت.

در لفافه این بیانات استاندار وقت یک نوع حیله و گول زدن نهفته است زیرا او در آخر جملات خود، با قیافه خندان، خواسته‌های فرهنگیان را در نظر خود کوچک می‌شمرد. فرمانده شهربانی استان از دانش‌آموزان انقلابی شهرکه پشت دیوارها کمین می‌کنند و با تیرکمان و سنگ، مأموران آنها را مجروح می‌کنند به کمیسیون شکایت می‌کند. این افسر که بعدها معلوم شد یک بهایی ننگین بوده یک سری از خدمات خود را در این جلسه بر شمرد ضمناً از آنجایی که جلسه کاملاً محرمانه بود و این گونه مسائل خیلی دیر دیرها دارد مطرح می‌شود عیبی نخواهد داشت در اینجا می‌آوریم او در شمردن خدمات خاص خود به فرهنگیان می‌گفت:
وقتی دانش‌آموزان شما را دستگیر کردند من دستور دادم آزاد کنند (بر منکرش لعنت چون خود دانش‌آموزان می‌گفتند که در شهربانی به ما گفتند که باید به مراجع و امام ناسزا بگوئید تا آزادتان کنیم و ما نمی‌گفتیم؛ ما را می‌زدند.) یکی دیگر از ادعاهای رئیس شهربانی در این جلسه این بود که عوض کردن خانم مدیر کل تنها و تنها در اثر اقدامات من بوده است و با عوض کردن این خانم خدمتی به فرهنگ این استان کرده‌ام. (در اینجا تذکر این موضوع ضروری است که ایادی رژیم در حالت‌هایی‌که آب‌های‌شان از آسیاب می‌افتاد خوب به جان هم می‌افتادند. آنها اکثراً از یک قماش بودند ولی لو دادن یکدیگر صرفاً جهت به دست آوردن مقام بالاتر در صورت خفه کردن انقلاب بود) به هر حال چند تن از نمایندگان فرهنگیان بر اساس اعلامیه‌های آیات عظام که هرگونه مذاکره مسالمت‌آمیز تحریم شده بود گفتند که شما معنی تحریم را نمی‌دانید ما هیچ گونه حرفی با شماها نداریم چون مذاکره برای آرام کردن اوضاع «حرام» است و ما نمی‌دانیم شما برای چه ما را دعوت کرده‌اید به هر حال ادامه مبارزات تا پیروزی و حصول نتایج، اعتصاب و تظاهرات ادامه خواهد داشت. در این موقع استاندار وقت جلسه را به شوخی تبدیل کرد و با زرنگی خاص به بلبل زبانی مدیر کل حاضر در جلسه گوش فرا داد و سعی در فرو ریختن خشم و اخم این ۱۵ معلم حاضر در جلسه کرد که بالاخره موفق نشد. فردای آن روز جامعه معلمان ارومیه در اعلامیه شماره ۶ خود خواسته‌های اعلامیه شماره ۳ را مجدداً یادآور شده و در این اعلامیه اهالی ارومیه و فرهنگیان را متوجه به خواسته‌های خود و جدیت در حصول آنها کردند.

اطلاعیه شماره ۶ معلمان رضائیه

بسمه تعالی

تاریخ:۵۷/۷/۲۷

همکاران گرامی در اطلاعیه شماره ۳ که در تاریخ ۵۷/۷/۲۳ منتشر شد درخواست‌های جامعه معلمان رضائیه به سه گروه تفکیک گردیده با توجه به اطلاعیه مزبور در جلسات نمایندگان مدارس رضائیه که در مورخه ۲۵و ۵۷/۷/۲۶ در سالن دبیرستان رضاشاه کبیر تشکیل شد تصمیماتی به شرح زیر اتخاذ گردید:

۱- در مورد درخواست‌های ملی قطعنامه‌ها که شامل مسائل عمومی مملکت است بخاطر پشتیبانی از نهضت مذهبی و ملی و همگانی با ملت مبارز ایران به جهت اجرای احکام عالیه دین مبین اسلام و اصول قانون اساسی و متمم آن و بسط عدالت اجتماعی به معنای واقعی، جامعه معلمان رضائیه تصمیم گرفت ضمن پیگیری مستمر مبارزات منطقی و اصولی خود در هر موقع که حضرات آیات عظام مراجع عالی قدر دینی با صدور اعلامیه ملت ایران را دعوت به اعتراض و یا اعتصاب فرمایند معلمان رضائیه نیز با عدم حضور در مدارس اعلام همبستگی نمایند.

۲- در مورد درخواست‌های عمومی معلمان در سطح کشور بخاطر استمرار مبارزه تا نیل به هدف تصمیم گرفته شد که معلمان رضائیه ضمن ادامه مبارزات خود بخاطر حفظ تشکل جامعه معلمان مملکت با آنان همگامی و همراهی داشته باشند و هر موقع جامعه معلمان اعلام اعتراض یا اعتصاب نمود معلمان رضائیه نیز در همان موقع ضمن اعلام پشتیبانی مثل سایر معلمان کشور عمل نمایند.

۳- در مورد درخواست‌های منطقه‌ای تصمیم گرفته شد که از صبح روز پنج شنبه مورخ ۵۷/۷/۲۷ با شرط ده روز مهلت، معلمان رضائیه در سر کلاس‌ها حاضر و مشغول انجام وظیفه مقدس خود باشند اگر تا پایان مهلت ده روز درخواست‌های منطقه‌ای، ملی نگردد از صبح روز یکشنبه مورخ ۵۷/۸/۷ معلمان رضائیه اعتصاب را شروع و از رفتن به مدارس خودداری خواهند نمود. درخواست‌های منطقه‌ای بشرح زیر به اطلاع عموم می‌رسد:

۱. برکناری تعدادی از مسئولین اداره کل و نواحی و گماردن فرهنگیانی که مورد تأیید جامعه معلمان رضائیه قرار گرفته‌اند بجای آنان بخاطر رفع نابسامانی‌های گذشته و حال ادارات آموزش و پرورش.
۲. انتخاب مدیران کلیه واحدهای آموزشی با نظر شورای معلمان هر واحد به جهت ایجاد محیطی آرام و به دور از هر گونه تبعیض که همکاران محترم بتوانند با خاطر آسوده و دلگرمی بیشتر به امر خطیر تعلیم و تربیت بپردازند.
۳. لغو برنامه تغذیه رایگان و اختصاص اعتبار آن به ایجاد فضاهای جدید آموزشی و تعمیر و تجهیز مدارس فعلی.
۴. شرکت دادن ۳ نفر نمایندگان معلمان از ابتدایی، راهنمائی تحصیلی و دبیرستان در شورای منطقه‌ای آموزش و پرورش.
۵. آزادی زندانیان سیاسی که اخیراً بازداشت شده‌اند.
۶. به رسمیت شناختن جامعه معلمان رضائیه در مراجع قانونی و گذاشتن محل مناسبی در اختیار آن به منظور حفظ تشکل جامعه معلمان رضائیه.
۷. اختصاصی محلی در جنب هر چند واحد آموزشی نزدیک به هم به عنوان مهد کودک به جهت رفاه و آسایش خاطر همکاران ارجمند.
۸. صدور حکم مأموریت تحصیلی بدون در نظر گرفتن بعضی موارد برای آن عده از همکارانی که در دانشگاه‌ها قبول می‌شوند.
۹. بخاطر تعظیم به شعائر دینی و حفظ سنت‌های اجتماعی عدم ممانعت یا مداخله در حجاب خانم معلم‌ها و دانش آموزان دختر.
۱۰. تأمین امنیت کافی مدارس که مأمورین امنیتی یا پلیس نتوانند به بهانه‌های مختلف، ساحت مقدس آموزشگاه‌ها را مورد اهانت قرار دهند.
۱۱. اجرای ضوابط اعمال شده در مورد وام ساختمانی به فرهنگیانی که در سال جاری اقدام به ساختمان کرده‌اند. درباره معلمانی که از سال گذشته زیر بار سنگین وام‌های کمرشکن قرار دارند.

۱۲. اجتناب مسئولین امور از دعوت معلمان و دانش آموزان به منظور شرکت در هرگونه تظاهرات.

۱۳. تغییر وضع دبستان ویژه دانشگاه به نحوی که از حالت اختصاصی درآمده و مورد استفاده همگان قرار گیرد.

۱۴. همکاران محترم بصیرت دارند که در صورت انجام درخواست‌های مزبور نه تنها معلمان و دانش‌آموزان، بلکه بطور کلی اهالی رضائیه نیز به نحوی از مواهب آنها برخوردار خواهند شد. البته فعلاً این درخواست‌ها مطرح بوده که انجام‌شان از مسئولین امر خواسته شده. در صورت رسیدن درخواست‌های دیگری که عمومیت داشته باشند مطرح خواهند شد.

جامعه معلمان ارومیه

روزشمار انقلاب

اعلامیه‌های «امام خمینی» با سرعت خاصی از تلکس‌های مخابراتی دنیا «از نوفل لوشاتو[۳۳]» به تهران و آنگاه بوسیله تلفن به شهرستان‌ها می‌رسد، دستگاه‌های تکثیر مخفی و پلی‌کپی‌های محلی فعالانه بکار می‌افتد و انقلابیون جریان اعلامیه‌های امام را به دست انقلابیون دیگر می‌رسانند.
(۲۸ مهرماه ۵۷) در این روز فرهنگیان همدان دست به تظاهرات گسترده می‌زنند و مردم انقلابی زنجان ساختمان حزب منحله رستاخیز این شهر را به آتش می‌کشند.
(۳۰ مهرماه ۵۷) روحانیون قم و کرمان طی اعلامیه‌ای اعتراض شدید خود را از واقعه به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان اعلام می‌دارند. در این شهرها ۷ تن به شهادت می‌رسند و با اعلام عزای عمومی اعتصاب و کم‌کاری در شرکت نفت آغاز می‌شود. این اعتصاب تاثیر محسوسی در رساندن نفت و بنزین به شهرستان‌ها می‌گذارد.
(اول آبان ۵۷) در خرم آباد تظاهر کنندگان علناً حکومت وقت را محکوم و برقراری حکومت جمهوری اسلامی را به رهبری زعیم عالی قدر جهان اسلام امام خمینی اعلام می‌دارند. در این تظاهرات با حمله عده‌ای از مأموران چند تن شهید می‌شوند.

---

۳۳ – حضرت امام خمینی در سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ بازداشت و بـه ترکیه تبعید شد. روز ۱۳ مهرماه ۱۳۴۳ حضرت امام به همـراه فرزنـدشان آیه الله حاج آقا مصطفـی از ترکیه به تبعیدگاه دوم، کشـور عراق اعزام شدند. دوران اقامت امام خمـینی در نجف به ۱۳ سال انجامید. در دیدار وزرای خارجه ایران و عراق در نـیـویـورک تصـمـیـم به اخراج امام خمینـی از عراق گرفته شـد. روز دوم مـهـر ۱۳۵۷ مـنزل امـام در نجف بـه وسیله قـوای بعثـی محاصره گردیـد. روز ۱۲ مهر، امام خمینی نجف را به قصد مرز کـویت ترک گـفـت. دولت کویـت با اشاره رژیـم ایـران از ورود امـام بـه ایـن کـشـور جلوگـیـری کـرد. قـبـلاً صحبـت از هجـرت امام بـه لبـنـان و یا سـوریه بـود امـا ایشان پـس از مشـورت با فـرزنـدشان (حجت الاسلام حاج سیـد احمـد خمینـی) تصمیـم هجـرت به پاریـس گرفت. در روز ۱۴ مهـر ایشان وارد پاریس شدند. دو روز بعد در منزل یکی از ایرانـیـان در نوفـل لـوشـاتـو (حـومـه پاریـس) مستقـر شـدنـد. و در نهایت روز ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ به ایران بازگشتند.

(۳ آبان۵۷)[۳۴] در این روز ساختمان «رستاخیز» در تهران به آتش کشیده می‌شود و اعتصاب‌های سیاسی روز به روز زیاد می‌شود و چماق به دست‌های تحریک شده از جانب مأموران محلی در ارومیه به خیابان‌ها می‌ریزند و شعارهای حمایت از رژیم می‌دهند. مردم قهرمان ارومیه از این عمل دولتیان به خشم می‌آیند.

(۴ آبان ۵۷) بر خلاف همه ساله، رژیم جرأت برپا کردن جشن[۳۵] خود [را] ندارد. به دنبال درخواست های مکرر مردم زندانیان سیاسی آزاد می‌شوند[۳۶].

---

۳۴ – از جمله مطالبی که برای این روز از روزشمار انقلاب ارومیه می‌توان گفت اتفاق روز دوم آبان بوده که در اینجا از قلم افتاده است: امروز در رضائیه ۲۵ تن از زندانیان سیاسی زندان این شهر دست به اعتصاب غذا زدند و همبستگی خود را با خانواده شهدای حوادث اخیر اعلام کردند(اطلاعات شماره ۱۵۷۴۱ ، ۵۷/۸/۲ ص ۲۲)

۳۵ – روز تاجگذاری شاه جشنی بود که در تاریخ ۴ آبان ۱۳۴۶ چهل و هشتمین سال زادروز محمدرضا پهلوی در تالار کاخ گلستان برگزار شد و بعد از آن نیز در همین روز جشن‌هایی در سراسر کشور برگزار می‌شد.

۳۶ – از جمله افرادی که در این روز آزاد شدند عبارت بودند از مهدی یوسف زاده، کاظم بصیرت کلاهی، ناصر پویا، بهرام آذرافروز، میر محمود یگانلی و ... که اسامی آنان در صفحه دوم روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه سوم آبان ۵۷ شماره ۱۵۷۴۲ درج گردیده بود. بولتن خبرگزاری پارس اخبار ایران شماره ۲۱۹ مورخ ۵۷/۸/۳ ص ۱۹ نوشت : در رضائیه هم امروز یازده نفر از زندانیانی که به اتهام‌های ضد امنیتی محکوم شده بودند از زندان شهربانی این شهر آزاد شدند اما هنوز ۲۸ نفر دیگر از زندانیان سیاسی در زندان شهربانی رضائیه بازداشت هستند. (روزشمار انقلاب اسلامی، ج۷، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر، ۱۳۷۹ ص ۶۳)

در این روز آیت الله طالقانی[۳۷] و آیت الله منتظری[۳۸] از زندان رژیم آزاد می‌شوند و فرماندار نظامی و رئیس شهربانی وقت جهرم توسط انقلابیون جوان دیپلمه وظیفه این شهر ترور می‌شود. امام خمینی هشدار می‌دهد رژیم شعار عمل به قانون اساسی داده است. این عمل خیانت به اسلام

۳۷ – سید محمود طالقانی (۱۲۸۹– ۱۳۵۸) نخستین بار در سال ۱۳۱۸ با دادن یک اعلامیه در رابطه با کشف حجاب دستگیر و زندانی شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد، ساواک، مرحوم طالقانی را به جرم مخفی کردن نواب صفوی در خانه‌اش، دستگیر و به زندان افکند، اما این دستگیری کوتاه و موقت بود. آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۴۲ در ارتباط با وقایع ۱۵ خرداد دستگیر و به ده سال زندان محکوم شد. زندانی شدن وی در این مرحله بیش از ۴ سال طول نکشید. در آستانه سال ۱۳۵۰ همزمان با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی دستگیر و به مدت سه سال در زابل و ۱۸ ماه در بافت کرمان در بدترین شرایط به حالت تبعید به سر برد. در سال ۱۳۵۴ مجدداً به دست ساواک گرفتار شد و به ۱۰ سال زندان محکوم شد و در نهم آبان ۱۳۵۷ آزاد شد. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۷۴۷، ص۱ و ۴)

۳۸ – آیت‌الله حسینعلی منتظری، (۱۳۰۱ در نجف‌آباد – ۲۹ آذر ۱۳۸۸ در قم) در فروردین ۱۳۴۵ به دلیل امضای اعلامیه‌ی ضدرژیم و جلسات «گروه ۱۱ نفره»، بازداشت و همراه آیت‌الله ربانی شیرازی و پسرش محمد منتظری به زندان قزل قلعه منتقل گردید و به جرم اقدام بر ضد امنیت داخلی مورد سخت‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفت. وی بعد از محاکمه در دادگاه نظامی، به یک سال و نیم زندان محکوم شد و پس از تحمل هفت ماه زندان، در مهر ۱۳۴۵ آزاد شد. پس از آن، به دیدار امام در نجف شتافت و در هنگام بازگشت به ایران در آبادان در تیرماه ۱۳۴۶ دستگیر و به مدت پنج ماه در زندان قزل‌قلعه زندانی شد. پس از آزادی موقت، مجدداً احضار گردید و به هیجده ماه زندان محکوم شدند و در ۱۳۴۸/۲/۱۰ پس از اتمام دوران زندان آزاد گردید. پس از آزادی به اقامت اجباری در نجف‌آباد محکوم شد و تا سال ۱۳۵۲ در آن شهر به فعالیت‌های تبلیغی و اسلامی خود ادامه داد. رژیم شاه برای جلوگیری از تمرکز فعالیت‌های روحانیون در یک نقطه‌ی خاص، آیت‌الله منتظری را به بهانه‌ی همکاری با گروه ابوذر به مدت سه سال به طبس تبعید کردپس از گذشت یک سال از تبعیدش در طبس، در تابستان ۱۳۵۳ وی را به خلخال تبعید کرد. در بهار ۱۳۵۴ آیت‌الله منتظری به جرم کمک به سازمان‌های چریکی و پس از انتقال به تهران در زندان کمیته‌ی مشترک محبوس شد و طی دادگاهی فرمایشی به ده سال زندان محکوم گردید. آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله منتظری در نهم آبان ۱۳۵۷ پس از تحمل سه سال و نیم زندان آزاد شدند (روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۷۴۷، ص ۴) و مورد استقبال شایان مردم قرار گرفتند.

و کشور است نغمه رفتن شاه بدون ریختن حکومت رژیم غاصب به منزله کشتن افعی و پروراندن بچه اوست[۳۹].

باز هم روستائیان قداره بدست در این بار [با] اسلحه‌های گرم و سرد به ارومیه می‌آیند. شعارهای دولتی می‌دهند. خشم توفنده مردم شهر ارومیه به بی نهایت می‌رسد. پلیس و عده‌ای از مقامات شهری از آنها حمایت می‌کنند حتی عکس خاندان منحوس پهلوی را به دست قداره بدست‌ها می‌دادند. بوق و کرنای اتومبیل‌های سبک و سنگین و تراکتورها، چهارم آبان ننگین شاه را از روستا به شهر آورده است. مردم در پیاده‌روها غضبناک ایستاده‌اند و تک تک آنها را شناسائی می‌کنند. روحانیون، فرهنگیان، دانشجویان، اساتید دانشگاه ارومیه با هم مشورت می‌کنند که چه عکس العملی باید نشان بدهند[۴۰].

---

۳۹ – اوضاع جاری در ایران موجب نگرانی شدید اینجانب است. خوف آن دارم که شدت فشار عصبی بر شاه و بستگانش حمله‌های جنون آمیز آنان را تشدید کرده و ملت ایران را بیش از پیش به خاک و خون کشد... باید به مبارزات مثبت و منفی ادامه داد و این یاغی را هر چه زودتر از مملکت خارج نمود. پیش کشیدن شعار عمل به قانون اساسی که اخیراً ایادی شاه در مجلسین عنوان کرده‌اند، خیانت به اسلام و کشور است. نغمه بقای رژیم و رفتن شاه، کشتن افعی و پروراندن بچه اوست. ملت عزیز ما با قیام دلاورانه خود و نثار خون فرزندان عزیز خود، نام ارجمند خود را در تاریخ و در صف اول مجاهدان اسلام ثبت نمود. امروز عقب نشینی، ننگ و عار و انتحار است. مخالفین شاه از هر گروه و دسته‌ای که باشند باید بدانند که اگر به این مار زخمی مهلت دهند، چنان ضربه‌ای می‌خورند که تا آخر در زیر سلطه اجانب و نوکران آنان دست و پا زنند. ما [در مقابل] خداوند تعالی و نسلهای آینده [مسئول] هستیم. (***صحیفه امام***، ج۴، ص: ۱۵۴ زمان: ۴ آبان ۲۳/۱۳۵۷ ذی القعده ۱۳۹۸. مکان: پاریس، نوفل لوشاتو.)

۴۰ – شایعه چنین اقدامی از سوی رژیم از اواخر مهرماه بر سر زبانها افتاده بود که چنین اقدامی به سرکردگی پسر تیمسار صیادیان رئیس قبلی ساواک ارومیه در حال شکل گیری است و این موضوع در تلگرام های ۳۰ مهر و ۱ آبان حضرات آیات فوزی و قره‌باغی به آیت الله شریعتمداری پیداست. این در حالی بود که به روستائیان گفته شده بود که می‌خواهند زمین‌های زراعی شما را پس بگیرند و با این حرف‌های تحریک آمیز آنان را به خیابانها کشیده بودند. به گفته شاهدان عینی برخی از این افراد تنها لباس روستایی بر تن داشتند و از طرفداران شاه در شهر بودند که توسط رژیم مسلح هم شده بودند. حسب گزارش روزنامه‌ها این افراد از عصر روز سوم آبان به خیابانها ریخته و تا ۱۲ شب نیز برنامه‌شان به طول انجامید.(برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: قاسم‌پور، داود، ***انقلاب اسلامی در ارومیه***، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲ ص۹۲ تا ۱۰۹)

(۵ آبان ۵۷) سومین روز متوالی هجوم روستائیان فریب خورده به ارومیه است. صبح امروز نیز پیاده‌روها خشم و خیابان‌ها هلهله حماقت دارد. بازار سه روز است تعطیل است. شهر در غم بزرگی فرو [رفته است.] آخر چه شده چطور اینها را فریب داده‌اند؟ یعنی چه، در انقلاب اسلامی روستائیان شعار اصلاحات ارضی می‌دهند.

شنبه ششم آبان ۵۷ یکی دیگر از روزهای حقیقتاً تاریخی ارومیه است. چماق به دست‌ها و روستائیان فریب خورده که سه روز است آرامش شهر را بر هم زده و یک نوع دهن کجی بر انقلاب اسلامی کرده‌اند ، اینک به خانه‌ها باز گشته‌اند. شهر مانده و مردم خشمگین، طوفان اجتماعی بر پا شده سحر گاه بسیار عجیبی است. روحانی، معلم، دانشجو، دانش‌آموز حتی بچه‌های خردسال در صف‌های فشرده و متشکل به خیابانها ریخته‌اند. صدای جرنگ شیشه کافه رستوران‌ها، قمارخانه‌ها، بانک‌ها، سینماها و کلیه اماکن اشاعه فساد فضای شهر را پر کرده است. آتش کوکتل مولوتف بچه‌ها و سختی مبارزه، عرق گرم در چهره آنها پدیدار کرده و صداهای مکرر الله اکبر شان نه از دهان و گلو بلکه از ته دل آنچنان در هوا می‌پیچید که کف سفید دور لب‌هایشان از پاکی و بی‌ریائی عمل‌شان حکایت دارد. آنها حتی دست به دیناری پول بانک‌ها یا وسایل به بیرون ریخته شده این اماکن نمی‌زنند . فقط قصد پاکسازی است و بس.

قلمزن این سطور[۴۱] که خود شاهد جریان ششم آبان ارومیه بود نوشته است: اگر روزهای مبارزات مردم ارومیه را مقایسه کنیم بعد از روز ۲۲ آذر ماه ۵۷ که در حقیقت روز هنگامه بود، روز ششم آبان از درجه اهمیت دوم قرار خواهد گرفت زیرا در مقابل ۳۲۰ کافه رستوران در ارومیه فقط ۲ کتابخانه عمومی فعالیت داشت و زهی بی انصافی که در عرض یک سال ۲۰۰ نفر به این کتابخانه‌ها مراجعه نمی‌کرد ولی این کافه رستوران‌ها هر دمدمه غروب از جمعیت ارومیه پر و خالی می‌شد. به هر حال بچه‌ها هم قسم شده‌اند که حتی یک مرکز اشاعه فساد طاغوتی در شهر نباشد. آنها در دقایق خیلی کوتاه حتی کافه رستوران‌های تفرجگاه بند را نیز طعمه حریق انقلاب کردند. صاحبان قمارخانه‌های شهر نیز خوب به حق خود رسیدند.

---

۴۱ – محمد صادق امجدی

غروب این روز فرهنگیان ارومیه در دبیرستان دکتر شریعتی جمع شده و این طومار را با یک هزار امضاء تهیه کردند.

(یکشنبه ۷ آبان ۵۷) مدت ۳ روز است که اصناف ارومیه در بازار و سطح شهر، محل کسب خود را تعطیل کرده و امروز معلمان ارومیه به مدرسه نرفتند و ابتدا در محوطه مدرسه امیری[۴۲] و سپس دسته جمعی در سالن اجتماعات دادگستری اجتماع کردند و با صدور قطعنامه‌ای که به امضای بیش از یک هزار نفر از معلمان رسید، بست نشستند. معلمان ارومیه در قطعنامه خود اعلام جرمی علیه استاندار، فرماندار[۴۳] و رئیس شهربانی استان کرده‌اند و اظهار داشته‌اند که تا عوض شدن آنها در دادگستری خواهند ماند. معلمان ارومیه همچنین در قطعنامه خود از ۳ نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای ملی، علی نظمی[۴۴]، غلامعلی قاسمی[۴۵] و یداله توتونچی افشار[۴۶] و نیز

---

۴۲ – این مدرسه در خیابان حافظ ارومیه قرار داشت.

۴۳ – آقای جمال کامران فرماندار وقت ارومیه(روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۴۸ ص ۲)

۴۴ – علی نظمی در ۱۳۰۶ در تبریز متولد شد. وی تا نوزده سالگی بی سواد بود و بعد از آن در کلاسهای شبانه ثبت نام کرده و گواهینامه ششم ابتدایی گرفت و سپس به فراگیری صرف و نحو و خواندن کتابهای قدیمه مشغول شد. نظمی مدت شش سال ادبیات عرب را از استادان مختلفی فرا گرفت. وی به شعر علاقه داشت و شعرهایش از ۱۳۲۵ در نشریه ها چاپ می‌شد. نظمی با ورود به عرصه سیاست، در دوره بیست و چهارم مجلس شورای ملی از ارومیه وارد مجلس شد. روزشمار انقلاب اسلامی ج ۵، ص۳۸۶

۴۵ – آقای غلامعلی قاسمی متولد ۱۳۱۴ در شهرستان تبریز و دارای مدرک لیسانسیه شیمی از دانشگاه تهران بودند. ایشان از سال ۱۳۳۵ مدتها دبیر دبیرستانها، ریاست دبیرستان، کفالت دانشسرای مقدماتی و مدرس شیمی را در دانشکده کشاورزی و دامپروری رضائیه عهده دار بود. نامبرده به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی آشنایی داشته از تاریخ ۴۹/۹/۱۴ تا مورخ ۵۴/۳/۱۲ سه بار متوالی از سوی انجمن شهر به عنوان شهردار ارومیه انتخاب و به علت کاندیداتوری مجلس شورای ملی (دوره ۲۴)در مورخ ۵۴/۳/۱۲ از سمت شهردار استعفا و تا انحلال مجلس شورای ملی و وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ در آن سمت عضویت داشتند.

۴۶ – یداله توتونچی افشارمتولد ۱۳۱۰، نماینده دوره ۲۴ مجلس شورای ملی

کریم ورهرام[۴۷]، سناتور فرمایشی که مهر سکوت بر لب زده‌اند اظهار تأسف کرده و از آنها سلب اعتماد نموده‌اند.

قطعنامه معلمان ارومیه

دادستان محترم شهرستان رضائیه[۴۸]
احتراماً از بدو اعلام فضای باز سیاسی[۴۹]، مردم شریف رضائیه با متانت و وقار خواسته‌های قانونی و حق‌طلبانه خود را با تشکیل اجتماعات و تظاهرات آرام خیابانی مطرح نموده‌اند که در بعضی موارد با دخالت بی مورد مأموران انتظامی منجر به خشونت‌های

۴۷ – سپهبد کریم ورهرام در سال ۱۲۸۸ در روستای بدل آباد از توابع شهرستان خوی به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۰۶ وارد مدرسه نظام و پس از اخذ درجه افسری به پادگان مهاباد منتقل شد. در سال ۱۳۲۳ با درجه سرهنگی و با ۱۷ سال خدمت ریس ستاد لشکر آذربایجان شد. در سال ۱۳۴۱ به سمت استانداری فارس منصوب شد. ورهرام فردی دایم‌الخمر و فاسدالاخلاق بود. وی افسری بسیار خشن، قلدر و تندخو بود. وی در جوانی با دختر سپهبد محمد شاه بختی ازدواج کرد و همین وصلت موجبات توجه شاه را نسبت به ورهرام جلب نمود. در سال ۱۳۴۲ سناتور انتخابی رضاییه در مجلس سنا گردید. سرانجام در آبان ماه سال ۱۳۵۷ به عنوان آخرین استاندار پهلوی در آذربایجان غربی از سوی ارتشبد ازهاری گمارده شد. اما او پس از ۲ ماه، در ۱۴ دی ماه از کار برکنار و به فرانسه رفت. وی در سال ۱۳۷۰ خورشیدی در سن ۸۲ سالگی در پاریس درگذشت.

۴۸– دادستان فردی به نام آقای علیزاده بود. (انقلاب اسلامی در ارومیه ج ۲، ص ۱۵۴)

۴۹– «فضای باز سیاسی» اصطلاحی است که به شرائط سیاسی ایران از زمستان ۱۳۵۵ تا سقوط رژیم شاهنشاهی اطلاق شده است. این دوره که با پیروزی جیمی کارتر در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا آغاز شد. محمدرضا پهلوی در واقع بیش از آنکه خواستار مقبولیت از جانب مردم ایران باشد، در پی کسب محبوبیت در میان رهبران خارجی، به ویژه رؤسای جمهور آمریکا بود. در ۱۲ بهمن ۱۳۵۵ روزنامه‌ها خبر از ممنوعیت شکنجه در ایران دادند و دو روز بعد خبرها حکایت از باز بودن زندان‌ها برای دیدار افراد بی‌طرف داشتند. علاوه بر این طی سال ۵۶ تعداد ۵۶۱ زندانی سیاسی آزاد شدند و سازمانهای بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر پس از سال‌ها انتظار راهی ایران شدند. تغییر در شیوه دفاع از متهمین دادگاه‌های نظامی، کاهش اختناق و امکان نسبی اظهار نظر انتقادآمیز و درج اخبار برخی از فعالیت‌های مخالفین رژیم از جمله نمودهای عینی فضای تازه بود. (شعیب، بهمن، ***سیاست حقوق بشر کارتر و فضای باز سیاسی***، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ir-psri.com)

نسبی گردیده که در یک مورد نیز جوانی[۵۰] بی گناه با گلوله پلیس به قتل رسیده که تا کنون نسبت به دستگیری و محاکمه قاتل جوان مزبور اقدامی نشده اهالی رضائیه شاهد بودند که از عصر روز سوم تا ساعت بیست و دو روز پنجم آبان مسئول امور انتظامی شورا و استانداری و فرمانداری و شهربانی و با برگزاری و فراهم کردن تظاهرات کذایی که از نظر سیاسی و اجتماعی و اخلاقی در پست ترین درجه نوع خود بود یک عده روستائی بی خبر و تعدادی اوباش را با تهدید و تطمیع مأموران با چوب و چماق، داس و تبر و اره و تیشه، کارد و آچار و دشنه خون آلود به منظور کشتار و غارت مردم رضائیه و به هم زدن تمام اصول انسانی به شهر سرازیر کرده بودند، از هیچ گونه اهانت به مقام روحانیت، معلم، دانشجو، دانش‌آموز زنان و مردان و بطور کلی تمام اصناف و طبقات دریغ نداشتند، در حالی که از جانب مأموران انتظامی و مسئولان امر ضمن حمایت شدید از اعمال ناجوانمردانه و خلاف انسانی تشویق می‌شدند و عملاً می‌خواستند روستائیان زحمت‌کش و تعدادی اوباش مست را که اجیر شده بودند رو در روی اهالی محترم قرار دهند و جریان کرمان و بعضی از شهرهای ایران را تکرار نمایند. اما مردم آگاه رضائیه با توجه به سفارشات روحانیت موضوع را پیش بینی کرده و کمال صبر و شکیبایی و متانت را حفظ و با تدابیر خود جلو برادرکشی را گرفتند و نقشه محرکین را نقش بر آب کردند. لذا امضاء کنندگان ذیل از طرف کلیه فرهنگیان رضائیه به این‌گونه اعمال خلاف قانون و اصول انسانی شدیداً اعتراض کرده و به علت اینکه قاعدتاً:

۱. توهین به مقدسات دینی مبین اسلام و مراجع عالیقدر دینی.
۲. بهم زدن نظم عمومی و تهدید مردم.
۳. حمل چاقو و قمه و قداره و قدرت نمائی با هر گونه اسلحه سرد یا گرم.
۴. کشتار و کتک زدن مردم.
۵. توهین به زنان و مردان و وادار کردن آنان به عنف و جبر برای شعار دادن و روشن کردن چراغ ماشین.

---

۵۰ – در بحبوحه آن روزها برخی از اخبار بر اساس شنیده‌ها سینه به سینه می‌گشت. حسب بررسی اخبار رسمی و پرونده بنیاد شهید و امور ایثارگران استان چنین خبری (کشته شدن یک جوان در آن روز) صحت نداشته است.

۶. بوق زدن تا پاسی از شب در خیابان‌ها و جلو بیمارستان‌ها و سلب آسایش عمومی.
۷. ورود هر گونه تراکتور و تریلی و لودر به طور دسته جمعی به شهر.
۸. حمله به مساجد و مراکز دینی و منازل روحانیون.
۹. کتک کاری دستگیر شدگان در مراکز انتظامی.

[همه موارد] جرم بوده و قابل تعقیب کیفری است بدین وسیله با تقدیم این بیانیه نسبت به عاملین و بر پا کنندگان آن تظاهرات امنیت بر باد ده فوق یعنی استاندار و فرماندار و رئیس شهربانی‌های آذربایجان غربی اعلام جرم نموده و تعقیب آنان را خواستاریم و تا زمانی که دست این عناصر که این همه خود را در مقابل امنیت شهر غیر مسئول دانسته‌اند از حکومت بر این منطقه و اهالی نجیب آن کوتاه نشده و تحت تعقیب قرار نگیرند به علت نداشتن تأمین جانی از طرف مأموران انتظامی و اوباش از حضور در کلاس خودداری خواهیم کرد و ضمناً از سه نفر وکلای مجلس شورای ملی و یک نفر سناتور آذربایجان غربی که در این جریانات مهر سکوت بر لب زده‌اند؛ اظهار تأسف نموده، سلب اعتماد می‌کنیم. با امضاء کلیه معلمین به مقامات ذیصلاح ارسال شده است.

امضاء جامعه معلمان رضائیه، به تاریخ هفتم آبان ماه پنجاه و هفت.

خبر تحصن فرهنگیان و اعلام جرم آنها بر علیه مقامات وقت در شهر محفل به محفل می‌پیچید. بلافاصله گروهی از استادان دانشگاه ارومیه و نمایندگان دانشجویان به معلمان متحصن می‌پیوندند و با آنها اعلام همبستگی می‌کنند.

همچنین جامعه روحانیت ارومیه پشتیبانی خود را از خواست‌های آنان اعلام می‌دارند. جامعه وکلای دادگستری و نیز کارکنان اداره کل و نواحی یک و دو آموزش و پرورش[51] و

۵۱ – در اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ آموزش و پرورش ارومیه به نواحی یک و دو تقسیم شد که آقای «محمد اسماعیل قنوعی» و بعد «رضا نجاتی» مسئول ناحیه ۲ آموزش و پرورش تا انقلاب ۱۳۵۷ بودند و «علیرضا نظمی» و «محمد دادخواه» مسئول ناحیه یک آموزش و پرورش ارومیه در همان مقاطع زمانی بودند. (خادم علماء، علی، ***تاریخ آموزش***

دانشگاهیان دانشگاه آزاد[۵۲] نمایندگان اصناف و بالاخره ۱۱۴ گروه از سازمان‌های دولتی و خصوصی با فرهنگیان متحصن در سرسرای دادگستری آذربایجان غربی اعلام همبستگی و پشتیبانی می‌کنند.

بیانیه دانشگاهیان رضائیه

در مجمع عمومی روز یکشنبه هفتم آبان ماه پنجاه و هفت:

دانشگاهیان رضائیه ضمن ابراز تنفر و انزجار از تظاهرات فرمایشی و سازمانی مشتی بی خبر در طرفداری از حکومت فاسد که منجر به حوادث زیر گردید:

۱- بی حرمتی و فحاشی به جامعه روحانیت.

۲- حمل اسلحه سرد با حمایت مأمورین انتظامی و ایجاد ترس و وحشت در میان مردم.

۳- قرار دادن طبقات مختلف و اقلیت‌های مذهبی و نژادی در برابر یکدیگر.

و پرورش ارومیه از آغاز تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۹ م، بهار ۱۳۸۰، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی)

۵۲ – دانشگاه آزاد ایران فعالیت خود را در دهه ۵۰ خورشیدی توسط دکتر احمدی که پسرخاله شاه بود،آغاز کرد و در سال ۱۳۵۵ خورشیدی تعدادی از فارغ التحصیلان ممتاز کشور را با بورس تحصیلی به دانشگاه‌های ممتاز جهان اعزام کرد تا فعالیت خود را با کادری نخبه آغاز کند. پذیرش دانشجو در این دانشگاه در ۱۳۵۶ بطور محدود آغاز گردید. این دانشگاه در ابتدا کار خود را با ۴ مرکز ارومیه، نقده، خوی و گلپایگان شروع و تا انقلاب آن را به ۱۲ مرکز رساند. محل مرکز ارومیه در اول خیابان شهید بهشتی(دانشکده) بود. اولین رئیس این دانشگاه در ارومیه یک نفر اهل مشهد به نام دکتر خدابنده بود که در سال ۵۷ آقای دکتر سعیدی جایش را گرفت. این دانشگاه برگرفته از سیستم دانشگاهی open university انگلستان بود که به صورت آموزش از راه دور بود. دانشگاه دیگری هم بود به نام دانشگاه سپاهیان انقلاب که کارش تربیت معلم بود که بعد به دانشگاه ابوریحان بیرونی تغییر نام داد. پس از چندی با رخداد انقلاب و رویدادهای پس از آن و نهایتاً انقلاب فرهنگی از فعالیت باز ایستاد و این دو با هم ادغام شدند. سپس مدیریت آن، به سبب دارا بودن رشته‌های علوم انسانی به دانشگاه علامه طباطبایی واگذار شد، و نهایتاً با تاسیس دانشگاه پیام نور، واحدها و مراکز آموزشی این دانشگاه تحت پوشش دانشگاه پیام نور قرار گرفتند. (مصاحبه با حمزه امین الاسلامی(متولد ۱۳۲۸،اهر) از اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد ایران در ارومیه و اولین رئیس دانشگاه پیام نور ارومیه و ویکی پدیا)

۴- حمله به خوابگاه دانشجویان و مضروب نمودن آنها.

۵- آزار و کشتار مردم بی گناه.

هشدار می‌دهند چنین حوادثی که تکرار فجایج کرمان، آمل، شیراز و دیگر نقاط می‌باشد، جز ریختن خون عده‌ای بی گناه ثمری نداشته و کوچک‌ترین خللی به مبارزه توده‌های ملت ایران وارد نمی‌آورد. ما از جامعه روحانیت، انجمن نویسندگان، کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی، اعضاء مبارز کانون وکلای دادگستری، سازمان ملی دانشگاهیان و کمیته دفاع از حقوق بشر، خواستاریم که ندای ما را بشنوند و با هر وسیله‌ای که صلاح می‌دانند افکار عمومی را متوجه حساسیت موقعیت در رضائیه بنمایند و نمایندگانی جهت رسیدگی به این محل اعزام دارند.

ما ضمن اعلام جرم بر علیه استاندار، رئیس سازمان امنیت، فرمانده لشکر، رئیس شهربانی و ژندارمری رضائیه به عنوان اعتراض در سالن دادگستری رضائیه تحصن اختیار کرده، خواستار مجازات مسببین صحنه ساز حوادث سوم، چهارم، پنجم آبان ماه رضائیه و تضمین عدم تکرار اینگونه اعمال وحشتناک هستیم و اعلام می‌داریم که با این روش‌های مذبوحانه نخواهند توانست همبستگی ملی ما را متزلزل سازند.

دانشگاهیان رضائیه

اعلامیه شماره یک جامعه وکلای دادگستری رضائیه

در روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه سوم، چهارم و پنجم آبان ماه سال ۱۳۵۷ مسئولین و مقامات محلی وقایع و فجایع آبادان،کرمان،آمل، شیراز و همدان را در شهر قهرمان‌پرور رضائیه بنا به دلایل و شواهدی که موجود است عالماً و عامداً تکرار کردند. برخلاف تمام اصول انسانی و موازین قانونی با تلقین و عنوان کردن این مسئله به روستائیان و زارعین که در شهر، دانش‌آموزان، دانشجویان، دبیران و اساتید دانشکده‌ها و کارمندان و اصناف و کسبه و روحانیون با همکاری مالکین سابق در صدد هستند با ایجاد شورش و انقلاب، زمین‌هایی را که در اجرای قانون اصلاحات ارضی به زارعین منتقل گردیده مسترد دارند، با اعزام مأمورین به دهات و اخذ تعهد از کدخدایان، تهدید و ارعاب، زارعین را ملزم و مکلف می‌نمایند با در دست داشتن چوب و چماق، چاقو و قمه، دشنه و بیل و شانه آهنی، داس و تبر و هر چیزی که وسیله تخرب و ضرب و جرح باشد روانه شهر بشوند. اینان که اطلاعاتی از کم و کیف قضیه نداشتند و بی خبر از نیت شرم آور اولیاء امور به کوچه و بازار و خیابان‌های شهر هجوم می‌آوردند و با ارشاد و راهنمائی مأمورین انتظامی اقدام به ضرب و جرح مردم بی‌گناه و تخریب دکاکین و منازل کسانی‌که بی طرف بوده و حتی دخالتی در تظاهرات آرام و متین مردم رضائیه نداشته‌اند، می‌نمایند. آنقدر در این مسیر پا فرا می‌نهند که به مقدسات دینی و شعائر مذهبی خاصه به مراجع عالی قدر تقلید با الفاظ زشت و زننده با فریادهای بلند اهانت می‌کنند و به طرف رانندگانی که چراغ‌های اتومبیل‌های خودشان را روشن نکرده بودند حمله ور و با در هم شکستن اتومبیل‌ها، عده‌ای از رانندگان را کتک کاری و مضروب و مجروح و مصدوم می‌نمایند و موجبات سلب آسایش و آرامش را از مردم فراهم ساخته، ایجاد وحشت و اضطراب می‌نمایند.

ضرب و جرح، تخریب، سلب آسایش، اهانت و بی‌حرمتی به روحانیون و مراجع عالی قدر تقلید محرز و غیر قابل تردید و انکار است. در این لحظات حساس از تاریخ مملکت و شهرمان، وکلای دادگستری رضائیه ضمن اعلام همبستگی با معلمان و دانشگاهیان،

اصناف و کسبه، روحانیون و قاطبه محترم اهالی شریف و قهرمان رضائیه، تنفر و انزجار شدید خود را نسبت به وقایعی که به شرح مذکور در فوق، اتفاق افتاده ابراز تعقیب و مجازات مسببین حوادث روز های سوم و چهارم و پنچم آبان را خواستارند.

وکلای دادگستری رضائیه

دانشگاهیان رضائیه هفته همبستگی ملی را بر پا می دارند.

این هفته را سازمان ملی دانشگاهیان[۵۳] هفته همبستگی ملی اعلام نموده است. در این هفته دانشگاهیان ایران با گردهمایی و برگزاری مجالس سخنرانی و گفتگو و اعتصاب،

---

۵۳ - موضوع تشکیل «سازمان ملی دانشگاهیان ایران» به روایت اسناد ساواک اینگونه بوده است که : چندی قبل عده‌ای از استادان دانشگاه تهران که به سبب وابستگی آنها به کانون غیر رسمی نویسندگان، همچنین جبهه به اصطلاح ملی با تدریس آنها در دانشگاه مخالفت گردیده بود، گروهی را برای دفاع از حقوق صنفی، تشکیل داده که اولین جلسه آنان در دانشگاه جندی شاهپور [اهواز] تشکیل گردید. به دنبال آن و در جریان اعلام پشتیبانی اعضاء هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف کشور از اقدامات استادان دانشگاه صنعتی آریامهر [شریف فعلی] در مورد خودداری از انتقال دانشگاه مذکور به اصفهان، این فکر در بین عده‌ای از اساتید افراطی تقویت گردید که در ظاهر برای دفاع از حقوق صنفی خود دست به تشکیل اتحادیه یا کانون از هیئت علمی دانشگاهیان بزنند و متعاقب آن، گردهمائی مقدماتی با حضور ۲۰۰ نفر در تاریخ ۲۵۳۷/۵/۳ [۱۳۵۷/۵/۳] در دانشگاه صنعتی آریامهر تشکیل و قطعنامه‌ای تهیه و تعداد ۲۵ نفر نیز به عنوان کمیته اجرایی انتخاب گردیدند. متعاقباً جلسه دیگری در این زمینه در تاریخ ۲۵۳۷/۵/۱۱ [۱۳۵۷/۵/۱۱] با حضور کمیته اجرایی در دانشگاه صنعتی آریامهر تشکیل که در این جلسه درباره تشکیل اتحادیه‌ای تحت عنوان «سازمان ملی دانشگاهیان ایران» مذاکره و در آخرین جلسه‌ای که روز ۳۷/۵/۱۹ [۱۳۵۷/۵/۱۹] با حضور ۲۰ نفر از افراد مذکور در محل دانشکده پلی تکنیک برگزار شد، پیرامون تهیه محل برای اجلاس هیئت موسسان و تنظیم اساسنامه بحث و گفتگو به عمل آمد. البته با این عده، تعدادی از وکلا دادگستری همگام‌هائی داشته و این وکلا که برخی از آنان نیز وکالت حقوقی بعضی از دانشگاه‌ها را به عهده گرفته‌اند، مأموریت دارند مطالبی در مورد رؤسای دانشگاه‌ها و اعضاء هیئت علمی جمع‌آوری و تبلیغاتی در مراکز عالی آموزشی به نفع مقاصد خود و علیه دولت بنمایند. با اعلام مراتب بالا به پیوست فتوکپی بیانیه مورخ ۲۵۳۷/۵/۱۱ سازمان مورد بحث که حاوی اسامی تعدادی از اساتید وابسته به سازمان مذکور می‌باشد ایفاد می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمائید ضمن پیش بینی‌های لازم: ۱- اساتید و وکلا وابسته به گروه مورد بحث در منطقه استحفاظی با توجه به اسامی لیست شناسائی و مراتب را به بخش ذیربط اعلام دارند. ۲- به نحو مقتضی توجه رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی حوزه مربوط به اقدامات احتمالی وکلا فوق‌الذکر جلب گردد. ۳- ضمن انجام اقدامات مراقبتی ضروری ترتیبی داده شود که از هرگونه اتخاذ تصمیم یا اقدامات اساتید موصوف در رابطه با موضوع فوق‌الذکر و همچنین تماس آنان با دیگر اعضاء سازمان مورد بحث در تهران و دیگر شهرستان‌ها کسب اطلاع و مراتب را به موقع منعکس سازند. مدیرکل اداره سوم - ثابتی (***انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۰***،

همبستگی خود را با جنبشی که سراسر ایران زمین را فرا گرفته است اعلام می‌دارند. دانشگاهیان ایران در دوران اختناق سال‌های اخیر، عمداً بوسیله ایادی و عمال زور و خدمتگزارنماهای خائن از [....][۵۴] جنبش در حال تکوین آزادی طلبی جامعه سانسور شده ما به دور نگه داشته شده و حتی مورد بهره‌برداری نادرست مدیران جیره‌خوار و خانه زاد قرار گرفته بود. اما اکنون چشم‌های بسته و یا بسته نگه‌داشته و گوش‌های ناشنوا یا پنبه گذارده شده، باز شده و دانشگاهیان متعهد، موقعیت اصلی خود را در این نهضت بدست آوردند.

هفته همبستگی ملی نشانه آن است و نشانه‌ای از اتحاد ملی که ملت و دانشگاه را به صورت واحد و یک‌پارچه تجلی می‌دهد و همین که به تمام تلاش‌های مذبوحانه تفرقه-انداز میان طبقات گروهها صاحبان عقاید متفاوت، جواب رد داده شد.

هفته همبستگی ملی برای نشان دادن مرحله‌ای از رشد سیاسی و بینش سیاسی دانشگاهیان ایران است که نظریه استعماری و دموکراسی زودرس را منفور می‌داند و از هر مرحله‌ای از آزادی بدست آمده که خون‌بهای قربانیان اخیر است، از جان و دل پاسداری می کنند. در هفته همبستگی ملی، دانشگاهیان ایران این رسالت را بر عهده گرفته‌اند تا [با] برپائی اجتماعات که محتوی آن رسوا کردن بنیادهای فاسد حکومت زور می‌باشد سهمی در مبارزات خلل ناپذیر طبقات ستمدیده ملت ایران بر عهده گیرند. تقدیر برآن بود که آغاز هفته همبستگی ملی دانشگاهیان مقارن با حوادث شرم‌آور و نمایشی در رضائیه

تهران : وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱ ص۱۸۶) به تبع ایجاد این سازمان دیگر مراکز دانشگاهی نیز دست به ایجاد هسته‌ها و شعباتی از این سازمان زده و در اطلاعیه های خود اعلام موجودیت کردند به عنوان مثال استادان مذهبی دانشگاه تبریز بر آن شدند ضمن اعلام همسبتگی با سازمان ملی دانشگاهیان ایران، خود هسته‌ای تشکیل دهند و بیانیه‌های دانشگاهیان تبریز نیز به عنوان شعبه‌ای از سازمان ملی دانشگاهیان انتشار یابد. که بیانیه آنان پس از تشکیل در دوم آبان ۵۷ منتشر گردید. (نیکبخت، رحیم، ***جنبش دانشجویی تبریز به روایت اسناد و خاطرات***، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر، ۱۳۸۱ص ۸۳۱)

۵۴ – افتادگی چاپی، خوانده نشد

روزهای ۳ و ۴ و ۵ آبان ماه گردید. دانشگاهیان رضائیه یک‌پارچه به صفوف فرهنگیان مبارز پیوسته و در تحصن آنها شرکت نمایند.
درود بر جامعه روحانیون مبارز، درود بر جامعه مبارز فرهنگیان رضائیه، درود بر مبارزان کانون وکلای دادگستری رضائیه، درود بر اصناف قهرمان رضائیه، درود بر کارگران و دهقانان زحمتکش، درود بر نهضت آزادی طلبانه دانشگاهیان ایران، پیوسته باد صفوف مبارز کلیه توده‌های ملت ایران. دانشگاهیان رضائیه

اعلامیه جامعه روحانیون ارومیه

بسمه تعالی

بدین‌وسیله به اطلاع اهالی محترم می‌رساند که آقایان فرهنگیان رضائیه در سالن دادگستری متحصن شده‌اند و برکناری استاندار، فرماندار و رئیس شهربانی را خواستارند. زیرا آنها ماجرای وقیح و خارج از انسانیت روز چهارم و پنجم آبان ماه [را] به وجود آوردند و عده‌ای از فریب خوردگان قداره به دست را به شهر ریخته و مال و جان و ناموس مردم را تهدید کرده و قانون وحشیانه جنگل را در شهر پیاده نموده‌اند. آقایان اساتید دانشگاه و آقایان دانشجویان و نمایندگان اصناف با اعلام همبستگی به جامعه فرهنگیان پیوسته‌اند. جامعه روحانیت رضائیه همبستگی خود را بدین‌وسیله با فرهنگیان اعلام می‌دارد و آماده همه گونه همکاری با آقایان متحصن می‌باشد.

جامعه روحانیت رضائیه[55]

۵۵ – روحانیت مبارز ارومیه نیز همگام با دیگر اقشار مختلف مردم از ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۲ نقش مهمی در تنویر افکار عمومی داشتند که در این رابطه بسیاری دستگیر، زندانی و تبعید شده‌اند. حسب اطلاعیه‌های صادره و تماس‌ها و مکاتباتی که از سوی ساواک شده برخی از این افراد عبارتند از: حجت الاسلام غلامرضا حسنی، آیت الله محمد فوزی، سید علی اکبر غفاری قره‌باغی، محمدعلی ملکی ، سید علی اکبر قریشی، رضا ناصحی، سید جعفر صالحی، سید اسماعیل مولوی، حبیب مقدس ، اکبر مولودی، سید عزیز محمدی، سید حسن انزابی، سید حمید عدنانی، اسدالله جوانمرد، عین اله حسنی، سید قاسم موسوی برنج آبادی، محمد علی صاحب الزمانی، و ... (نگاه کنید به: قاسم‌پور، داود، ***انقلاب اسلامی در ارومیه***، ج۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲ و مقاله: قاسم‌پور، داود، ***ارومیه در نهضت اسلامی امام خمینی***، از آغاز تا تبعید امام خمینی به خارج از کشور، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی

متن اعلامیه کارکنان اداری اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی و نواحی دوگانه

ما با درود فراوان، مبارزات حق طلبانه و پای‌مردانه همکاران خواهر و برادر را ارج می-نهیم و همبستگی جدائی ناپذیر خود را از درخواست‌های قانونی شما همکاران مبارز و ارزشمند اعلام می‌داریم.

اگر در این برهه حساس زمانی، دوش به دوش در صفوف متشکل شما مبارزین، همکاری نزدیکی نداشته‌ایم به آن معنی نیست که خواسته‌های به حق و قانونی و انسانی شما را منطبق با نیات و خواسته‌های خود تلقی نمی‌کنیم بلکه احساس می‌کنیم که در سنگر اداری باشیم که قدمی ولو ناچیز در جهت تأمین رفاه شما همکاران ارجمند برداشته باشیم و نیازهای اداری همکاران محترم را تا حدودی که در حد امکان باشد برآورد نمائیم. مع‌ذالک اگر همکاران محترم درخواست همبستگی نزدیک کارکنان اداری را ضروری تشخیص دهند آمادگی کامل و بدون قید و شرط خود را تا حصول نتیجه نهائی دوش به دوش شما برادران اعلام نموده و افتخار خواهیم کرد که در سنگر مقدم مبارزات حق طلبانه همکاران عزیز فداکاری نمائیم و این پیمانی است که تا پای جان در راه آن ایستاده‌ایم.

کارکنان اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی و
نواحی دوگانه ارومیه

حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و : قرشی بنابی، علی اکبر، ***خاطرات آیت الله سید علی اکبر قرشی***، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ و حسنی، غلامرضا، ***خاطرات حجه‌الاسلام حسنی امام جمعه ارومیه***، تدوین عبدالرحیم اباذری ، تهران : مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۴.)

فضای حاکم بر تحصن

خبر تحصن انقلابی فرهنگیان ارومیه و پیوستن دانشگاهیان و اصناف این شهر بعد از ابلاغ از بلندگوی مسجد اعظم و پخش اعلامیه تائید روحانیت مبارز، محفل به محفل می‌گردد. کارکنان سازمانهای دولتی و بخش خصوصی محل کار خود را ترک و همراه با اعلامیه‌های همبستگی و پشتیبانی و سبدهای گل به سالن دادگستری آذربایجان غربی به صف متحصنین می‌پیوندند.
گرچه انتظار هر لحظه خطر در تحصن می‌رود، علت آن حساسیت مکان تحصن در هم‌جواری با ستاد لشکر و شهربانی رژیم و امکان به رگبار گلوله بستن فرهنگیان و سایر گروه‌ها می‌رود، ولی هیچ‌کدام از آنها واهمه‌ای از حوادث احتمالی ندارند.
فضای حاکم بر سالن، ترجمان حالت واقعاً «فرهنگی اسلامی» است و نخستین اذان نماز ظهر بر این فضا زینت خاص می‌دهد. متحصنین در حالی که وضوی خود را از آب «پزشکی قانونی[۵۶]» دادگستری گرفته‌اند به پیش‌نمازی یکی از فرهنگیان[۵۷] به نماز جماعت می‌ایستند و آنگاه بعد از نماز، نان سنگک گرم همراه با سیب زمینی نخستین غذای متحصنین آماده می‌شود.
بدون تردید در اینجا باید گفت که سازماندهی و رهبری متحصنین با الهام از انجام مشاوره و شورائی آن بسیار استادانه است. به طوریکه آنها در نخستین شورا، اقدام به تشکیل کمیته انتظامات، کمیته تدارکات، کمیته انتشارات و تبلیغات، کمیته روابط عمومی و تیم تعقیب پرونده کرده و در عرض چند ساعت تمام کارها را به کمک خداوند راه انداختند.
در دو روز اول هزینه تدارکاتی تحصن با کمک نقدی حاضرین در تحصن تهیه شد ولی بعداً با توزیع پرسش‌نامه‌هائی، فرهنگیان و دانشگاهیان چند روز از حقوق خود را برای تدارک و تغذیه در تحصن اهداء کردند که خود یک نوع مشارکت عمومی در انقلاب به شمار می‌رود.
شاید این نخستین بار در ایران باشد که مردم برای دادخواهی، بر کاخ عدالت یک استان در این برهه انقلاب پناه آورده و در عین پناه و تظلم، بلندگوی خود را بر نرده‌های طبقه دوم (پله ها) با جرأت نصب می‌کند و آنگاه از این بلندگو به افشاگری بی‌سابقه می‌پردازند. مدیر کل

۵۶ – محل پزشکی قانونی در ساختمان دادگستری بود.

۵۷ – حسب روایت آقای بیت اله جعفری آقای حقیقت افشار گاهی پیش‌نماز می‌شدند.

دادگستری وقت، قضیه را زیاد جدی نمی‌گیرد. او با حاضر شدن در تحصن اعلام می‌کند که ما دستور تشکیل پرونده داده‌ایم و شما نمی‌دانم چرا در اینجا جمع شده‌اید و نمی‌گذارید ما کارهای‌مان را انجام دهیم. این حرف‌های مدیر کل دادگستری استان با اعتراض متحصنین و سخنرانی یکی از فرهنگیان و اساتید دانشگاه خنثی می‌شود. جالب اینکه چند لحظه بعد از این سخنرانی‌ها، کارکنان دادگستری که در طبقات بالای این سالن مشغول کار بودند با اعلامیه‌ای به متحصنین می‌پیوندند و در حقیقت دادگستری تسخیر می‌شود.

تیم تعقیب پرونده با همکاری قضات حقیقتاً نیکنامِ دادگستری موفق به کشف یک قطعه چک می‌شود که از حساب تشریفات استانداری بنام یکی از سر دسته‌های چماقداران صادر شده. پرونده به جریان می‌افتد. فرهنگیان و سایر متحصنین دسته دسته مشاهدات عینی خود را از ماجرای قداره به دست‌های روزهای ۳و۴و۵ در پرونده قطور ماجرا می‌نویسند. اگرچه این پرونده بعداً تعقیب نشد، ولی برد عمل پرونده بندی به قدری وسیع بود که درست در این لحظه تمام کسانی که بر علیه آنها اعلام جرم شده بود فرار را بر قرار ترجیح دادند.

کمیته انتشارات و تبلیغات با تهیه تلگراف‌های افشاگرانه، سران رژیم و کارگزاران و دست‌اندرکاران فراکسیون‌های فرمایشی مجلس شورا را از تحصن آگاه می‌سازند. هر صبح خبر روزهای تحصن و اقدامات جدید به روزنامه‌ها داده می‌شود و تعداد گروه‌هایی که اعلام همبستگی یا پشتیبانی می‌کنند لرزه بر اندام ایادی رژیم می‌اندازند.

کمیته تدارکات تحصن در تهیه ماحصر و آنچه از اصناف و بازاریان به عنوان هدیه (سیب و سایر میوه‌جات) می‌رسد به طور عادلانه تقسیم می‌کند.

شب‌ها تحصن حال و هوای دیگری است. بعد از شام برنامه هر شب، دیکلمه چند قطعه شعر ترکی توسط یکی از شعرای فرهنگی حاضر در تحصن آغاز می‌شود. خستگی ناشی از یک روز بست نشستن هر شب تحت الشعاع اشعار ترکی و بایاتی‌های انقلابی این شاعر قرار می‌گیرد[۵۸].

---

۵۸ – یکی از شعرای حاضر در آنجا بیت اله جعفری بود که خود می‌گوید: ... حقیر هم علیه شاه این شعر « قالخ ایاغا مسلمان ئولدی مبارزلرین» (برخیز ای مسلمان مبارزانت کشته شدند) و شعر های دیگر را می‌خواندم و ازجمله خطاب به تمثال شاه شعری را خواندم که دانشجویان دانشگاه ارومیه (همان دانشکده کشاورزی) با هدایت امیری

در برخی از شب‌ها یکی از روحانیون[۵۹] مبارز سخنرانی‌های انقلابی می‌کنند و این سخنرانی‌ها نیز که توأم با استیضاح رژیم است، چاشنی تحصن به شمار می‌رود.

بالاخره پتوها روی موزائیک‌های سرد سالن پهن می‌شود. عده‌ای تا پاسی از شب در گروه‌های چند نفری، اخبار روزنامه‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کنند و از صدای رادیوهای خارج از کشور، بُرد انقلاب اسلامی ایران را بررسی می‌کنند و آنگاه کمی استراحت و اذان صبح. این وضع تا ۱۶ شب (آخرین روز تحصن) ادامه می‌یابد.

از آنجائی‌که فعالیت فرهنگیان و سایر متحصنین در محدوه کاخ دادگستری متمرکز شده و امکان دارد رژیم و ایادی محلی آن، از این کار خرسند باشند که انقلابی‌ترین افراد جامعه خود را در کاخ دادگستری حبس کرده‌اند، لذا با توجه به این مهم، فرهنگیان فعالیت‌های خارجی خود را فراموش نکرده و برای متوجه کردن روستائیان زحمتکش این سامان که گول ایادی محلی رژیم را خورده بودند، بلافاصله اقدام تلافی جویانه می‌کنند تا با آگاهی دادن به آنها، آنها را متوجه موضوع کنند. برای این مهم با کمک عده‌ای از معلمان روستا، اعلامیه‌هایی به روستاها می‌فرستند و روستائیان عزیز را در جریان تحصن قرار می‌دهند.

[متن اعلامیه از زبان کشاورزان توسط ایادی رژیم تهیه و با هلی‌کوپتر در آسمان شهر رها می‌شود]

با شروع تبلیغات در روستاها، ایادی رژیم توسط یکی از هلی‌کوپترهای لشکر ۶۴، اعلامیه تاریخی زیر را خطاب به اهالی ارومیه در آسمان این شهر رها می‌کند و در آن روزهای تاریخی

از اساتید، عکس شاه را کندند و به زمین انداختند. (آسیوند زاده، مسعود، ***انقلاب اسلامی در ارومیه از ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱م تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۹ م.*** ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی، مهر ۱۳۸۴، دانشگاه اصفهان)

۵۹- از جمله روحانیونی که آمد و در تحصن سخنرانی کرد آیت اله قره‌باغی بود. وقتی ایشان صحبت کردند مردم دیدند با یک عالم وارسته و علمی و فقهی طرف هستند. آقای حسنی هم آمدند و صحبت کردند.(بیت‌اله جعفری)

سال ۲۵-۱۳۲۰[۶۰] را روزهای شوم قلمداد می‌کند و با لحنی تند از روز شنبه ۶ آبان سخن به میان می‌آورد (در این روز گفته شد که مردم انقلابی ارومیه با حمله به کافه رستوران‌ها، بانک‌ها و به آتش کشیدن آنها) لرزه بر اندام رژیم انداختند و اینک متن اعلامیه مزبور:

بسم الله الرحمن الرحیم

اهالی محترم و عزیز رضائیه

کمونیست[ها][۶۱] در اعلامیه‌های خود، ما را قداره به دست، چماق به دست و روحانیون گرام به ما دهاتی خطاب کردند. ما کشاورزان از بند اسارات نجات یافته‌ایم. برای خدمت به وحدت ملی بپا خواسته‌ایم و از آرمان‌های خود دفاع خواهیم کرد. کشاورز روستائی روزی ۳ بار و یا ۵ بار رو به درگاه خدا نماز می‌گذارد، به شما تلقین کرده‌اند که ما شهر را غارت خواهیم کرد. ای تجار محترم و اصناف گرامی؛ آنهائی شما را غارت و آتش خواهند زد که در روز شنبه ۱۳۵۷/۸/۶ اعمالی را که مشاهده نمودید انجام دادند. ما روزهای شوم سال‌های ۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴و۱۳۲۵ را فراموش نکرده‌ایم که پدران شما در شهر، از زن و بچه‌های ما در منازل خود پذیرائی کردند. ما کشاورزان در مقابل غارتگران از شما دفاع خواهیم کرد. شما همه بپا خیزید که روزهای شوم گذشته تکرار نمی‌شود.

فرهنگیان متحصن در سرسرای دادگستری در رابطه با پخش اعلامیه از هلی‌کوپتر رژیم به گروه انتشارات و تبلیغات مأموریت می‌دهد که اعلامیه‌ای هشدار دهنده به روستائیان تهیه کند و اعمال ناشایست روزهای ۳ و۴و۵ را دقیقاً تشریح کند که اهالی ارومیه این اعمال ناشایست را به حساب

---

۶۰ - اشاره به وقایع جنگ جهانی دوم ، (شهریور۱۳۱۸ـ ۱۳۲۴/ سپتامبر ۱۹۳۹ـ اوت ۱۹۴۵) و اشغال ارومیه توسط شوروی در شهریور سال ۱۳۲۰ و تسلیح اکراد و مسیحیان توسط آنان و حمله اکراد به روستاها که روستائیان به شهر پناهنده شدند. همچنین اشاره به تصرف ارومیه توسط فرقه دمکرات در آذرماه ۱۳۲۴ و غائله‌های مختلف آن دوران است. (برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به : قاسم‌پور، داود، ***انقلاب اسلامی در ارومیه***، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱ ص۲۳۵ تا ۲۹۱)

۶۱ - با توجه به جو مذهبی شهر ارومیه بهترین تاکتیک برای کوبیدن طرف مقابل و عوام‌فریبی تهمت و زدن مارک کمونیست و بی دین بود. لذا تنظیم کنندگان این اطلاعیه از این حربه در مطلع اعلامیه خود استفاده کردند.

روستائیان عزیز نمی‌گذارد بلکه از آنها تقاضا دارند که آلت دست ایادی رژیم جبار قرار نگیرند زیرا رژیم می‌خواهد با به جان هم انداختن شهری و روستائی چند صباحی بیشتر بیت المال را غارت کند.

و اینک متن اعلامیه جامعه معلمان:

(مبارزین راه آزادی و استقلال ایران، دهقانان را مالک واقعی و قانونی زمین‌هایی می‌دانند که در اختیار آنان است)

خواهران و برادران روستائی :

ما معلمان رضائیه با آگاهی کامل از این واقعیت که روستائیان شریف و زحمتکش، همیشه و در همه زمان‌ها همگام با سایر طبقات ملت برای مبارزه با هر گونه ظلم و بی‌عدالتی بپا خواسته‌اند و دوشادوش برادران شهری خود برای برچیدن بساط ظلم و ستم، رشوه، دزدی و چپاول بیت المال و سایر نابسامانی‌های اجتماعی مبارزه کرده‌اند. ما کاملاً بر این امر واقفیم که روستائیان عزیز ما به مبانی اسلام اعتقاد راسخ دارند و در طول تاریخ این مملکت همواره پیشگام مبارزات ملت برای حفظ و اشاعه دین مبین اسلام بوده‌اند. ما می‌دانیم که اگر جانفشانی‌های شما روستائیان مبارز نبود؛ نهضت مشروطیت ایران هرگز پیروز نمی‌شد. ما اعتقاد راسخ داریم که شما هرگز خود را از هموطنان شهرنشین جدا نمی‌دانید و هیچ عاملی نمی‌تواند شما روستائیان شرافتمند را بر علیه همرزمان شهر نشین بشوراند. ما به خوبی می‌دانیم که تظاهرات کذائی و فرمایشی روزهای سوم و چهارم و پنجم آبان از سوی گروهی معدود اما بنام شما روستائیان زحمتکش تمام شده و هدف غائی آن ایجاد تفرقه و نفاق بین صفوف مبارزین رضائیه بود. می‌دانیم که این افراد شناخته شده و عاملین خود فروخته که در روزهای نامبرده از هیچگونه فحاشی و توهین به مبانی دین مبین اسلام و مردم شرافتمند رضائیه ابا نکردند؛ روستائی نبودند. روستائی شریف هرگز به خواهران و برادران شهری خود اهانت نمی‌کند و آنها را به طرق مختلف تهدید نمی‌کند.

روستائی مسلمان و متدین شراب خوار نیست که در خیابان عربده بکشد و به ناموس مقدسات مذهبی مردم توهین نماید.

به شما روستائیان عزیز اطمینان می‌دهیم که ما هیچ کدام از این اعمال شرم آور و ننگین را به حساب شما نمی گذاریم و از شما انتظار داریم هوشیار باشید که اگر خدای نکرده افراد معدودی از جانب عمال حکومت فاسد در میان شما رخنه بکنند و بخواهند شما را با تهدید و تطمیع به این نوع کارهای ناشایست و وقیح وادار کنند و از صفوف پیوسته ملت ایران جدا سازند با قدرت هرچه بیشتر با این افراد خائن به ملت و دین مبارزه کنید و نگذارید که روستائیان وطن دوست ساده‌دل و شریف، آل دست آنان قرار گیرند.

عمال حکومتی می‌خواهند با پخش شایعات بی‌اساس در دل‌های شما وحشت بیندازند و با بجان هم انداختن شهری و روستائی به چپاول گری و غارت بیت المال مردم ادامه دهند.

نظر بر این که از طرف کلیه ملت ایران این هفته به عنوان هفته همبستگی ملی اعلام شده معلمان همگام با روحانیون مبارز دانشگاهیان، اصناف و وکلای دادگستری، کارمندان ادارات، دانشجویان و دانش‌آموزان از شما روستائیان شریف و زحمتکش دعوت می‌نمائیم که به صفوف منظم ما بپیوندید و در مبارزه ما برای برچیدن بساط ظلم و بی عدالتی و برای حفظ مبانی دین مبین اسلام با ما همگام و متحد شوید. پیروز باد همبستگی کلیه طبقات ملت ایران در راه نیل به استقلال و آزادی و آرمان‌های ملی.

جامعه معلمان رضائیه

رضائیه: نهم آبان ماه ۱۳۵۷

چهارمین روز تحصن فرهنگیان

در این روز علاوه بر کارهای افشاگرانه و تهیه و تکثیر اعلامیه‌های امام، دانشگاهیان ارومیه اقدام به تهیه یک تلگراف به متن فرانسه می‌نمایند که در آن از «ژیسگاردستن[۶۲]» رئیس جمهور فرانسه و ملت فرانسه وفاداری به شعائر ملی فرانسویان را خواستار می‌شوند و تأکید می‌نمایند که محدودیتی به فعالیت امام خمینی در نوفل لوشاتو ایجاد نکنند تا ایشان نهضت را رهبری کنند.

تلگرام دانشگاهیان رضائیه به رئیس جمهوری فرانسه

از کاخ دادگستری رضائیه
به: حضرت ژیسگاردستن رئیس جمهور فرانسه
کاخ الیزه–پاریس

۶۲ – «والری ماری رنه ژرژ ژیسکار دستن» متولد ۲ فوریه ۱۹۲۶ بیستمین رئیس جمهور فرانسه در ۳۲سالگی مشاور دولت، در ۳۶سالگی وزیر و در ۴۸سالگی (از سال ۱۹۷۴) رئیس جمهور فرانسه شد که این دوره تا سال ۱۹۸۱به طول انجامید. در کتاب «انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی» ص ۲۴۹ اشاره‌ای به خاطرات رئیس جمهور فرانسه نسبت به حضرت امام می‌کند که : «... درآن روز [ورود امام خمینی به پاریس] رئیس جمهور فرانسه والری ژیسکاردستن بود که سیل تلگرام‌ها از سوی ایرانیان به او در حمایت از آیت الله جاری بود. ژیسکاردستن بعدها در کتاب خاطراتش اشاره‌ای هم به اقامت آیت الله خمینی در پاریس کرده است. احسان نراقی کتاب ژیسکاردستن را خوانده است. راجع به ورود آیت الله خمینی به پاریس می‌گوید که ایشان روز ششم اکتبر ۷۸ [۱۳۵۷/۷/۱۳] از بغداد وارد می‌شوند و پاسپورت ایرانی داشتند و آن موقع هم ایرانی‌ها احتیاجی به ویزای فرانسه نداشتند، سه ماه می‌توانستند به اینجا بیایند و البته آن موقع می‌گوید آیت الله خمینی تردید داشتند که به الجزایر بروند یا به پاریس. گویا هواپیمای پاریس اولین هواپیمایی بود که پرواز می‌کرده از بغداد به خارج. در نتیجه آمده‌اند به پاریس و وزیر داخله هر روز به من روز به روز خبر وضع آقای خمینی را در پاریس و وضع افکار عمومی و اینها را می‌گفت ...». (دانشنامه انقلاب اسلامی، تاریخ ایرانی)

دانشگاهیان رضائیه که اینک به عنوان اعتراض نسبت به اوضاع سیاسی ایران در کاخ دادگستری رضائیه مدت چهار روز است به اعتصاب نشسته‌اند؛ اعلام می‌دارند که انتظار تمام قشرهای ملت ایران از دولت و ملت فرانسه وفاداری به شعار ملی خود (برادری، برابری، آزادی) نشان داده و محدودیت فعالیت‌های سیاسی رهبر مبارز مسلمانان ایران «حضرت آیت الله عظمی امام خمینی» رفع، تا ایشان بتوانند رهبری نهضت آزادی بخش خلق ایران را تا زمان پیروزی به انجام برسانند. دانشگاهیان رضائیه

پشتیبانی مجدد اصناف [و متن اعلامیه جامعه اصناف و پیشه‌وران ارومیه]

اصناف و پیشه‌وران ارومیه بعد از اعلام همبستگی با جامعه فرهنگیان و متحصنین در دادگستری برای دومین بار در محل محوطه دبیرستان دکتر علی شریعتی اجتماع می‌کنند و آنگاه طی قطعنامه بلندی مجدداً از فرهنگیان و متحصنین پشتیبانی می‌نمایند و خواسته‌های خود را با اعلام جرم به مقامات محلی رژیم و سلب اعتماد از نمایندگان مجلس‌های فرمایشی شورا و سنا، بیان داشته و با شعارهای کوبنده این محوطه را ترک می‌کنند.

متن اعلامیه جامعه اصناف و پیشه‌وران ارومیه

بسم الله الرحمن الرحیم

ما جامعه اصناف و پیشه‌وران رضائیه پیرو اجتماع پر شکوه مورخه ۵۷/۸/۷ که اینک در این محوطه آموزشی مقدس گرد هم آمده‌ایم با آگاهی و اطلاع کامل از اوضاع کنونی میهن‌مان قطعنامه زیر را اعلام و از کلیه مقامات مسئول در سطح شهر و مملکت که به نحوی از انحاء می‌توانند در برآورد خواسته‌های مشروع و قانونی ما را فراهم نمایند در اسرع وقت و به فوریت اقدام نمایند:

۱- کلیه جامعه اصناف و پیشه‌وران رضائیه مراتب همدردی و کمال پشتیبانی خود را از خواسته‌های مشروع و قانونی مراجع تقلید و جامعه روحانیت اعلام می‌داریم.

۲- با توجه و ارزیابی حوادث ننگین روزهای سوم و چهارم و پنجم آبان ماه سال پنجاه و هفت در این شهر، عده‌ای از اراذل و اوباش محلی و با دستیاری مزدوران دیگر که به

غلط در جامعه کشاورز عزیز ما با چوب و چماق و دشنه و کارد و داس و تبر جامعه شهری را مورد اهانت و ضرب و شتم قرار داده بودند تنفر شدید خود را اعلام، مصراً و به فوریت خواستاریم کلیه مسببین و محرکین این حادثه را در اسرع وقت طبق قانون اساسی مملکت به اشد مجازات برسانند و به جامعه اصناف معرفی نمایند. بدیهی است جامعه اصناف و پیشه‌وران با هوشیاری و درایت می‌دانند کشاورز داس به دست ستون فقرات شهر است. ما جامعه اصناف به کشاورزان عزیز و آگاه هم وطن درود می‌فرستیم و یادآور می‌شویم ای برادران کشاورز، دست اتحاد و اتفاق شما با دست‌های برادران شهری قرنهاست به هم قفل شده‌اند. ما می‌دانیم در روزهای یاد شده بالا اعمال ناشایست ملت کشاورزنما نمی‌تواند و نباید به نام شما دهقانان عزیز هم وطن ثبت گردد. ما می‌دانیم خواست شما برادران کشاورز با جامعه اصناف و روحانیت تمام ملت ایران یکی است و بدین جهت مجازات مسببین و محرکین این حادثه را شدیداً خواستاریم.

۳- جامعه اصناف رضائیه با توجه به مسئولیت ملی و میهنی خود مراتب پشتیبانی کامل و همبستگی خود را از خواست‌های مشروع و قانونی و به حق جامعه فرهنگیان رضائیه اعلام داشته و خواستاریم که هر چه زودتر دستگاههای مسئول نسبت به برآورد خواست‌های جامعه فرهنگیان عزیز رضائیه اقدام نمایند.

۴- جامعه اصناف و پیشه‌وران رضائیه مصراً خواستار آنند که تمام دستگاه‌های مسئول برابر قانون اساسی و متمم آن با احساس مسئولیت، حافظ جان و مال و ناموس شهر، الخصوص جامعه اصناف باشند. مسامحه و کوتاهی در این امر را شدیداً محکوم می‌کنیم.

۵- جامعه اصناف و پیشه‌وران رضائیه مراتب سپاس و تشکر و امتنان خود را از شما همکاران عزیز و سایر گروه‌های دیگر که با کمال شجاعت و از خود گذشتگی در برپائی و همبستگی خواست‌های بالا تاکنون همکاری و معاضدت نموده‌اید، سر تعظیم فرود می‌آوریم. بدین جهت اعلام می‌داریم در این اجتماع پر شکوه، ده نفر از نمایندگان خود جهت پی‌گیری و برآورد خواست‌های این قطعنامه انتخاب نماید.

۶- کلیه مجتمعین حاضر در این مکان مقدس آموزشی، مراتب پشتیبانی و تأیید کامل خود را از قطعنامه خوانده شده اعلام می‌داریم.

۷- فراهم آوردن شرایط مساعد جهت بازگشت حضرت آیت الله العظمی روح اله الموسوی الخمینی.

۸- لغو حکومت نظامی در سرتاسر کشور.

۹- آزادی کلیه زندانیان سیاسی بدون هیچ قید و شرط.

۱۰- بر کناری استاندار، رئیس شهربانی، فرماندار، فرمانده ژاندارمری.

۱۱- سلب اعتماد از نمایندگان مجلسین(علی نظمی، غلامعلی قاسمی، توتونچی افشار، کریم ورهرام)

۱۲- انحلال اتاق اصناف استان آذربایجان غربی

۱۳- انحلال ساواک

جامعه اصناف رضائیه

خیانت به اصطلاح روشنفکر

علی نظمی نماینده وقت مجلس شورای ملی فرمایشی شاه که در سنگر به اصطلاح فراکسیون آزاد به اربابان خود، خوش خدمتی می‌کرد یکی دیگر از ورشکستگان سیاسی در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به شمار می‌رود. او تا آخر انقلاب که هیچ وقت باور پیروزی آن را نداشت نتوانست خود را با انقلابیون حوزه انتخابیه خود تطبیق دهد. به طوری که هفتم آبان، درست روزهای تحصن فرهنگیان و اوج گیری مبارزات مردم قهرمان ایران در مجلس شورای ملی نطق «خیانت روشنفکرِ» خود را که تمام کلمات آن در خواب بودن ناطق ارزیابی می‌شود

ایراد می کند نطق او مانند صدای سخنرانی‌های «دانشی[۶۳]» معدوم و «بنی احمد» و «پزشکپور[۶۴]» که در حقیقت مأموریت نجات رژیم را با انتقادهای شدید بر عهده داشتند نبود بلکه او با کمال وقاحت انقلابیون شهر خود را مورد انتقاد قرار داده و عمل چماق به دست‌ها و برخی روستائیان فریب خورده را تظاهرات شاهدوستانه قلمداد می کند که با مقایسه دو خبر مندرج در یکی از روزنامه های عصر مفتضح ترین دلیل تاریخ ایران را در نیم قرن اخیر به زبان می آورد.

از آنجایی که روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۷۴۶ مورخه ۸ آبان ۵۷ در صفحه پارلمان، نطق نظمی را در زیر عنوان «مردم هشیار باشید نگذارید بنام آزادی جنایت کنند» چاپ کرد و این سخنرانی از رادیو رژیم نیز پخش شده است و ما برای این که در مسیر مبارزات مردم دخل و

---

۶۳ – غلامحسین دانشی متولد سال ۱۳۱۵ و نماینده دوره ۲۴ مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه آبادان بود. شیخ غلامحسین دانشی در حوزه آبادان طلبگی را آغاز نمود و در سال ۱۳۳۰ ملبس شد. وی از آبادان به مجلس شورای ملی وارد شد و پس از انقلاب در اسفند ۱۳۵۷ اعدام شد. با صدور فرمان امام خمینی مبنی بر تعطیلی مجلس شورای ملی برای همراهی با انقلاب، برخی از اعضای مجلس به مخالفت با این امر می‌پردازند و غلامحسین دانشی خطاب به امام خمینی اعلام می کند: ما اجازه تعطیلی مجلس را نمی‌دهیم و به این یاوه گویی‌ها و حرکت خرابکاران در خیابان پاسخ می‌دهیم. بر اساس همین گفته‌های دانشی، شهید حسین علم الهدی و یکی از دوستانش در قالب «سازمان موحدین» اقدام به ترور دانشی در یکی از خیابان‌های تهران می کنند. هر چند او از این حادثه جان سالم بدر برد لکن در روز ۲۲ اسفند ۱۳۵۷، به همراه ده نفر از عوامل رژیم پهلوی به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تهران تیرباران شدند.

۶۴ – محسن پزشکپور متولد ۲ اسفند ۱۳۰۶،تهران،از بنیانگذاران حزب پان ایرانیسم. وی یکی از معروفترین نطق هایش را در مخالفت با استقلال بحرین در مجلس شورای ملی ایراد کرد. پس از انقلاب اسلامی چند سالی را در خارج از کشور گذراند. از همان دوره تحصیلات ابتدایی کوشش‌های میهن پرستانه‌اش را آغاز کرد و به همراه دوستانش، با امضای پیمان نامه‌ای در راه اقتدار شاهنشاهی ایران گام برداشتند. در سال ۱۳۲۶ به همراه چندین تن از یاران دیگر، مکتب پان ایرانیسم و در پی آن در سال ۱۳۳۰ حزب پان ایرانیست را بنیان گذارد و به عنوان عضو کمیته عالی رهبری، به اداره حزب پرداخت و با نام پان ایرانیستی «پندار» فعالیت کرد. وی عضو هیأت رییسه کانون وکلای دادگستری بود و در دوره های ۲۲ و ۲۴ مجلس شورای ملی، به نمایندگی از مردم خرمشهر به مجلس راه یافت. وی یکی از معروفترین نطق هایش را در مخالفت با استقلال بحرین در مجلس شورای ملی ایراد کرد. پس از انقلاب اسلامی چند سالی را در خارج از کشور گذراند. در سال ۱۳۷۰ بار دیگر به ایران بازگشت. پزشکپور ساعت ۵ عصر روز پنجشنبه ۱۶ دی سال ۱۳۸۹در تهران در پی بیماری طولانی درگذشت.

تصرفی نکرده باشیم اقدام به آوردن قسمتی از متن مندرج در این روزنامه می‌کنیم زیرا اعتقاد داریم که این خود نوعی تاریخ منطقه است.

نظمی در این نطق خود ضمن اشاره به مبارزات مردم در مشروطیت عمل حمله به کتابخانه کودک در شهرها و شکستن شیشه‌ها را وقیحانه می‌داند و ... آنگاه ضمن اشاره به شماره ۱۰۵۹۶ چهارم آبان یکی از روزنامه‌های[۶۵] عصر آن زمان در صفحه ۲ می‌گوید: تظاهرات مربوط به حوزه انتخابیه خودم است و تظاهرات رضائیه به مناسبت میلاد شاهنشاه (رضائیه خبرنگار آن روزنامه عصر): از ساعت ۵/۵ بعدازظهر دیروز عده زیادی به مناسبت میلاد شاهنشاه آریامهر در خیابان‌های رضائیه به راه افتادند و با دادن شعارهای جاوید شاه، پاینده ایران، شهر را دور زدند. به دنبال این تظاهرات که تا ساعت ۱۲ دیشب ادامه داشت صبح امروز نیز تظاهر کنندگان در شهر به راه افتادند و در ساعت ۹/۵ عده زیادی از روستائیان اطراف رضائیه در حالی که پرچم ایران در دست داشتند با مینی‌بوس و تراکتور وارد شهر شدند و به صف تظاهر کنندگان پیوستند. گروههایی از مردم رضائیه نیز با روشن کردن چراغ‌های اتومبیل‌ها و با تمثال‌های اعلیحضرتین در مسیر خیابان‌ها به حرکت پرداختند.

در میدان ششم بهمن[۶۶] رضائیه چهار قربانی ذبح شد. قرار است به مناسبت ۴ آبان، امروز بعدازظهر در قریه «قوتولی» و چند قریه دیگر از قراء رضائیه چند گاومیش ذبح شود و اهالی این قراء مردم رضائیه را برای شرکت در جشنی که برپا خواهند کرد دعوت کردند.

علی خان آنگاه تأیید می‌کنند که: این خبر البته از قول خبرنگار رضائیه است که گوشه کوچکی از حماسه بسیار بزرگ وطن پرستی و شاهدوستی مردم رضائیه را نشان داده است. در حالی که واقعیت خیلی بیشتر و بزرگتر و احساس برانگیزتر از این بود که نوشته شده است.

وی آنگاه در همان شماره روزنامه به صفحه ۴ اشاره می‌کند و می گوید: تحت عنوان تظاهرات در چند شهر می‌خوانیم چماق به دست‌ها به کسبه رضائیه حمله کردند. امروز قبل از ظهر جمعی از روستائیان که توسط جمعی تحریک شده بودند به شهر رضائیه هجوم آوردند و به مغازه‌های مردم حمله کردند و به شکستن و در هم کوبیدن اثاث و اموال مردم پرداختند. به روستائیان

۶۵ – اشاره به روزنامه کیهان است.

۶۶ – میدان انقلاب (ایالت)

تحریک شده گفته بودند که دوباره جمعی از اربابان و مالکان عمده قدیمی می‌خواهند زمین- هایتان را از شما پس بگیرند و باید با آنها مقابله کنید. امروز بر اثر هجوم این گروه روستائیان تحریک شده کسبه از ترس، مغازه‌های خود را بستند. شهر به صورت تعطیل درآمد. هجوم و تخریب مهاجمان تا این ساعت؛ ۱۲ ظهر ادامه دارد و آنها با چوب و چماق به مردم و کسبه حمله می کنند.

نظمی خان آنگاه با قرائت‌های این دو خبر، استدلال این چنین می‌کند و مجلسیان هم گوش می‌دهند. او اضافه می کند : می گویند درغگو حافظه ندارد. اگر روستائیان طبق خبر اصلی و قبلی که به خدا قسم واقعیت است ولی حتی یک دهم آن هم گفته نشده است در روز چهارم آبان با در دست داشتن پرچم‌های ایران و تمثال‌های شاهنشاه برای پایکوبی به صف شهروندان پیوسته‌اند و قربانیانی ذبح کرده‌اند و شهریان را به جشن‌های خود در روستا دعوت کرده‌اند، پس کی چوب و چماق به دست گرفته‌اند و به کسبه حمله کرده‌اند اصلاً چرا کسبه را زدند. کسبه که مالکین سابق نبودند تا ملک‌شان را از دستشان بگیرند، چرا به مالک سابق حمله نکردند و چرا در این حادثه حتی از دماغ کسی خون نیامده است؟ البته نا گفته نگذاریم که خبری مأخذ نوشته شده و از قول خبرنگاران رضائیه هم نیست و ساخته و پرداخته همان کسانی است که مفهوم آزادی را نفهمیده و از ساختن خبرهای جنجالی لذت می‌بردند. امیدوارم که تعمداً این قبیل از کارها را نمی‌کنند و ان شاء الله وفادار مشروطیت و یکی از ارکان آن هستند.

در اینجا علی خان اعتراض خود را به همشهریان خود چنین بیان می‌کند:

ولی آنچه مهم است مراجعات و تلگرافات و تلفن‌های بی شمار مردم رضائیه است که علاوه بر اعلام مراتب جانبازی خود در راه شاهنشاه آریامهر با این قلب ماهیت و اهانت بزرگ و وحشی جلوه دادن آنان شدیداً معترض بوده و از من خواسته‌اندکه علیه روزنامه فوق الذکر اعلام جرم بکنم ولی من اعلام جرم نمی‌کنم و در این فضای باز مجرمیت هر کس را به اعمال و قضاوت تاریخ وا می گذارم. نظمی از روزنامه مذکور می خواهد که از مردم رضائیه عذر خواهی نماید.

نظمی آنگاه استدلال دیگر از واقعه ۵۷/۸/۶ می‌کند و می گوید: ... و اما شنیدنی است فردای آن روز یعنی ششم آبان ماه به تلافی این جشن ملی و شادمانه مردم عده‌ای به سرپرستی افراد شناخته شده در شهر راه افتاده و آنچه در مسیر خود دیدند اعم از هتل و رستوران و بانک و کتابخانه و

مهدکودک و کاخ جوانان و اطلاعات جهانگردی و ادارات و مغازه‌ها را به آتش کشیده و درهم کوبیدند. زهی افتخار، مردمان میهن پرست و شاه‌دوست از آزادی به عنوان جشن و پایکوبی و ذبح قربانی و شعارهای میهنی استفاده می‌کنند و افراد شناخته شده در تمام مملکت با برنامه یکسانی که دارند و ندانسته عامل بیگانگان و مهره‌های شطرنج بین المللی هستند فقط آتش می‌زنند، می‌سوزانند و تخریب می‌کنند. چه به ایران فکر می‌کنند. چون ایران در هر شرایطی و با هر حکومتی که باشد بالاخره نباید ثروت‌های ملی و موزه‌ها و اماکن عمومی خود را از دست بدهد ولی کو رهنما و گوش شنوا؟ چه بسا این صحبت من مثل صحبت قبلی خشم عده‌ای را برانگیزد و مورد تهدیدهای مجدد قرار بگیریم.

این لاطائلات و خزعبلات به اصطلاح نماینده مردم ارومیه در مجلس شورا خشم و نفرت مردم قهرمان ارومیه را بیش از پیش برانگیخت. در دیوارها شعار مرگ بر نظمی نوشته شد و در شعارها به شدت مبارزات و وابستگی این به اصطلاح ارومیه‌ای را که دقیقاً از نواده‌های دختری «امام قلی میرزا[۶۷]» آن بازمانده «قجر» در شیشوان آذربایجان شرقی به شمار می‌رفت، بر رژیم نشان داد و نفرت مردم را برانگیخت. از آنجایی که سایر هم‌وطنان از رادیو و روزنامه‌های وقت سخنرانی‌های این وکیل بی موکل را شنیده و یا خوانده بودند، ما وظیفه می‌دانیم که حداقل اعلامیه جامعه وکلای دادگستری این شهر را در این رابطه بیاوریم و امیدواریم که بقول خودش قضاوت تاریخ را حداقل دریابد.

---

۶۷ – امامقلی میرزا فرزند ملک قاسم میرزا نوه فتحعلی شاه قاجار و ارباب شیشوان، از توابع مراغه بود. ... از برکت نسب عالی‌اش حکومت شهرهای آذربایجان به او ارزانی شده بود.اوژن اوبن جهانگرد و سیاح فرانسوی، در مورد دیدارش با امامقلی میرزا می‌نویسد: «... امامقلی میرزا در زمین ملکی‌اش (شیشوان) اقامت می‌کند. درآمد عمده وی از ممر عایدی هفده پارچه روستا که در جلگه میاندوآب دارد، حاصل می‌گردد...او انحصار کشتی رانی روی دریاچه ارومیه را در اختیار خود دارد و قایق‌ها در میان جزیره‌ها رفت و آمد می‌کند...» (بیگ باباپور، یوسف، غلامیه، مسعود، ***دیباچه بیاض شاهزاده امامقلی میرزای قاجار***، پیام بهارستان، فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون، دوره دوم ، سال چهارم، شماره چهاردهم، بخش اول، زمستان ۱۳۹۰، ص ۳۷۵– ۳۶۷، به نقل از وبلاگ شخصی آقای مسعود غلامیه)

اعلامیه شماره ۲ جامعه وکلای دادگستری رضائیه

مردم قهرمان رضائیه

همه شما در روزهای سوم، چهارم و پنجم آبان ماه سال جاری که منتهی به تجاوز به حقوق مردم بی‌گناه از جمله هتاکی، کتک‌کاری، تخریب، اهانت به مراجع عالیقدر تقلید، قداره کشی، شمشیربندی زورگوئی، قدرت نمائی با چاقو، تظاهرات مستانه که همه این اعمال خلاف قانون و دارای وصف جزایی هستند، ناظر و شاهد بودید این اعمال وسیله عده‌ای که توسط عوامل شناخته شده دولتی تحریک و هدایت می‌شدند، ارتکاب یافت که می‌خواستند وانمود کنند آنان دهقانان شریف و آزاد رضائیه هستند. گرچه دست توطئه‌گران برای شما مردم آزاد رو شده و مقامات مسئول نیز بدان اذعان دارند و عکس‌های موجود و پرونده‌های متشکله در دادگستری مؤید و مبین صحت ادعای شماست ولی علی نظمی که با اتکاء قدرت دولتی تکیه بر کرسی نمایندگی شما در مجلس شورای ملی زده است بجای آنکه حافظ و مدافع حقوق پایمال شده شما باشد با کمال جسارت و بدون اندک احساس مسئولیت و برای تثبیت موقعیت متزلزل خود جز تحریف حقایق و واقعیت‌ها و پشت نمودن به شما مردم قهرمان که برای بدست آوردن آزادی و اجرای عدالت بپا خواسته‌اید راهی پیدا نکرده علناً و بر خلاف حق واقع و مغایر اصول مسلم اخلاقی در مجلس شورای ملی دروغ‌های بهم بافته قداره بندی، تظاهرات مستانه، قدرت نمائی با چاقو تهدید و ارعاب، فحاشی، تخریب و بالاتر از همه اهانت به مقام والای پیشوایان دینی حضرت آیات عظام امام خمینی و سایرین را تظاهرات ساده شادمانه دهقانان آزاد اعلام داشته است.

در این لحظات حساس از تاریخ که کلیه طبقات مردم اعم از آموزگار و دبیر، دانشگاهی، کارمند، کسبه و اصناف و روحانیت مسئول، وکلای دادگستری در یک صف متحد برای اعلام نفرت و انزجار از اعمال ننگین قداره بندان، چماق به دستان بپا خواسته‌اند و متحد القول و البیان برکناری مسئولین فجایع تدوین و تکوین یافته را خواستار شده‌اند، اگر نظمی کوچک‌ترین احساس مسئولیت در مقابل مردم، قانون و وطن می‌نمود، لازم می‌آمد بجای این یاوه‌ها و اهانت به اجتماع متحد و یک شکل همه

مردم رضائیه در مجلس شورای ملی، حقایق را اعلام و ستمی را که به مردم رفته است افشاء می‌نمود.

با توجه به نطق ایشان در مجلس چون صف وی مشخص و وابستگی بی چون و چرای او به دستگاه استبداد و اختناق و قیام بر ضد آزادی و عدالت و استقلال و قانون اساسی محرز و مسلم گردیده، وکلای دادگستری رضائیه ضمن ابراز نفرت و انزجار، حمایت بی دریغ خود را از قطعنامه اصناف شریف و فرهنگیان رضائیه اعلام و سلب اعتماد خویش را از وکلای فرمایشی به اطلاع مردم شریف و آزاده رضائیه می‌رساند. واقعاً جای تأسف است در شرایطی که بنی احمدها[۶۸] و پزشکپورها و سایر آزادگان خانه ملت جان به کف در راه نیل به آزادی می‌کوشند، نمایندگان ما این چنین به خدمت استبداد، مستظهر و معتقد باشد. پیروز مردم قهرمان رضائیه در راه کوتاه کردن دست عوامل ارتجاع. جامعه وکلای دادگستری رضائیه

[۶۸] – احمد بنی‌ا حمد به سال ۱۳۰۸ش در تبریز به دنیا آمد. دوره ابتدایی را در تبریز و تحصیلات دوران دبیرستان را در شهرهای خوی و تبریز به پایان رسانید و در رشته قضایی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت. او مدت‌ها در مدارس آذربایجان معلم، مدیر و ناظم بود. در ۱۳۳۷به حزب «مردم» پیوست و در نوشته‌های مختلف خود، رژیم پهلوی را به انحای گوناگون، تمجید و ستایش کرد و در کتابش ***پنج روز رستاخیز ملت*** به تمجید از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ پرداخته آن را قیام ملی نامید. او به مدت سیزده سال وکیل دادگستری بود. وی همچنین عضو هیئت امنای بنیاد فرهنگی رضا پهلوی در آذربایجان شرقی بود. مجموعه حکومت از عملکرد و فعالیتها و موضع گیری‌های او در شئون مختلف سیاسی و اجتماعی کشور رضایت خاطر داشت و انتقادات گاه و بیگاه او را به مثابه سوپاپ اطمینانی برای تقویت موقعیت حاکمیت پهلوی تلقی می‌کرد. مهم‌ترین دوران حیات سیاسی احمد بنی‌ا حمد با تأسیس حزب رستاخیز در اسفند ۱۳۵۳و عضویت او در این حزب سپس انتخابش به عنوان نماینده مردم تبریز در دوره ۲۴ مجلس رستاخیزی شورای ملی آغاز شد. او به عنوان نماینده‌ای پرجنب و جوش و تا حدی حاشیه ساز و در حالی که کماکان مورد اعتماد حکومت بود، تا واپسین دوران عمر رژیم پهلوی در این مقام ماند. (شاهدی، مظفر، ***جاسوسان کا. گ. ب در ایران، وکیل جاسوس ـ احمد بنی‌ا حمد*** ، فصل نامه مطالعات تاریخی، پائیز ۱۳۸۶، شماره ۱۸ ص۱۰ الی ۴۳)

در روزهای خاطره انگیز تحصن هر نوع خبری که از حوادث شهرستان‌های تابع استان بدست می‌آید و یا ایادی رژیم تضییقاتی بر انقلابیون بوجود می‌آورند و هرگونه مسائل بیرونی و جامع در رابطه با تحصن و توطئه‌های احتمالی در (شورای تحصن) که متشکل از ۲۵ نفر نماینده فرهنگیان و ۴ نفر نماینده استادان دانشگاه و ۳ نفر نماینده دانشجویان می‌باشد، بعد از تبادل نظر و بررسی دقیق به عرض متحصنین می‌رسد. بلندگوی تحصن لحظه‌ای خاموش نمی‌شود. سخنرانی‌ها، افشاگری‌ها، مقالات و بالاخره همبستگی و پشتیبانی سازمان‌ها و گروه‌ها و آنگاه درود از ناحیه متحصنین، حقیقتاً لحظات فراموش ناشدنی است. سخنرانی علی نظمی در مجلس با همان کیفیتی که در صفحات پیش آوردیم از رادیو پخش می‌شود، موج اعتراض توأم با نفرین، سالن تحصن را به لرزه در می‌آورد. سبدهای گل بعد از قرائت اعلامیه همبستگی و پشتیبانی گروه‌های تازه رسیده، به قسمت پائین کاخ دادگستری حمل می‌شود. سبدهای پر از گل گلایل و میخک، سرسرای ورودی تحصن را زیبایی شاعرانه بخشیده است. آنگاه در دیوارهای در ورودی اسامی گروه‌های همبستگی کننده، همراه با نام اداره مربوطه نوشته شده است. زیر پله‌های سالن، محل کمیته تدارکات است. یکی از فرهنگیان صدیق ارومیه که بعدها سمت مدیر کلی آموزش و پرورش[۶۹] را نیز بر عهده داشت با کیفیتی خاص با همان تنظیم اولیه هزینه، تحصن را تغذیه می‌دهد و هر چند گاه از پشت تریبون تحصن، متحصنین را به پایداری و استقامت دعوت می‌کند و از کمک‌های نقدی و جنسی اصناف مبارز ارومیه به تحصن تشکر می‌کند. از ویژگی‌های تحصن هر چند نوشته شود بلاشک کم است زیرا بزرگترین وحدت است که به جرأت می‌توان گفت که در تاریخ مدون این مرز و بوم از وجود نظیرش کمتر می‌توان سراغ یافت.

---

۶۹ – اشاره است به آقای علی حقیقت افشار. ایشان متولد ۱۳۰۶ بوده و بعد از هوشنگ قائلی در تاریخ ۵۸/۲/۴ به سمت مدیرکلی آموزش و پرورش درآمد و سپس به عنوان نماینده مردم ارومیه به اولین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافت. وی در تاریخ ۷۷/۹/۲۵ فوت نموده است.

چهارمین روز تحصن

جامعه فرهنگیان ارومیه که برای تأمین خواست‌های خود در سرسرای دادگستری متحصن شده‌اند، دیشب را نیز در دادگستری گذراندند و وارد چهارمین روز تحصن خود شدند.
نمایندگان دانشگاهیان، اصناف، دانشجویان در میان فرهنگیان در سرسرای دادگستری بست نشسته‌اند. دیروز ۱۶ نفر از کارکنان اداره کل کشاورزی و نه نفر از کارکنان اداره کل امور اقتصادی و دارائی با صدور اعلامیه‌ای همبستگی خود را با فرهنگیان رضائیه اعلام داشتند.
همچنین نمایندگان فرهنگیان خوی، نقده، اشنویه با اعلام همبستگی با فرهنگیان ارومیه در کاخ دادگستری بست نشستند.
اعضای انجمن شهر ارومیه[۷۰] نیز بعد از ظهر دیروز ضمن اعلام همبستگی با فرهنگیان ارومیه به اتفاق شهردار[۷۱] ارومیه به میان متحصنین رفتند و نمایندگان آنان در کاخ دادگستری ماندند.
کمیته انتشارات و تبلیغات ضمن مراجعه به سازمان رادیو تلویزیون مرکز ارومیه از رئیس جدید این سازمان[۷۲] که قبلاً رئیس رادیو تلویزیون سنندج بود خواستند که از تحصن فرهنگیان ارومیه فیلمی تهیه و پخش کنند. اعضاء ۵ نفری این کمیته سپس به دفتر خبرگزاری پارس در ارومیه رفته و با ارائه بیانیه فرهنگیان خواستار درج کامل بیانیه فرهنگیان شدند.

---

۷۰ – طبق اسناد موجود در شهرداری اعضا عبارت بودند از : آقایان دکتر قوام، دکتر اشخاصی، محمد رضا کرمی، فیروز مشفقی، ابراهیم رضازاده، اسداله مؤید، رضا هادیان، حسن آزاد، کاظم نخجوانی، تقی برنجی، عادل آقایی، قدرت اله جعفری. اما چند نفر از این افراد به دادگستری آمده باشند مشخص نیست. البته آقای جعفری خود از متحصنین بوده است.

۷۱ – فریدون افشار تا آبان ۵۷ شهردار بوده و حسب تحقیق آقای پرویز عقلمند آقای پیام یار کفیل شهرداری بودند که اینجا گفته اند شهردار.

۷۲ – آقای شکرالله بابان اولین مدیر کل صدا و سیمای ارومیه بودند که بعد از ایشان خانم رحیمی و سپس در اوایل انقلاب آقای عباس میرآفتابی مسئولیت را بر عهده داشتند.(به نقل از آقای ابراهیم معلم از کارمندان صدا و سیمای مرکز آذربایجان غربی که جزو اعلام همبستگی کنان به افراد متحصن در دادگستری بودند. آقای معلم فرزند علیقلی از معارف ارومیه و متولد ۱۳۲۲ می باشند)

نقل از بولتن خبرگزاری پارس ۵۷/۸/۱۰ پزشکپور در چهارمین ماده تذکر نامه خود به رئیس مجلس فرمایشی شورای ملی نوشت: شهر رضائیه به سبب انجام چنین برنامه‌هایی (چماق به دست‌ها) که آشکارا از طرف دولت حمایت شده است دچار تعطیل عمومی است. ۳ روز تمام است که کلیه فرهنگیان، دانشگاهیان، وکلای دادگستری، بازرگانان، روحانیون، پیشه‌وران و دیگر وجوه طبقات مردم شهر در ساختمان دادگستری در تحصن می‌باشند و همه مصرانه خواستار برکناری مسئولان امر که سبب ایجاد این حوادث بوده‌اند می‌باشند و در پایان تذکر نامه ۷ ماده‌ای از دولت تقاضای تعقیب مسئولین را می‌کنند.

پنجمین روز تحصن

بعد از قرائت تذکر نامه پزشکپور، ناگهان صلوات بلند متحصنین فضای سالن را پر می‌کند و آنگاه یک روحانی پیر در میان موج صلوات وارد تحصن می‌شود. او سیدی بسیار پیر ولی بسیار مبارز بود رژیم او را به ارومیه تبعید کرده بود و او در میان متحصنین چند لحظه‌ای بود ولی سپس از تحصن بیرون برده شد. این سید، «اصفهانی ساداتی[۷۳]» نام داشت. در اینجا یکی از اساتید دانشگاه پشت تریبون می‌رود. وی سپس اضافه می‌کند ایادی رژیم با یکی از روحانیون مبارز بحث می‌کند. این روحانی مبارز می‌گوید، اگر تبعیدم کنید که سیاحت است. اگر زندانیم بکنید استراحت است و اگر بکشید که شهادت است چرا باید از شما بترسم.

۷۳ – این روحانی پیر ۸۵ ساله سادات الحسینی اهل جهرم است و به اشتباه اصفهانی ساداتی ذکر شده است.(به نقل از پایان نامه آقای آسیوندزاده) البته در اسناد ساواک از یک روحانی به نام حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدرضا اصفهانی محل سکونت جهرم محل تبعید مهاباد (۹۰ ساله) یاد شده است. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۶ ص ۴۷۳)

روز شمار انقلاب در تحصن

(۱۰ آبان ۵۷) تعداد زیادی از اهالی تهران به دیدار آیت الله طالقانی می شتابند، با شاخه ای گل آزادی آیت الله طالقانی را تبریک می گویند و آنگاه آیت الله طالقانی جلو منزل خود به حاضرین سخنرانی تاریخی می کند.

(۱۱ آبان ۵۷) کارتر رئیس جمهور امریکا شدیداً از شاه معدوم حمایت می کند. امام خمینی طی اعلامیه‌ای به ملت هشدار می‌دهند و یاد آور می‌شوند که چگونه ارباب از نوکر حمایت می کند. چیزی که مهم است آنست که شاه و دودمانش باید سرنگون شود و این خواسته ملت ایران است.

نقش خواهران در تحصن

جلوی در ورودی دادگاه جنائی استان که مشرف به سالن اجتماعات و محل متحصنین است، محل تحصن خواهران مبارز اعم از آموزگار، دبیر، دانشجو و استاد دانشگاه است. آنها با حجاب زیبای اسلامی در این گوشه تحصن، شاهد و همگام مبارزات متحصنین هستند ولی به علت کمی جا از تحصن آنها در شب‌ها عذرخواهی شده است. ضمناً بعد از بحث مفصلی از نماینده خواهران خواسته شد که در روزه سیاسی شرکت نکنند و این عمل مورد موافقت آنها قرار گرفت.

از آنجائی که یکی از خواهران متحصن در روزهای تحصن با یکی از برادران متحصن پیوند ازدواج بستند و خبر عقد ازدواج این دو فرهنگی آن هم از نوع مبارزترین فرهنگیان، گوش به گوش می گشت؛ یکی دیگر از جالب‌ترین ویژگی‌های موجود در بطن تحصن است و از عظمت تحصن هرچند گفته شود باز هم کم است زیرا در فضای اسلامی و سالم آن نه تنها «درود بر خمینی»، «نفرین بر فلان‌ها»، «صحیح است‌ها» آذین لحظات است بلکه اخوت اسلامی و عشق و علاقه به یکدیگر از همان روزهای اول حالت‌های روحانی حاکم بر تحصن را بیان می کند.

۱۱۴ گروه از سازمان‌های دولتی استان گرفته تا رؤسای ایل و سران اقوام مرزی در این تحصن فرهنگیان و دانشگاهیان را حقیقتاً با تأیید خود شرمنده کردند. آنها با این عمل انقلابی و اعتماد

بر فرهنگی و دانشگاهی را تجدید کرده و مسیر مبارزات حق طلبانه مردم این سامان را که در مسیر یک انقلاب اسلامی بود معین کردند که نتیجه اثر، سست شدن پایه‌های رژیم سفاک و بالاخره ریختن این پایه هاست. ولی چون تاکنون وسیله‌ای جهت تشکر و قدردانی از این اعتماد و تائید همبستگی کنندگان در دست نبود بدین وسیله ما در این مجموعه که حکم تاریخ یک منطقه را نیز دارد به قدر توانائی از مشارکت آنها در تحصن نام می‌بریم و اگر در اثر دسترسی نداشتن برخی از اسناد نتوانستیم اعلامیه‌های آنها را در اینجا بیاوریم معذوریم.

قطعنامه دانشگاهیان دانشگاه آزاد منطقه رضائیه

قطعنامه مشترک هیات‌های علمی، اداری و فنی و دانشجویان مراکز آموزشی منطقه رضائیه [و] دانشگاه آزاد ایران در چهارمین روز برگزاری هفته همبستگی ملی

ما اعضای هیاتهای علمی، اداری و فنی و دانشجویان مراکز آموزشی دانشگاه آزاد منطقه رضائیه ضمن قبول قطعنامه‌های مرکز دانشگاه آزاد ایران در هفته همبستگی ملی پیوستگی خود را با سازمان ملی دانشگاهیان ایران و پشتیبانی کامل خود از تمامی خواست‌های برحق جامعه فرهنگیان و دانشگاهیان رضائیه اعلام می‌داریم و ضمن محکوم نمودن اعمال غیر انسانی عده ای مزدور شناخته شده خواستاریم :

۱. عزل و مجازات آمرین و عاملین فجایع روزهای سوم، چهارم و پنجم آبان ماه در رضائیه
۲. تضمین عدم تکرار تظاهرات فرمایشی و نمایشی جمعی اوباش و چماق به دست در سطح ایران و از جمله رضائیه که هدف آن ایجاد هرج ومرج ساختگی است.
۳. لغو حکومت نظامی به فوریت
۴. آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی ایران
۵. آزادی کامل قلم و بیان
۶. آزادی نویسندگان

دانشگاهیان دانشگاه آزاد منطقه رضائیه

اعلام همبستگی کارکنان اداره امور اقتصادی و دارایی استان

به تاریخ ۵۷/۸/۸

مقام محترم دادستان شهرستان رضائیه

احتراماً به پیروی از مفاد اعلام جرم مورخ هفتم آبان ماه سال پنجاه و هفت شمسی جامعه معلمان شهرستان رضائیه که خود اینجانبان نیز در روزهای چهارم و پنچم آبان ماه پنجاه و هفت در معابر و خیابان‌های این شهر ناظر و شاهد عینی اعمال ناشایست عده‌ای اوباش که از طرف مسئولان انتظامی شهر اعم از استانداری و فرمانداری و شهربانی با فراهم کردن تظاهرات کذائی که از نظر سیاسی و اجتماعی و اخلاقی در پست‌ترین درجه بوده است و افراد بی خبر اجیر شده را با تطمیع مأموران با داس و تبر و چوب و چماق و قمه و قداره و دشنه و کلنگ به منظور غارت و بهم زدن نظام عمومی و تمام اصول انسانی به شهر سرازیر کرده بودند و از هیچ گونه اهانت به تمام قاطبه رضائیه دریغ نداشتند، در صورتی که این گروه افراد اوباش از جانب مأموران انتظامی و مسئولین امر شدیداً برای اعمال ناشایست و خلاف انسانی تشویق می‌شدند. لذا اینجانبان امضاء کنندگان ذیل، کارکنان اداره امور اقتصادی و دارایی رضائیه به این گونه اعمال خلاف قانون و اصول انسانی شدیداً اعتراض کرده و به علت اینکه قانوناً:

۱. تهدید مردم و بهم زدن نظام عمومی
۲. حمل چاقو و قمه و قداره و قدرت نمائی با هر گونه اسلحه سرد و گرم
۳. توهین به مقدسات دین مبین اسلام و مراجع عالی قدر دینی
۴. کشتار و کتک زدن مردم
۵. توهین به زنان و مردان و وادار کردن آنان به عنف و جبر برای شعار دادن و روشن نمودن چراغ ماشین
۶. بوق زدن تا پاسی از شب در خیابان‌ها و جلو بیمارستان‌ها و سلب آسایش عمومی
۷. ورود هرگونه تراکتور و تریلی و لودر به طور دسته جمعی به خیابان‌های شهر
۸. حمله به مساجد و مراکز دینی و منازل روحانیون

۹. کتک کاری و هتک حرمت دستگیر شدگان در مراکز انتظامی

قانوناً جرم بوده و قابل تعقیب کیفری است؛ بدین وسیله با تقدیم این بیانیه خواستار تعقیب قانونی مسببین یعنی استاندار، فرماندار، رئیس شهربانی‌های آذربایجان غربی هستیم و بدین وسیله همبستگی کامل خود را در این مورد با جامعه معلمان رضائیه اعلام می‌داریم. مضافاً بر این که از سه نفر وکلای مجلس شورای ملی و یک نفر سناتور آذربایجان غربی که در این جریانات مهر سکوت بر لب زده‌اند اظهار تأسف و سلب اعتماد می کنیم.

کارکنان اداره امور اقتصاد و دارائی رضائیه

دادستان محترم شهرستان رضائیه

ما کارکنان اداره کل غله استان آذربایجان غربی ضمن اعتراض و محکوم نمودن اعمال خلاف و غیر انسانی عده‌ای اوباش در روزهای چهارم و پنجم آبان ماه ۱۳۵۷ همبستگی و اتحاد و پشتیبانی کامل خود را از خواسته های جامعه معلمان شهرستان رضائیه اعلام می‌داریم.

درود بر مبارزان متحصن رضائیه

بیانیه کارکنان شرکت آب مشروب رضائیه

بسمه تعالی شأنه

با ایمان راسخ نسبت به مبارزات قهرمانانه متحصنین آزاده، ضمن محکوم کردن تظاهرات فرمایشی و سازمان یافته ۳ و۴ آبان ماه که از سوی برخی عمال حکومت مستبد شکل گرفته بود که هدفشان جز کشت و کشتار و رودررو قرار دادن مردمی، چیز دیگری نبود.

به حمد خداوند و با روشن بینی مبارزان راستین با شکست‌های قاطع نیز روبرو شد، آنان که با حمایت مأمورین انتظامی و با حمل اسلحه سرد از قبیل: شمشیر، تبر، داس، چماق و چاقو می‌خواستند به غارت و جنایت دست زده و قیام راستین و صادق مردم مبارز را با چهره‌ای دیگر بشناسانند و موجب نا امنی و ارعاب مردم غیور و نجیب منطقه گردند.

چنین حوادثی که تکرار جنایات و فجایع کرمان، سنندج، شیراز، یزد و سایر شهرهای کشور را در بردارد از نظر ما کارکنان، مشمئز کننده و محکوم است.
بدین وسیله همبستگی خود را اعلام و پیروزی و توفیق ملت را در راه بدست آوردن و آزادی های قانونی و بحق خواستاریم و با اعزام نماینده به جمع متحصنین با ایمان و آزاده می‌پیوندیم و تا هم‌صدا با شما مجازات مسببین این واقعه را مصرانه خواستار باشیم. اتحاد ما، افتخار ماست.

کارکنان آب مشروب رضائیه

قطعنامه شماره دو
درود ما به جامعه روحانیون، دانشگاهیان، فرهنگیان و کلیه افراد متحصن در کاخ دادگستری رضائیه، پیرو همبستگی قبلی و برای پاسخ گوئی به بیانیه مشترک متحصنین در کاخ دادگستری رضائیه مورخ دوازدهم آبان ماه ۱۳۵۷ نظر به اینکه تا کنون نسبت به خواسته‌های روحانیون، دانشگاهیان، معلمان و اصناف متحصن در کاخ دادگستری رضائیه که تا این تاریخ هیچ گونه ترتیب اثری از طرف مقامات مسئول داده نشده است، علیهذا ما کارکنان امور اقتصادی و دارایی رضائیه عملاً به جمع متحصنین پیوسته و تا حصول نتیجه نهائی به تحصن در سرسرای دادگستری رضائیه ادامه می‌دهیم.
به تاریخ سیزدهم آبان ماه ۱۳۵۷، کارکنان اداره امور اقتصادی و دارایی ضائیه

بیانیه کارکنان کل پست استان آذر بایجان غربی

بسمه تعالی شأنه
کارکنان پست استان آذربایجان غربی ضمن محکوم نمودن تظاهرات تهاجمی وحشیانه و فرمایشی و سازمانی روزهای سوم و چهارم و پنجم آبان ماه رضائیه و اظهار تنفر و انزجار از اعمال غیر انسانی عده‌ای بی خبر و تحریک شده که منجر به هتک حرمت به

جامعه روحانیت و فرهنگیان و ایجاد ترس و وحشت در میان مردم و رودررو قرار دادن طبقات مختلف مردم و حمل اسلحه سرد از قبیل شمشیر و تبر و چکش و دشنه و غیره با حمایت مأمورین انتظامی که کاملاً از ایشان پشتیبانی می‌کردند، متذکر می‌شود که چنین حوادثی که تکرار جنایات و فجایع کرمان و آمل و شیراز و سنندج و یزد و سایر شهرهای کشور می باشد و غیر از ریختن خون عده‌ای بی گناه و ایجاد ناامنی ثمری نداشته و نخواهد داشت، بدین وسیله پشتیبانی و همبستگی خود را با جامعه فرهنگیان رضائیه اعلام و تا حصول نتیجه و انجام خواسته های آنان در سرسرای دادگستری در حال تحصن خواهیم بود.

کارکنان کل پست استان آذر بایجان غربی

اعلام همبستگی طبقات مختلف منطقه اشنویه

۱۳۵۷/۸/۱۰رضائیه، کاخ دادگستری

با احترام به فرزندان راستین ایران، فرهنگیان، دانشگاهیان، اصناف شهرستان رضائیه طبقات مختلف اشنویه، فرهنگیان و کشاورزان و کارگران و اصناف و دانش‌آموزان اشنویه همبستگی خود را در مبارزه شرافتمندانه و وطن پرستانه مردم رضائیه بر علیه زورگویی و دسیسه چینی و تحریکات و فراهم آوردن جنگ برادرکشی در رضائیه و سایر مناطق از طرف دولتیان اعلام داشته و از این که فرزندان فداکار و راستین ایران زمین در مقابل گلوله و زور در کاخ دادگستری استان بست نشسته‌اند و در راه از بین بردن فساد و فاسدین و خواسته‌های منطقی مردم به مبارزه خود ادامه می‌دهند، مردم اشنویه را در همین راه به حرکت در آورده و تظاهرات شدید مردم اشنویه را در روز دوشنبه مورخ ۵۷/۸/۸ موجب گردید و مبارزات مردم اشنویه همراه با سایر برادران ایرانی و مخصوصاً مرکز استان آذربایجان غربی قهرمان پرور رنجدیده، در راه مبارزه با استبداد و خودکامگی تا موفقیت نهائی ادامه خواهد داد. مردم اشنویه ضمن پشتیبانی کامل از تمام خواسته‌های مردم شرافتمند رضائیه نسبت به اظهارات مغرضانه و یک جانبه آقای علی نظمی نماینده فرمایشی رضائیه در مجلس شورای ملی درخواست پاسخ و

اقدام لازم را می‌نمایند. افتخار و درود به روان پاک شهیدان و جانبازان مبارز علیه زور و استبداد و فساد. پیروز باد همبستگی طبقات مختلف مردم ایران زمین.

اعلام همبستگی دانش‌آموز معلمان دانشسرای مقدماتی پسران

بسم الله الرحمن الرحیم

ما دانش‌آموز معلمان دانشسرای مقدماتی پسران رضائیه بدین وسیله پیوستگی خود را به جامعه معلمان رضائیه در این مبارزه انسانی اعلام می‌داریم.

ما که اکنون در آغاز راه پیوستن به کاروان عظیم معلمان میهن عزیزمان ایران هستیم، شرافتمندانه قول می‌دهیم که در این راه خطیر با تربیت نسلی آزاد و مترقی و انسان دوست رسالت سنگین خود را انجام دهیم.

ما راهیان وادی پر شکوه تعلیم و تربیبت به خوبی آگاهیم که طبقات روشنفکر و راهبران واقعی جامعه یعنی معلمان برای مبارزه با تیره‌گیها چه راهی را انتخاب کرده‌اند. از تمام حوادثی که در این روزها بر ما می‌گذرد بهره برداری می‌کنیم و درسی را که معلمان ما در این لحظات حساس با اقدامات منطقی خود به ما داده‌اند از جان و دل پذیرا هستیم.

بدین وسیله سر تعظیم خود را در مقابل کلیه گروه‌هایی که در این مکان مقدس به معلمان ما پیوسته‌اند فرود آورده و سوگند یاد می‌کنیم که ما همچون همه طبقات لحظه-ای در ایفای وظائف ملی خود کوتاهی ننمائیم.

دانش‌آموز معلمان دانشسرای مقدماتی پسران ارومیه

[اعلام همبستگی سازمان‌ها و طبقات مختلف مردم رضائیه و شهرستان‌های استان آذربایجان غربی]

روز ششم تحصن نیز در مسیر عادی خود سپری می‌شود و آنگاه با رسیدن روز هفتم تحصن، اعلامیه همبستگی متحصنین کاخ دادگستری صادر می‌شود و از تمام گروههایی که تا این لحظه با اعلام همبستگی با بست نشینان دادگستری همگام شده‌اند دعوت به اعتصاب می شود و با این

اعلامیه عملاً دستگاه‌های اجرائی و حرکتی رژیم در استان مستأصل می‌شود و نوع دیگر مبارزات شروع می‌شود.

بیانیه مشترک روحانیون، فرهنگیان، دانشگاهیان و اصناف متحصن در سرسرای کاخ دادگستری رضائیه

ضمن درود فراوان از اعلام و پشتیبانی گروه‌های مختلف که علیه استبداد و ظلم و ستم هیات حاکمه، به ما یاری داده‌ادند اعلام می‌داریم که ما تا حصول خواسته‌های‌مان دست از تحصن برنداشته و جان بر کف سنگرهای‌مان را ترک نکرده و دوش بدوش هم مبارزه را ادامه خواهیم داد.

از آنجائی که در مدت ۷ روز ایام تحصن هیچ گونه اقدامی در جهت خواسته‌های متحصنین به عمل نیامده است لذا از همه سازمان‌ها و طبقات مختلف مردم رضائیه و شهرستان‌های استان:

۱-کارکنان اداره کل امور اجتماعی
۲-کارکنان سر جنگلداری
۳-کارکنان اداره بهداری و بهزیستی
۴- فرهنگیان شهرستان پیرانشهر
۵-کارمندان ثبت اسناد
۶- دانشگاهیان دانشگاه آزاد
۷-اهالی محترم روستای قوشچی
۸- دانشجویان انستیتو تکنولوژی صنعتی
۹- کارکنان گمرک
۱۰-فرهنگیان و معلمان شهرستان بوکان
۱۱-جامعه وکلای دادگستری رضائیه
۱۲ -اهالی محترم اشنویه
۱۳-اهالی محترم روستای پیر
۱۴-کارکنان اداره بنادر و کشتیرانی

۲۹-کامندان اداره کشاورزی
۳۰-کارکنان برق ناحیه رضائیه
۳۱- کارکنان اداره پست
۳۲-جامعه فرهنگیان مهاباد
۳۳-کارکنان بانک کشاورزی
۳۴-کارکنان دخانیات رضائیه
۳۵-کارمندان اداره غله و سیلوی رضائیه
۳۶-کامندان و کارکنان اداره دارایی
۳۷- زندانیان سیاسی آزاد شده و خانواده های وابسته
۳۸- هیئت اجرائی موقت جامعه معلمان آذربایجان شرقی
۳۹- شبکه بهداری و بهزیستی
۴۰-جامعه معلمان اشنویه

۱۵–نمایندگان علمی شرکت‌های داروئی
۱۶–دانش آموزان و معلمان دانشسرای مقدماتی پسران رضائیه
۱۷– کارکنان شرکت اسفند گاز
۱۸–اهالی مبارز و قهرمان مهاباد
۱۹–انجمن شهر مهاباد
۲۰–کارکنان سازمان تعاون روستائی
۲۱–دانشجویان دانشگاه رضائیه
۲۲– فرهنگیان خوی
۲۳–فرهنگیان نقده
۲۴–انجمن دانشگاه رضائیه
۲۵–کارکنان سردخانه بهمن
۲۶–کارمندان مرکز بهداشت
۲۷– کارمندان اداره بازرگانی
۲۸–کارمندان اداره کل آموزش و پرورش استان و ناحیه ۱ و ۲ رضائیه
۴۱–دبیرستان شاهدخت
۴۲– اداره کل کار و امور اجتماعی
۴۳–بهداشت محیط
۴۴– کارکنان بانک کشاورزی
۴۵–دانشسرای مقدماتی دختران
۴۶– [اداره] ریشه کنی مالاریا
۴۷–ایستگاه تحقیقات پزشکی رضائیه
۴۸– نوسازی مدارس
۴۹–اداره کل بازرگانی
۵۰– اطلاعات و جهانگردی
۵۱– نمایندگان خانم‌های خانه‌دار
۵۲–کارکنان بانک ملی شعبه مرکزی
۵۳– اهالی روستای صومای برادوست و ایل شکاک
۵۴– کارکنان فرهنگ و هنر
۵۵– اهالی روستای بزرگ آباد
۵۶– کارمندان صنایع آلومنیومی

و چندین سازمان دولتی و بخش خصوصی که در این قیام ملی و نهضت آزادی طلبی با ما همگام هستند. انتظار داریم عملاً به نهضت ما پیوسته و تا پیروزی نهائی به عنوان اعتراض از هر گونه فعالیت‌های صنفی و اداری دست برداشته و با این عمل خود مسئولان مملکتی را وادار به قبول خواسته‌های متحصنین بنمایند.

درود به ملت موحد و مبارز ایران، جمعه دوازدهم آبان ماه ۱۳۵۷

کاخ دادگستری رضائیه

اعتصاب غذا در تحصن

بعد از تکثیر و توزیع اعلامیه مشترک دعوت به اعتصاب از تمام همبستگی کنندگان متحصنین طی تلگرافی به آیات عظام قم و کانون‌ها و کمیته‌های به اصطلاح حقوق بشر تهران اعلام می‌دارند که هفته اول تحصن سپری شده ولی هیچ مقام دولتی رژیم به متحصنین جواب نداده‌اند، اینک از روز ۱۴ آبان علاوه بر ادامه تحصن در سالن دادگستری به منظور پیگیری مبارزات و تشدید اعتراضات به مدت ۴۸ ساعت اقدام به اعتصاب غذا خواهد شد.

متن تلگراف ۵۹/۸/۱۴ به شرح زیر می باشد :

کانون وکلای دادگستری، تهران

کمیته دفاع از حقوق بشر، تهران

کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی، تهران

سازمان ملی دانشگاهیان ایران، دانشگاه تهران، تهران

به منظور اعتراض به اعمال وحشیانه و غیر انسانی روزهای ۳، ۴و۵ آبان ماه که در رضائیه اتفاق افتاده است و درخواست برکناری و مجازات مسببین این حادثه؛ روحانیون، فرهنگیان، دانشگاهیان و اصناف رضائیه از تاریخ هفتم آبان ماه در سالن دادگستری این شهر متحصن شده‌اند که متعاقب آن بیش از چهل سازمان دولتی و غیر دولتی پشتیبانی خود را از گروه‌های متحصن اعلام داشته‌اند از آنجائی که در مدت این هفته تحصن هیچ مقام مسئولی به خواسته‌های این گروه عظیم و مبارز روشنفکر مملکت ترتیب اثری نداده است، لهذا از تاریخ ۱۴ آبان ماه علاوه بر ادامه تحصن در سالن دادگستری، به منظور پی‌گیری مبارزات و تشدید اعتراضات به مدت ۴۸ ساعت اقدام به اعتصاب غذا می‌نمایند.

در صورتی که این بار نیز از طرف مقامات مسئول اقدام در جهت حصول خواسته‌های ما به عمل نیاید، دست به اقدامات شدیدتری خواهیم زد.

روحانیون، فرهنگیان، دانشگاهیان و اصناف رضائیه

سیزدهم آبان ۵۷ [۷۴]همزمان با پایان نخستین هفته تحصن فرهنگیان است. در این روز کلیه شهرهای ایران به خاطر سالروز تبعید امام خمینی به ترکیه دست به تظاهرات می‌زنند. تظاهرات در دانشگاه تهران منجر به درگیری می‌شود. نیروهای مزدور شاه معدوم، دانش‌آموزان و دانشجویان محوطه دانشگاه تهران را به رگبار می‌بندند و به خاطر این کشتار مردم قهرمان ایران، این روز را روز دانش‌آموز می‌نامند. این تظاهرات و این کشتار بی رحمانه از تلویزیون رژیم پخش می‌شود.

بعد از یک سال در همین روز دانشجویان پیرو خط امام به لانه جاسوسی امپرپالیسم امریکا در ایران حمله می کنند و ۵۳ گروگان جاسوس آمریکائی [را] به مدت ۴۴۴ روز به اسارت می گیرند تا پوزه ننگین امپریالیسم جهانی به سرگردگی امریکا بر زمین مالیده شود.

چهاردهم آبان ۵۷ در این روز که فرهنگیان و سایر گروه‌های متحصن نیز در کاخ دادگستری بست نشسته‌اند. کارگزاران رژیم سفاک پهلوی درصدد تهیه زمینه مناسب برای بوجود آوردن یک دولت نظامی هستند چون آخرین کشتار دولت آشتی ملی، شریف امامی مزدور را در

---

۷۴ – در این روز خانواده‌های زندانیان سیاسی رضائیه طی نامه‌ای به کانون وکلای ایران خواستار آزادی کلیه زندانیان سیاسی شدند. (روزشمار انقلاب اسلامی، ج۷ ص ۲۹۹) در قسمتی از این نامه آمده بود با مبارزه ملت ایران ... درهای زندان‌ها به روی عده‌ای از زندانیان سیاسی باز شده [اما] هنوز عده‌ای از فرزندان بی گناه ایران با محکومیت‌های مختلف در زندان‌ها از جمله زندان شهربانی رضائیه محبوس هستند. ما خانواده زندانیان سیاسی آزادی سریع و بدون قید و شرط عزیزان بی‌گناه خود را خواستاریم. در این نامه اسامی زندانیان سیاسی که در زندان شهربانی رضائیه زندانی هستند به شرح زیر ذکر شده بود: محمدباقر زینالی، سعید نصرالهی، قدیر داراب نژاد، اسماعیل دین خواه، صمد علی‌پور، محمد ناصر سربلند، محسن علی‌اکبر خویی، علیرضا فرنیا، حمید گلدوست، هوشنگ اکبری، اسدالله سلطان زاده، شهرام سلطانیان، هاشم پاک طینت، سلمان صاف نیت، محمد امین شیرخانی، ابراهیم عباسی، جواد جیرانی خامنه، حمید ربانی، سیف اله رضوی، اکبر فتورایی، رضا باکری، محمد تقی افشانی و علی اسماعیلی (به نقل از کیهان شماره ۱۰۶۰۳، ۵۷/۸/۱۳ ص ۱۹) البته یک روز قبل از این نیز (۵۷/۸/۱۲) به دعوت جامعه روحانیت رضائیه صبح امروز[۵۷/۸/۱۲] نزدیک ۱۵ هزار نفر از طبقات مختلف مردم این شهر در جلو مسجد اعظم اجتماع کردند. سپس به راهپیمایی و تظاهرات آرام در سطح شهر دست زدند. در این تظاهرات عده‌ای که به عنوان مأمور انتظامات از بین خود مردم انتخاب شده بودند مانع از خشونت، شکست شیشه‌ها و برخورد با مأموران انتظامی شدند. (به نقل از کیهان ش ۱۰۶۰۳، ۵۷/۸/۱۳ ص ۱۸ به نقل از روزشمار انقلاب اسلامی ج۷، ص ۲۹۱)

دانشگاه به مردم نشان داده‌اند. ایادی آنها به بانک‌ها، سینماها و اماکن عمومی تهران حمله می‌کنند و تهران را آتش می‌زنند. در این روز مجسمه شاه معدوم در دانشگاه تهران پائین کشیده می‌شود. دانشگاهیان متحصن همگام با سایر متحصنین بیانیه شماره ۵ خود را در زمینه کشتار در دانشگاه تهران که از جانب دانشگاهیان، هفته همبستگی خود را در زمینه ملی اعلام شده بود صادر می‌کنند و در این اعلامیه از سازمان ملی دانشگاهیان خواستار عزای ملی می‌شوند و آنگاه پرچم مشکی عزای ملی از طرف استادان دانشگاه ارومیه در ضلع شرقی سالن تحصن نصب می‌شود.

بیانیه شماره ۵ دانشگاهیان رضائیه

همبستگی ملی دانشگاهیان به عزای ملی مبدل شد و دانشگاه تهران بزرگترین سنگر مبارزات جنبش ملت ایران، بزرگترین کانون علمی و پژوهشی ایران، بار دیگر به ضرب گلوله‌های فرمایشی که این بار حتی صدای آن را نتوانستند از ملت ایران پنهان کنند از خون جوانان وطن رنگین گردید.

دانشگاه تهران یک بار دیگر در شنبه خونین سیزدهم ماه سیاه آبان، شاهد صحنه‌هائی بود که رعشه بر اندام هر ایرانی انداخت.

دانشگاهیان ایران به عزای عزیزان خود نشسته‌اند. چشمان‌شان گریان و دلشان پر خون از آدم کشی و کشتاری است که دیروز ملت ایران را عزادار ساخته است. خون‌هایی که دیروز از جوانان دانشجوی ما بر زمین ریخته شد، دین دانشگاهیان را نسبت به جنبش توده‌های ایران در راه نیل به آزادی سنگین‌تر و عزم ما را در ادامه بی‌امان راسخ تر کرد این نهضت تا حصول به مقصود که آزادی و استقلال و کوتاه کردن دست استعمار گران و ایادی بی شرم و یغماگر از سرزمین پاک و ملت ایران ادامه دارد. دانشگاهیان رضائیه از سازمان ملی دانشگاهیان ایران خواستارند که به عنوان اعتراض نسبت به این کشتار بی‌رحمانه، روزی را به نام عزای ملی اعلام دارند.

درود بر روان شهیدان راه آزادی، درود بر شهدای شنبه خونین دانشگاه تهران. مرده باد دژخیم و ایادی وی. بخاطر شهیدان امروز دانشگاه تهران یک دقیقه سکوت اعلام می‌کنیم.

با کشتار دانشگاه و نشان دادن آن از تلویزیون تحصن، گرد غم و اندوه بر سیمای متحصنین پاشیده شده و آنگاه نخستین ساعات روز۱۵ آبان ۵۷ فرا می‌رسد. رادیو تهران بعد از چند نوبت توجه گفتن، صدای گریه شاه معدوم را پخش می‌کند. شاه به دستور اربابان امریکائی خود حیله جدیدی را آغاز کرده است تا شاید بتوانند این خروش سهمگین را سرد کند و این درخت طیبه را که دیری نیست به ثمر نشسته است و میوه‌های شهادت را بار آورده است قطع کند. او با صدای گریه خود می‌گوید متعهد می‌شوم که خطاهای گذشته را که از این بی قانونی و فساد ایجاد شده تکرار نکنم. بلکه خطاها را جبران کنم. متعهد می‌شوم که پس از برقراری نظم و آرامش یک دولت ملی بر سر کار آورم. من صدای انقلاب شما را شنیدم. انقلاب شما ملت ایران را شنیدم.

حیله شاه که مخصوصاً با کلمات «من از مراجع محترم تقاضای بخشش می‌کنم» کاملاً آشکار بود. در تحصن موج نفرت و خشم در چهره‌ها پدیدار شده آنها همگام با ملت شریف ایران جواب این غلط کردم نامه را با نفرین داده‌اند و انقلابیون می‌گویند «توبه گرگ مرگ است.» دومین روز روزه سیاسی دانشگاهیان و فرهنگیان و سایر متحصنین در کاخ دادگستری که در سالن مجاور اتاق وکلا بست نشسته‌اند، آغاز می‌شود. رژیم یکی از ناجیان فراکسیون اقلیت خود محسن پزشکپور را به ارومیه می‌فرستد یا خودش می‌آید[۷۵]. او که حالت مبارزه در مجلس به خود گرفته است مورد استقبال متحصنین قرار می‌گیرد. پزشکپور بعد از ملاقات با روزه‌داران سیاسی، یک نطق دو طرفه می‌کند و سعی می‌نماید از آتش غضب تحصن کنندگان بکاهد. پزشکپور بعد از عزیمت به تهران اعلامیه‌ای در رابطه با تحصن به دولت می‌دهد. بازاریان ارومیه ۱۴ روز است که محل کسب خود را تعطیل کرده‌اند. سی و دومین ساعت روزه داران سیاسی

۷۵ – آقای پزشکپور از بنیانگذاران حزب پان ایرانیسم بوده و آقای قدرت اله جعفری هم دبیر حزب پان ایرانیست در ارومیه و همچنین از رهبران تحصن و جامعه موقت فرهنگیان بوده لذا به احتمال قوی، ایشان آقای پزشکپور را دعوت کرده بوده است.

سپری می‌شود. سکوت مطلقی بر فضای سالن روزه داران سیاسی حاکم است. آنها با طمأنینه خاصی این مبارزه را ادامه می‌دهند. عده‌ای کتاب می‌خواند. تعدادی فقط برای مطالعه روزنامه‌ها و گوش کردن رادیوها مشغولند. آنچه هست اخوت اسلامی و حالات انسانی زیباست که بند دل هر مبارز را در این برهه از انقلاب اسلامی تکان می‌دهند.

روز هشتم تحصن فرا رسیده است. رژیم برای به اصطلاح رسیدگی به موضوع تحصن و خواسته متحصنین ۳ نفر را به ارومیه اعزام می‌کند. این هیئت که متشکل از یک نفر نماینده وزارت دادگستری رژیم و یک نفر نماینده وزارت کشور و سومی نماینده شهربانی است در محل ساختمان دفتر شیر و خورشید ارومیه مستقر می‌شوند.

ساعت ۹ صبح امروز با این که هیئت اعزامی دولت وارد ارومیه شده و اعلام کرده که کارها را بررسی خواهند کرد هر لحظه بر عده اعتصاب کنندگان غذا افزوده می‌شود. ضمناً بیش از ۲۵۰ نفر از دانش آموزان ارومیه به پاس حمایت از خواسته‌های فرهنگیان متحصنین دادگستری، وارد ساختمان آموزش و پرورش استان شدند و در سالن اجتماعات این اداره متحصن می‌شوند و اعلام می‌کنند تا حصول نتیجه قطعی بر تحصن خود ادامه خواهند داد که البته بعد از ۲۴ ساعت این تحصن دانش‌آموزان با وساطت فرهنگیان می‌شکند و دانش‌آموزان سالن را ترک می‌کنند و به صف مبارزین دیگر شهر می‌پیوندند.

حفظ پایگاههای مردمی در بطن سیاست‌های تحصن

متحصنین دادگستری در لحظات حساس و سر نوشت ساز کشور، خود اوضاع را رصد می‌کنند. ساعت ۱۱ صبح است. گروه کثیری از مردم ارومیه دست به تظاهرات گسترده زده در حالی که روحانیون در پیشاپیش حرکت می‌کنند، راهپیمایی خود را از مسجد اعظم آغاز و پس از طی خیابانهای عسگرآبادی و فرح[۷۶] سابق و داریوش[۷۷] سابق و پهلوی[۷۸] سابق و خیام در خیابان عسگرآبادی اقدام به نماز جماعت می‌کنند و گروه انتظامات از میان خود تظاهرکنندگان انتخاب شده و با هوشیاری مواظب اوضاع هستند. در مسیر یکی از خیابانها یکی از روحانیون سخنرانی

---

۷۶ – خیابان شهید باکری فعلی

۷۷ – خیابان شهید محمد منتظری فعلی

۷۸ – خیابان امام فعلی

کرده و خواسته‌های فرهنگیان متحصن و سایر اقشار «همبستگی کننده» در کاخ دادگستری را مجدداً تاکید می کند.
در کاخ دادگستری، همبستگی کنندگان با ارائه دقیق مسائل، پیشنهادهای سازنده می کنند. سازمانهای خدماتی مهم شهر با اعلام پشتیبانی با مشورت با شورای ستادی تحصن، اعلامیه خدمت رسانی خود را به اهالی ارومیه انتشار می‌دهند.

متن اعلامیه شبکه بهداری و بهزیستی و اداره آب و برق

اهالی محترم رضائیه و حومه
با توجه به این که در حال حاضر فرهنگیان، دانشگاهیان، اصناف، کارمندان ادارات دولتی با حمایت جامعه روحانیت رضائیه به عنوان اعتراض به وقایع ننگین و فرمایشی روزهای ۳ و ۴ و ۵ آبان ماه در اعتصاب می‌باشند و عده کثیری از آنان چندین روز است که در دادگستری رضائیه متحصن شده‌اند، بنا به خواست این رزمندگان پیشرو و مردان راستین آزادی و بخاطر رفاه حال اهالی محترم رضائیه و با توجه به این واقعیت مهم که قسمت درمانی و اورژانس شبکه بهداری و بهزیستی و کادر فنی سازمانهای آب و برق در مداوا و معالجه و تأمین روشنائی و آبرسانی شهر و حومه نقش مهم و حیاتی دارند، فقط بخش‌های مذکور به ارائه خدمات خود ادامه داده و بقیه قسمت‌های ادارات آب، برق، شبکه بهداری و بهزیستی در حال اعتصاب خواهند بود.
کارمندان شبکه بهداری و بهزیستی، ادارات آب و برق رضائیه

متحصنین از روستائیان زحمتکش غافل نیستند. جهت متوجه کردن آنها هر چه توان دارند صرف می کنند. آنها جدا از طبقه ستمدیده ایران نیستند. یعنی فریب خوردگی‌شان که موضوع تحصن شده است، دلیل ستم رژیم و عقب نگه داشتن افکار متوجه مردمی است. به همین منظور اعلامیه سازمان تعاونی روستایی ارومیه به شرح زیر به تمام روستاها می‌رود. متن اعلامیه به شرح زیر است:

روستائیان عزیز و زحمتکش

همان طور که اطلاع دارید در حال حاضر معلمین، دانشگاهیان و اصناف رضائیه برای اعتراض به تظاهرات فرمایشی روزهای سوم و چهارم و پنجم آبان ماه در حال اعتصاب بوده و عده زیادی از آنها در دادگستری رضائیه متحصن شده‌اند و کلیه فعالیت‌های اداری و صنفی خود را تعطیل کرده‌اند. ولی به خاطر اینکه محصولات کشاورزی شما در اثر ماندن در انبارها و صحرا فاسد نشود و از این بابت ضرری متوجه شما نگردد به پیشنهاد جامعه روحانیت و معلمان و دانشگاهیان و اصناف و سایر کسانی که در اعتصاب می‌باشند و با موافقت این اداره، قرار بر این شده که سازمان تعاون روستایی کما فی السابق به کار خود ادامه بدهد. پیروزی همه ملت ایران را در راه رسیدن به حقوق قانونی خود از خداوند متعال خواستاریم.

کارمندان سازمان تعاون روستائی رضائیه

هیئت همچنان در محل دفتر شیر و خورشید سرخ سابق مستقر است. بازار ۱۳ روز است که بسته است. تحصن در روز ۱۲ خود می‌باشد.

اعلامیه تذکر نامه اصناف به شرح زیر است. (تاریخ ۵۷ ۸/۱۷)

بسمه تعالی

به دنبال وساطت و مشورت علمای اعلام و روحانیون محترم رضائیه و با توجه به اینکه اصناف رضائیه حسن نیت خود را بعد از ۱۳ روز تعطیل بازار با باز کردن مغازه های خود، به هیئت اعزامی از تهران ثابت نمود، منتظر عکس العمل قاطع هیئت مذکور بود. متأسفانه از طرف آنان هیچگونه اقدام قانع کننده‌ای ارائه نگردید. لذا با توجه به تحصن ۱۲ روز فرهنگیان و دانشگاهیان و ۱۰۲ گروه همبستگی که جامعه اصناف نیز یکی از آنها می‌باشد، در سرسرای کاخ دادگستری رضائیه ادامه دارد. بدین وسیله با مشورت آیات عظام با اعلام سه روز تعطیل از فردا پنچشنبه روز های ۱۸، ۱۹و۲۰ آبان ماه، بار دیگر ضمن بیان اعتراض، پشتیبانی کامل خود را از تمامی خواسته‌های متحصنین کاخ دادگستری اعلام می‌داریم.

جامعه اصناف رضائیه

رادیو تلویزیون مرکز ارومیه چه می گوید؟
اعمال فشار از ناحیه کلیه طبقات به هیئت سه نفری اعزامی از تهران، لحظه به لحظه بیشتر می‌شود. در این جا ایادی محلی رژیم که همان دست اندرکاران و کارگردانان روزهای۳و۴و۵ آبان در ارومیه بودند رادیو تلویزیون مرکز ارومیه را وادار می‌کنند که از چند نفر به اصطلاح اولیای دانش‌آموزان برنامه تلویزیونی تهیه کند و به مردم نشان داده شود که چرا معلمان در تحصن نشسته‌اند و به بچه‌های ما درس نمی‌گوید. البته نیت معلوم بود که این مصاحبه بطور فرمایشی تهیه و پخش شد ولی یادآور این موضوع که خاطر فرهنگیان و متحصنین را آزرده کرد خود در خور توجه است. متحصنین در رابطه با این موضوع اعلامیه‌ای به این شرح تهیه و رونوشت آن را به اهالی ارومیه دادند.
متن اعلامیه فرهنگیان چنین است:

۵۷/۸/۱۸

رادیو تلویزیون ملی ایران مرکز رضائیه
رو نوشت به اهالی محترم رضائیه
ساعت نوزده روز ۵۷/۸/۱۷ سخنی از زبان بعضی پدران و مادران دانش‌آموزان از قول مرکز خبری آن سازمان خطاب به معلمین را ما معلمین هم شنیدیم. خواهشمندیم سخن معلمین را هم برای اولیای محترم دانش آموزان و مردم آذربایجان غربی در بخش خبری ساعت ۱۷ شب اعلام فرمائید.
سخن معلمین رضائیه :
اولیای محترم دانش‌آموزان رضائیه و اهالی شرافتمند استان آذربایجان غربی، سخنان و درد دل شما را شنیدیم. همه کلام شما درست و صحیح است ولی هیچ می‌دانید که ما هم مثل شما پدر و مادر فرزندانی هستیم. یعنی فرزندان ما هم به کودکستان و دبستان و مدرسه راهنمایی و دبیرستان و دانشگاه می‌روند و دوش به دوش فرزندان شما درس می‌خوانند. ما هم دلمان می‌خواهد هر چه زود تر در کانون تعلیم و تربیت فرزندان وطن یعنی در مدارس مشغول انجام وظیفه باشیم و به وظیفه وجدانی و قانونی و ملی خودمان عمل کنیم و قطعاً همگی اطلاع دارید امروز دوازده روز است که معلمین برای خاطر

همه و برای خاطر احقاق حق شما و برای دفاع از عرض و ناموس و آبرو و حیثیت جامعه و مقدسات مذهبی در سخت ترین شرایط زندگی بر روی سنگهای سرد سالن دادگستری در این هوای سرد، شب و روز دور از خانواده و جگر گوشگان خود متحصن شده‌اند تا این لکه ننگین توهین و تحقیر از دامن جامعه ما پاک شود و امنیت و آبروی شما و ما بیش از این بازیچه افراد فرصت طلب نشود. امید است بهتر قضاوت کنید و با داد خواهان و متحصنین دادگستری رضائیه هم صدا شوید. بدانید که معلمین در این عمل نفع شخصی ندارند و معلم بنا به وظیفه انسانی و اخلاقی و دینی خود به چنین اقدامی متوسل شده است.

سرسرای دادگستری، جامعه معلمان رضائیه

هیئت به تحصن می‌آید

هیئت سه نفری که متشکل از نماینده وزارتخانه کشور و دادگستری و شهربانی کل کشور می‌باشد وارد تحصن می‌شود. در نخستین جلسه‌ای که برای بررسی وضع تشکیل می‌شود یکی از روحانیون مبارز شهر در مورد تأمین مردم ارومیه و اهمیت تأمین جانی که در گروه تأمین دینی و فرهنگی است سخن می‌گوید. یکی از وکلای دادگستری و چند تن از نمایندگان فرهنگیان با هئیت اعزامی بحث شدیدی می‌کنند. هئیت که با بی اعتنایی متحصنین هم روبروست بعد از چند جلسه بررسی، تحصن را ترک می‌کنند. سپس با یک خلاصه نگری به اوضاع به خبرنگاران جراید می‌گویند که برخی از پرونده ها در دادگستری و برخی دیگر از طریق دادگاه نظامی قابل پی‌گیری است و آنها نسخه‌ای از پرونده را همراه می برند.[۷۹]

---

۷۹ – طبق خلاصه گزارشی که هیئت اعزامی تنظیم نمود، موضوع آمدن (آوردن) کشاورزان به شهر در جلسه ۵۷/۸/۳ شورای تأمین استان مطرح بوده و مراقبت مأمورین از آنان را جلوگیری از برخورد احتمالی ذکر کرده و اعمال آنان را برای جشن و پایکوبی برای روز جشن ۴ آبان ذکر کرده است. هر چند در این گزارش اشاره شده است که: «... در روز چهارم آبان روستائیان ضمن ابراز احساسات وسایلی از قبیل: چوب و چماق و داس در دست داشته و مزاحماتی ایجاد کرده‌اند و شاهد دیگر حاکی است که در بین آنان افراد مخالف مشکوکی نیز دیده شده

در رابطه با روزهایی که هئیت هنوز هم در ارومیه بوده و قدرت عملی از خود نشان نداده بود این اطلاعیه از سوی متحصنین صادر می شود و به صورت تلگراف نیز به تهران مخابره می گردد.

تلگرام، تهران

وزارت دادگستری، رونوشت وزارت کشور، رونوشت کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی، رونوشت رادیو تلویزیون ملی ایران مرکز تهران و رضائیه

استحضار دارید که مدت ۱۲ روز است که فرهنگیان و دانشگاهیان به عنوان اعتراض به وقایع سوم و چهارم و پنجم آبان ماه جاری در رضائیه به منظور برکناری و مجازات مسببین در سرسرای کاخ دادگستری متحصن شده و ۱۰۸ گروه و صنف از سرتاسر استان اعم از روحانیون، کارمندان، اصناف، پیشه‌وران، کارگران، روستائیان و عشایر استان اعلام همبستگی و پشتیبانی کرده‌اند. با وجود اعزام هیئتی از تهران تا کنون کوچک‌ترین اقدامی در بر آوردن خواسته‌های به حق ما به عمل نیامده است. بار دیگر با یادآوری موضوع به اطلاع می‌رساند که با توجه به وضع روحی و احساسات متحصنین و گروه‌های وابسته که در اثر عدم برکناری و مجازات مسببین امر هر روز تشدید می‌شود، مسئولیت هر نوع حادثه و پیش آمد ناگوار متوجه دستگاه‌های مسئول خواهد بود.

از طرف متحصنین کاخ دادگستری رضائیه

است. همچنین این تظاهرات مجدداً به صورت وسیع تری و با تجهیزات کامل، روز پنجم آبان با ورود روستائیان از دروازه‌های مختلف شهر صورت گرفته است و از جنبه تهدید و ارعاب آن بالمأل ترس و وحشت اهالی بیشتر بوده است...» در قسمت نظرات خود هیئت نیز اعلام شده بود که اعضای شورای تأمین استان تدبیر کافی به کار نبرده و بیان نموده که بین استاندار و فرمانده لشکر تفاهم و هماهنگی وجود ندارد و شهربانی نیز از حمایت فرمانده لشکر برخوردار نیست لذا در روزهای تظاهرات خشونت‌هایی را معمول داشته و... (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: ***انقلاب اسلامی در ارومیه***، ج ۲ صص ۱۴۶- ۱۵۰)

تحصن می‌شکند

نمایندگان روحانیون، فرهنگیان، دانشگاهیان و سایر افراد متحصن در دادگستری با مشورت شورایی و تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی کشور در این برهه از انقلاب و مسئولیتی که متوجه شهرستان‌های حکومت نظامی نشده است با صدور قطعنامه‌ای تصمیم به شکستن تحصن می‌گیرند و بدین ترتیب بعد از ۱۶ روز در ساعت ۱۲ ظهر روز ۵۸/۸/۲۳ تحصن می‌شکنند.
متحصنین آنگاه در حالی که سبدهای گل رسیده به تحصن را در دست دارند با تشکل خاص بازوان خود را در هم فشرده و از دادگستری در مسیر خیابان پهلوی سابق به سوی مسجد اعظم راهپیمائی می‌کنند. این راهپیمائی بسیار با شکوه و با سکوت مطلق[۸۰] انجام می‌گیرد. در بدو ورود به مسجد اعظم جمعیت موجود در مسجد با تکبیر از متحصنین استقبال می‌کنند و شعارهای کوبنده‌ای در تائید عمل متحصنین می‌دهند. یکی از نمایندگان فرهنگیان قطعنامه متحصنین را قرائت می‌کند و آنگاه حجت الاسلام قریشی[۸۱] یکی از روحانیون مبارز شهر در مورد موضوع تحصن و نتایج حاصل از آن و تعیین مسیر مبارزات، در سنگر دیگر را یادآور می شوند و بدین ترتیب تحصن تاریخی به سنگرهای دیگر در اجتماع تبدیل می‌شود.

ورهرام استاندار آذربایجان غربی می‌شود

رژیم مانند انسان غریقی که در میان مرگ و زندگی دست و پا می‌زند به هر وسیله ممکن متوسل می شود و در همین رابطه (کریم ورهرام سناتور) به اصطلاح انتخابی از آذربایجان غربی در

---

۸۰ – حرکت مردم به طرف مسجد اعظم چنان با سکوت و آرام بود که حتی رژیم نیز دچار تردید شد. در جلسات شورای امنیت منعکس شده بود که این تظاهرات اگر با شعار و بدون سکوت برگزار می‌شد، تأثیرش کمتر از این تظاهرات بدون شعار و با سکوت محض بود. (انقلاب اسلامی در ارومیه ج۲، ص ۱۵۶)

۸۱ – سید علی اکبر قرشی متولد ۱۳۰۷/۸/۹ در شهر بناب است. وی در سال ۱۳۲۴ به قم جهت ادامه تحصیل می‌رود. از سال ۱۳۳۴ در ارومیه رحل اقامت می گزینند. وی آثار زیادی را به رشته تألیف درآورده که یکی از آثار معروف ایشان «قاموس قرآن» در ۷ جلد می باشد.(برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: قرشی بنابی، علی اکبر، ***خاطرات آیت الله سید علی اکبر قرشی***، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.)

مجلس سنا بر اساس حکم مورخه ۵۷/۸/۲۵ وزارت کشور در روز ۵۷/۸/۲۶ وارد ارومیه می‌شود و به سمت استاندار آذربایجان غربی مشغول خدمت می‌شود. بسیاری از اهالی، این عمل رژیم را به منزله دهن‌کجی به تحصن انقلابی فرهنگیان و اعلام جرم مردم انقلابی شهرهای استان دانسته و از همان اول مخالفت با این استاندار را شروع می‌کنند. زیرا از نامبرده سلب اعتماد کرده‌اند.

ورهرام در پیام رادیو تلویزیونی خود اهالی را به آرامش دعوت می‌کند و در ضمن می‌گویند: «من سپهبد هستم. مقام بالاتر از استانداری دارم و همچنین سناتور انتخابی شما مردم آذربایجان غربی می باشم و شما را به آرامش دعوت می‌کنم.»

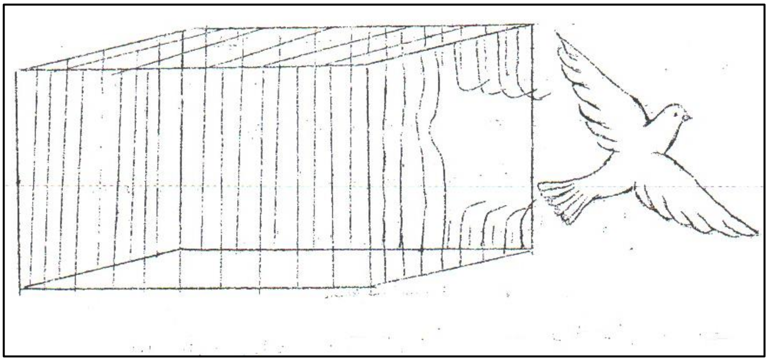
ولی مردم قهرمان ارومیه مخصوصاً یکی از روحانیون بسیار مبارز[۸۲] در جواب می‌گوید اگر توانستی تو فقط وافور و ماشه‌ات را حفظ می‌کنی نه استان آذربایجان غربی را. در پرونده کریم ورهرام یک ورق تلگراف جالبی به چشم می‌خورد که نامبرده چنین آورده است:

> تلگراف به حضور ارتشبد قره‌باغی، من به رضائیه آمدم و عده‌ای از اهالی و معتمدین شهر را در سالن شهرداری جمع کردم و آنها علاقه خود را برای برقراری آرامش در این منطقه ابراز داشتند. ضمناً امیدوارم مسایل این منطقه هر چه زودتر فیصله یابد.

البته کریم ورهرام که در شعارها و دیوارها به کریم شیره‌ای نیز معروف شده بود بعد از ۵۸ روز استانداری در جریان قیام مسلحانه مردم ارومیه بر علیه مزدوران در تاریخ ۵۷/۱۰/۲۳ فرار کرد.

---

۸۲ – اشاره به سخنان حجت الاسلام حسنی است که او را کریم شیره‌ای می‌نامید.



آزادی زندانیان سیاسی در ارومیه

مبارزات تمام طبقات و اقشار مختلف مردم در تمام سنگرهای اجتماعی ادامه دارد. روزهای سوگواری سپری شده، آذر ماه فرا می‌رسد. ساعت ۱۱/۵ شب شنبه مورخه ۵۷/۹/۴ پس از سخنرانی یکی از روحانیون[۸۳] در محل مهدیه ارومیه جوانان مسلمان در خیابان پهلوی سابق دست به تظاهرات می‌زنند و مورد حمله وحشیانه پلیس وقت قرار می‌گیرند. در این حمله بیش از ۹ نفر

۸۳ – یک روحانی مدعو به نام خراسانی که فارس زبان بود.(به نقل از مهدی یوسف زاده) در اسناد ساواک از ایشان اینگونه یاد شده است: [تلفنگرام] از ساعت ۱۰:۳۰ روز جاری عده‌ای در حدود ۶۰۰ نفر از اهالی رضائیه به تدریج در مسجد اعظم این شهرستان تجمع سپس سید عزیز محمدی یکی از روحانیون افراطی رضائیه مطالبی تحریک‌آمیز پیرامون وقایع اخیر از جمله وقایع مشهد بیان و پس از خاتمه سخنرانی نامبرده، حاضرین در مسجد به دادن شعارهای ضدمیهنی مبادرت و پس از خروج از مسجد عده‌ای از آنان بسوی مامورین انتظامی سنگ پرتاب می‌نمایند که در ساعت ۱۲:۴۵ با دخالت مأمورین شهربانی متفرق گردیده‌اند ضمناً عده‌ای از همین افراد بطور پراکنده چند جام از شیشه‌های دو شعبه بانک ایرانشهر، چهار شعبه بانک صادرات و یک شعبه بانک ملی را در رضائیه شکسته‌اند. چهار نفر از عاملین شکستن شیشه‌های بانک‌ها پس از شلیک چند تیرهوائی در حین ارتکاب جرم دستگیر گردیده‌اند. مبینی گوینده: کیوانفر گیرنده: ولیانی ساعت ۱۸:۲۰ * رئیس ساواک آذربایجان غربی امروز (۵۷/۹/۵) در تلفنگرامی به مرکز نوشت که یک روحانی به نام **خراسانی** از قم به ارومیه آمده و با سخنرانی‌های خود مشکلاتی فراهم کرده است. او نسبت به دستگیری این روحانی از مرکز نظر خواست و جواب گرفت که «شبانه با نهایت دقت دستگیر و به تهران اعزام شود.» (پرونده ۱۰۶۹۷۰، ج ۴، ص ۶۷) انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۷، ص ۲۶۱

مجروح و ۵ نفر دستگیر می‌شوند. زنان مسلمان نیز از این حمله بی امان مصون نمانده و پلیس مزدور با بی شرمی تمام چادر را از سر زنان گرفته و پاره می‌نمایند و با این عمل، بی احترامی به مقدسات مذهبی رژیم خون آشام بیش از پیش برای مردم ثابت می‌شود.[۸۴]
ساعت ۳ بعد از نصف شب ۵۷/۹/۴ ، ۱۶ نفر از زندانیان سیاسی از زندان (رضائیه) آزاد گردیده و به صفوف برادران مبارز خود می پیوندند[۸۵].

[اعلامیه مورخ ۵۷/۹/۴ جامعه معلمان]

فرهنگیان ارومیه طی جلسات مکرر که در سالن دبیرستان مهر[۸۶] تشکیل می‌دهند برای تشکل دانش آموزان و ایجاد صفوف هرچه بیشتر اعلامیه ۷ ماده‌ای زیر را صادر می کنند و مجدداً به سنگر مدارس باز می گردند.
متن اعلامیه ۵۷/۹/۴ جامعه معلمان چنین است:

بسمه تعالی

در گذرگاه ایستاده‌ایم با عزمی راسخ و ایمانی استوار قصد گذر داریم به سوی فضاهای باز تا سینه را از هوای آزادی لبریز سازیم و سنگر را برای دستاوردهای ملی و مذهبی

۸۴– بعد از اتمام سخنرانی در مهدیه، عده‌ای در حدود ۲۰۰ نفر (پسر و دختر) در طول خیابان پهلوی، به راه افتادند و در حالی که شعارهای ضد دولتی می‌دادند به سوی مسجد حرکت کردند. در واقع به خاطر عدم پیش بینی پلیس و این که همیشه پلیس مسجد اعظم را زیر نظر داشت، این بار غافلگیر شد و تظاهر کنندگان تا مقابل مسجد سردار آمدند اما بعد نیروهای شهربانی مانند سگان هار سر رسیدند و شروع به ضرب و جرح تظاهر کنندگان کردند. حتی بی حرمتی و بی شرافتی را به جایی رساندندکه چادر از سر چند نفر از خواهران برداشتند و پاره کردند و آنها را زیر ضربات باطوم گرفتند که موجب خشم مردم شد. (از یادداشت‌های روزشمار مهدی یوسف زاده)

۸۵ – آقای هوشنگ اکبری(یکی از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب) در مصاحبه اعلام داشتند که در دوم آذرماه ۵۷ آزاد شده و گفت به همراه من، عده‌ای دیگر نیز آزاد شدند آن هم در ساعت ۲ نصف شب. همچنین آقای سعید نصرالهی نیز که از تاریخ ۵۷/۳/۱ به زندان شهربانی ارومیه رفته بودند، اعلام داشتند که در تاریخ ۵۷/۹/۲۳ از زندان آزاد شده است.

۸۶ – این سالن در همان محل قبلی خود در خیابان شهید مدنی پشت مرکز بهداشت قرار دارد.

محکم و استوار نمائیم. کشور ما در طوفان نا بسامانی‌ها غرقه است. از یک سو فشارهای دولت نظامی هر لحظه زیادتر می‌شود و از سوی دیگر پیوندهای توده‌ها هر لحظه افزون‌تر. به مقتضای حرکت‌های تاریخ، ملت سر بلند خواهد بود.

اهالی محترم آذربایجان غربی ؛

فرهنگیان شهرستان رضائیه در جلسه روز شنبه مورخ ۵۷/۹/۴ در سالن دبیرستان مهر با توجه به مسئولیت بس خطیری که در قبال دانش‌آموزان و مردم دارند و به خاطر جلوگیری از بعضی توهمات، تصمیم گرفتند که در مدارس حاضر شوند و اعتصاب معلمان در مسیر مبارزات حضرات آیات عظام مراجع عالی قدر دینی به منظور احقاق حق ملت قهرمان ایران بوده ولی از آنجائی که دستگاه خود کامه به فریادهای حق طلبانه ملت شریف ایران وقعی ننهاده و دامنه ظلم و بیدادگری را گسترش داده و با کشتن مردم بی گناه می‌خواهد فریادها را در گلو خفه نماید. معلمان رضائیه با الهام از تعالیم عالیه دین مبین اسلام و پیروی از مراجع تقلید و همگام با ملت مبارز ایران تا رسیدن به هدف به مبارزات خود ادامه خواهند داد لذا به منظور تشکل هر چه بیشتر مدارس رضائیه و شهرستان‌های وابسته در تمام سطوح (انستیتو تکنولوژی، مرکز تربیت معلم حرفه‌ای، مرکز مربی کودک، مدرسه عالی بهداشت، دانشسرای راهنمائی تحصیلی، دبیرستان، هنرستان، مدرسه راهنمایی، ابتدائی و کودکستان) از صبح روز سه‌شنبه مورخ ۵۷/۹/۷ شمسی با تاکید به موارد ذیل باز خواهند شد:

۱. باز شدن مدارس دلیل تأیید دولت نظامی نبوده و صرفاً بر اساس تصمیم قاطع معلمان بوده است.
۲. دولت نظامی را شدیداً محکوم کرده و دولتی غیر قانونی و غیر اصولی می‌دانیم. مصرانه خواستار از بین رفتن این دولت و برچیده شدن حکومت نظامی در شهرهای ایران هستیم.
۳. آزادی کامل مطبوعات و بیان و قلم را برای همه نویسندگان و معلمان که پاسداران حقیقت و انسانیت و شرف این نهضت هستند تأکید می‌کنیم.

۴. حرمت حریم مقدس حضرات آیات عظام را عموماً و روحانیون این خطه را خصوصاً و اماکن مقدسه و مساجد را پاس می‌داریم و به هیچ احدی اجازه جزئی‌ترین اهانت را نداده و کم احترامی به آنان و افراد ۱۱۴ گروه وابسته در سطح آذربایجان را بی حرمتی به جامعه معلمان دانسته و در صورت مشاهده هر گونه تضییقاتی، عکس العمل شدیدی به دنبال خواهد داشت.

۵. معلم روستائی در سخت ترین شرایط بار سنگینی از تعلیم و تربیت نوباوگان روستا را به دوش دارد. معلم روستائی مبارزین بی امان جهل و جهالت و بشیر بشارت علم و فرهنگ است. مؤکداً حفظ حریم حرمت او را خواستاریم. دهقان غیور زحمتکش باید توجه داشته باشند که عده معدودی می خواهند در لباس و به نام آنان تخم نفاق بین معلم و روستائیان بپاشند.

۶. مأمورین امنیتی و انتظامی در هر درجه و مقام در شهر و روستا باید بدانند که حقوق خود را برای حفظ جان و مال مردم از ملت دریافت می‌دارند و کلیه تجهیزاتی که در اختیار دارند از بیت‌المال برای سرکوبی دشمنان ایران عزیز تهیه شده، اگر می‌خواهند با شرافت و افتخار در کنار مردم زندگی نمایند و اگر سعادت کشور و ملت را خواهانند بایستی لوله اسلحه و ضربه باتون را به طرف کسانی برگردانند که ایادی استبداد و استعمارند وگرنه سینه مردم ستمدیده را آماج گلوله قرار دادن و آنان را زیر ضربات بی رحمانه له کردن نه تنها افتخاری ندارد بلکه بی آبروئی مأمورین و خشم و نفرت بیشتر مردم را در بر خواهد داشت و مطرود جامعه خواهند شد. لذا هشدار می‌دهد که اگر پس از این به دست مأمورین خونی ریخته شود و فردی به وسیله آنان مورد ضرب و جرح قرار گیرد با عکس العمل شدید مردم مواجه خواهد شد.

۷. بار دیگر موارد اطلاعیه شماره ۶ را تأکید کرده و تا حصول خواسته‌های ملی و میهنی و منطقه‌ای از مبارزه باز نخواهیم ایستاد.

به یاری پروردگار عالم، همکاران محترم با وقوف کامل به وظیفه بس خطیر خود در امور دینی و ملی و آموزشی در تاریخ یاد شده در مدارس حضور خواهند یافت و در

صورت مشاهده کوچک‌ترین اهانت یا دخالت مأمورین یا ایادی‌شان در شهر یا روستا حتی در یک مدرسه تمام مدارس به حال تعطیل درخواهند آمد.

جامعه معلمان رضائیه

محرم، پیروزی خون بر شمشیر

ماه محرم با پیام تاریخی امام آغاز می شود. امام در این پیام، ماه محرم را ماه پیروزی خون بر شمشیر می‌نامند. بر عموم ملت بپا خاسته تکلیف می کنند که شاه را از سلطه خطرناکش بر زمین بکشند.

شب اول ماه محرم فرا می‌رسد. مردم تهران با ابتکار شگفت انگیز بر پشت بام‌ها رفته و با صدای الله اکبر دولت ارتشبد ازهاری را که پس از آخرین کشتار شریف امامی بر سر کار آمده بود گیج و منگ می کند. این اقدام مردم که به حقیقت «انقلاب صوتی» نامیده شد همزمان با روزهای سوگواری ماه محرم بود و بالاخره تاسوعا و عاشورای حسینی(ع) و نقطه اوج انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رفت. ازهاری به مجلس می‌رود و می گوید: «... چکار کنیم اینها که ملت ایران نیستند. با بلندگو نوار پخش می کنند. نارنجک و گاز اشک آور دارند. اینها همان خرابکاران هستند که ریشه بیرونی دارند ...» مردم جواب ازهاری را با شعارهای جالب و خوب «نواره، نواره، ازهاری بیچاره این مردم هم نواره؟» جواب می‌دهند.

«تاسوعا» چشم انداز هراس انگیز تاریخ فرا می‌رسد. فرماندار نظامی تهران همه جا را از افراد مسلح پر کرده است. ساعت ۹ صبح «تاسوعا» ندای آیت الله طالقانی طنین بر انقلاب می‌اندازد که با توجه به تمام خطرات از ساعت ۹ صبح من (آیت اله طالقانی) از جلو خانه خود راهپیمایی را آغاز می کنم.

مردم با استقبال تمام یک راهپیمائی چند میلیونی را ترتیب می‌دهند. فرماندار نظامی مسلحین خود را از مسیر راهپیمایان کنار می کشد. تظاهرات گسترده تاسوعا و عاشورای حسینی به قدری پایه‌های رژیم پوشالی را می‌لرزاند که دنیا درباره این تظاهرات چند میلیونی و این رفراندوم مردم نظر می دهند.

شعارهایی که تا آن روز هیچ‌کس نشنیده، انقلاب اسلامی ایران را به انقلاب دشت نینوای امام حسین(ع) می‌پیوندد. در این راهپیمایی «عظمت انسان» این مظهر خدا در روی زمین حقیقتاً جلوه می‌کند. زیرا در این غریو سروده‌ها و مشت‌های گره کرده، پاهای بر زمین کوبیده، یک رفراندوم میلیونی و تعیین کننده «هویت ملی» و «هویت مذهبی» ایران و ایرانی به وجود آورد. دنیا فهمید که این رژیم مورد تأیید ملت ایران نیست.

در محرم حسین(ع) بود که در پادگان لویزان تهران یک استوار و دو سرباز با حمله به ناهارخوری ۱۲ نفر از مزدوران و عاملان کشتار مردم را کشته و خود نیز به شهادت می‌رسند.

مخالفت‌های اقلیت‌های فرمایشی در مجلس اوج می‌گیرد. دهه سوم محرم، رژیم به حرم امام رضا(ع) حمله‌ور شده و عده‌ای را در صحن مطهر به شهادت می‌رساند.

شاه برای جلوه دادن به این که به ملت امتیاز می‌دهد دستور رسیدگی به دارائی خاندان منحوس پهلوی را صادر می‌کند.

پیام امام خمینی در دنیا می‌پیچد که ایران این رژیم را نمی‌خواهد. ایرانیان در تظاهرات چند میلیونی خود یک رفراندوم عملی را به دنیا نشان دادند. آنگاه در پیام دیگری امام از نوفل لوشاتو می‌فرمایند: تو خودت نوکر دزدها هستی. می‌خواهی دزدی‌های خانواده خود را به رخ بکشی و محاکمه‌شان کنی؟ بگذار باشد ملت ایران خود ترا محاکمه خواهند کرد، چون تو در رأس دزدها هستی.

حمله اوباش به مسجد اعظم

مسجد اعظم ارومیه، این پایگاه مبارزاتی و سنگر مسلمانان هر شب و هر روز به مناسبت‌های گوناگون مملو از انقلابیون است. در دیوارهای بیرونی مسجد اخبار شهرستان‌ها و اعلامیه‌های تازه رسیده نصب شده و مردم دسته دسته آنها را مطالعه می‌کنند. در برخی از مواقع که مبارزات و هیجانات انقلابیون شهر در مسجد اوج می‌گیرد، برای ایادی رژیم قابل تحمل نمی‌باشد و در یکی از این اوج شعار و تظاهرات بود که عده‌ای از اوباش با حمایت مأمورین محلی به ساحت

مقدس مسجد حمله و چند نفر از معلمان را به شهادت می‌رسانند که فردای آن جامعه معلمان ارومیه اطلاعیه‌ای با مضمون زیر صادر می‌کنند.[۸۷]

---

۸۷ – وقایع این روز در ***روزنگاشت‌های مهدی یوسف زاده*** (یکی از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب) این چنین روایت شده: پنجشنبه ۲۳ آذرماه – ۱۳ محرم، ارومیه (پنجشنبه خونین)،عاشورای ارومیه: امروز صبح طبق معمول مردم در مسجد اعظم جمع شده و مشغول استماع سخنرانی بودند و هنوز تعدادشان هم کم بود و به حالت ازدحام معمول نرسیده بود که عده‌ای اراذل و اوباش و درجه دار بازنشسته و تعدادی از زنان هرزه با حمایت مأموران شهربانی در حالی که شعارهای موافق دولت می‌دادند و در دست پرچم و عکس شاه را داشتند در خیابان‌ها به راه افتاده بودند، به مسجد حمله بردند و با سنگ شیشه‌های آن را خرد کرده و قصد آتش زدن آن را داشتند. مردمی که در بیرون بودند به مقابله برخاستند و جمعیت داخل مسجد هم بیرون ریخته و به آن‌ها پیوستند و با سنگ و چوب و پاره آجر به سوی‌شان حمله کردند و چند نفرشان را به سختی مجروح کردند. آنها هم دو نفر را با ضربه چاقو مجروح کردند. بالاخره با پایداری حامیان مسجد و قرآن متواری و تار و مار شدند. پس از آن مردم برای پیشگیری از حمله دوباره آنها یا مأموران شهربانی و حفظ حرمت مسجد و مسلمانان در طول خیابان عسگرآبادی آتش روشن کرده و فرش-های مسجد و نیمکت‌های آن را تماماً جمع کردند و در داخل مسجد هم آتش روشن کردند سپس هر کدام به چوب یا آجر، سنگ یا میله مجهز شدند و در مقابل پلیس صف آرایی کرده و شروع به دادن شعار نمودند. بعد از آن در حالی که به تعداد جمعیت افزوده می‌شد مردم با پرتاب سنگ و آجر، پلیس را مسافت زیادی عقب راندند و دست به کندن پارکومترها، تابلوهای راهنمایی و نرده‌های خیابان زدند و با آنها برای خود سنگر درست کردند. این کار دامنه وسیعی گرفت و خیابان عسگرآبادی و خمینی بسته شد و سنگرهایی که مردم در چند نقطه ایجاد کرده بودند جلوتر برده شد و چند درخت تنومند هم که از کنار خیابان شکسته بودند به آنها اضافه شد. پشت آنها گروهی از جوانان و نوجوانان با چوب و میله آهنی جمع شده و شعار می‌دادند. در فاصله دوری هم پلیس صف-آرایی کرده بود. عده‌ای دور آتش جمع شده بودند و خود را گرم می‌کردند. گروهی به نظم دادن مردم و جلوگیری آنان از پیشروی بیشتر پرداخته بودند. عده‌ای با وانت و موتورسیکلت رفته و از رودخانه برای پرتاب به سوی پلیس و دفاع از حریم مسجد سنگ آورده و بین مردم پخش می‌کردند. در هر حال مردم مجموعاً در کار سنگر بندی و آذوقه و مهمات رسانی بودند و این وضع تا ظهر ادامه یافت، یعنی صف آرایی و رجزخوانی مردم و پلیس در مقابل هم. جوانانی که اینجا سنگر گرفته بودند با حرارت و اشتیاق و صداقت تمام فعالیت می‌کردند. یک جوان کم سن و سال فریاد می‌زد «آنها تفنگ و مسلسل، ولی ما نیروی ایمان داریم»،« ما آنها را شکست خواهیم داد». مقداری از ظهر گذشته عده‌ای نان و میوه به مقدار فراوان بین مردم پخش کردند. چند دقیقه بعد در حالی که عده‌ای مردم را از نزدیک‌تر رفتن بر حذر می‌داشتند. پلیس با یک حمله چند گاز اشک‌آور پرتاب کرد. مردم کمی عقب نشستند و به دور آتش‌های افروخته جمع شدند و گروهی هم شروع به پرتاب سنگ به طرف پلیس و چند بانک کردند.

بعد از چند دقیقه مردم دوباره به جاهای خود برگشتند. وضع به حال اول خود بازگشته بود. در حالی که مردم عصبانی و هیجان زده بودند. بعد از مدتی پلیس و گروهی ارتشی حمله خود را دوباره شروع کردند در حالی که این بار با تیراندازی و در پشت یک ماشین آب پاش پیش می‌آمدند. مردم در حال پرتاب سنگ عقب نشینی کردند و در این حال چند نفر تیر خورده و بر زمین افتادند در حالی که دوستانشان آنان را بلند کرده و با خود می‌بردند این عقب نشینی تا جلو و دور و بر مسجد و کوچه های اطراف ادامه یافت. در حالی که مردم ضمن عقب نشینی، از پشت بام مسجد با پرتاب سنگ و پاره آجر مقاومت می‌کردند. در حوالی مسجد هم گروهی به زمین ریختند. تیرخورده‌ها را به داخل مسجد می‌بردند. مردم مأیوسانه لا اله الا الله و یا حسین گویان در حال مقاومت بودند. ناگهان از بالای مسجد صدای شلیک رگبار بلند شد. پلیس با حیرت از پیشروی باز ایستاد و در نتیجه ادامه تیراندازی با عجله عقب نشینی کرد. گروهی با فریاد به مردم فهماندند که شلیک مسلسل متعلق به مردم است پس از آن مردم هجوم آوردند و همان‌ها بودند که پلیس و سربازان را با سنگ عقب راندند. شیشه‌های ماشین آب‌پاش خرد شد و قبل از اینکه به دست مردم بیفتد به زحمت از میدان خارج شده و در رفت. پلیس هم در حالی که کشته و زخمی-هایش را بجا نهاده بود، وحشت زده فرار کرد و رفت. پس از آن نیروهایی هم که در میدان مرکز برای محافظت مجسمه مستقر شده بودند، به سرعت محل خود را ترک کرده و رفتند. سپس منطقه به دست مردم افتاده بود. بعد از فرار نیروهای رژیم بود که ماشین‌های اورژانس و اتومبیل‌های شخصی برای رساندن مجروحان به بیمارستان سر رسیدند و آژیرکشان دور شدند. گروهی از مردم هم برای اهدای خون به محل شیر و خورشید هجوم بردند. در یک اتومبیل در مقابل در بیمارستان دو افسر و دو پلیس دیگر در حالی که سلاح‌های خود را به علامت تهدید تکان می‌دادند مانع نزدیک شدن مردم به بیمارستان می‌شدند. یک‌باره گروهی از داخل بیمارستان به اینها با سنگ حمله کردند از بیرون هم همین عمل انجام گرفت. اتومبیل شهربانی به سرعت در حالی که تیراندازی می‌کرد از محل فرار کرد و مردم آزادانه وارد بیمارستان شدند. معلوم شد که سه پلیس داخل بیمارستان هستند. مردم به اتاق‌ها هجوم بردند. یکی از پاسبان‌ها با لباس مبدل فرار کرد. یکی دیگر را کشتند و نفر سوم تا حد مرگ کتک خورد. پس از آن، هجوم مردم بود از هر سو برای کسب اطلاع یا اهدای خون. بیمارستان پر از جمعیت بود، در ضمن گروهی هم اسم بیمارستان را که «رضا پهلوی» بر روی کاشی نقش شده بود شکسته و پائین ریختند. اما از طرف دیگر مردمی که در مقابل مسجد و برای دفاع از آن جمع، باقی مانده بودند، دست به تخریب زدند و با بنزین و مواد آتش‌زا، چهار بانک را در آن حوالی به آتش کشیدند. وسایل دو بانک را بیرون آورده و سوزاندند و به بقیه صدمه رساندند. این عده تا عصر مشغول آتش افروزی و تهاجم بودند. هنگام عصر پلیس و ارتش بار دیگر دست به تهاجم زدند تا این گروه را پراکنده سازند در نتیجه یک نفر را مقابل مسجد سردار با تیر به قتل رسانیدند. این شخص داشت از آن محل می‌گذشت که تیر از مغزش اصابت کرده و آن را متلاشی ساخت. در پایان روز، بانک بازرگانی در اثر انفجار مواد آتش‌زا فرو ریخته بود. بانک اعتبارات به کلی سوخته بود. بانک ایرانشهر و صادرات قسمتی کم از وسایل‌شان

متن اطلاعیه جامعه معلمان ارومیه به شرح زیر است:

بسمه تعالی

انا الله و انا الیه راجعون

مردم غیور مبارز ارومیه

در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی ملت مبارز ایران تحت رهبری مراجع عالی قدر و بار دیگر اتحاد و همبستگی و دیانت خود را به ثبوت رسانیده و به جهانیان اعلام کردند که در راه رسیدن به اهداف مقدس خود و سر نگونی بساط ظلم و فساد تا آخرین قطره خون ایستادگی خواهند کرد راهپیمائی میلیون‌ها ایرانی روشنگر این واقعیت بود که باعث هر گونه حوادث ناگوار در این نوع تظاهرات فقط و فقط دخالت مأمورین انتظامی می‌باشد. به طوری که همشهریان عزیز اطلاع دارند در روز پنچشنبه ۵۷/۹/۲۳ معدودی اوباش با حمایت مأمورین شهربانی و ژاندرمری به خانه خدا (مسجد اعظم) که از مقدس‌ترین اماکن مسلمانان می‌باشد حمله ور شده ضمن شکستن شیشه‌های در و پنجره‌های آن، قصد آتش زدن مسجد را داشتندکه مردم مسلمان و متدین ارومیه تحمل نکرده و به قصد دفاع از مقدسات دینی خود در اطراف مسجد جمع شدند. مأمورین برای حمایت از اوباش و دشمنان دین به سوی مردم مسلمان و بی دفاع آتش گشودند که در نتیجه تعدادی از مدافعین مسجد شهید و مجروح شدند[۸۸]. جامعه معلمان ارومیه

سالم مانده بود. وسایل داخل بانک بیمه در بیرون به زباله تبدیل شده بود و دو بانک دیگر صدمه دیده بودند اما دود از بانک‌های سوخته تا صبح فردا بلند بود. علت خشم مردم نسبت به بانک‌ها، تیراندازی به سوی تظاهر کنندگان از داخل بانک بازرگانی توسط رئیس بانک بوده است. گفته می‌شد در پشت بام مسجد دو قبضه مسلسل قرار داشته است و همچنین عده‌ای هم به تیر و کمان و سنگ و آجر و چوب مسلح بودند و در مقابل دیوارهایش سنگر بندی کرده بودند و چند نفرشان مورد اصابت گلوله واقع شدند. تا شب اسامی ۵ تن کشته و ۳۵ تن زخمی اعلام شده بود. حال چند تن از زخمی‌ها وخیم بود.

۸۸ – روزنامه اطلاعات در تاریخ ۵۷/۱۰/۱۶ وقایع روز ۲۳ آذرماه ۵۷ ارومیه را چنین گزارش نمود: روز پنجشنبه ۲۳ آذرماه [۵۷/۹/۲۳] را مردم رضائیه (ارومیه) پنجشنبه در خیابان عسگرآبادی حدود یکصد نفر چماق به دست که قصد آتش زدن مسجد اعظم را داشتند با مردم درگیر شدند. چند لحظه بعد حسن زاده رئیس بانک بازرگانی

این جنایت را شدیداً محکوم نموده و مجازات عاملین آن را در دادگاه ملی خواستار است.

با توجه به حوادث اخیر شهرهای ایران که با کمال تأسف تعداد زیادی شهید و یا مجروح شده‌اند حضرات آیات عظام روز دوشنبه مورخ ۵۷/۹/۲۷ را عزای عمومی اعلام فرموده‌اند که در روز مزبور کلیه فرهنگیان و ۱۱۴ گروه وابسته از حضور در محل کار خودداری خواهند نمود.

در ضمن از کلیه همکاران محترم دعوت می‌شود که ساعت ۳:۳۰ بعدازظهر روز سه شنبه مورخ ۵۷/۹/۲۸ جهت تبادل نظر و تصمیم گیری در مورد وقایع اخیر در سالن دبیرستان مهر حضور به هم رسانند. از درگاه حضرات احدیت مسئلت داریم که روح پر فتوح شهدای راه حق و آزادی را قرین رحمت خویش قرار داده و ملت ایران را در مبارزات بر حق خود مؤید و موفق فرماید.[۸۹] جامعه معلمان ارومیه

شعبه مرکزی (پهلوی) از لای در بانک گلوله‌ای با تفنگ شکاری شلیک کرد و سپس گریخت با شلیک گلوله از سوی حسن زاده ماموران ژاندارمری و شهربانی به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند که در نتیجه ۶ نفر کشته و بیش از ۴۰ نفر مجروح شدند. قربانیان این درگیری عبارتند از قربانعلی حسین زاده ۲۶ ساله – غلامحسین حاجی زاده ۲۶ ساله – عبداله (خسرو) کیمیایی رضائی ۳۲ ساله – مختار مظاهری ۵۰ ساله – نبی جعفرزاده ۲۶ ساله و مهدی نیک فرجام ۳۰ ساله. در جریان این تظاهرات بانک اعتبارات، بانک بازرگانی، بانک ایرانشهر و بانک صادرات شعبه پهلوی به کلی سوخت.

۸۹ – البته در دو روز پس از آن حادثه نیز اتفاقاتی در ارومیه افتاد که حسب روزنگاشتهای آقای مهدی یوسف زاده به این شرح است:

جمعه ۲۴ آذرماه، ۱۴ محرم، ارومیه

امروز روز تشییع جنازه شهدای دیروز بود. از صبح زود تعدادی از روحانیون برای جلوگیری از خشونت و هجوم مردم به بیمارستان، جنازه شهدا را تحویل گرفتند و به گورستان باغ رضوان برده بودند. ساعت و محل تشییع جنازه ساعت ۹ از مسجد سید جواد اعلام شده بود. گروه‌های کثیری از مردم در محل اجتماع کرده بودند. در حین راهپیمایی عده‌ای سرود ۱۷ شهریور را می‌خواندند و گروه‌های دیگر شعارهای دیگر می‌دادند. در مقابل مجسمه رضا شاه عده‌ای از مأموران انتظامی از خود جمعیت، مردم را از حمله به مجسمه باز می‌داشتند اما مردم خشم خود را با پرتاب سنگ نشان می‌دادند. در این محل تابلویی که اسم و مشخصات رضائیه بر روی آن نوشته شده بود،

اعتراض و اعتصاب در رابطه حمله به مسجد اعظم

اخبار واصله از جنایات رژیم در سطح کشور همچنان ادامه دارد، جامعه فرهنگیان ارومیه در رابطه با جنایات جنایتکاران رژیم و حمله چند اوباش به مسجد اعظم این شهر که منجر به شهادت چند نفر از اهالی مبارز می‌شود اعلامیه‌ای صادر می‌کند و در آن از کلیه ۱۱۴ گروهی که با فرهنگیان در تحصن دادگستری اعلام همبستگی کرده بودند دعوت به اعتصاب می‌کند. متن اعلامیه چنین است:

بسمه تعالی

۲۹ آذر ماه ۱۳۵۷

مردم غیور شهرستان ارومیه

برای محکوم کردن و اعتراض به حمله معدودی اوباش به مسجد اعظم ارومیه که با حمایت مأمورین شهربانی و ژاندارمری طرح‌ریزی و اجرا شد و سینه مدافعین مقدسات دینی آماج گلوله قرار گرفت و تعدادی از افراد متدین شهید و مجروح شدند و همچنین

شکسته شد؛ چرا که اسم شهر از چندی پیش به «ارومیه» تغییر کرده بود. عظمت و کثرت جمعیت در جاده‌ای که به گورستان ختم می‌شود مشهود بود. در محل اجتماع مردم ابتدا یک مأمور ساواک را دستگیر کرده و در یک اتاق زندانی کردند. یکی دیگر که این صحنه را دید فرار کرد. یک نفر سخنرانی کرد و اسامی و تعداد شهدا را اعلام کرد. در ضمن گفت که بنا به خبرهای رسیده نیروهای پلیس و ارتش ۱۶ کشته و زخمی بجا گذاشته‌اند. واقعه عجیبی بود، در یک برخورد، تلفات رژیم بیشتر از مردم بوده است. یک نفر از پشت بلندگو شعار می‌داد و جمعیت او را همراهی می‌کردند. بعد از اتمام کفن شهدا مردم به نماز ایستادند و برای شهدا در سه نوبت نماز خواندند. تعداد شهدا ۵ نفر بود. مردم همه متأثر بودند. خانواده‌های شهدا آه و ناله می‌کردند. عده‌ای خشمگین سعی می‌کردند که ساواکی دستگیر شده را به چنگ بیاورند. بالاخره بعد از پایان مراسم جمعیت به سوی شهر سرازیر شد و در بین راه مأمور دستگیر شده را چند روحانی سوار اتومبیل کردند که سالم به شهر بیاورند. گروهی از مردم به سوی اتومبیل حمله کردند. اتومبیل خرد شد و مأمور داخل آن با ضربات کارد به سختی مجروخ شد که بعداً به بیمارستان منتقل شد و بعدها خبر رسید که مرده است. راهپیمایی در محله سید جواد ختم شد و مراسم تشییع پایان گرفت. امروز در ضمن شاهد جمع آوری و تمیز نمودن خرابی‌های روز گذشته بود. از پلیس و نیروهای ارتش هم اصلاً خبری نبود.

شنبه ۲۵ آذرماه ، ۱۵ محرم، ارومیه

امروز خبر رسید که یکی دیگر از مجروحان حادثه «پنجشنبه خونین» بنام «مختار مظاهری» درگذشته است و فردا تشییع جنازه او خواهد بود.

به خاطر کشتارهای بی رحمانه اخیر شهرهای تبریز، سردشت، اصفهان، نجف آباد، مهاباد و سایر شهرها که تعداد زیادی از برادران و خواهران عزیز در حال دفاع از استقلال کشور و سرنگونی بساط ظلم و استبداد به خاک و خون کشیده شده‌اند و نیز به جهت یورش مزدوران به بیمارستان مشهد که در نتیجه آن تعدادی از پزشکان و کارکنان متدین و انسان دوست و بیماران به قتل رسیده و مجروح شده‌اند که شاید بشر حتی در یورش‌های بی‌رحمانه سفاکان تاریخ چنین اعمال وحشیانه و ننگین را به یاد ندارد و برای حفظ جان دانش‌آموزان عزیز و برای جواب‌گویی به تهدید دولت، فرهنگیان شهرستان ارومیه در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۲۸ در سالن دبیرستان مهر تصمیم گرفتند که از رفتن به مدارس خودداری نمایند. از همکاران و کارکنان محترم و کارمندان جزو ۱۱۴ گروهی که اعلام همبستگی فرموده‌اند، درخواست شد که تهدیدهای دولت را به مانند فرهنگیان ارومیه پاسخ دهند.

به یاری پروردگار عالم و تحت رهبری‌های مراجع عالی قدر دینی ملت مسلمان ایران و اقلیت‌های مذهبی آن که خواهران و برادران گرامی مردم بوده و در هر سال مورد احترام و حمایت می باشند موفق و منصور هستند در پایان همکاران تصمیم گرفتند در جلسه عمومی فرهنگیان برای مشورت های لازم روز سه شنبه ۵۷/۱۰/۵ ساعت ۳ بعد از ظهر در سالن دبیرستان مهر حضور به هم رسانند.

مصیبتهای وارده را به محضر مقدس حضرت ولی عصر عجل ا لله تعالی فرجه الشریف تسلیت عرض می‌نمائیم.

جامعه معلمان ارومیه

تغییر نام رضائیه به ارومیه[۹۰]

ارومیه نام قدیمی و اصیل این شهرستان می باشد که بنا به سیاست‌های موجود در بطن مملکت داری حکومت رضاخان در سال ۱۳۰۷ نام ارومیه تبدیل به رضائیه شد و اما در جریان آذر ماه ۵۷ بنا به پیشنهاد حجت الاسلام غلامرضا حسنی در مسجد اعظم ارومیه به هنگام آموزش فنون کاربرد اسلحه در بالای منبر این مسجد و تائید اهالی این شهرستان، نام رضائیه از همان لحظه در سخنرانی‌ها واعلامیه‌ها تبدیل به ارومیه شد و آنجائیکه قراردادهای موجود در حکومت منحوس پهلوی یکی پس از دیگری از بین می‌رفت؛ این نامگذاری نیز در مسیر صحیح خود افتاد و رایج گردید.

دولت بختیار سر کار می‌آید

آذر ماه انقلاب سپری می شود. دی با همان روزهای تاریخی فرا می‌رسد. سه شنبه ۵ دی ماه ۵۷ دکتر کامران نجات الهی یکی از استادان متحصن در دانشگاه تهران به هنگام سخنرانی به شهادت

---

۹۰ – در مورد تغییر نام ارومیه به رضائیه آقای دهقان در کتاب خود اینگونه آورده‌اند که : در اوایل سلطنت رضا شاه کبیر به پاس قدردانی از خدمات شاه فقید در دوران وزارت جنگ و ریاست وزرائی وی در مورد رفع غائله سمیتقو و استقرار آرامش و امنیت در حدود ارومیه، اهالی شهر، تلگرافی از مرکز خواستند با تغییر نام ارومیه به رضائیه موافقت شود. تقاضای اهالی مورد موافقت مرکز واقع شده و طبق تصویب دولت و اعلام وزارت کشور از آن تاریخ شهر تاریخی ارومیه به نام رضائیه نامیده شد. ... تصویب نامه رسمی تغییر نام ارومیه به رضائیه از طرف هیئت دولت در شهریورماه ۱۳۱۴ خورشیدی صادر گردید. طبق این تصویب نامه اسامی ۲۸ شهر و قصبه تغییر یافت که یکی هم ارومیه بود. (دهقان، علی، ***سرزمین زردشت اوضاع طبیعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی رضائیه***، تهران: ابن سینا، چاپ اول ۱۳۴۸، ص ۶۳۱) بعد از انقلاب نیز طبق تصویبنامه شماره۵۴۶۰۴ – ۱۳۵۸/۷/۲۲ وزارت کشور دوباره نام رضائیه به ارومیه تغییر یافت. در متن این تصویب نامه آمده است: «هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۳۵۸/۷/۱۴بنا به پیشنهاد شماره ۷۵۶۳/۵۳/۳۳۹۰ مورخ ۱۳۵۸/۶/۱۴ وزارت کشور و به استناد تبصره ۲ ماده ۲ قانون تقسیمات کشوری مصوب آبان ماه ۱۳۱۶ تصویب نمودند : نام شهر و شهرستان رضائیه تابع استان آذربایجان غربی به ارومیه تغییر یابد. اصل تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است.»

می‌رسد. شهادت دکتر کامران نجات الهی مقارن با آخرین نفس‌های دولت ارتشبد ازهاری بود. به طوری که بعد از ۱۱ روز در ۵۷/۱۰/۱۶ دولت بختیار به جای دولت ازهاری تشکیل کابینه می‌دهد و در همین روز اعتصاب ۶۱ روزه مطبوعات ایران بنا به موافقت امام پایان می‌یابد و در نخستین شماره بعد از اعتصاب مطبوعات که عده‌ای از مقامات دولتی رژیم از جمله هویدا[۹۱]، همایون[۹۲]، روحانی[۹۳]، آزمون[۹۴]، نیک پی[۹۵] دستگیر می‌شوند دیده می شود.

---

۹۱ – امیر عباس هویدا (۲۸ بهمن ۱۲۹۷ - ۱۸ فروردین ۱۳۵۸ در تهران) یکی از نخست‌وزیران ایران در زمان حکومت محمد رضا پهلوی بود. وی ۱۳ سال نخست وزیر بود و ریاست دولت در ایران را بر عهده داشت.

۹۲ – داریوش همایون(۱۳۸۹ – ۱۳۰۷) ۱۶ مرداد ۱۳۵۶ در کابینه جمشید آموزگار به سمت وزیر اطلاعات و جهانگردی منصوب شد و با اتخاذ سیاست سانسور مطبوعات عرصه فعالیت را بر روزنامه نگاران و نویسندگان تنگ نمود. یکی از اقدامات داریوش همایون در زمان تصدی وزارت اطلاعات چاپ مقاله‌ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ بود که در آن به ساحت مقدس امام خمینی (ره) بی حرمتی شده بود. و در ۹ بهمن ۱۳۸۹(۲۹ ژانویه ۲۰۱۱) در بیمارستانی در ژنو سویس درگذشت. (معزی‌نیا، ویدا ، ***داریوش همایون،*** مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، iichs.org)

۹۳ – منصور روحانی قزوینی که ۱۴ سال هدایت دو وزارتخانه آب و برق، کشاورزی و منابع طبیعی (۱۳۴۲ ۱۳۵۶ ش) را به عهده داشت، در سال ۱۳۰۰ ش در بخش ۵ تهران به دنیا آمد.منصور روحانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، محاکمه و در سحرگاه ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ اعدام شد. (بهبودی، هدایت اله، ***بازخوانی پرونده منصور روحانی***، روزنامه دنیای اقتصاد، چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸، به نقل از aftabir.com)

۹۴ – منوچهر آزمون، در سال ۱۳۰۹ در تهران چشم به جهان گشود. سال ۱۳۵۵ در آخرین ترمیم کابینه امیرعباس هویدا به سمت وزیر کار و اموراجتماعی معرفی گردید. بیش از یکسال از وزارت وی نگذشته بود که دولت هویدا سقوط کرد و سال ۱۳۵۶ جمشید آموزگار به نخست‌وزیری رسید و آزمون در این کابینه به استانداری فارس منصوب گشت. آزمون پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل دادگاههای انقلاب، محاکمه و محکوم به اعدام و همچنین مصادره اموال شد و در ۲۰ فروردین ۱۳۵۸ تیرباران شد. (معزی‌نیا، ویدا ، ***منوچهر آزمون،*** مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، iichs.org)

۹۵ – غلامرضا نیک‌پی در سال ۱۳۰۸ه.ش در اصفهان به دنیا آمد. وی در کابینه هویدا به وزارت مشاوره رسید که آن را در کنار معاونت نخست‌وزیری عهده‌دار شد. در سال ۱۳۴۶ه.ش غلامرضا نیک‌پی طی حکمی از طرف اسدالله علم وزیر دربار به ریاست اداره کاخ جوانان در کنار دیگر مسئولیت‌هایش انتخاب شد. وی در سال ۱۳۴۷ه.ش به وزارت آبادانی و مسکن در کابینه هویدا دست یافت. بعدها نیک‌پی با کمک هویدا توانست شهردار تهران شود.

دوشنبه ۱۸ دی ماه ۵۷ امام خمینی این روز را عزای ملی اعلام می‌کنند[۹۶]. امام در مصاحبه‌ای با خبر گزاری فرانسه می‌فرمایند : مداخله شوروی سبب جنگ جهانی سوم می‌شود.

در این روز ارتشبد ازهاری به بهانه مریضی از ایران فرار می کند.

سه شنبه ۱۹ دی ماه ۵۷ دانشگاهیان روز ۲۰ تا ۲۷ دی ماه را به عنوان هفته بازگشائی دانشگاه‌ها اعلام می‌نمایند.



پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیک‌پی به اعدام محکوم شد و در سال ۱۳۵۸تیرباران گردید. (حسنی نسب، مرتضی، ***غلامرضا نیک پی***، پژوهشکده باقر العلوم(ع)، pajoohe.com)

۹۶ - اینجانب روز دوشنبه نهم صفر ۹۹ را برای شهدای مشهد و قزوین و کرمانشاه و سایر بلاد، روز عزای عمومی اعلام می‌کنم؛ و از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم که این روز را آخرین روز عزای ملت شریف قرار دهد. (***صحیفه امام***، ج۵ ص ۳۵۱)

چهار شنبه ۲۰ دی ماه ۵۷ امام خمینی در پیامی به ملت ایران می‌فرمایند قتل و غارت اشخاص به نام ساواکی توطئه علیه نهضت است.

پنجشنبه ۲۱ دی ماه ۵۷ بختیار برنامه خود را برای رفع بحران کشور در مجلس شورای ملی اعلام می کند.

جمعه ۲۲ دی ماه ۵۷ اردشیر زاهدی[۹۷] از ایران فرار می کند.

شنبه ۲۳ دی ماه ۵۷ اعضا شورای سلطنت[۹۸] تعیین می‌شود.

امام خمینی در اعلامیه‌ای اعلام می‌فرمایند که شورایی به نام «شورای انقلاب اسلامی» مرکب از افراد با صلاحیت و مسلمان و متعهد تشکیل شده است. سازمان ملی دانشگاهیان ایران، واحد ارومیه نیز در رابطه با اعلامیه «بازگشایی دانشگاه‌ها» اطلاعیه‌ای به شرح زیر صادر می کند و در رابطه با این اطلاعیه مردم قهرمان ارومیه همراه با حجت الاسلام غلامرضا حسنی «امام جمعه» ارومیه در محوطه دانشگاه ارومیه نماز وحدت می خوانند.

---

۹۷ – اردشیر زاهدی (زاده ۲۵ مهر ۱۳۰۷) وزیر خارجه ایران و آخرین سفیر ایران در آمریکا در دوره محمدرضا پهلوی و از نزدیکان شاه بود.

۹۸ – «شورای سلطنت» یکی از آخرین تکیه‌گاههای شاه برای جلوگیری از فروپاشی رژیم سلطنتی پس از خروج وی از کشور بود. در آن زمان اوجگیری انقلاب اسلامی که سقوط رژیم سلطنتی را هدف قرار داده بود و همچنین عوامل فرعی‌تر از جمله عدم اعتماد شاه به شایستگی بختیار در حفظ رژیم سلطنتی و همچنین نگرانی وی از بروز اختلاف میان ارتش و بختیار، شاه را عمیقاً به این نتیجه رسانده بود که متعاقب خروج او از کشور، اساس رژیم سلطنتی نیز با توجه به احساسات عمومی فروخواهد ریخت. از این رو به عنوان آخرین بارقه امید، تصمیم گرفت شورایی را به وجود آورد تا بتواند از فروپاشی نظام سلطنتی جلوگیری به عمل آورد. در حقیقت فکر تشکیل «شورای سلطنت» ناشی از نگرانی جدی شاه از انقراض سلسله شاهنشاهی بود. اعضایی که برای تشکیل این شورا با موافقت شاه در نظر گرفته شدند عبارت بودند از: ۱. شاپور بختیار نخست‌وزیر ۲. محمد سجادی رئیس مجلس سنا ۳. جواد سعید رئیس مجلس شورای ملی ۴. سید جلال تهرانی سناتور سابق ۵. محمدعلی وارسته وزیر دارایی اسبق ۶. عبدالله انتظام رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران ۷. علیقلی اردلان وزیر دربار شاهنشاهی ۸. علی‌آبادی دادستان سابق ۹. ارتشبد عباس قره‌باغی رئیس ستاد ارتش(ساجدی، احمد، ***شورای سلطنت***، دوران ماهنامه الکترونیکی تاریخ معاصر ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، dowran.ir)

اینک متن اطلاعیه دانشگاهیان ارومیه:

به نام خدا

حکومت استبدادی وابسته که هر گونه اجتماع و تبادل افکار را مخالف با بقای خود می‌دانست دانشگاهیان و مؤسسات آموزش عالی را که همواره از سنگر های مستحکم و دیرینه دفاع از آزادی شرف و شخصیت در این سرزمین بوده، تعطیل کرد تا به خیال خود ندای حق طلبانه دانشگاهی را خاموش سازد. غافل از آنکه دانشگاهیان مبارز در کنار ملت ایران که مبارزه دائمی دانشگاهیان را جلوه‌ای از قیام مردمی و ضد استبدادی خویش می‌داند و همواره در کنار و مؤید خواسته‌های ملی و قانونی آنانست از پای نخواهند نشست.

اینک بار دیگر ورقی زرین به تاریخ حماسه آفرین ملت ایران افزون گشت و به خواست توده‌های قهرمان و خون بهای شهیدان دانشگاه‌های سراسر کشور گشوده تا رسالت عظیم خود را در نهضت حق طلبانه خلق ایران ایفاء کند.

امروز دانشگاه‌های ما برای آموزش فرهنگ استعماری دیکته شده، برای جمع کردن دانشجویان جهت به خدمت گرفتن تکنیک و آموزش غربی که مُبلغ مصرف کالاهای شرق و غرب است، برای آموزش تاریخ نادر و نوشیروان و برای اشاعه انقلاب‌های دستوری کِندی‌ها و کارترها برای ادامه ۲۵ قرن دیگر نکبت و سیه روزی گشوده نگشته است؛ بلکه برای آموزش فرهنگ ملی و تاریخ حماسه آفرین توده‌های ستمدیده ایران برای بزرگداشت و سر لوحه قرار دادن نام مردان ملی و مجاهدان شهیدی چون مدرس‌ها، مصدق‌ها، فاطمی‌ها، بهرنگی‌ها، رضائی‌ها و قهرمانان گمنامی که هر روز و همه جا نام غرور آفرین ایرانی را با شهادت همراه می‌سازند، برای آموزش و ایجاد یک اقتصاد ملی و خودکفا و احیاء کشاورزی نابود شده در ۲۵ سال خیانت و خفقان برای آموزش خودآگاهی فردی و جمعی و برای افشاگری اعمال کثیف و ننگین خودکامگانی که ۲۵۰۰ سال ثروت ارزش و شرف ملی ما را به نیستی کشانیده‌اند و از همه مهمتر برای به ثمر رسانیدن این نهضت عظیم و دفاع از شرف، حیثیت و تمامیت ملی ایران عزیز گشوده‌ایم. سازمان ملی دانشگاهیان واحد ارومیه به پیروی از خواست

بجای سازمان ملی دانشگاهیان کشور از تاریخ ۵۷/۱۰/۲۳ جهت گردهمائی، تبادل نظر و مستحکم نمودن سنگر دانشگاهیان به کمک همرزمان مبارز و قهرمان‌مان، دانشجویانی که به گواه تاریخ، مظهر پاک ملیت، شجاعت و از خود گذشتگی بوده‌اند، آغاز بکار کرد.

۱- مبارزات دانشگاهیان در راه بر چیدن استبداد داخلی و استعمار خارجی و بنیانگذاری نظام دانشگاهی مستقل و جدید با شرکت فعالانه دانشجویان کارمندان و استادان ادامه خواهند داد.

۲- درهای دانشگاه را به روی تمام مردم مبارز ایران به عنوان یک سنگر مبارزه با ضد انقلاب باز و هر گونه تجاوز را به حریم این محل مقدس محکوم می‌کنند.

۳- پیوند ناگسستنی خود را با ملت ایران و رهبری امام خمینی اعلام و تا حصول آزادی و دمکراسی واقعی و برقراری جمهوری اسلامی از پای نخواهند نشست.

درود بر قائد اعظم و مجاهد اکبر امام خمینی، درود به مردم مبارز ایران.

سازمان ملی دانشگاهیان ایران، واحد ارومیه

شاه رفت

یکشنبه ۲۴ دی ماه ۵۷ امام خمینی به مردم و ارتش هشدار می‌دهند که گروهی می‌خواهند به محض رفتن شاه به نام ملت مسلمان به مؤسسات ارتشی و دولتی حمله کنند.

دوشنبه ۲۵ دی ماه ۵۷ در بازار تهران تظاهرات عظیمی بر پا می‌شود.

ارتشبد قره‌باغی رئیس ستاد ارتش وقت می‌گوید «ارتش کودتا نخواهد کرد»

در این روز مجلس سنا به دولت بختیار رای اعتماد می‌دهد.

سه شنبه ۲۶ دی ماه ۵۷ «شاه رفت»

با رفتن شاه، ایران غرق در نور و گل می‌شود. صدای شلیک اسلحه‌های کمری، بوق اتومبیل‌ها، رقص برف پاک‌کن خودروها از مناظر شنیدنی و دیدنی این روز است. جالب‌تر این که نسل‌های ایرانی بعد از تقریباً یک میلیون شبانه روز(توضیح: عددیک میلیون شبانه روز یک عدد ابتکاری است

که از تبدیل ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی به روز و سپس علاوه کردن روزهای بعد از جشن ۲۵۰۰ ساله طاغوت در پاسارگاد به دست آمده است) که همیشه شب خوابیده‌اند و صبح در ستمشاهی زیسته‌اند. امروز وقتی از خواب بیدار می‌شوند دیگر «شاه» وجود ندارد و این افتخار نصیب این نسل انقلابی شده است و از بزرگترین شادمانی‌ها به شمار خواهد رفت و این خود از اعجاز انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود.

امام خمینی به مناسبت روز اربعین پیامی می‌دهند[۹۹].

در ساعت ۱۰:۲۰ دقیقه بعدازظهر در جنوب خراسان زلزله نسبتاً شدیدی روی می‌دهد.

پنجشنبه ۲۸ دی ماه ۵۷ آیت الله طالقانی در پیامی به مناسبت اربعین اعلام می‌کنند که موضع‌گیری خاص و تخلف از صفوف اقشار مردم در این شرایط حساس خیانت به نهضت است.

جمعه ۲۹ دی ماه ۵۷ تظاهرات با شکوه چند میلیونی در تهران و شهرستان‌ها به مناسبت روز اربعین و صدور قطعنامه در جهت درخواست علنی حکومت جمهوی اسلامی.

---

۹۹ – زمان: ۲۵ دی ۱۶/۱۳۵۷ صفر ۱۳۹۹، مکان: پاریس، نوفل لوشاتو. مناسبت: فرارسیدن اربعین حسینی.
بسم اللّٰه الرحمن الرحیم. اربعین سید مظلومان و سرور شهیدان– صلواهٔ اللّٰه و سلامه علیه– رسید. بر ملت رشید و آگاه ما «اربعین» های سودمندی گذشت. ما در این سالها به دنبال بیش از پنجاه سال سلطنت غاصبانه سلسله پهلوی با چه مصیبتهایی و بی‌فرهنگیهای خانمانسوزی مواجه بوده ایم. سالهایی بس تلخ و رنج آور در این پنجاه سال و تلختر و رنج آورتر در این یکی دو سال اخیر که ملت شجاع ما را علیه استبداد و استعمار به حرکت درآورد. امسال اربعین امام امت در خلال اربعینهای پیروان و شیعیان آن بزرگمرد اسلام واقع شده، و گویی خون شهیدان ما امتداد خون پاک شهیدان کربلاست، و اربعین اخیر برادران ما بازتاب اربعین آن دلاوران می‌باشد؛ خون طاهر آنان به حکومت طاغوتی یزید خاتمه داد، و خون پاک اینان سلطنت طاغوتی را به هم پیچید. اربعین امسال استثنایی و نمونه است؛ راهپیمایی و تظاهرات پرشور در این اربعین وظیفه شرعی و ملی است. ملت بزرگ در سراسر ایران با راهپیمایی و تظاهرات خود این نظام را دفن می‌کند، و مخالفت خود را با «شورای سلطنت» غیرقانونی اعلام می‌نماید، و پشتیبانی خود را برای چندمین بار از «جمهوری اسلامی» اعلام می‌کند. لازم است توجه ملت دلیر ایران را به مطالبی چند جلب نمایم... (نگاه کنید به: صحیفه امام، ج۵، صص: ۴۷۷– ۴۷۹)

ویژگی های قیام مسلحانه در ارومیه به زبان حجت الاسلام غلامرضا حسنی

و درگیری روز دوم بهمن ۵۷

چنان که در مقدمه این مجموعه ذکر شد موقعیت جغرافیائی شهرستان ارومیه و مسائل ناشی از ناگواری‌های تلخ و دل‌آزار بلواها و آشوب‌ها موجب شد که اهالی قهرمان ارومیه خیلی دیر با رژیم پهلوی دست و پنجه نرم کنند. رهبران مذهبی علی الخصوص حجت الاسلام غلامرضا حسنی با مسلح کردن مردم و تشکیل گروه‌های چریکی[۱۰۰] به نام «مجاهدین مسلح امام خمینی» و آرایش دقیق نظامی، همت حقیقتاً والائی به خرج دادند که قابل توجه است. به بهانه تهیه این قسمت حساس مجموعه، از خود حجت الاسلام غلامرضا حسنی امام جمعه ارومیه در این باره سؤال کردیم ایشان در جواب فرمودند: «۵۰ درصد علت تشکیل گروه‌های چریکی «مجاهدین مسلح امام خمینی» در ارومیه حفظ جان و مال و ناموس مردم از دست حزب خائن دموکرات بود و چون تاریخ این منطقه به ناروها و نیرنگ‌ها و نامردی‌های این حزب گواه است و من می‌دانستم که به محض آشفته شدن شهر، آنها به طور مسلحانه به شهر ارومیه و حومه خواهند ریخت و همان تاریخ گذشته تجاوز و غارت را تکرار خواهند کرد. لذا ما ترجیح دادیم قبلاً مسلح شویم.

---

۱۰۰ – در اسناد ساواک و شهربانی به این آموزش‌ها اینچنین اشاره شده است: گزارش خبر ، به تیمسار ریاست اداره دوم(۲۲د) ۴۲۷، از (۱۹ز) ستاد لشکر ۶۴ پیاده، شماره ۹۰۴/۲۲۹۱، تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲، موضوع : اعمال ضد ملی و میهنی، برابر اطلاع واصله، مخالفین رژیم سلطنت پهلوی به دانش آموزان مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها و به طور کلی ... کم سن و سال روزی ۵۰۰ ریال پول می‌دهند و با اتومبیل آنها را به آبادی آیدونلو نزدیک آبادی [حاجی] پیرلو از دهات امامزاده واقع در کیلومتر ۱۲ جاده رضائیه مهاباد در جنوب غربی شهرستان رضائیه برده ... آخوند غلامرضا حسنی بزرگ آباد و امیر ماشاء الله بوزچلو به آنها درس جنگ‌های چریکی می‌دهند و بعضی از معلمین آموزش و پرورش از جمله سیروس...، سیروس رضایی، اسماعیل عزیزی، قدرت اله جعفری نیز در تدریس مواد آتش زا و تعدادی از آخوندهای شهرستان رضائیه مانند غلامرضا حسنی بزرگ آباد و قریشی و مولودی و آقای واحدی کارمند دادگستری استان در این باغات خرابکاری آموزش [می‌دهند] ... . ملاحظات: خبر قابل بررسی است. در این مورد با ساواک و شهربانی و ژاندارمری استان هماهنگی گردید.

ولی ۵۰ درصد علت دیگر این مسلح شدن این بود که جواب مسلسل شاه معدوم را بایستی با مسلسل می‌دادیم و برای همین منظورها بود که ما در ابتدا اقدام به تشکیل چند گروه چریکی کردیم و سپس با فرستادن یکی از روحانیون مبارز و چند تن از مجاهدین به مناطق فروش سلاح‌های مرزی از طریق مبلغ یکصد هزار تومانی که خودم کمک کردم و مجموعاً با مبلغ کمکی خودم و اهالی ارومیه در حدود یک میلیون و سی الی پنجاه هزار تومان که از طریق اهالی قهرمان ارومیه تدارک شد اقدام به تهیه اسلحه کردیم و گروه‌های خود را که هر گروه متشکل از ۲ نفر مسلسل چی (مسلح به کلاشینکف یا سمینوف) ۲ نفر خشاب گذار و چند نفر مسلح به سلاح‌های کمری در مناطق حساس شهر که به نام‌های گروه احمدیه (گروه پشت بام مسجد اعظم) گروه پشت بام مسجد آقا علی اشرف، گروه پشت بام بانک ایرانشهر[۱۰۱] و گروه محمدیه و گروهی که نام آن هنوز هم فاش نشده نامیده می‌شدند به سر پرستی اینجانب آرایش نظامی دادیم و بزرگترین نتیجه این آرایش نظامی و قیام مسلحانه در ارومیه که در هیچ کدام از شهرهای ایران سابقه نداشت این شد که تا لحظه پیروزی انقلاب اسلامی ما در ارومیه فقط ۱۷ نفر شهید دادیم و حزب خائن دموکرات نیز که اوضاع را برای غارت مناسب ندید نتوانست عمل ننگین گذشته را تکرار کند و بیشتر از این مورد است که حالا هم می‌سوزد.

حجت الاسلام غلامرضا حسنی امام جمعه ارومیه آنگاه با اشاره به درگیری تاریخی روز دوم بهمن که بعد از بیست و سه دی ماه دومین درگیری با نظامیان فریب خورده بود گفت: در این روز نظامیان شورشی به رهبری خسروداد و بدره‌ای[۱۰۲] به مسجد اعظم ارومیه حمله کرده و مردم

۱۰۱ – این بانک در سال ۵۸ به همراه ۱۱ بانک دیگر در هم ادغام و به نام بانک تجارت تغییر نام داد.

۱۰۲ – آقای میر موسی هاشمی که خاطرات خود را در سوئد به نام خاطرات یک سرباز به چاپ رسانده ماوقع آن روز را از داخل لشکر ۶۴ اینگونه روایت می‌کند: ... سحرگاه دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ مراسم صبحگاهی پادگان اورمو در حضور سپهبد عبدالعلی بدره‌ای فرمانده نیروی زمینی، سرلشکر منوچهر خسروداد فرمانده هواپیمایی نیروی زمینی، سپهبد جعفر صانعی معاون لجستیک نیروی زمین، سرلشکر عبدالعلی هومان فرمانده لشکر وقت اجراء گردید. ... فرماندهان مزبورجهت بازدید یگانهای پادگان قوشچی که حدود چهل کیلومتری شمال اورمو قرار داشت با اتومبیل عازم آنجا شدند. مرکز توپخانه لشکر در قوشچی مستقر بود. ... پادگان اورمو وضعیت غیر عادی داشت. [خطابه یکی از درجه داران] در صبحگاه احساسات پرسنل را برانگیخته بود. ... یک ساعت از مراسم

را به گلوله بستند. به هنگام به توپ بستن گنبد مسجد اعظم که من خودم در پشت بام بازار بودم، گروه‌های مسلح ما نقش خود را بسیار عالی اجرا کردند بطوریکه از پاساژ صولتی گرفته تا پشت بام مسجد سردار و آنگاه تمام مسیر خیابان امام تا اول عسگرآبادی از در و دیوار بر روی مزدوران رژیم آتش گشوده شد و ۷۰-۸۰ نفر را به جهنم واصل کردیم[۱۰۳] و رژیم و ایادی آن دیگر

صبحگاهی نگذشته بود، عده‌ای از نظامیان که بیشتر درجه‌دار بودند به اسلحه خانه‌ها هجوم آورده و با توسل به زور قصد داشتند با به دست آوردن اسلحه و مهمات برای مقابله با انقلابیون به داخل شهر بروند. فرماندهان و مسئولین از این کار جلو گیری کردند. ... یک دسته زرهی با چند دستگاه تانک «m٤٧» مدت‌ها پیش از پادگان قوشچی به اورمو تغییر مکان داده و در پادگان شماره سه مستقر شده بود. فرماندهی دسته تانک به عهده ستوان یکم اسکندر قاسمیان بود. مأموریت این دسته حفاظت پادگان و جلوگیری از حوادث احتمالی در داخل شهر در نظر گرفته شده بود. ... عده‌ای از درجه‌داران پادگان را ترک کرده و در میدان ایالت به تانک ملحق شده و دسته جمعی به طرف مسجد اعظم (مرکز تظاهرات انقلابیون) در داخل شهر حرکت کردند. ... در آن هنگام عده‌ای از انقلابیون در داخل مسجد اعظم اجتماع کرده بودند و راه فرار نداشتند. خدمه تانک قصد داشتند با شلیک توپ پایه‌های مسجد را تخریب کنند تا با ریزش سقف مسجد، انقلابیون یکجا هلاک شوند. اما محدود بودن زمین برای تحرک و هم محور کردن لوله توپ چنین اجازه‌ای را به خدمه تانک نداد. سرانجام با شلیک چند تیر توپ ۹۰ میلیمتری، گنبد مسجد از چند نقطه سوراخ شد ولی به کسی آسیب نرسید. در همین اوضاع فرماندهانی که عازم پادگان قوشچی بودند، سپهبد بدره‌ای و سرلشکر هومان از بین راه به شهر بازمی گردند. بعد معلوم شد سرتیپ اسداله کمانگر معاون لشکر و سرهنگ فیوضاتی فرمانده پشتیبانی لشکر قادر به جلوگیری از خروج تانک و درجه‌داران از درب سوار نبوده‌اند. سرلشکر هومان عصبانی و نگران از راه رسید. او در کنار نرده آهنی میدان ایالت در جلو ستاد ایستاد و با دو دستش محکم بر سرش کوبید. بطوریکه کلاه تا پیشانی‌اش فرو رفت. ما اطراف او را گرفته بودیم. برگشت و با صدای بلند گفت: این چه کاری است که اینها خود سرانه انجام داده‌اند؟ چرا دست به چنین بی انضباطی زده‌اند؟ حالا تکلیف من چیست؟ افرادی که بدون سلاح به داخل شهر رفته‌اند بلکه از پشت بام‌ها مورد هدف گلوله انقلابیون قرار بگیرند و ... هومان بلافاصله به سرهنگ دوم ابراهیم هوشنگی فرمانده گردان ۱۳۲ پیاده دستور داد با یک گروهان پیاده با آرایش و حفاظت کامل به داخل شهر حرکت نموده و کلیه پرسنل و تانک را به پادگان مراجعت دهند. (هاشمی، میر موسی، ***خاطرات یک سرباز،*** سوئد- مالمو، چاپ اول، ۱۳۸۱) (حسب گفتگو با آقای محمدرضا خردمند محقق و پژوهشگر ارومیه‌ای در این موضوع، اعلام داشتند مرحوم پدرم(سرتیپ حسین خردمند) مطالب فوق را همینگونه تعریف کرده بودند و مورد تأیید است.)

۱۰۳ - سرلشکر هومان طی یک پیام رادیویی اظهار می‌کند که عده‌ای از نظامیان تندرو در غیاب وی که در مأموریت بوده به شهر ریخته و اقدام به تیراندازی کرده‌اند. ایشان طی این پیام اعلام می کند در این درگیری یک

یارای به خیابان آمدن را نداشتند ناگفته نماند که یکی از تانک‌های آنها به وسیله کوکتل مولوتف بچه‌های مبارز منفجر شد.
امام جمعه ارومیه آنگاه با درود فرستادن به ارواح شهیدان کشور و ارومیه اظهار داشت ما در دوم بهمن از گروه‌های مسلح شهید ندادیم ولی مزدوران رژیم چند تن از اهالی ارومیه را حتی یکی از هم‌وطنان مسیحی[۱۰۴] ما را شهید کردند.

[متن اعلامیه اتحاد معلمین ارومیه]

در رابطه با اهمیت این روز تاریخی و چگونگی مبارزات قهرمانانه مردم ارومیه در این روز عین اطلاعیه اتحاد معلمین ارومیه را که در رابطه با همین در گیری صادر شد در این قسمت می-آوریم.
متن اطلاعیه چنین است:

۱۳۵۷/۱۱/۵ اطلاعیه شماره ۲ ، ۲۶ صفر ۱۳۹۹
بسم الله الناصر المجاهدین و قاسم الجبارین و کان حقاً علینا نصر المؤمنین
به نام خداوند یاری کننده رنج دیدگان و مجاهدان و کوبنده ستمگران
ملت مسلمان ایران: رژیم ارتجاعی ایران علاوه بر تمام نیرنگ‌ها و کوشش‌های خود دست به آخرین تلاش مذبوحانه خود زده است. روز دوشنبه ۵۷/۱۱/۲ که مصادف با چهلمین روز حمله پلیس مزدور به مردم و عقب نشینی مفتضحانه آنان با دادن تلفات سنگین به وسیله آتش خلق مسلمان ارومیه بود، مردم در مقابل یکی از مساجد جمع شده و می‌خواستند یکی از برادران شهیدمان را که روز قبل به وسیله عمال ساواک شهید

نظامی کشته و ۱۰ نفر مجروح گشته‌اند. در همین رابطه روابط عمومی ستاد بزرگ ارتشتاران اعلام می‌کند دو نظامی کشته و ۱۳ نفر مجروح شده‌اند. و تعداد مجروحین غیر نظامی را ۶ تن اعلام می‌کند.(روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۳ بهمن ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۶۷، ص ۳)

۱۰۴ – نام این برادر مسیحی «به‌به سرگیزی» نام داشت. البته در این حادثه ۴ نفر دیگر نیز از هموطنان شهید شدند به نام‌های : قهرمان جو، محمدباقر لاله دوست، حسین اعطایی و [حسین ساره بان]، و ۳۰ نفر دیگر نیز مجروح شدند. (روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۵ بهمن ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۶۹ ص ۲)

شده بود تشییع جنازه کنند. در این روز عده ای از فریب خوردگان رژیم به تحریک سپهبد خسروداد و سپهبد بدره‌ای و به دستور فرمانده لشکر همراه با عده‌ای از ژاندارم‌ها و عمال ساواک به شهر ریخته و شیشه هر مغازه‌ای که عکس آیت الله خمینی را روی شیشه خود زده بود شکسته و نیز رهگذران را مجبور می‌کردند که جاوید شاه بگویند و در صورت عدم قبول، آنان را زیر کتک گرفتند. گرفته و یا به سوی آنان شلیک می‌کردند و نیز برای ارعاب مردم یک تانک مسلح به مسلسل چرخان در خیابان جولان می‌داد. پس از کشتن ۵ نفر از مردم و مجروح کردن چهار نفر با شلیک متقابل از طرف مردم مجبور به عقب نشینی شدند و این بار موقع برگشتن همراه با توپ و تانک به مردم حمله آورده و گنبد مسجد اعظم را به توپ بستند ولی با خشم مقدس انقلابی خلق مسلمان ارومیه روبرو شده و رزمندگان مسلمان جواب آتش را با آتش دادند و مسلسل های مجاهدان شروع به کوبیدن مواضع مهاجمان کردند و در سرتاسر خیابان خمینی و اطراف آن صدای گلوله‌های مجاهدان همراه با تلاوت قرآن از مسجد اعظم طنین افکن بود. پس از سه ساعت نبرد دلیرانه مجاهدان، عمال رژیم مزدور با دادن تلفات سنگین به طور مفتضحانه‌ای عقب نشینی کردند. در این حمله ۱۰ نفر از مردم مجروح شدند و پس از چند ساعت بار دیگر کنترل سرتاسر شهر به دست مجاهدین ارومیه افتاد و نیز در این حمله سه قبضه تفنگ ژ–۳ بوسیله مردم مصادره شد. این مقاومت دلیرانه خلق مسلمان ارومیه می‌تواند راه‌گشای جهاد مسلحانه برای تمام خلق‌های مسلمان به عنوان آخرین حربه برای به زانو درآوردن دشمن مشترک یعنی استبداد داخلی و استیلای خارجی باشد.

ملت مبارز: این حمله وحشیانه عمال رژیم و به توپ بستن مسجد اعظم که تنها در طول تاریخ ایران یک بار و آن‌هم به وسیله مهاجمان روسی در مورد بارگاه امام رضا (ع)[۱۰۵]

---

۱۰۵ – در جریان نهضت مشروطیت در ایران دو کشور روس و انگلیس در مشهد دفتر نمایندگی داشتند. انگلیس از مشروطه خواهان و روس از سلطنت طلبان حمایت می کردند. میرزا محمد آقازاده در جریان اشغال خراسان، نقش مهمی در مقاومت مردم در مقابل روس ها برعهده داشت. روس ها که به دنبال تسلط بر خاک ایران بودند به

صورت گرفته بود نشان دهنده ترس و وحشت رژیم از مبارزات و مجاهدات ملت مسلمان ایران است و عمق وحشت رژیم را در به توپ بستن مسجد اعظم که در طول یک سال گذشته مرکز مبارزات ملت مسلمان ارومیه بود نشان می‌دهد مردم مسلمان ارومیه بار دیگر نشان دادند که نه توپ و نه مسلسل و نه هیچ مانعی نمی‌تواند آنان را از وصول به آرمان مقدس‌شان که بر قراری حکومت جمهوری اسلامی است باز دارد. به

دخالت در امور ایران و تفرقه افکنی بین مردم پرداختند. در جریاناتی که در مشهد روی داد و هم زمان دونفر از اتباع روس کشته شدند و روس ها سر منشا آن را روحانیت می دانستند. روز دوم محرم۲/۱۳۳۰ دی ۱۲۹۰ ، تعداد زیادی از قوای روس حدود ۱۳۰۰ قزاق با چهار اراده توپ بزرگ از دروازه بالا خیابان به سوی ارگ حرکت کردند. روز ۲۴ دی ۱۲۹۰ شمار سپاه روس به دو هزار نفر رسید. روز ۱۳ بهمن ۱۲۹۰ طرفداران سلطنت محمد علی شاه، در مسجد میر هوای مشهد گرد آمدند و خواستار بازگشت او شدند. این جریانات حدود سه ماه طول کشید. در پی تسلط طالب الحق در مشهد، بی نظمی هایی در این شهر به وجود آمد. روز اول عید، نایب حبیب که رئیس کمیسری نوغان بود به دست شورشیان کشته شد. و همان روز کمیسر پایین خیابان و عیدگاه و کمیسری سرشور را خراب کردند. در پی این حوادث رکن الدوله استعفا داد و شهر به دست نیروهای روس افتاد و« ردکو » فرمانده نیروهای روس مامور انتظامات شد. روسها مدت ۴۸ ساعت به نیروهای شورشی مهلت دادند. روسها از سویی به طالب الحق و یوسف خان دستور پایداری می دادند و از سوی دیگر به ظاهر خواستار آرامش بودند. حوادث مشهد در واقع از سوی اوباش و شورشیانی بود که از طریق روس تحریک می شدند و به بهانه حمایت از سلطنت محمد علی شاه قصد ایجاد ناامنی و اغتشاش داشتند. روس ها قصد داشتند از این طریق خود بر اوضاع مسلط شوند. آنان از اختلافات بین مشروطه خواهان سوء استفاده کردند. روسها روز سه شنبه دهم ربیع الثانی ۱۳۳۰توپ های قلعه کوب را در شهر مستقر کردند. به دستور فرمانده نظامی روس در هر ثانیه صد گلوله توپ و تفنگ به مدت چند ساعت به سمت حرم مطهر شلیک شد. در روزهای دهم تا سیزدهم ربیع الثانی، حرم و همه صحن ها و مسجد در اختیار قوای روس بود. شمار کشتگان حدود ۴۱۵ و به نقلی بیش از ۸۰۰ نفر بودند. روسها طالب الحق را به روسیه فراری دادند. یوسف خان هراتی نیز با کمک روس ها فرار کرد ولی در فریمان به دستور نایب الایاله دستگیر و در راه کشته شد. سلطان حسین میرزا نیرالدوله به جای رکن الدوله حاکم مشهد شد و با جمع آوری اعانه به بازسازی حرم پرداخت. پریشانی، بی نظمی و ناامنی به دست اشرار و نفرت مردم از حکومت از پیامدهای این رویداد بود. این واقعه آنچنان در اذهان مردم اثر تلخی داشت که آن روز را عاشورای دوم نامیدند. (***تاریخ انقلاب خراسان*** (گزارشی از حمله روس‌ها به حرم امام رضا علیه‌السلام) / سروده میرزا رجبعلی تجلی / به کوشش: فرشته کوشکی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ، ical.ir)

امید پیوسته‌تر شدن صفوف همه مسلمانان و رنجدیدگان مجاهد جهان در مقابل ظلم و ستم و نا برابری.

اتحاد معلمین ارومیه

سنگری که هیچ وقت فرو نمی‌ریزد

مسجد اعظم ارومیه یکی از سنگرهای مقاوم و همیشه استوار مجاهدین مسلح امام خمینی در سحر گاه دوم بهمن ۱۳۵۷ توسط ایادی محلی رژیم منحوس پهلوی به توپ بسته شد. عکس گوشه ای از محل اصابت گلوله توپ را به گنبد این مسجد نشان می‌دهد.



اعلامیه این با صطلاح مجریان قانون

خشم توفنده مردم انقلابی از حمله به خانه خدا مسجد اعظم و به توپ بستن گنبد آن و کشتار مردم بیگناه هر لحظه پر خروش‌تر می‌شود. ایادی محلی رژیم این به اصطلاح مجریان قانون

طاغوت که خود عملاً قانون را زیر پا گذاشته و با تانك و توپ به مسجد و مردم شهر حمله آوردند.

اینك دم از قانون و حفظ امنیت در منطقه می‌زنند ولی آن روحانی مبارز در بالای منبر مسجد اعظم خوب جوابشان می‌دهد که ای انسان‌های نادان، مسلح شدن ما برای‌تان گران نیاید، اعلامیه صادر نکنید، ما را نترسانید، سلاح‌های لشکر را به ما بدهید تا این امریکائیان را از کشور عزیز خارج کنیم. شما چرا متوجه نیستید. متن اطلاعیه لشکر ۶۴ ارومیه که به تاریخ ۵۷/۱۱/۹ منتشر شد به این شرح است :



۷ دوشنبه ۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شماره ۱۵۷۷۱

هشدار لشگر رضائیه به دارندگان اسلحه

رضائیه خبرگزاری پارس لشکر ٦٤ رضائیه طی انتشار اطلاعیه‌ای موادی از قانون مربوط به تجدید مجازات قاچاق‌قانون اسلحه‌و مهمات‌و قاچاقچیان مسلح مصوب بهمن ماه ۱۳۵۰ آئین‌دادرسی وکیفر ارتش را انتشارداد. در این اطلاعیه گفته شده است اطلاعات و اصله حاکی است که‌عده‌ای‌براثرتحریکات اشخاص مغرض ناآگاهانه و بدون اینکه از مجازات مربوطه آگاه باشند تعدادی اسلحه غیرمجازتهیه‌کرده‌اند. در این اطلاعیه ضمن‌تشریح مواد یک و دو قانون‌مربوط به تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات وقاچاقچیان مسلح گفته شده است با اعلام مراتب فوق آنچه مورد اطمینان و باعث خوشوقتی است این است که این اهالی محترم‌رضائیه نیستند که مبادرت به خریدو فروش و تهیه‌و حمل اسلحه مینمایند و این‌قبیل اعمال‌که بوسیله افراد غریبه و خارج از منطقه انجام میگیرد موجبات ناراحتی و نارضائی شدید آنان‌را فراهم نموده است .بهر صورت چون فرماندهی لشکر ٦٤ پیاده مسئولیت حفظ امنیت منطقه را بعهده داشته و تا سرحدامکان مایل به عمل خشونت‌آمیز نمی‌باشد بدین وسیله مراتب را اعلام و انتظار دارد که این تذکرخیر خواهانه مورد توجه عموم قرار گرفته و موجبات هیچگونه ناراحتی برای هیچ فردی بوجود نیاید .

هشدار لشکر رضائیه به دارندگان اسلحه

رضائیه خبرگزاری پارس لشکر ۶۴ رضائیه طی انتشار اطلاعیه‌ای مواردی از قانون مربوط به تجدید [تشدید] مجازات قاچاقچیان مسلح مصوب بهمن ماه ۱۳۵۷ آئیین دادرسی و کیفر ارتش را انتشار داد در این اطلاعیه گفته شده است اطلاعات واصله حاکی است که عده‌ای بر اثر تحرکات اشخاص مغرض ناآگاهانه و بدون این که از مجازات مربوط آگاه باشند تدادی اسلحه غیر مجاز تهیه کرده‌اند. در این اطلاعیه ضمن تصریح مواد یك و دو قانون مربوط به تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح گفته شده با اعلام مراتب فوق آنچه مورد اطمینان و باعث خوشوقتی است این است که این اهالی

محترم رضائیه نیستند که مبادرت به خرید وفروش و تهیه و حمل اسلحه می‌نمایند و این قبیل اعمال که به وسیله افراد غریبه خارج از منطقه انجام می‌گیرد موجبات ناراحتی و نارضائی شدید آن را فراهم نموده است. به هر صورت چون فرماندهی لشکر۶۴ پیاده مسئولیت حفظ امنیت منطقه را به عهده داشته و تا سرحد امکان مایل به عمل خشونت آمیز نمی‌باشد بدین وسیله مراتب را اعلام و انتظار دارد که این تذکر خیر خواهانه مورد توجه عموم قرار گرفته و موجبات هیچ گونه ناراحتی برای هیچ فردی بوجود نیاید.

نقش معلمان ارومیه در جیره بندی نفت و غیره

معلمان ارومیه با توجه به کمبودهای ساختگی رژیم منحوس پهلوی که طراحان امریکائی می-خواستند با در مضیقه قرار دادن مردم از نظر ارزاق عمومی مخصوصاً نفت زمستانی سختی را به ملت تحمیل و چند صباحی بیشتر به چپاول بیت‌المال بپردازند.

معلمان ارومیه یک پارچه و یک صدا سوی کوچه‌ها و پس کوچه‌های شهر رفته و با یک کیفیت غیر قابل توصیف مردم را برای جیره‌بندی و کوپن نفت و غیره دعوت کرده و آگاهی‌های لازم را به تک تک شهروندان عزیز دادند که خود یک عمل انقلابی و تاثیر بخش می‌باشد.

سه شنبه ۳ بهمن ۱۳۵۷[۱۰۶] گروهی از مردم تهران به طرفداری از قانون اساسی در تظاهرات فرمایشی با شعار استقلال، آزادی، قانون اساسی در استادیوم امجدیه پرداختند.

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۳۵۷ اشغال نظامی فرودگاه مهر آباد برای جلوگیری از پرواز انقلاب. پرواز انقلاب توسط کارکنان هواپیمائی ملی ایران جهت بازگشت امام خمینی برقرار شده بود.

در این روز همچنان کمیته برگزار کننده استقبال از امام خمینی برنامه استقبال و مسیر حرکت را اعلام می‌کنند. جمعه ۶ بهمن ۵۷ ورود امام به تعویق افتاد.

شنبه ۷ بهمن ۵۷ آیت الله طالقانی اعلامیه‌ای در مورد تاخیر ورود امام صادر می‌کنند.

یکشنبه ۸ بهمن ۱۳۵۷ تهران بار دیگر غرق در آتش و خون شد.

---

۱۰۶ – روزنامه اطلاعات در این روز نوشت : دیروز [۱۳۵۷/۱۱/۲] ۶۲ زندانی سیاسی در شهرهای مختلف کشور آزاد شدند. اسامی این گروه و شهرهایی که در آنجا زندانی بودند به شرح زیر است : ... رضائیه: اکبر فتورایی، رضا باکری، محمد تقی افشانی نقده، حمید گلدوست، علی نوری حسین، شاهین رشیدی، ابراهیم ابراهیمی، احمد ملائی، کریم خضری [۹ نفر]

دوشنبه ۹ بهمن ۱۳۵۷ به عنوان اعتراض به کشتارهای اخیر، بانک‌ها به مدت یک هفته تعطیل شد.
با مبارزات بی امان مردم، فرودگاه مهر آباد برای ورود امام باز شد.

[اعلامیه جامعه روحانیت ارومیه]

در رابطه با بسته شدن فرودگاه مهر آباد جامعه روحانیت ارومیه اطلاعیه‌ای صادر کردند که متن آن به شرح زیر است :

اطلاعیه

برادران و خواهران مسلمان:

مبارزه رهائی بخش ملت مسلمان ایران و کلیه آزدیخواهان این مرز و بوم به رهبری زعیم عالی قدر حضرت الله العظمی امام خمینی، دیو استبداد را به زانو در آورده و روز پیروزی را نزدیک‌تر ساخته است. وحشت و دستپاچگی هیئیت حاکمه مزدور و اربابان امریکائی آن از بازی مسخره مسدود ساختن فرودگاه مهرآباد بر روی «پرواز انقلاب» به خوبی مشهود می‌گردد. ولی کلیه این تشبثات در برابر وحدت و یکپارچگی ملت مسلمان ایران محکوم به شکست است. لازم به تذکر است که برای ایجاد نفاق در بین صفوف بهم فشرده ملت و بد نام ساختن آن توطئه‌های متعددی چیده شده است.

خائنان داخلی و راهنمایان امریکائی آنها در صدد هستند که:

الف : بین مبارزین نفاق بیاندازند.

ب: نظامیان را از مبارزین ضد استبداد و مردم را از نظامیان بترسانند و تخم نفاق بیفشانند.

ج: اقلیت‌های مذهبی را از انقلاب بترسانند و به جانب خود بکشند.

د: به روستائیان تبلیغ کنند که انقلاب کنونی طرفدار بازگرداندن زمین ها به مالکین است.

برای خنثی کردن این توطئه ها اتخاذ تدابیر زیرین ضروری است:

۱. در تظاهرات و بیانیه‌ها، شعارهائی ذکر نمائید که بهم پیوستگی نیروهای ضد استبداد و ضد تسلط خارجی را اشاره می‌کنند (بدیهی است که در این مبارزه نقش نهائی با رهبری اسلامی و اکثریت عظیم مسلمان است ولی گروه‌ها و دستجات دیگری نیز دست اندر کار مبارزه ضد استبداد و ضد امپریالیستی هستند که نمی توان منکر نقش آنها شد.

۲. سربازان و افسران و درجه داران فرزندان این ملت و برادران ما هستند. اهانت به خانواده آنها و خودشان جایز نیست. شعار ما در این زمینه این است که: سربازان، درجه‌داران، افسران به صفوف ملت به پیوندید و بر علیه ستم امیران فاسد و مستشاران خارجی و برای رهائی ملت مسلمان مبارزه کنید.

۳. اقلیت‌های مذهبی در طی قرون و اعصار، برادرانه با اکثریت عظیم مسلمانان به سر برده و در نیک و بد شریک و سهیم بوده‌اند. جان و مال و ناموس آنها باید در امان باشد در این زمینه بیانات صریحی از جانب رهبر عالی قدر آیت الله العظمی امام خمینی و سایر آیات عظام اظهار شده است. هر عمل خلافی فقط آب به آسیاب استبداد و استعمار ریخته و نهضت عظیم مردم را که [از] خون هزاران انسان رنگین است لکه دار خواهد ساخت.

۴. بزرگترین ستم ستمگران داخلی و حامیان خارجی به اکثریت ساکنین روستاهای کشور روا داشته شده و این گروه از هم میهنان هنوز از مواهب اولیه زندگی امروزی بی‌بهره‌اند. بهداشت، فرهنگ و مواهب جدید زندگی مانند استفاده از برق، آب سالم آشامیدنی، جاده، تأمین آب زراعتی و غیره هنوز هم برای ساکنین روستاها جزو آرزوهاست. پیام ما به روستائیان مسلمان و پیرو قرآن این است که برای نیل به اصلاحات واقعی و برای وصول به زندگی شرافتمندانه و برخورداری از حقوق حقه خود بر علیه رژیم جبار و فاسد بپا خیزند.

جامعه روحانیت ارومیه

امام آمد

چهار شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ روحانیون متحصن در مسجد دانشگاه تهران دست به یک راهپیمایی در محوطه دانشگاه زدند.
آیت الله طالقانی پیامی به ارتشیان دادند. در این روز همچنین مدیر عامل رادیو تلویزیون گفت: مراسم استقبال از امام خمینی مستقیماً از رادیو تلویزیون پخش می‌شود.
پنجشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ «امام آمد»
پس از ۱۵ سال در ساعت ۹ و ۲۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه صبح این روز امام خمینی به وطن بازگشت. با آمدن امام شوق دیدار و خوشحالی در تمام ابعاد وجود ملت ایران احساس می‌شد. پخش مستقیم مراسم استقبال از تلویزیون ظاهراً به علت هجوم مأموران قطع شد.
امام خمینی سخنان تاریخی و مهمی درباره اوضاع سیاسی کشور بر مزار شهدا در بهشت زهرا ایراد فرمودند.
جمعه ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۷ با ورود امام به ایران و اقامت در مدرسه علوی سیل مشتاقان دیدار امام به طرف مدرسه علوی سرازیر شد.
شنبه ۱۴ بهمن۵۷ ، امام خمینی در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود بعد از ورود به ایران نقطه نظرهای خود را درباره حکومت جمهوری اسلامی، تشکیل دولت موقت، شورای انقلاب و دیگر مسائل اساسی کشور بیان داشتند.
امام خمینی در مصاحبه مطبوعاتی خود ضمن اخطار شدید به دولت غاصب گفتند کاری نکنید که ما مجبور بشویم مردم را به جهاد دعوت کنیم.
دوشنبه۱۶ بهمن ۱۳۵۷ امام خمینی مهندس مهدی بازرگان[۱۰۷] را به عنوان نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران معرفی کردند. مهندس مهدی بازرگان در مصاحبه‌ای برنامه‌ها و وظایف دولت موقت را اعلام نمود.

---

۱۰۷ - مهدی بازرگان (تولد ۱۲۸۶ در تهران- وفات ۳۰ دی ۱۳۷۳ در ژنو) معروف به مهندس بازرگان، نخستین، نخست وزیر ایران پس از پیروزی انقلاب (رییس دولت موقت) و نخستین دانشیار دانشگاه تهران بود.

در این روز همچنین امام خمینی فرمودند: ملت درباره دولت بازرگان باید نظر بدهد و آیت الله طالقانی در یک مصاحبه مطبوعاتی نظرگاه‌های خود را درباره حکومت اسلامی بیان داشتند.

سه شنبه ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۷، امام خمینی طی اعلامیه‌ای از احساسات مردم به مناسبت بازگشت-شان به وطن تشکر کردند. در این روز جامعه روحانیت تهران اعلام کرد که برای تأیید کابینه بازرگان نخست وزیر دولت موقت روز پنجشنبه راهپیمایی عمومی انجام می‌گیرد.

چهار شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ شب ۱۸ بهمن ماه ۵۷ یکی از تاریخی‌ترین مبارزات ارومیه می‌باشد که بعد از ۲۳ دی ماه و دوم بهمن ماه سومین درگیری می‌باشد که مجاهدین مسلح امام خمینی همراه با سایر افراد مسلمان و مبارز به مقابله با این حمله مسلحانه آن هم از دو طرف شهر بالانج و کارخانه قند ارومیه که در یک شب انجام گرفت. عده‌ای فریب خورده به تحریک برخی از کارگزاران ژاندارمری بالانج از طرف مشرق و تعداد مزدور از طریق چنقرالو، مغرب، در یک زمان برای غافلگیر کردن انقلابیون شهر حمله می‌کنند و ناگهان بلند گوی مسجد اعظم با پخش صدای قرائت قران و اعلام آماده‌باش عمومی مجاهدین مسلح به دو قسمت تقسیم و برای دفع حمله وارد عمل می‌شوند. در این درگیری یکی از معلمین مجاهد و مبارز که جز گروه مجاهدین مسلح امام خمینی در ارومیه نیز به شمار می‌رفت به شهادت رسید. این معلم مبارز شهید صمد قنبری قوشچی و دیگری شهید کوچک حسینی می‌باشند که مجاهدات پیگیر بی‌شائبه آنان همیشه در اذهان نسل‌های این مرز وبوم باقی خواهند ماند. درود بر روان پاک این شهیدان همیشه زنده تاریخ مبارزات این خطه.

پنجشنبه ۱۹ بهمن ماه ۵۷ راهپیمائی عظیم در سراسر کشور در تأیید مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت. و در این روز بود که افراد نیروهای مسلح از برابر امام رژه رفتند.

سرهنگ قذافی رئیس جمهور لیبی در این روز طی نامه‌ای به امام خمینی حمایت خود را از انقلاب اسلامی ایران اعلام نمود.

جمعه ۲۰ بهمن ۱۳۵۷، حمله گارد جاویدان به پادگان نیروی هوائی، در این روز در ارومیه در اثر درگیری دو نفر شهید می‌شوند.

بازرگان، در کنار یدالله سحابی، یکی از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران و همچنین از فعالان در ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده فنی دانشگاه تهران بود.

۲۱ بهمن ۱۳۵۷، ادامه نبردهای خونین گارد جاویدان و همافران، نیروی هوائی و تهران تبدیل به سنگرهای خیابانی شده، فرماندار نظامی تهران و حومه در اعلامیه شماره ۴۰ خود ساعات منع عبور و مرور را از ساعت ۱۶/۳۰ بعد از ظهر تا ۵ بامداد اعلام نمود.
امام خمینی طی پیامی ضمن محکوم کردن حمله گارد گفتند: اعلامیه امروز حکومت نظامی خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند. دولت موقت در اعلامیه شماره ۱ خود اعلامیه فرمانداری نظامی را توطئه علیه پیروزی انقلاب اسلامی دانست.
یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ رادیو تلویزیون، کلانتری ها، ژاندارمری‌ها و پادگان‌ها در تسخیر مردم مبارز.
سقوط نظام ۲۵۰۰ ساله استبداد در ایران.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران

شورای فرماندهی ارتش در ساعت ۲ بعدازظهر با انتشار اعلامیه‌ای با حذف کلمه شاهنشاهی بی طرفی خود را در مناقشات سیاسی اعلام کرد و تأکید کرد که با تمام قدرت از خواست مردم ایران پشتیبانی می‌کند.

ضمائم

انقلاب اسلامی در ارومیه به روایت اسناد ساواک

اسناد، تصاویر و ...

اعلام (فهرست اشخاص)

منابع

انقلاب اسلامی در ارومیه به روایت اسناد ساواک

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۶

ص۲۹۶

دستگیری چهار نفر به اتهام تهیه و توزیع اعلامیه مضره و تحریک مردم به فعالیت اخلالگرانه در شهر رضائیه – استان آذربایجان‌غربی

افراد مشروحه زیر که در تهیه و پخش اعلامیه مضره و تحریک مردم به فعالیت‌های اخلالگرانه دخالت داشته‌اند، روز۳۷/۳/۱۷ [۱۳۵۷/۳/۱۷] توسط مأمورین سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان‌غربی در شهر رضائیه دستگیر و در بازرسی از منازل آنها تعدادی اعلامیه مضره مربوط به روح‌اله خمینی و سایر روحانیون افراطی کشف و ضبط گردیده است.

۱- ابراهیم عباسی شیخ سرمست فرزند علی.

۲- سیف‌اله رضوی فرزند شجاع.

۳- شیخ حسن بصیری فرزند علی‌اکبر.

۴- شیخ عباس محمدی فرزند علی.

ارزیابی خبر: خبر صحت دارد.

اقدامات انجام شده: مراتب به نخست‌وزیری اعلام گردیده است.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۶

ص۳۸۹

گزارش خبر موضوع: باباعلی شاه محمدی

نامبرده طی دو مرحله در ساعت‌های ۲۲۰۰ و ۲۳۰۰ [۱۳۵۷/۳/۲۵] مجموعاً ۲ برگ اعلامیه آیات قم را در اختیار یکی از دوستان قرار داده تا در خیابان حافظ، کسری و عسکرخان رضائیه پخش و یا به دیوارها الصاق نماید.

نظریه شنبه: خبر صحت دارد.

ضمناً نامبرده حدود ساعت ۲۱۰۰ روز فوق که با عده‌ای از دوستانش و هم‌چنین قربانعلی مقصود در دروازه عسکرخان بودند از آنها جدا و به کتابفروشی ولایت رفت و پس از مراجعه بطور خصوصی اظهار داشت اعلامیه‌ها هنوز حاضر نشده است و احتمال دارد اعلامیه از کتابفروشی مزبور در اختیار وی قرار گرفته باشد. ضمناً شاه محمدی و قربانعلی مقصود اعلامیه‌ها را در سایر نقاط رضائیه و در اختیار دیگران نیز قرار داده‌اند.

نظریه یکشنبه با توجه به دسترسی شنبه و اینکه در روز فوق اعلامیه آیات قم در چند منطقه از شهر پخش شده به صحت اقدام فوق از ناحیه دو نفر مذکور و افراد مرتبط با آنها می توان اطمینان داشت. اعلامیه‌ها از طریق شنبه تسلیم گردید و یک نسخه از آن به پیوست ایفاد می گردد. ضمناً شاه محمدی دبیر در خوی و مقصود[1] دبیر در سردشت می‌باشد و اقدام مستقیم موجب سوخته شدن شنبه خواهد شد.

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه تائید می‌شود.

نظریه جمعه: در مرخصی است.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۶

ص ۳۹۰

دستگیری ساعت ۲۱۰۰ روز ۳۷/۳/۲۵ [۱۳۵۷/۳/۲۵]

شخصی بنام کریم خموآده فرزند ابلیا کتابدار مسجد اعظم شهر رضائیه که مغازه‌داران شهر را تشویق و تحریک به تعطیل مغازه‌هایشان می‌نمود به وسیله مأمورین پلیس دستگیر و در بازرسی از منزل او تعدادی اعلامیه مضره کشف که نامبرده و اوراق مکشوفه به ساواک محل تحویل گردیده است.

ارزیابی: خبر صحت دارد.

گیرندگان: دفتر ویژه اطلاعات، سب ۲.

---

۱ – این فرد قربانعلی مقصول قره‌باغ می باشد که اشتباهاً مقصود درج شده. ضمناً موضوع طی تماسی که با ایشان داشتم مورد تائید قرار گرفت.(نگارنده)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۹

ص۲۹۹

آتش‌سوزی در سینما کریستال شهر رضائیه ساعت ۰۵۰۰ روز ۳۷/۵/۲۸ [۱۳۵۷/۵/۲۸] سینما کریستال شهر رضائیه، توسط افراد ناشناسی بآتش کشیده شده که آتش در ساعت ۰۷۳۰ روز مذکور با دخالت مأمورین آتش‌نشانی خاموش شده است. این حادثه تلفات جانی نداشته و میزان خسارت وارده هنوز برآورد نگردیده است. تحقیقات پیرامون علت وقوع این آتش‌سوزی ادامه دارد.

ارزیابی خبر: خبر صحت دارد.

اقدامات انجام شده: مراتب به نخست‌وزیری اعلام گردیده است.

در همین رابطه روزنامه کیهان در تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۹ نوشت:

رضائیه: سینما کریستال رضائیه دچار آتش سوزی شد و سالن‌های نمایش و انتظار و صندلی‌های آن به خاکستر تبدیل شد و تمام شیشه‌های آن شکست. حاتمی مسئول آتش نشانی شهرداری رضائیه گفت :آتش سوزی حدود ساعت ۵ بامداد روی داد و چنددقیقه بعد مامورین برای مهار آتش در محل مستقر شدند و فعالیت خود را شروع کردند و آتش سوزی ۳ ساعت ادامه داشت وی خسارات وارده را حدود ۳/۵ میلیون تومان اعلام کرد. سینما درخیابان پهلوی رضائیه واقع است و برای روشن شدن چگونگی این آتش سوزی ماموران سرگرم تحقیق هستند.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۰

ص۲۱۴

تظاهرات اخلالگرانه و کشته شدن یک نفر اخلالگر در شهر رضائیه

ساعت ۱۵۰۰ روز ۵۷/۶/۶ (۲۵۳۷ شاهنشاهی)، پس از پایان سخنرانی واعظی بنام سیدحسین موسوی در مسجد اعظم شهر رضائیه، عده‌ای از متعصبین مذهبی از مسجد خارج و ضمن دادن شعار به نفع خمینی و مبادرت به تظاهرات خیابانی و شکستن شیشه‌های بانک‌ها و مغازه‌ها نمودند. ابتداء مامورین انتظامی با بلندگو اخلالگران را به آرامش و تفرق دعوت نمودند ولی اخلالگران به این تذکر پلیس توجه ننموده به آشوبگری ادامه داده‌اند. مامورین با شلیک چند تیر هوائی و پرتاپ نارنجک گاز اشک‌آور آنها را متفرق و ۱۸ نفراز تظاهرکنندگان را دستگیر گردیده‌اند.

در آن جریان دو نفر از اخلالگران مورد اصابت گلوله واقع که به بیمارستان منتقل ولی یکی از آنها به علت مؤثر واقع نشدن معالجات فوت نموده است.

ارزیابی خبر: خبر صحت دارد.

اقدامات انجام شده: مراتب به نخست‌وزیری اعلام گردیده است.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۱

ص۱۳

اوضاع نقاط مختلف کشور در روز ۵۷/۶/۱۶ (۲۵۳۷ شاهنشاهی) متعاقب تحریکاتی که از جانب عوامل اخلالگر و محافل افراطی درباره تعطیل عمومی در روز ۵۷/۶/۱۶، صورت گرفته (مراتب قبلا باستحضار رسیده است)، وضعیت پایتخت در گزارش جداگانه باستحضار رسیده و وضعیت کلی در سایر نقاط کشور تا ساعت ۱۵۰۰ روز ۵۷/۶/۱۶ بشرح زیر بوده است: ... ۵- استان آذربایجان غربی الف - رضائیه: بازار شهر رضائیه از صبح روز ۵۷/۶/۱۶ تعطیل بوده، لیکن با اقداماتی که بطرق مقتضی بعمل آمده، از ساعت ۱۲۰۰ مغازه‌های بازار و خیابانها باز و اوضاع بحال عادی بازگشته است. ب- باستثنای شهر خوی که حدود ۵۰ درصد از مغازه‌ها تعطیل بوده، اوضاع در سایر شهرهای استان آذربایجان غربی تا ساعت ۱۵۰۰ روز ۵۷/۶/۱۶ عادی بوده است.

...

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۲

ص۱۰۴

برگزاری مجلس ختم بمناسبت درگذشت سیدمهدی گلپایگانی درمسجد اعظم شهر رضائیه - استان آذربایجان غربی روز ۵۷/۷/۵ (۲۵۳۷ شاهنشاهی)

مجلس ختمی بمناسبت درگذشت سیدمهدی گلپایگانی فرزند آیت‌الله گلپایگانی، با شرکت عده‌ای از طبقات مختلف مردم شهر رضائیه در مسجد اعظم رضائیه برگزار گردیده است. در این مجلس واعظی بنام شریعتی (معروف به سوزنی)، ضمن سخنرانی در بالای منبر، پیرامون رهبری سالم و ناسالم و اثرات حکومت نظامی در جامعه صحبت و اظهار داشته که وعده‌های داده شده از جانب آقای نخست‌وزیر توخالی است. پس از خاتمه سخنرانی یاد شده. شخص

ناشناسی که از معاودین از عراق بوده، ضمن دادن شعارهای مضره، اعلامیه‌های مضره‌ای را در بین حاضرین در مجلس توزیع نموده است. جمعیت حاضر در مسجد، بدون انجام عکس‌العملی، مسجد را به آرامی ترک و متفرق شده‌اند.

ارزیابی خبر: خبر صحت دارد.

اقدامات انجام شده: مراتب به نخست‌وزیری اعلام گردیده است.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۲

ص۴۰

گزارش خبر

موضوع: حاج رضا ناصحی یکی از وعاظ شهر رضائیه

مورخ ۵۷/۰۷/۰۲ نامبرده ضمن سخنرانی در مسجد اعظم رضائیه اظهار داشته اختیار مجلس با سخنران است و مردم را دعوت به آرامش نمود سپس گفت ما حرف‌های‌مان را بطور آشکار می‌زنیم و از هیچ کس هم باکی نداریم چون حرف‌های ما را تمام مردم اعم از ارتشی، کارمند و کاسب و غیره قبول دارد و اشاره به وضع مملکت و حکومت فعلی کرد و اضافه نمود ایران مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار از آمریکا قرض کرد و آن را یک نفر حیف و میل کرد آیا این وضع حکومت است در همین موقع از بین جمعیت یک نفر که مشخص نگردید با صدای بلند گفت مرگ بر او. به دنبال این مطلب ناصحی گفت مملکت ایران نمی‌تواند کمونیستی باشد مملکت ما مسلمان است باید تقاضائی باشد تا عرضه باشد. برای هر برنامه باید زمینه باشد تا پیاده شود که این موضوع را حاضرین با گفتن کلمه صحیح است مورد تائید قرار می‌دادند که در پایان سخنرانی نامبرده، تعداد زیادی اعلامیه پخش گردید. افرادی که این اعلامیه‌ها را مطالعه می‌کردند با صدای بلند می‌گفتند مرگ بر حکومت یزیدی، زنده باد خمینی و سپس مجلس پایان پذیرفت.

نظریه شنبه: مراتب فوق صحت دارد.

نظریه یکشنبه: ناصحی از وعاظ افراطی شهر رضائیه معرفی گردیده است و اغلب سخنرانی‌های وی در منابر تحریک‌آمیز می‌باشد. چنانچه به این وضع خاتمه داده نشود بطور یقین سخنرانی اینگونه افراد در مساجد و منابر اثرات سوئی در روحیه شنوندگان بجا خواهد گذاشت. عظیم
نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است. یکتا
نظریه جمعه: نظریه چهارشنبه تایید می‌شود.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۲
ص۱۵۰

قصد انجام تظاهرات خیابانی در شهر رضائیه – استان آذربایجان غربی
روز ۵۷/۷/۶ (۲۵۳۷ شاهنشاهی)، بعد از خاتمه مجلس سخنرانی سیدعزیز محمودی[محمدی] که با حضور حدود ۱۵۰۰ نفر در مسجد اعظم شهر رضائیه– استان آذربایجان غربی منعقد بود، چند تن از جمعیت حاضر اقدام به دادن شعارهای ضدمیهنی نموده و متعاقب آن حاضرین با در دست داشتن پلاکاردهائی که روی آن شعارهائی به مضامین «چرا پیکار نمی‌کنید، در راه خدا و ضعیف‌شدگان»، «ما خواهان رسیدگی فوری به خواست‌های زندانیان سیاسی رضائیه هستیم»، «آزادی، استقلال و حکومت اسلامی»، «درود بر زعیم عالیقدر امام خمینی» و «زنده و جاوید شهدای تهران، مشهد، شیراز و اصفهان»، نوشته شده بود، از مسجد خارج و قصد انجام تظاهرات خیابانی داشته‌اند که با دخالت مامورین انتظامی متفرق گردیده‌اند.
ارزیابی خبر: خبر صحت دارد.
اقدامات انجام شده: مراتب به نخست‌وزیری اعلام گردیده است.

سیر مبارزات امام در آئینه اسناد به روایت ساواک ج ۱۲
ص۶۱۶

تاریخ:۵۷/۷/۸ شماره: ۲۸۲۰۳/هـ از: رضائیه به: ۳۱۲ پیرو: ۲۸۱۵۸۰/هـ – ۵۷/۷/۷ ماشاءالله بوزچلو اعلامیه‌ای تهیه و توزیع و در آن ضمن عنوان اینکه جبهه ملی در تهران روز یک‌شنبه مورخه ۵۷/۷/۹ را به منظور اعتراض به اقدامات دولت عراق در مورد خمینی روز تعطیل عمومی بدون تظاهر اعلام نموده، از مردم رضاییه خواسته است که در این روز محل کار یا تحصیل یا

کسب خود را تعطیل نمایند. ضمناً نامبرده در این اعلامیه، خمینی را رهبر واقعی و بر حق ملت ایران معرفی و هر تضییقی برای خمینی را تضییق نسبت به همه آحاد و افراد ایران عنوان و اضافه نموده: این روز را تعطیل نمایید تا دنیا به خصوص امپریالیزم بداند خمینی رهبر واقعی و بر حق ملت ایران است و ما خمینی را تنها نمی‌گذاریم. همان طوری که در سخت‌ترین شرایط ما را تنها نگذاشت و در چنین شرایطی وظیفه جوانان است که این پیام ما را گوش به گوش و خانه به خانه برسانند. ضمناً تعطیل مورخه ۵۷/۷/۹ به منظور همگامی با سایر استان‌ها به شدت در این استان مطرح می‌باشد و پیش‌بینی‌هایی در جهت مقابله با هر نوع عکس‌العمل مخالف به عمل آمده است. محترماً به استحضار می‌رساند. ۵۷/۷/۹ در بولتن درج شود. ثابتی ۵۷/۷/۹ اصل در ۱۲۱۱۱۷ در پرونده روح‌الله خمینی به کلاسه ۶۷۹۰۸ بایگانی شود. روحانی ۵۷/۷/۱۲

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۲
ص۲۵۴

انجام سخنرانیهای تحریک‌آمیز و تظاهرات اخلالگرانه در شهر رضائیه – استان آذربایجان غربی

۱– ساعت ۱۷۰۰ روز ۵۷/۷/۹ (۲۵۳۷ شاهنشاهی)، حدود ۱۲۰۰ نفر از طبقات مختلف مردم در داخل و خارج مسجد اعظم شهر رضائیه– استان آذربایجان غربی اجتماع و سه نفر به اسامی ماشاءاله بوزچلو (وکیل دادگستری و از فعالین جبهه به اصطلاح ملی) و موسوی و علی‌اکبر قریشی (هر دو نفر واعظ می‌باشند)، برای جمعیت حاضر سخنرانی نموده‌اند. نامبردگان در خلال اظهارات خود ضمن عنوان مطالبی درباره آزادی زندانیان ضدامنیتی به دولت عراق اعتراض و مردم را به اتحاد و تشکل اسلامی تشویق نموده و با اشاره به این مطلب که ۱۲ روز دیگر چهلم کشته‌شدگان حوادث تهران می‌باشد، حاضرین را به حفظ نظم و آرامش دعوت کرده‌اند. بعد از خاتمه سخنرانی افراد مورد بحث، چند تن از زنان حاضر در مسجد با دادن شعارهائی به مضامین «زندانیان در حال مرگ می‌باشند» و «زندانیان باید آزاد شوند»، اعلامیه‌های مضره‌ای در بین جمعیت پخش کرده‌اند. در نتیجه اقدام زنان مذکور، حاضرین تحریک شده و با دادن شعارهائی به نفع روح‌اله خمینی از مسجد خارج که در این موقع تعداد آنها به حدود ۲۰۰۰ نفر بالغ گردیده و به طرف خیابان فرح شهر رضائیه حرکت نموده‌اند. در تقاطع خیابان‌های فرح و

عسگرآبادی، مامورین انتظامی برای متفرق شدن به اخلالگران اخطار داده‌اند که تظاهرکنندگان بدون توجه به اخطار مامورین، اقدام به پرتاب سنگ و آجر نموده که مامورین با استفاده از گازاشک‌آور و شلیک دو تیر هوائی آنها را پراکنده ساخته‌اند.

۲- از ساعت ۱۸۰۰ الی ساعت ۱۹۰۰ روز مذکور، عده‌ای بطور پراکنده در برخی از خیابان‌های شهر رضائیه به تظاهرات خیابانی مبادرت کرده‌اند که مامورین انتظامی با نهایت خونسردی آنها را متفرق نموده‌اند. در جریان تظاهرات فوق، به سه دستگاه اتومبیل متعلق به پلیس خسارات مختصری وارد شده و یک نفر از مامورین نیز بعلت اصابت سنگ که از ناحیه اخلالگران پرتاب شده، جراحات مختصری برداشته که به بیمارستان اعزام و پس از پانسمان مرخص گردیده است.»*

ارزیابی خبر: خبر صحت دارد.

اقدامات انجام شده: مراتب به نخست‌وزیری اعلام گردیده است.

پاورقی: *منابع دیگر اطلاع دادند که یک نفر از تظاهرکنندگان به ضرب گلوله مجروح شد و در بیمارستان شیر و خورشید سرخ رضاییه بستری گردید. «در تظاهرات و پیاده روی رضاییه بین تظاهرکنندگان و ماموران پلیس زد و خوردی روی داد و یکی از تظاهرکنندگان به ضرب گلوله مجروح شد. تظاهرات و پیاده‌روی رضاییه از صبح آغاز شد و تا ساعت شش بعدازظهر ادامه داشت. تظاهرکنندگان در حالی که شعار می‌دادند از خیابان‌های اقبالی، داریوش و فرح عبور کردند. در خیابان فرح ماموران انتظامی برای متفرق ساختن تظاهرکنندگان مداخله کردند که منجر به درگیری بین آنها شد...» (اطلاعات، ش ۱۵۷۲۵، ص ۴)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۳

ص۶۳

گزارش خبر

موضوع: پخش اعلامیه

اعلامیه‌ای از طرف معلمین شهرستان رضائیه بین فرهنگیان پخش شده است.

نظریه شنبه: ضمن تقدیم یک نسخه اعلامیه مورد بحث توزیع کننده اعلامیه شناخته نشده است.

نظریه یکشنبه: منبع توجیه گردید که بنحو مقتضی نسبت به شناسائی عاملین توزیع اعلامیه مذکور تحقیق نماید. عاقل نظریه چهارشنبه: ضمن تایید نظریه شنبه و یکشنبه با توجه به اینکه در اعلامیه ۲۳ ماده‌ای اعلام شده در اجتماع روز ۵۷/۷/۱۶ معلمین رضائیه تعدادی از موارد مطروحه در این اعلامیه درج نگردیده به احتمال قوی از طریق عوامل دیگر تهیه شده است. یکتا

نظریه جمعه: نظریه چهارشنبه مورد تایید است. این اعلامیه از طریق ماشاءاله بوزچلو وکیل دادگستری تهیه و توزیع شده است.

پاورقی: این اعلامیه که در یازده ماده تهیه شد و اکثراً حاوی خواست‌های سیاسی آموزگاران ارومیه بود. غیر از این از صبح امروز (۵۷/۷/۱۶) «حدود ۲۵۰ تن از معلمان رضائیه به همراه سیصد تن دانش‌آموز در محوطه اداره کل آموزش و پرورش اجتماع کردند و خواست‌های خود را که تامین رفاه بیشتر معلمان و قسمتی جنبه اجتماعی داشت در ۲۴ ماده اعلام کردند.» (آیندگان، ش ۳۲۳۷، ص ۱۶)

همکاران عزیز - فرهنگیان رضائیه

در این مرحله حساس از تاریخ وطنمان که قشرهای مختلف جامعه ایران برای کسب آزادی‌های فردی و برای حفظ شرافت انسانی خود در راه برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه با فاسدین و خائنین به بیت‌المال مبارزه می‌کنند و خواسته‌های مشروع خود را بوسیله اعتصابات و تظاهرات آرام خیابانی بگوش مقامات مسئول می‌رسانند وظیفه وجدانی و انسانی طبقه معلم که از قشرهای روشنفکر و آگاه و سازنده این مملکت است حکم می‌کند که همگام با سایر طبقات به پشتیبانی از خواسته‌های اکثریت ملت برخاسته و دین خود را نسبت به جامعه ادا نماید لذا ضروری است که اعلام کنیم که خواسته‌های معلمین رضائیه عبارتند از:

۱- حضرت آیت‌اله العظمی خمینی بایران مراجعت و از معظم‌له رفع تبیعد و تبعیض گردد.

۲- استقلال - آزادی و استقرار حاکمیت ملی خواست ماست.

۳- انحلال سازمان امنیت و انحلال ادارات رمز و محرمانه در سازمانهای مختلف دولتی را خواستاریم.

۴- دادگاههای نظامی باید منحل شود.

۵- حکومت نظامی در سراسر ایران لغو و مردم قهرمان تهران و اصفهان و تبریز و سایر شهرها از ستم پلیس رهائی یابند.
۶- استقلال قوه قضائی تأمین و قوای سه‌گانه از هم تفکیک گردند.
۷- مجلسین انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهری و شوراهای منطقه‌یی و اطاق اصناف و شورای داوری و خانه‌های انصاف باید منحل گردند و ملت در یک انتخابات آزاد نمایندگان واقعی خود را انتخاب نمایند.
۸- آزادی بیان و قلم و اجتماعات باید تأمین شود.
۹- آزادی زندانیان و تبعید شدگان سیاسی بدون توجه به علت محکومیت آنان مورد تقاضای ماست.
۱۰- تشکیل دادگاه ملی و رسیدگی به جرائم متجاوزین به آزادی‌های فردی و اجتماعی و حقوق ملی مورد تقاضای تمام ملت ایران است.
۱۱- خواهان برکناری مدیرکل، معاونین مدیرکل و روسای نواحی آموزش و پرورش رضائیه و انتخاب آنان با رأی معلمین از میان شخصیت‌های فرهنگی محلی می‌باشیم. ضمناً از روز شنبه ۵۷/۷/۱۵ تا قبول درخواست‌های معلمین از طرف مقامات دولتی در مدارس حاضر شده ولی از رفتن به سر کلاس خودداری کنیم. در روز یکشنبه ۵۷/۷/۱۶ نیز پس از جمع شدن در مدارس در ساعت ۱۰ صبح در محوطه اداره کل آموزش و پرورش اجتماع نموده و بدین طریق خواسته‌های خود را بگوش مقامات مسئول خواهیم رساند. معلمین رضائیه.

یاران امام به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰ (آیت‌الله سیدمرتضی پسندیده) ص۵۰۰

به:۳۱۲ از: قم تاریخ: ۵۷/۷/۲۲ شماره: ۱۹۷۶/۲۱ هـ ۱- شخصی به نام قره‌باغی از رضائیه شب گذشته با شریعتمداری تماس حاصل و پس از اشاره به اعلامیه اخیر آیات ثلاثه شریعتمداری اظهار می‌دارد که می‌بایست جلوی تظاهرات را گرفت چون اغلب نمی‌توان اطمینان نمود که حرف‌های تحریک کننده زده نشود، قره‌باغی درباره فعالیت معلمین رضائیه و درخواست همکاری از روحانیون محل اظهار نمود به معلمین پاسخ داده شده تا آن حد که شرعاً مجاز باشد اقدام می‌کنیم ولی معلمین مخالفتشان را با دولت علناً ابراز می‌نمایند. شریعتمداری اظهار می‌دارد

ما گفتیم مخالفت و مبارزه با دولت تا آن اندازه که فایده دارد تعیین شود و یک وظیفه است و نباید با درس خواندن و درس دادن مخلوط شود چون در این مملکت دکتر، مهندس و صنعت کار هم می‌خواهیم که مجبور نشویم از انگلستان بیاوریم و اگر از دولت خواسته می‌شود که از استبداد به عدالت برسد این وظیفه‌ای که می‌بایستی در خارج از محیط درس انجام شود حال از لحاظ خیرخواهی به معلمین آنجا بگوئید اگر از ما پشتیبانی می کنند درست ولی بروند درسشان را بخوانند و درس هم بدهند. قوانینی که قبلا وضع شده اگر مخالف اسلام و منافع مملکت است باید از بین برود و منسوخ شود در خاتمه از قره‌باغی می‌خواهد که حرفهای معلمین را رد نکند ولی درصدد هدایت آنان برآید. ...

استحضاراً معروض باصری‌نیا در بولتن درج شود. در بولتن درج گردید. جهت بهره‌برداری به استحضار رئیس دایره عملیات می‌رسد. کندری ۵۷/۷/۲۴ آقای قاسم‌پی ۷/۲۹

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۳
ص۴۳۲

... تظاهرات در رضائیه ساعت ۱۹۰۰ روز ۱۳۵۷/۷/۲۳ حدود ۲۰۰۰ نفر از فرهنگیان و دانش‌آموزان مدارس رضائیه در محل آموزش و پرورش آن شهر اجتماع و سه نفر از فرهنگیان به اسامی قدرت‌الله جعفری، حسین سلیم و پرویز سیروس رضائی در مورد خواسته‌های آنان سخنرانی و ضمن آن عده‌ای از دانش‌آموزان اقدام به دادن شعار له خمینی نموده و یکی از آنها بنام بیوک اتفاق طهیری فرزند اکبر پرچم ایران را که در محوطه اداره مذکور نصب بوده پاره و میله آنرا شکسته که دستگیر گردیده است. جمعیت مذکور سپس به خیابان وارد و دست به تظاهرات زدند که وسیله پلیس متفرق شده‌اند.

ارزیابی خبر: خبر صحت دارد.

گیرنده: دفتر ویژه اطلاعات ...

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۴
ص۳۴

تظاهرات در رضائیه ساعت ۱۰۰۰ روز ۱۳۵۷/۸/۱ حدود ۳۵۰ نفر از دانشجویان مرکز تربیت معلم رضائیه و دانشسرای مقدماتی آن شهر در محوطه اداره آموزش و پرورش اجتماع نموده و

ضمن تظاهرات و دادن شعارهای مضره، آزادی زندانیان ضد امنیتی و درخشش را خواستار شده‌اند.[[۱]] متعاقب این جریان دانش‌آموزان دبیرستان جامع معنوی در داخل دبیرستان مبادرت به تظاهرات و دادن شعارهای مضره نموده و ضمن پاره کردن سیم‌های تلفن با مدیر مدارس به مشاجره پرداخته‌اند. ساعت ۱۶۰۰ نیز تعدادی از دانش‌آموزان مدارس آن شهر به دانشسرای مقدماتی مراجعه و به اتفاق دانشجویان دانشسرای مذکور که از صبح در محوطه دانشسرا اجتماع کرده بودند ملحق و پس از خروج از محل مزبور در سطح شهر به راه‌پیمائی پرداخته و در حالیکه پلاکاردهائی حمل می‌نمودند شعارهائی له خمینی و حکومت اسلامی داده و خواستار آزادی درخشش و اجرای کامل قانون اساسی شدند. نامبردگان پس از عبور از خیابان‌های شهر مجدداً به مقابل اداره آموزش و پرورش مراجعت و بدون درگیری با مأمورین انتظامی متفرق گردیده‌اند.[[۲]] ارزیابی: خبر صحت دارد.

گیرندگان: دفتر ویژه اطلاعات، ساواک

پاورقی: ۱- محمد درخشش رئیس جامعه معلمان ایران که در پی انتشار مجله مهرگان و مقاله‌ای که در آن به ساواک و دولت شریف امامی حملات شدیدی شده بود به استناد ماده ۵ قانون فرمانداری نظامی بازداشت و پس از ۱۵ روز ساعت ۸ صبح امروز (۵۷/۸/۱) آزاد شد.» (اطلاعات، ش ۱۵۷۴۱، ص ۲۱).

۲- در گزارش دیگری آمده که این گروه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی «با دسته‌های گل و پلاکاردهایی به مضمون آزادی زندانیان سیاسی، برگشت خمینی، حکومت اسلامی، لغو حکومت نظامی، انحلال ساواک به طرف میدان شهر حرکت و در خیابان‌های اصلی شهر در حال راه‌پیمایی و دادن شعار هستند. جمعیت حدود ۳۰۰۰ نفرند.» (پرونده ۲۴۱۸۱۲، ج ۴).

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۴

ص۹۶

[گزارش] ۱- مراکز آموزشی شهرستان نقده در روز جاری تعطیل می‌باشد. ۲- ,, ,, ,, خوی ,, ,, نیمه تعطیل می‌باشد. ۳- ,, ,, ,, مهاباد ,, ,, باز، لیکن دانش آموزان اعتصابی در محل‌های آموزشی خود به اعتصاب خود ادامه می‌دهند و دانش‌آموزان و معلمین آن شهرستان در نظر دارند از ساعت ۱۶۰۰ روز جاری از استادیوم ورزشی دست به تظاهراتی بزنند** ضمناً قرار

است فرهنگیان شهرستان میاندوآب مورخ ۵۷/۸/۶ در دبیرستان نظام‌الملک شهرستان مذکور اجتماع و سپس دست به راهپیمائی بزنند. ۴- در روز جاری به استثناء مدارس ابتدائی و مدارس راهنمائی تحصیلی و دبیرستان‌های دخترانه سایر مراکز آموزشی شهرستان رضائیه از ساعت ۰۹۳۰ به تدریج تعطیل و دانش‌آموزان دبیرستان‌ها و هنرستان‌ها و دانشجویان دانشسرای راهنمائی تحصیلی و مرکز تربیت معلم حرفه و فن شهرستان رضائیه بصورت گروه‌های ۱۵۰ الی ۳۰۰ نفری با در دست داشتن دسته گل و پلاکاردهائی که مضمون آنها (آزادی زندانیان سیاسی - برگشت آیت‌الله خمینی - انحلال ساواک - لغو حکومت نظامی - حکومت اسلامی - درود بر خمینی رهبر ملت ستمدیده ایران - زنده و جاوید باد شهیدان ما - استقلال آزادی حکومت اسلامی برای حفظ قرآن مردم به ما ملحق شوید) بوده از طرف مراکز آموزشی خود به طرف میدان مرکز شهرستان رضائیه حرکت نمودند و در حال حاضر در میدان مذکور حدود ۲۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان دختر و پسر مبادرت به تظاهرات و دادن شعارهای (ارتش برادر ماست خمینی رهبر ماست برادر ارتشی چرا برادرکشی - رهبر ما خمینی - آزادی زندانیان سیاسی وغیره) نموده‌اند این تظاهرات همچنان ادامه دارد. ۵- سایر مراکز آموزشی حوزه استحفاظی استان باز و دائر می‌باشند. ۲۱۲۴۶/ هـ ۵۷/۸/۳ سرپرست مبینی- ۱۱۴۰

پاورقی: ** - این تظاهرات صورت گرفت.«از ساعت ۱۸۳۰ عده‌ای در حدود ۳۰۰ نفر از معلمین و دانش‌آموزان شهرستان مهاباد در خیابان‌های آن شهرستان شروع به راهپیمایی و تظاهرات آرام نموده و پس از طی چند خیابان بدون هیچ‌گونه برخوردی با مأمورین انتظامی در ساعت ۲۰۰۰ در جلو دانشسرای دختران متفرق گردیده‌اند.» (۲۱۲۴۴/ هـ ۲- ۵۷/۸/۲، پرونده ۲۴۱۸۱۲، ج ۴).

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار۵۷/۸/۳

رضائیه ، خبرگزاری پارس (پانا) پیش از ظهر امروز دبیرستان‌ها دانشسراها و مراکز تربیت معلم رضائیه و برخی از مدارس راهنمائی تحصیلی این شهرستان تعطیل شدند و حدود ۱۰۰۰۰ نفر از دانش آموزان رضائیه تظاهرات بسیار وسیعی در شهر برگزار کردند در این تظاهرات که از

ساعت ۹ بامداد امروز شروع شده و هم اکنون نیز ادامه دارد رفت و آمد در خیابان‌های شهر رضائیه مختل شده است، اکثر تظاهرکنندگان را دانش آموزان تشکیل می‌دادند این تظاهرات تا کنون هیچ حادثه‌ای نداشته است و پلیس نیز در کار تظاهرکنندگان دخالت نکرده است.
بولتن ۲۱۹ خبرگزاری پارس

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۴
ص۱۰۰

[تفلنگرام] ۱- تظاهرکنندگان اشاره شده در بند ۴ پیروی بدنبال اقدامات خود در میدان مرکز مبادرت به راهپیمائی و دادن شعارهای (مرگ بر سلطنت پهلوی - فاجعه آبادان بدست شاه جلاد و به همت خمینی شاه را می‌کشیم) نمودند و پس از طی خیابان‌های پهلوی و عسکرآبادی مقابل مسجد بازار باش تجمع و سپس در ساعت ۱۲۱۵ متفرق گردیدند قرار است ساعت ۰۹۰۰ روز ۵۷/۸/۴ مجدداً در مقابل مسجد اعظم اجتماع و به تظاهرات بپردازند.* ...
مبینی گوینده - آقای اردلان گیرنده - باران ۵۷/۸/۳ ساعت ۱۴۳۰

پاورقی: * - به نوشته خبرگزاری پارس «پیش از ظهر امروز (۵۷/۸/۳) دبیرستان‌ها دانشسرها و مراکز تربیت معلم رضائیه و برخی از مدارس راهنمایی تحصیلی این شهرستان تعطیل شدند و حدود ده‌هزار نفر از دانش‌آموزان رضائیه تظاهرات بسیار وسیعی در شهر برگزار کردند. در این تظاهرات که از ساعت ۹ بامداد شروع شده و هم‌اکنون نیز ادامه دارد رفت و آمد در خیابان‌های شهر رضائیه مختلف شده‌است. اکثر تظاهرکنندگان را دانش‌آموزان تشکیل می‌دادند.» (بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۱۹، ص ۲۱) بعدازظهر نیز تظاهراتی در شهر ارومیه شکل گرفت. (کیهان، ش ۱۰۵۹۵، ص ۲)

سیر مبارزات امام در آیینه اسناد به روایت ساواک ج ۱۹
ص۴۸۱

تاریخ: ۵۷/۸/۵ شماره: ۱۲۰۹۹/۲۱ هـ از: قم به: ۳۱۲ پیرو: ۱۲۰۹۴/۲۱ هـ - ۵۷/۸/۴
۱- فردی به نام قریشی روز جاری از رضائیه ضمن تماس با آیت‌الله شریعتمداری اظهار می‌دارد: جماعتی از [ناخوانا] چهارشنبه به شهر ریختند و پلیس هم از آن جمعیت حمایت می‌کرد ما

دیدیم اوضاع به این نحو [ناخوانا] تمام مسلمانان را به آرامش دعوت کردیم ولی بازار به طور کلی تعطیل بود و در چند نقطه برخوردهائی ایجاد، به حمدالله کشته و مجروح نداشتیم. آیت‌الله‌شریعتمداری اظهار می‌دارد: تصادفاً از رضائیه به ما اطلاع دادند که اقدام کنیم و توسط یکی از رفقای تهرانی از... آقای نخست‌وزیر قول گرفته شد که این قضیه به کلی موقوف شود. حال می‌بینیم که دروغ از آب درآمد. معلوم می‌شود که حرف این آقا را هم بله، خلاصه خیلی مواظب باشید چون می‌خواهند قضیه کرمان را به وجود بیاورند و تقصیرش را به گردن شماها بیاندازند.

...

ساعت ۱۱۰۰ روز ۸/۵ آقای مجتبوی ۸/۷ درج شده به استحضار ریاست دائره عملیات برسد.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۴

ص۲۹۹

[تلفنگرام] افرادیکه از جمع افراد حاضر در مقابل مسجد اعظم رضائیه جدا و به تظاهرات خیابانی پرداخته حدود ۴۰۰۰ نفر تخمین زده شده است. تظاهرات در ساعت ۱۳۳۰ خاتمه و تظاهرات‌کنندگان متفرق گردیدند محل‌های آسیب‌دیده به شرح زیر اعلام می‌گردد. ۱- شیشه‌های حدود ۲۰ بانک از شعبات صادرات - ملی- سپه- پارس- بازرگانی- فرهنگیان- ایران و هلند - عمران و تهران خرد شده و به بعضی از شعبات اصلی این بانک‌ها خساراتی غیر از شکستن شیشه‌ها وارد شده است. ۲- شیشه‌های تعداد زیادی مغازه در خیابان‌های پهلوی - خیام - زنگنه و دانشکده خرده شده است. ۳- شیشه‌های قنادی پاپا و شهر فرنگ - فروشگاه تخت جمشید - خانه جوانان چند باب از منازل مردم - هتل آرین - نمایندگی هواپیمایی پارس ایر- سینماهای ایران- تخت جمشید - آپادانا - نیاگارا دو مغازه مشروب‌فروشی یک مغازه عکاسی- اطلاعات و جهانگردی - موزه رضاشاه کبیر - تعداد کیوسک‌های تلفن باشگاه افسران ژاندارمری - بوتیک بورسالینو - مخابرات ناحیه بهداری و بهزیستی - مطب دکتر حاجی‌زاده - اداره آبیاری - خبرگزاری پارس کارگاه رادیو و تلویزیون خرد شده است. ۴- چند جام از شیشه‌های نمایشگاه اتومبیل رخش خرد و به دو دستگاه اتومبیل در داخل نمایشگاه خسارات وارد شده است. ۵- یکدستگاه کاروان اتومبیل مربوط به هتل آرین آتش زده شده و به ۶ دستگاه

اتومبیل که در مقابل هتل مزبور پارک شده بود صدمه وارد شده است. ۶- کاخ جوانان و کلوپ ایران آتش زده شده است. ۷- به تعدادی اتومبیل در مسیر تظاهرکنندگان صدمه وارد شده است. ضمناً رهبری تظاهرکنندگان که تاکنون شناخته شده‌اند ماشاءالله بوزچلو وکیل دادگستری و دو تن از روحانیون به اسامی سیدعلی‌اکبر قره‌باغی و غلامرضا حسنی بزرگ‌آباد به عهده داشته‌اند و تظاهرکنندگان ضمن حمل پلاکاردهائی که عکس خمینی نیز در بین آنها بوده شعارهائی به نفع خمینی و همچنین شعارهای تندی علیه رژیم از جمله «به همت خمینی، شاه ترا می‌کشیم و شهبانوی آذری چرا زن شاه شدی می‌دادند. مضافاً اینکه دکاکین رضائیه در روز جاری [۱۳۵۷/۸/۶] بطور کلی تعطیل بوده است.

مبینی گوینده فندالی گیرنده صالحی ک ۲۰

بولتن خبرگزاری پارس عادی

تاریخ انتشار۱۳۵۷/۸/۶

رضائیه ، خبرگزاری پارس (پانا) وضع امروز رضائیه [۱۳۵۷/۸/۶] به شدت ناآرام است و تظاهرکنندگان در مسیر خود شیشه‌های سازمان‌های دولتی و ملی و مغازه‌های خصوصی را در هم شکستند گروه اول تظاهرکنندگان در مسیر خیابان زنگنه یک کافه قنادی و یک هتل سه ستاره، یک باشگاه اجتماعی کاخ جوانان دفتر پارس ایر بانک فرهنگیان و یک کافه رستوران را در هم کوبیدند و گروه دیگر در خیابانها ساختمان یک بانک ، چند مغازه عکاسی و شیشه‌های اداره کل اطلاعات و جهانگردی استان را در هم کوبیدند در خیابان خیام همچنین شیشه‌های اتومبیلهای ادارات دولتی را در هم شکستند و در اینجا پلیس و ماموران انتظامی با گاز اشک آور اقدام به پراکنده کردن تظاهرکنندگان کردند.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۴
ص۳۹۰

[گزارش] از ساعت ۱۰۳۰ روز جاری[۵۷/۸/۷] حدود ۶۰۰ نفر از معلمین و دبیران شهرستان رضائیه در مدرسه راهنمائی امیری اجتماع و با تهیه تلگرافاتی به عنوان نخست‌وزیر و بنی‌احمد تقاضا نموده‌اند استاندار – رئیس شهربانی – فرماندار رضائیه تعویض شوند. متعاقباً ساعت ۱۲۳۰ حدود ۴۰۰ نفر از افراد فوق با تعدادی دانشجو و استاد دانشگاه رضائیه در سالن دادگستری اجتماع و ضمن مذاکره با این دادگستری خواستار برکناری استاندار – رئیس شهربانی و فرماندار شده‌اند. نامبردگان اظهار داشته‌اند تا رسیدگی به خواسته‌های‌شان در دادگستری متحصن خواهند شد. افراد فوق در توجیه علت برگزاری تظاهرات ملی و میهنی که به زعم آنان موجب ناامنی‌هائی خواهد گردید عنوان نموده‌اند. مذاکراتی از طریق مدیرکل دادگستری و دادستان استان با نامبردگان در جریان می‌باشد و از این طریق نیز اقداماتی صورت گرفته تا نتیجه‌ی سوء تفاهم حاصله از بین برود. * مبینی

پاورقی : * فرهنگیان و دانشگاهیان ارومیه شب را نیز در محل دادگستری بسر بردند. (رستاخیز، ش ۱۰۵۱، ص ۱۸)

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار ۱۳۵۷/۸/۸

رضائیه – خبرگزاری پارس (پانا)امروز کسب اطلاع شد که کارکنان اداره کل کار و امور اجتماعی آذربایجان غربی در پایان هشت روز اعتصاب خود از ساعت یازده بامداد مجدداً شروع بکار کردند. اداره کل بازرگانی و ثبت اسناد رضائیه نیز اعتصاب چند روزه خود را شکستند و بکار مشغول شدند.

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار: ۱۳۵۷/۸/۹

ادامه تحصن فرهنگیان رضائیه خبرگزاری پارس (پانا) فرهنگیان رضائیه وارد سومین روز تحصن خود شدند و دیشب را نیز در سرسرای کاخ دادگستری رضائیه گذراندند به تعداد متحصنیین روزبروز افزوده می‌شود و سرسرای دادگستری مملو از جمعیت است و فرهنگیان به همکاران

خود می‌پیوندند در این میان نمایندگان دانشجویان و استادان دانشگاه رضائیه و اصناف این شهر در میان فرهنگیان در دادگستری بست نشسته‌اند. این عده خواستار اجرای مفاد بیانیه‌هائی شده‌اند که قبلاً منتشر شده است. دانشگاهیان رضائیه نیز با صدور بیانیه‌ای همبستگی خود را با فرهنگیان اعلام کردند.

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار ۱۳۵۷/۸/۱۰

رضائیه خبرگزاری پارس (پانا) – کارگران سازمان اتوبوسرانی رضائیه و حومه امروز در پایان ۱۴ روز اعتصاب خود به طور مشروط اعتصاب را شکسته و مشغول کار شدند کارگران رضائیه برای تامین خواست‌های خود یک‌ماه مهلت تعیین کرده و در قطعنامه‌ای نوشته‌اند در پایان مهلت مقرر در صورت عدم تامین خواسته‌هایشان دست به اعتصاب خواهند زد.

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار ۱۳۵۷/۸/۱۰

رضائیه خبرگزاری پارس (پانا) – جامعه فرهنگیان رضائیه که برای تامین خواسته‌های خود در سرسرای دادگستری این شهر متحصن شده‌اند، دیشب [۱۳۵۷/۸/۹] را نیز در دادگستری گذراندند و وارد چهارمین روز تحصن خود شدند ، جامعه دانشگاهیان رضائیه و نمایندگان اصناف و دانشجویان و فرهنگیان خوی و نقده و اشنویه نیز با اعلام همبستگی با فرهنگیان در دادگستری دست به اعتصاب نشسته زدند. اعضای انجمن شهر رضائیه نیز عصر دیروز همبستگی خود را با فرهنگیان رضائیه اعلام کرد در این میان ۱۶ نفر از کارکنان اداره کل کشاورزی و ۶۹ نفر از کارکنان اداره کل اقتصادی و دارائی و ۳۳ نفر از کارکنان بهداری و بهزیستی و گروهی از کارکنان گمرک و بازرگانی رضائیه پشتیبانی و همبستگی خود را با فرهنگیان اعلام کردند.

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار ۱۳۵۷/۸/۱۱

ادامه تحصن رضائیه خبرگزاری پارس (پانا) – فرهنگیان رضائیه در پنجمین روز تحصن خود در سراسری دادگستری دیشب [۱۳۵۷/۸/۱۰] را نیز در دادگستری گذراندند. دانشگاهیان رضائیه و

نمایندگان دانشجویان و اصناف و فرهنگیان خوی ، نقده و اشنویه نیز به همراه فرهنگیان و دانشگاهیان در کاخ دادگستری بست نشسته‌اند بنا به گزارش روابط عمومی دخانیات رضائیه، کارگران و کارکنان دخانیات نیز همبستگی خود را با فرهنگیان رضائیه اعلام کردند.

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار۱۳۵۷/۸/۱۲

رضائیه خبرگزاری پارس (پانا) فرهنگیان و دانشگاهیان رضائیه امروز وارد ششمین روز تحصن خود در کاخ دادگستری رضائیه شدند. و دیشب [۱۳۵۷/۸/۱۱] را نیز در سرسرای دادگستری گذراندند امروز [۱۳۵۷/۸/۱۲] کسب اطلاع شد علاوه بر گروه‌هائی که تاکنون با فرهنگیان و دانشگاهیان رضائیه اعلام همبستگی کرده‌اند گروه‌هائی از کارکنان پست فرهنگیان مهاباد سرجنگلداری کل بانک تعاون کشاورزی فرهنگیان پیرانشهر کارکنان کار و امور اجتماعی و غله فرهنگیان اشنویه کارکنان ثبت و اسناد و دانش آموزان مهاباد همبستگی خود را با فرهنگیان و دانشگاهیان رضائیه اعلام داشته‌اند. فرهنگیان و دانشگاهیان رضائیه قبلاً با صدور بیانیه‌ای ضمن طرح خواسته‌های خود طی طوماریکه به دادرسان رضائیه داده‌اند علیه چند تن از بلندپایگان استان بخاطر تظاهرات روزهای سوم و چهارم و پنجم آبانماه اعلام جرم کرده‌اند.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۵
ص۵۱

[...] ۹- رضائیه ۹ صبح روز ۵۷/۸/۱۲ گروه‌های مختلفی از قشریون مذهبی در داخل و خارج از مسجد اعظم شهر رضائیه اجتماع و در حالیکه تعداد آنها به حدود ۴ هزار نفر رسیده بود، با در دست داشتن پلاکاردهائی که روی آنها مطالبی به طرفداری از روحانین افراطی نوشته شده بود، به تظاهرات و راه‌پیمائی خیابانی مبادرت و شعارهائی به مضمون زیر می‌داده‌اند: «آمریکا، شوروی، پهلوی، مرگ بر این اتحاد – ۵۰ سال حکومت، ۵۰ سال خیانت – زیر بار ستم زندگی نمی‌کنیم، جان فدا می‌کنیم در راه آزادگی، مرگ بر این...» تظاهرکنندگان در میدان خیام شهر رضائیه نماز جماعت برگزار و چند تن از روحانیون برای آنها سخنرانی و اعلام کرده‌اند تا

برقراری حکومت اسلامی به این روش ادامه خواهند داد. تظاهرات مذکور در حدود ساعت ۱۴۰۰ روز مذکور متفرق گردیده‌اند.[[۱]]

پاورقی: ۱- تظاهرات امروز (۵۷/۸/۱۲) ارومیه به دعوت جامعه روحانیان این شهر صورت گرفت. «در این تظاهرات عده‌ای که به عنوان مأموران انتظامات از بین خود مردم انتخاب شده بودند مانع از خشونت، شکستن شیشه‌ها و برخورد با مأموران انتظامی شدند.» (کیهان، ش ۱۰۶۰۳، ص ۱۸) تحصن فرهنگیان و دانشگاهیان ارومیه در کاخ دادگستری امروز وارد ششمین روز خود شد. آنان خواهان برکناری استاندار، فرماندار، رئیس شهربانی و سلب مصونیت از نمایندگان این شهر در مجلس شورای ملی بودند. (آیندگان، ش ۳۲۵۴، ص ۱۶).

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۵
ص۸۹

...

۵- رضائیه از ساعت ۱۰ روز ۵۷/۸/۱۳، عده‌ای حدود ۵۰۰۰ نفر از طبقات مختلف مردم شهر رضائیه در مسجد اعظم این شهر اجتماع و پس از سخنرانی تحریک‌آمیز یکی از وعاظ قشری و طرفدار خمینی، از ساعت ۱۱۱۵ شروع به راه‌پیمائی در این شهر نموده‌اند. هدف از این اجتماع و راه‌پیمائی، اعلام همبستگی با دانشجویان و فرهنگیان و متخصصین در دادگستری رضائیه بوده است.

پاورقی: سخنرانی صورت گرفته در مسجد توسط آقای غلامرضا حسنی ایراد شد. (پرونده ۲۴۱۸۱۲، ج ۴)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۵
ص۲۷۴

[تلفنگرام ۵۷/۸/۱۵] ... ۲- مراکز آموزشی شهرستان رضائیه روز جاری تعطیل و آموزگاران و دبیران به اتفاق تعدادی دیگر از سایر طبقات که به آنان ملحق شده‌اند کماکان در تحصن خود باقی و از ظهر روز گذشته حدود ۱۵۰ نفر از آنان دست به اعتصاب غذا زده و خواستار تعویض استاندار، رئیس شهربانی، و فرماندار رضائیه می‌باشند و عنوان نمودند تا زمانیکه به خواسته‌های

ما رسیدگی نشود دست از اقدام خود نخواهیم کشید ضمناً دانش‌آموزان و دانشجویانی که به عنوان همبستگی با معلمین و دبیران و رضائیه در ساختمان اداره کل آموزش و پرورش استان متحصن شده بودند (موضوع بند ۳ پیروی) عصر روز گذشته به علت ایجاد دو دستگی بین آنان تحصن خود را شکسته به تدریج از اداره کل مزبور خارج و متفرق شدند. ۲۱۳۱۸/۴ هـ ۵۷/۸/۱۵ مبینی ناصری مقدم

سیر مبارزات امام در آئینه اسناد به روایت ساواک ج ۱۲
ص۶۴۱

[تاریخ: ۵۷/۸/۱۵] قرائت متن اعلامیه جبهه ملی در مورد نظام حکومتی ایران روز ۵۷/۸/۱۵ (۲۵۳۷ شاهنشاهی) شخصی به نام مهندس فواد مرعشی تلفنی با ماشاءالله بوزچلو یکی از فعالین جبهه ملی در رضائیه تماس گرفته و اظهار داشته: از طرف جبهه ملی اعلامیه‌ای منتشر شده که برادرم آن را برای من قرائت کرده است. این اعلامیه در سه ماده است که با توافق خمینی صادر شده است. مهندس فواد مرعشی سپس متن اعلامیه را به شرح زیر قرائت کرده است: ۱- سلطنت کنونی با نقض مداوم قانون اساسی و اعمال ظلم و ستم و ترویج فساد و تسلیم در برابر سیاست-های بیگانه فاقد پایگاه قانونی و شرعی است. ۲- جنبش ملی و اسلامی ایران، با وجود بقای نظام سلطنتی غیر قانونی، با هیچ ترکیب حکومتی موافقت نخواهد کرد. ۳- نظام حکومت ملی ایران [را] باید بر اساس موازین اسلام و دموکراسی و استقلال به وسیله مراجعه به آراء عمومی تعیین کرد. دبیر کل جبهه ملی دکتر کریم سنجابی

ارزیابی خبر: انجام تماس صحت داشته و مطالب بالا عنوان گردیده است.

از طبقه‌بندی سری خارج و به خیلی محرمانه تبدیل شد.

بایگانی شود. ۳۱۲ در پرونده روح‌الله خمینی به کلاسه ۶۷۹۰۸ بایگانی شود. روحانی ۵۷/۹/۶

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۵
ص۴۶۷

گزارش خبر

موضوع: سیدعلی‌اکبر قریشی

در ساعت ۱۶۰۰ روز ۵۷/۸/۱۹ حدود ۱۲۰۰ نفر در مسجد اعظم اجتماع، و واعظ سیدعلی‌اکبر قریشی اعلامیه معلمان رضائیه را مبنی بر عدم تدریس آنان به منظور دایر شدن حکومت اسلامی می‌باشد قرائت و سپس با توصیف جنگ‌های حضرت علی (ع) اظهار داشت نهضت تا برقراری حکومت اسلامی به رهبری خمینی ادامه خواهد داشت و پس از برقراری آن دست سایر کشورها از منابع زیرزمینی کشور کوتاه خواهد شد و ساعت ۱۳۴۵ جمعیت حاضر پس از دادن شعار برعلیه کد ۶۶ و له خمینی مسجد را ترک و متفرق شدند.

نظریه شنبه. خبر صحت دارد.

نظریه یکشنبه. نظریه شنبه تایید می‌شود.

نظریه چهارشنبه و جمعه. نظریه یکشنبه تایید می‌شود.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۶

ص۹

[تلفنگرام ۵۷/۸/۲۱] از ساعت ۹ روز جاری به تدریج حدود ۶۰۰ نفر در مسجد اعظم رضائیه تجمع و سیدعزیز محمدی یکی از روحانیون رضائیه در ساعت ۱۰۴۵ ضمن سخنرانی مطالبی نیز برله خمینی عنوان و در ساعت ۱۱۵۰ پس از خاتمه سخنرانی نامبرده حاضرین در مسجد با گفتن شعار لااله‌اله [لااله‌الاالله] از مسجد خارج و قصد تظاهرات را داشتن [داشتند] که مأمورین انتظامی با پاشیدن آب آنان را متوقف کردند. ضمناً هنگام مداخله مأمورین تعدادی سنگ نیز بوسیله تظاهرکنندگان به سوی آنان پرتاب شده است. مبینی ۲۸۸۰۸/هـ – ۵۷/۸/۲۱

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۶

ص۵۹

گزارش خبر موضوع: متحصنین کاخ دادگستری رضائیه

ساعت ۱۵۳۰ متحصنین کاخ دادگستری در حالیکه تعدادی از روحانیون رضائیه پیشاپیش آنان در حرکت بودند با در دست داشتن پلاکاتی به این مضمون (درود معلمان و دانشگاهیان به مردم آذربایجانغربی – متحصنین دادگستری) از دادگستری خارج و از طریق خیابان پهلوی به سمت مسجد اعظم حرکت و در آنجا اجتماع نمودند سپس یکی از متحصنین بنام محمدعلی احمدی

دبیر، متن تلگراف آیت‌الله شریعتمداری به عنوان متحصنین و متن تلگراف روحانیون تبریز به روحانیون رضائیه در همین زمینه و همچنین قطعنامه معلمین را قرائت نمود. در پایان سید علی‌اکبر قریشی یکی از روحانیون رضائیه مطالبی عنوان و در ساعت ۱۷۰۰ بدون هیچگونه برخوردی متفرق گردیدند.

نظریه شنبه: خبر فوق صحت دارد.

نظریه یکشنبه: مفاد گزارش خبر صحت دارد. ضمناً یکبرگ قطعنامه مورخه ۵۷/۸/۲۲ معلمین رضائیه به پیوست تقدیم می‌گردد. نیامی

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه تایید میشود.

نظریه جمعه: نظریه چهارشنبه مورد تایید است.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۶

ص۳۰۳

[۵۷/۸/۲۷] گزارش خبر

موضوع: نصرالهی بلورفروش

در بازار رضائیه نامبرده از طرف اصناف شهر رضائیه مبلغ ۱۵۰ هزار تومان جهت رفع نیازمندی‌های متحصنین کاخ دادگستری رضائیه در اختیار نمایندگان آنان گذاشته شده و همچنین مبلغ سه میلیون تومان نیز برای بدهی‌های ضروری اصناف که به علت تعطیل مغازه‌ها متحمل ضرر و زیان می‌شوند در تالار مهدیه قرار داده شده است.

نظریه شنبه: مراتب فوق صحت دارد.

نظریه یکشنبه: نظریه شنبه مورد تائید است. عظیم

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه تائید میشود. یکتا

نظریه جمعه: نظریه چهارشنبه تائید میگردد. تحقیق شود آیا شخصاً پرداخت نموده یا از سایرین (خارج و داخل) دریافت نموده است. ۲/۹

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۶
ص۴۱۶

به دنبال انتصاب سپهبد کریم ورهرام به سمت استاندار آذربایجان غربی و عزیمت نامبرده به منطقه، تا کنون هیچیک از روحانیون منطقه حاضر به ملاقات با وی نشده‌اند و به عنوان اعتراض به انتصاب یاد شده روز ۵۷/۸/۲۹ از طرف روحانیون در این شهر تعطیل عمومی اعلام و در نتیجه بازار و مغازه‌های شهر رضائیه و برخی دیگر از شهرهای استان آذربایجان غربی به حالت تعطیل درآمده است.

ارزیابی خبر: خبر صحت دارد

اقدامات انجام شده: مراتب به نخست وزیری اعلام گردیده است

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۶
ص۴۶۸

... به نوشته همین منبع امروز [۵۷/۸/۳۰] «حدود ۴۰۰ نفر از مردم رضائیه در تالار مهدیه اجتماع و واعظ خراسانی مطالب تحریک‌آمیز ایراد نمود و در ساعت ۱۲۱۰ با پخش اعلامیه مضره متفرق شدند.»

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۷
ص۱۳۴

آگهی خبر موضوع: تظاهرات و پخش اعلامیه در شهرستان رضائیه برابر خبر واصله در مورخه ۱۳۵۷/۹/۳ در مسجد اعظم رضائیه دو نفر از واعظین به نام‌های قریشی و حسنی در حین سخنرانی در انظار مردم که در مسجد فوق گرد آمده بودند به خاندان جلیل سلطنت فحاشی نموده و با هم صدائی مردم اظهار می‌داشتند (حافظ قرآن، ملک سلیمان، مسجد کرمان، سینما رکس آبادان را کد ۶۶ به آتش کشیده) ضمنا در خبر اضافه شده یکنفر کُرد معروف به ملا از کشورهای خارج اسلحه و مهمات به ایران و قبضه‌ای به مبلغ ۱۵۰۰ تومان و هر عدد فشنگ را به مبلغ ۲۰ تومان به مردم می‌فروشد.

ارزیابی خبر: قابل بررسی است.

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار۱۳۵۷/۹/۴

رضائیه خبرگزاری پاس (پانا) – فرهنگیان و جامعه معلمان رضائیه پیش از ظهر امروز در یک اجتماع بزرگ که در سالن دبیرستان مهر این شهر تشکیل شد تصمیم گرفتند که از روز سه‌شنبه هفتم آذر ماه [۱۳۵۷/۹/۷] جاری به سر کار خود بازگردند و در کلاس‌های درس حاضر شوند بدین ترتیب ۹۸ هزار و ۱۵۹ نفر نوباوگان و دانش آموزان کودکستان‌ها و دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و مراکز تربیت معلم رضائیه پس از حدود ۴۵ روز وقفه در تحصیل از روز سه‌شنبه مشغول تحصیل خواهند شد در این اجتماع اعلام شد که روز هفتم آذر ماه مدارس رضائیه در کلیه سطوح باز می‌شود. در این اجتماع همچنین قطعنامه‌ای صادر شد که درآن خواسته‌های معلمان بار دیگر مورد تاکید قرار گرفته است روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی اعلام داشت که آموزشگاه‌های شهرستان پیرانشهر از امروز در تمام سطوح فعالیت‌های آموزشی خود را از سر گرفته‌اند.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۷
ص۴۲۴

موضوع: دانش‌آموزان دبیرستان محمد جعفر معنوی شهرستان رضائیه از مورخه ۵۷/۹/۷ که مراکز آموزشی شهرستان رضائیه باز و دایر گردیده‌اند تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستان مذکور از جمله سیما نادری – محمد شهابی – حمید زرین‌انبوه – قاسم سارالانی – سعید مددی – بهنام کاظمی – یوسف محمودی به رهبری و سرپرستی محسن صبحی‌افشار دبیر دبیرستان مزبور کتابخانه دبیرستان را در اختیار گرفته و ضمن اینکه تمثال‌های اعلیحضرتین را از سالن‌ها و کتابخانه برداشته‌اند در کریدورها و سالن‌ها تابلوهائی که حاوی شعارهای مختلف از جمله اتحاد، مبارزه، پیروزی – مستحکم باد همبستگی دانش‌آموزان و دبیران نصب و روی درب ورودی کتابخانه علامت رادیو تلویزیون که فتوکپی میباشد و در آن بجای سر شیر سر سرباز و در دست آنها اسلحه چاپ و نوشته شده (رادیو تلویزیون نظامی ایران – رادیو و تلویزیون‌های خود را ببندید که صدای استعمار با تشکر – اعلامیه رادیو تلویزیون) نصب نمودند و در داخل کتابخانه کتاب‌های کمونیستی و مذهبی قرار داده و در مقابل عکس‌هائی از روح‌اله خمینی و

میرزا کوچک خان تفنگ بدست که قنداق تفنگ بر زمین می‌باشد و عکس‌هائی از صمد بهرنگی و دکتر علی شریعتی و تفسیری درباره بابک خرمدین و چند عکس رنگی و سیاه سپید دیگر در مورد کشته‌شدگان تهران با شماره ۹۱۶ و چند شماره دیگر که به تعداد کشته‌شدگان نوشته شده بود بر سینه هر یک از مردگان دیده میشد و همچنین اشعار و چگونگی قتل بهرنگی با شرح لازم و اسلام و کمونیست در این کتابخانه تکامل یافته.

نظریه شنبه – خبر صحت دارد.

نظریه یکشنبه – مفاد گزارش خبر صحت دارد مراتب بدون ذکر اسامی افراد به استانداری و شهربانی استان اعلام گردید اعمال و رفتار افراد اشاره شده تحت مراقبت‌های لازم قرار دارد. نیامی

نظریه چهارشنبه – در مأموریت می‌باشد.

نظریه جمعه – نظریه یکشنبه تائید میشود.

بعدازظهر روز (۵۷/۹/۷) بیش از پانصد هزار نفر از فرهنگیان و دانش‌آموزان و روحانیان مهابادی در تالار خانه جوانان این شهر اجتماع کردند. در این جلسه برخی سخنرانی کردند. و برخی هم شعر خواندند. (پرونده ۱۰۶۹۷۰، ج۴، ص ۱۱۸)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۷

ص۵۲۴

[۵۷/۹/۹] گزارش خبر

موضوع: خانم ویدا نصرالهی همسر حسن حقانی دبیر آموزش و پرورش رضائیه

نامبرده یکی از محرکین مؤثر دختران و زنان رضائیه در امر تظاهرات مخالف بوده مشارالیها در منزل محسن حقانی پدرشوهر خود جلساتی ترتیب می‌دهد و در مورد زنان مجاهد برای حاضرین سخنرانی می‌نماید و بدین طریق افکار و عقاید آنان را نسبت به رژیم سلطنتی عوض نموده و از شرکت‌کنندگان می‌خواهد در امر تظاهرات مخالف به صف تظاهرکنندگان بپیوندند.

نظریه شنبه: مراتب فوق صحت دارد.

نظریه یکشنبه: با توجه به صداقت شنبه صحت خبر بعید به نظر نمی‌رسد. ضمناً ویدا نصرالهی [دختر] بلورفروش بازار رضائیه می‌باشد که پدر مشارالیها هم یکی از متعصبین مذهبی می‌باشد

که در تظاهرات منفی نقش فعالی داشته و مراتب قبلاً طی گزارشات متعددی باستحضار رسیده است. عظیم

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تائید است. یکتا

نظریه جمعه: نظریه چهارشنبه مورد تائید میباشد.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۸

ص۶۴

تظاهرات اخلالگرانه در شهر رضائیه – استان آذربایجان غربی

از صبح روز ۵۷/۹/۱۱ (۲۵۳۷ شاهنشاهی)، به تدریج عده‌ای از طبقات مختلف مردم در مسجد اعظم شهر رضائیه اجتماع و یکی از روحانیون قشری بنام «عابدی» اقدام به سخنرانی تحریک‌آمیز برای مجتمعین نموده است. پس از خاتمه سخنرانی نامبرده، اجتماع‌کنندگان از مسجد خارج و بطرف مامورین انتظامی مستقر در محل سنگ پرتاب نموده‌اند که مامورین آنها را متفرق کرده‌اند. متعاقباً تعدادی از عناصر آشوب‌طلب ضمن تشکل در گروه‌های چندین نفری در سطح شهر پراکنده شده و شیشه‌های تعدادی از مؤسسات خصوصی را شکسته‌اند. تظاهرات فوق بطور پراکنده تا ساعت ۱۴۰۰ در برخی از خیابان‌های شهر مذکور ادامه داشته و مامورین انتظامی مرتباً در صدد متفرق کردن آنها بوده‌اند.

ارزیابی خبر: خبر صحت دارد.

اقدامات انجام شده: مراتب به نخست‌وزیری اعلام گردیده است.

پاورقی: تظاهرات شهر ارومیه بعدازظهر امروز (۵۷/۹/۱۱) هم ادامه یافت.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۸

ص۱۶۰

انجام راهپیمائی در جریان برگزاری مراسم تشییع جنازه فرد کشته شده در تظاهرات اخلالگرانه شهر رضائیه – استان آذربایجان غربی

روز ۵۷/۹/۱۱ (۲۵۳۷ شاهنشاهی)، عده‌ای از قشریون مذهبی و عناصر آشوب‌طلب در شهر رضائیه به تظاهرات اخلالگرانه مبادرت نمودند که منجر به کشته شدن یک‌نفر از اخلالگران

گردید و متعاقباً با اقداماتی که از طریق مراجع انتظامی محل بعمل آمد، صبح روز ۵۷/۹/۱۲ جنازه به گورستان باغ رضوان شهر مذکور حمل و در آنجا بخاک سپرده شد (مراتب قبلاً باستحضار رسیده است). اطلاعات رسیده بعدی حاکیست که مراسم تشییع جنازه با شرکت قریب ۵۰۰۰ نفر از طبقات مختلف مردم که تعدادی از روحانیون نیز در بین آنها بوده‌اند، برگزار شده و در محل گورستان و هنگام تدفین یکی از روحانیون قشری بنام «اسداله جوانمرد» سخنرانی تحریک‌آمیزی برای مجتمعین ایراد کرده است. پس از خاتمه سخنرانی نامبرده، اجتماع‌کنندگان با دادن شعارهای مضره و ضدملی بطرف شهر حرکت نموده و ضمن انجام راه پیمائی، در سطح یکی از خیابان‌های شهر مزبور بزمین نشسته و در این موقع واعظ مذکور مجدداً مطالب تحریک‌آمیزی اظهار نموده است. راهپیمایان پس از استماع سخنرانی یاد شده: در ساعت ۱۳۱۵ به تدریج متفرق شده‌اند.

ارزیابی خبر: خبر صحت دارد.

اقدامات انجام شده: مراتب به نخست‌وزیری اعلام گردیده است.

پاورقی: شهید روز اول محرم ارومیه عبدالحسین (یا غلامحسین) رشیدی نام داشت. اسدالله جوانمرد در سخنانی که امروز (۵۷/۹/۱۲) در مقابل مسجد سیدجواد برای اهالی ایراد کرد گفت که «ای مردم شما باید منازل مأمورین انتظامی را شناسایی و آن‌ها را موقع خروج از منزل مورد ضرب و جرح قرار دهید.» این خبر را منبع ساواک گزارش داد. همین منبع نوشت که «صبح روز ۵۷/۹/۱۴ یکی از مأمورین شهربانی رضاییه موقع خروج از منزل مورد حمله چهار نفر ناشناس قرار گرفته و حال وی نیز وخیم است و این امر سبب تضعیف روحیه پرسنل گردیده است.» به مناسبت شهادت رشیدی مجلسی نیز در مسجد اعظم ارومیه برپا شد و آقای عباسی در آن سخنرانی کرد. (پرونده ۱۰۶۹۷۰، ج ۶)

گزارش زمستان ۵۷

ص۴۱

... رضائیه - صبح روز ۱۳۵۷/۹/۱۱ عده‌ای از تظاهرکنندگان به عنوان همدردی با واقعه شب گذشته تهران در خیابانهای رضائیه براه افتاده و با سنگ و چوب و چماق تعداد زیادی از شیشه‌های مغازه‌ها را شکسته و یکدستگاه خودرو پلیس را خرد نمودند. تلفات کشته(تهران ۱۷،

زنجان ۱، مهاباد، بوشهر ۱، و رضائیه ۱ نفر) مجروح (تهران ۵۹، مهاباد ۱۴، بوشهر ۶، خرم آباد ۵ و لاهیجان ۱ نفر)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۸
ص۲۷۹

[۵۷/۹/۱۳]گزارش خبر

موضوع: سیدحمید عدنانی

نامبرده با سیدعلی‌اکبر قره‌باغی تماس گرفت و گفت وضع روحی و جسمی آقا خیلی خوب بود[[۱]] رفتن ما نیز هم از نظر خدا و هم از نظر آقا بسیار خوب شد. انجمن دانشجویان خارج که اعتصاب هم داشتند ما را مورد تفقد قرار دادند و اضافه نمود رضائیه در ایران اولین شهری است که دو نفر نماینده بحضور آقا فرستاده است این واقعا خیلی خوب شد. قره‌باغی گفت رضائیه نفرمائید اسمش را عوض کرده‌اند، ارومیه می‌باشد. سپس عدنانی اظهار داشت بعد از نماز ظهر و شب آقا سخنرانی می‌کند و از سرتاسر دنیا به حضور آقا می‌آیند. آقای عراقی و دکتر یزدی از آمریکا به آنجا رفته و در خدمت آقا هستند. روزی می‌شود که آقا خبرنگار ده کشور را قبول می‌کند اصلاً در نماز و سخنرانی مجال نیست در ایران این مسائل چون سانسور و خفقان وجود دارد مشهود نیست در کشورهای یوگسلاوی ترکیه، اطریش و غیره نام خمینی و رفتن شاه مطرح است و بسیار با عظمت می‌باشد و اضافه نمود عکس‌هائی که با آقا گرفته‌ایم بحضورتان تقدیم خواهم کرد.

نظریه یکشنبه: مکالمه فوق صحت دارد.

نظریه جمعه: نظریه یکشنبه تأیید می‌شود.

پاورقی: ۱ـ منظور امام خمینی است. سید حمید عدنانی و حسن جعفرپناه که برای دیدار با امام خمینی از طرف جامعه روحانیت ارومیه به پاریس رفته بودند، به ایران بازگشتند.

سیر مبارزات امام در آیینه اسناد ساواک ج ۱۹
ص۵۲۷

تاریخ: ۱۳۵۷/۹/۱۴ شماره: ۱۲۶۳۰/۲۱ هـ به: کل سوم ۳۱۲ از: ۲۱ هـ امروز فردی به نام جوانمرد از رضائیه با شریعتمداری تماس و درباره آخرین اعلامیه منتشره ظاهراً به امضاء خمینی در مورد تشویق سربازان به فرار از سربازخانه‌ها نظر شریعتمداری اظهار نمود این حرف خیلی بدی است چون اولاً سرباز فرار نمی‌کند ثانیاً اگر فرار کند امنیت مردم سلب می‌شود و کدام سربازجان مردم را حفظ کند از روسیه بیاید یا از ترکیه وانگهی معلوم نیست این اعلامیه‌ها از طرف خمینی باشد چون در ایران تهیه می‌شود و نام خمینی را هم می‌نویسند شریعتمداری از جوانمرد درخواست می‌نماید که به روحانیون محل این موارد را یادآوری و بگوئید که درست است که با موارد را یادآوری و بگوئید که درست است که با دولت مخالفتی می‌شود ولی قضیه مملکت را باید از مسئله دولت جدا کرد چون این اعمال کمونیست‌هاست و باید بیدار بود و اصلاً نبایست به مردم اجازه داده شود چنین اعلامیه‌هائی را بخوانند ولی اگر بعضی‌ها معقتدند که این اعلامیه مربوط به خمینی است خواسته شود که از پاریس به رضائیه یا قم تلفن نماید و به فرض هم که از طرف خمینی باشد دلیلی ندارد که مورد قبول واقع شود چون دور از وطن مطالبی از کانالهائی به ایشان می‌رسد. جوانمرد در تأیید نظریات شریعتمداری می‌افزاید خمینی را چند دانشجوی دختر و پسر دور کرده‌اند و تصور می‌کند وضع مملکت یک امر ساده‌ای است و از شریعتمداری حق‌شناسی می‌نماید شریعتمداری اظهار میدارد ما توقع حق‌شناسی هم نداریم ولی وضع را خراب می‌کنند و تمام زحمات روحانیتتان را حفظ کنید و دنباله رو نباشید استقلال را حفظ نمائید. چون تعدادی گروه سیاسی می‌خواهند از ما کار بکشند و وقتی به کار نیامدیم رهایمان خواهند کرد. به عبارت دیگر یک نوع حمالی برای دیگران تلقی و فردا وضع مملکت به صورتی خواهد شد که نه دست خمینی است نه دست ما و فقط حمالیش برا ماها می‌ماند و در پایان از جوانمرد درخواست می‌نماید که بدون ذکر نام ایشان به مردم بگوئید به خود آیند و قرار می‌شود جوانمرد به اتفاق قره‌باغی و فوزی نامی جلسه‌ای تشکیل و در اجرای نظریات محمدی[[۱]] تبادل نظر نمایند.استحضاراً معروض. باصری‌نیا گوینده ضیائی گیرنده ۳۱۲ واعظی ساعت ۱۲۳۰

۱–شریعتمداری

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۹
ص۱۹۲

گزارش خبر موضوع: محمد فوزی سرپرست روحانیون رضائیه

مورخه ۵۷/۹/۱۸ یکی از تظاهرکنندگان مخالف شهر رضائیه در هنگام درگیری با مأمورین انتظامی زخمی شده بود که این فرد را عده‌ای از تظاهرکنندگان به اتفاق نامبرده بالا به بیمارستان امدادی رضا پهلوی آوردند و بنا به دستور فوزی، تظاهرکنندگان تمثال‌های شاهنشاه آریامهر را از اطاق‌ها و سالن‌های بیمارستان برداشته و پاره نمودند و تابلوهای سردر بیمارستان پهلوی و بیمارستان امدادی رضا پهلوی نام پهلوی آنرا با رنگ سفید پاک کردند و تظاهرکنندگان ضمن اهانت به کارکنان بیمارستان اقدام به شکستن شیشه‌های بیمارستان نمودند.

نظریه شنبه: مراتب فوق صحت دارد.

نظریه یکشنبه: با توجه به صداقت شنبه به صحت خبر می‌توان اعتماد نمود. ضمناً آقای فوزی هدایت روحانیون افراطی را به عهده دارد ومعمولاً روحانیون رضائیه از نامبرده بالا در زمینه تظاهرات کسب تکلیف می‌نمایند. عظیم

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تائید است. یکتا

نظریه جمعه: نظریه چهارشنبه تائید می‌گردد. اصل سند در پرونده شخصی موجود است.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۹
ص۱۹۳

تیمسار ارتشبد ازهاری نخست‌وزیر، طبق گزارش شهربانی ساعت ۱۲۵۰ روز جاری پس از خاتمه برنامه مسجد اعظم که محل تحریک جوانان است عده‌ای از جوانان طبقات مختلف ضمن سوزاندن لاستیک و بندآوردن راه و تظاهرات با سنگ و میله آهنی و شکستن شیشه شعبه راهنمائی قصد آتش‌زدن داشتند که بوسیله آب‌پاش و گاز اشک‌آور متفرق می‌گردند در پی همین عده افراد دیگری هم به تظاهرکنندگان ملحق و به مامورین حمله‌ور می‌شوند که دو افسر و یک پلیس بوسیله سنگ مضروب و از بین تظاهرکنندگان صدای تیر شنیده می‌شود و مامورین به شلیک تیرهوائی مبادرت در نتیجه یک نفر بچه ۱۳ ساله که از طبقه دوم تماشا می‌نموده در اثر اصابت گلوله فوت و ۳ نفر زخم بر می‌دارند که به بیمارستان بستری و حالشان وخیم نیست

مراقبت کامل در تمام منطقه طبق دستور ادامه دارد.* ۳۵۸۹ / م- ۱۳۵۷/۹/۱۸ سپهبد کریم ورهرام – استاندار

پاورقی: ۱- روزنامه کیهان بعدها نوشت که «در تظاهرات روز ۸ محرم (۱۳۵۷/۹/۱۸) در خیابان عسکرآبادی رضاییه نوجوان ۱۵ ساله‌ای به نام احمدی به علت تیراندازی ماموران کشته شد.» (ش ۱۰۶۰۵، ص ۷) از جمله مجالسی که امروز (۱۸/۹/۵۷)در ارومیه برپا شد یکی هم در مسجد مهدیه بود که سخنران آن آقای عباسی درباره تظاهرات روزهای تاسوعا و عاشورا به مردم گفت: «در موقع تظاهرات مغازه‌های مردم و شیشه نشکیند، چون قرآن نگفته. تمام کارها بایستی از روی قرآن باشد ... سربازان در روزهای تاسوعا و عاشورا تفنگ‌های خود را به زمین گذاشته و با مردم به عزاداری مشغول خواهند شد. ماها باید به ارتش احترام بگذاریم ... رادیو تلویزیون گفته این‌ها کمونیست هستند که تظاهرات می‌کنند، آیا در ایران ۴۵ میلیون نفر جماعت است همه‌شان کمونیست هستند؟» (پرونده ۱۰۶۹۷۰، ج۶)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۱۹
ص۴۷۵

تظاهرات ۱- ساعت ۱۰۰۰ روز جاری[۵۷/۹/۲۰] حدود ۷۰۰۰ نفر از طبقات مختلف رضائیه با شرکت روحانیون از مسجد اعظم راه‌پیمائی را آغاز به این افراد که تدریجا تعداد آنان پس از گذشتن از چند خیابان بحدود ۲۰,۰۰۰ نفر افزایش یافت با در دست داشتن پلاکاردها و عکسهائی از کشته‌شدگان معدومین و خمینی بعضی از آنان بدادن شعارهای ضد ملی مبادرت و پس از توقف در خیابان شاه‌بختی و سخن‌رانی تحریک‌آمیز چندتن از وعاظ و همچنین صدور قطعنامه‌ای بمحل اولیه مراجعت و حوالی ساعت ۱۳۳۰ نیز متفرق گردیدند. از طرف تظاهرکنندگان نام این شهرستان ارومیه تعیین و نام چند خیابان شهر باسامی دیگری تغییر منجمله در خیابان پهلوی و فرح تابلوهائی بنام خیابان خمینی و زینب‌کبری نصب نمودند. ضمنا از ساعت ۱۶۰۰ عده‌ای از این افراد مجددا در مسجد اعظم تجمع و پس از سخنرانی تحریک‌آمیز یکی از وعاظ در ساعت ۱۷۴۵ بدون اتفاقی متفرق گردید.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰

ص۶۴

گزارش خبر موضوع: سخنرانی آقای صاحب‌الزمانی در مسجد اعظم از ساعت ۱۱۳۰ الی ۱۲۰۰ [۵۷/۹/۲۱] نامبرده درباره حاکم مستبد صحبت نموده که خلاصه آن بشرح زیر است: حاکم مستبد برای رسیدن بهدف پلید خود مردم را کورکورانه بسوی نیات خویش دعوت و خودخواهی را بحدی میرساند که همه مرم را برده حلقه‌بگوش خود ساخته و خود را مقدس‌ترین آنها حساب میکند در صورتیکه پست‌ترین مردم بوده و اگر هم پیشرفت کند ادعای خدائی خواهد کرد که نمونه‌اش را در حال حاضر بچشم خویش می‌بینم بطوریکه میدانید فرعون همه را بسوی خود دعوت نموده و می‌گفت زندگی همه شما از من است و اگر شخصی مثل حالا می‌خواست حرف حق بزند وی را بشدیدترین شکنجه‌ها محکوم مینمود حکومت به سر نیزه متوسل می‌شود با شکنجه‌ها و تبعیدی‌های طولانی و حتی اعدام با مخالفین و مجاهدینرفتار مینمایند مخالفان خود را در تهمت و ناسزا قرار داده و آنها را که از حق ملت دفاع مینماید تهدید به مرگ میکند بطوریکه فرعون به مردم میگفت ای مردم شرافتمند بطوریکه میدانید تمام زندگی و اموال شما از من است چرا بدون اجازه من به حرف‌های موسی گوش فرا می‌دهید مگر نمیدانید که موسی می‌خواهد ناموس و دین و زندگی شما را از دستتان بگیرد و فساد و ناامنی روی زمین را فرا گیرد (جدائی بیانداز و حکومت کن) حاکم مستبد چون ببیند که مردم برای مبارزه با ظلم و استبداد بپا خواست با انداختن فاصله و جدائی بین طبقات مردم جائی برای خود باز می‌کند اما امروز مردم از خواب غفلت بیدار شده و گول حرف‌های پوچ را نمی‌خورند می‌خواستند بین سنی و شیعه اختلاف بیاندازند که بخواست خدا و رهبران مذهبی به مقاصد شوم خود موفق نشدند اگر همه مردم اتفاق و همبستگی داشته باشند که دارند ما به آرزوی خود که حکومت اسلامی برهبری امام خمینی میباشند خواهیم رسید حاکم مستبد تمام منابع و ثروت مملکت را که مال ملت آن سرزمین می‌باشد از خود دانسته و هرگونه حیف میل آنرا بخود جایز می‌داند و آن را بجای عمران و آبادی مملکت در عیاشی‌ها و قمارخانه‌ها به مصرف میرساند در صورتیکه دیناری از این ثروت باو بتسگی ندارد و این فرعون میگوید این ثروت را من بدست آوردم حاکم مستبد بهیچ دین و مرامی اعتقاد نداشته و هر کس بخواهد وی را نصیحت و براه راست

هدایت کند برگبار مسلسل بسته خواهد شد بطوریکه میدانید علمای زیادی در راه مبارزه از حق ملت جان خود را از دست داده‌اند ولی خوشبختانه امروز تمام طبقات مردم اعم از پیر و جوان و مرد و زن در این نهضت شرکت نموده و دارند به مرام خداوندی خود که حکومت اسلامی است می‌رسند.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰
ص۶۶

گزارش خبر موضوع: سخنرانی آقای موسوی در مسجد اعظم ۲۰۰ الی ۱۲۱۰ [۵۷/۹/۲۱] خطابه نامبرده بمردم: ای مردم شریف و غیور ارومیه. خواهشمندم تمام افرادی که به مقام روحانیت توهین می‌کنند اسامی آن‌ها را یادداشت کنید و ای مامورنی که صدا[ی] ما در این مسجد و جاهای دیگر ضبط میکنید بدانید که ما آن اشخاص را در صف خویش جای نخواهیم داد و اگر یکی از آنها بجهنم واصل شود در قبرستان مسلمانان جای نداده و در تشیع جنازه آنها شرکت نخواهیم کرد و این موضوع در تمام مسجد و حتی در آبادی‌ها نیز گفته خواهد شد طبق اطلاع حاصله دو دسته زنجیرزن از صف متشکل و متحد ما جدا شده و بعزاداری پرداختند و رادیو و تلویزیون از آنها فیلم تهیه نموده است ای مامورین انتظامی در روز تاسوعا و عاشورا که شما مزدوران دخالت ننموده‌اید هیچ شیشه شکسته نشده و هیچ‌گونه دزدی انجام نگرفته. ای مردم ارومیه بدانید که شیشه شکن‌ها و دزدها از طرف مامورین می‌باشد: ۱۶۰۰ الی ۱۷۱۵ مشارالیه سخنرانی نموده که خلاصه آن بشرح زیر می‌باشد: همانطور که می‌دانید رادیو تلویزیون کثیف عده‌ای را در شهرها تظاهرات می‌کنند و بخاطر حکومت اسلامی شعار داده و خواست‌های خود را مطرح میکنند آنها را اخلالگر و خرابکار می‌گویند اما این فکر را نمی‌کند که خود آنهائی که اینها را می‌گویند خودشان خرابکار و اخلالگر می‌باشند آیا حضرت امام حسین مسلمان بود چرا بخاطر آب از دشمن استمداد نمود. جواب. آن موقع مزدوران اسم امام حسین را خارجی گذاشته بودند و چون امام حسین می‌دانست که این طفل شیرخواره بقتل خواهد رسید خواست بدون آب شهید نشود و بهمین خاطر بود که آب خواست و اگر برای خود می‌خواست خود یزید هم آب می‌داد آن امام نمی‌خورد و در سوره‌ای از قرآن ذکر شده اگر حیوانی را می‌خواهند سرش را از بدنش جدا نموده اول سیراب کرده و بعد سر او را ببرند. سپس از خمینی صحبت

نمود و گفت به خمینی هم اسم خارجی دادند و ایشان را از ایران تبعید کردند و همین نهضت بزرگ ما از آنموقع تا حال ادامه داشت بوسیله دولت وقت نمی‌توانستیم آشکار ابلاغ کنیم و هر روحانی که لااله‌الاالله میگفت شبانه دستگیر می‌شد و به زندانها فرستادند و زیر شکنجه قرار می‌دادند و بدستور آقای قریشی صبح برایتان عرض کردم بروحانیت و عملای عظام مخصوصاً برهبران این نهضت که صدر آن امام خمینی و آیت‌اله شریعتمداری قرار دارد هر کس به آنها اهانت بکند اسامی‌شان را یادداشت نموده و بروحانیون ارومیه بدهید تا بموقع راجع به این جور اشخاص تصمیم و در موقع که هر کدام از اینها به جهنم واصل شدند در قبرستان مسلمین جا نداده و در تشیع جنازه آنها هیچ مسلمانی شرکت نکند نامه دیگری بدستم رسید که نوشته شده بود که چرا بما اسحله نمی‌دهند همانطوریکه می‌دانند در برابر توپ تفنگ. تانک. هواپیما چطور می‌توانیم اسلحه‌ای که ما تهیه می‌کنیم جوابگوی آنها باشد ما نمی‌توانیم با این اسلحه‌ها از خود دفاع نمائیم اسلحه‌ای که ما در اختیار داریم هزاران باری کاری‌تر از اسلحه آنها می‌باشد چون شعارها و نهضت ما و اتحاد ما لرزه بر اندام دشمن انداخته و در آنطرف دنیا صحبت از همبستگی و اتحاد ما می‌باشد اما این پیشرفت‌ها با ممنوع‌کردن روزنامه‌ها بخیال خودشان به خارج از کشور رسوخ نکند اما روزنامه‌نگاران غیور هم با اعتصاب کردن نشان دادند اگر چنانچه خودشان نخواهند روزنامه چاپ نخواهند کرد نفرین بر این دستگاه جلاد نفرین بکسانیکه اسمشان را مسلمان گذاشتند و قلب مسلمانان واقعی را با تیر پاره می‌کنند دیگر اینکه بدستور آقای حاجی فوزی دو روزنامه آتش و مهر ایران را مطالعه نکنید و در روز تاسوعا وعاشورا که تظاهرکنندگان بخواسته‌های مذهبی خود شعار می‌دادند و تظاهرات پرشکوهی در خیابان خیام مقابل سازمان ناامنیت سابق که در حال حاضر باشگاه کثیف رادیو تلویزیون میباشد بنگاهی بنام افتخاری وجود دارد که صاحب بنگاه یک عده مزدور کثیف را دور خود جمع کرده و بسازمان امنیت و استانداری و شهربانی گزراش تظاهرات را لحظه به لحظه بوسیله تلفن اطلاع میداد و ما هم بعد از تحقیق ایشان را بهمت مردم مسلمان بسزای عمل کثیفش خواهیم رساند تا به همه مسلمانان و دیگر ادیان ثابت شود که رهبر واقعی فقط خمینی است. در آخر مجلس سخنرانی شخصی که هویتش معلوم نگردید. کتک مفصلی زدند. نظریه شنبه - بیان مطالب فوق صحت دارد. نظریه

یکشنبه – نظریه شنبه تأیید میشود. نامبرده یکی از روحانیون افراطی رضائیه می‌باشد. نظریه چهارشنبه و جمعه – نظریه یکشنبه تأیید میشود.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰
ص۱۸۷

[۵۷/۹/۲۲] گزارش خبر موضوع: سخنرانی آقای قریشی.

نامبرده بالا در مسجد اعظم رضائیه صحبت و موارد زیر را عنوان نموده است. نفوذ کشور انگلیس در ایران در زمان دولت قاجاریه که دولت انگلیس توتون و تنباکو را در اختیار خود گرفته بود و هر کس که می‌خواست توتون بکارد باید از دولت انگلیس اجازه می‌گرفت و تخم را از او گرفته و می‌کاشت و بهره‌اش را نیز او می‌برد. چون توتون را سیگار نموده و بقیمت گزاف بملت می‌فروخت تا اینکه سیدجمال‌الدین اسدآبادی به میرزای شیرازی که در سامرا بود نامه نوشت و حال و جریان را بازگو کرده و میرزای شیرازی گفت که ملت سیگار و تنباکو استفاده نکند و ملت استفاده نکرد تا گفته میرزای شیرازی از بین نرود ایشان گفته هر کس سیگار یا تنباکو بکشد مثل آنست که به امام زمان شمشیر کشیده است تا اینکه دولت انگلیس شکست خورد حتی می‌گویند که درباریان نیز قلیانهای خود را شکسته و از بین بردند و هدف انگلیس آن بود که ایران را مثل هندوکش کند که این [و در] سیاست اقتصاد و ناموس ایران دخالت کند و ملت ایران نگذاشتند کارتر ملت ایران را بدبخت کرده و مملکت را از بین برده کارتر وقتی این نهضت را دید به سازمان سیاه [سیا] خود می‌گوید که چرا مرا در جریان نگذاشتند که ایران اینقدر نسبت بدین خود ارزش قائل هست که تمام نقشه‌های ما نقش بر آب شود و اگر می‌-دانستیم اینطور قبلاً روحانیت را با پول و مقام و شخصیت و آپارتمان گول می‌زدیم ولی نتوانستند خلاصه طوری نمودند که می‌گفتند روحانیت حرف عوام می‌زند و نمی‌خواهد ملت ترقی نماید ملت را ضعیف و زبون کرده تا اینکه در خیابانها به ملا ارزش قائل نبودند و مسجد نمی‌آمدند حتی یک برنامه در آورده بودند که رانندگان گفته بودند سه چیز را سوار اتومبیل خود نکنید که اتومبیل‌تان خراب خواهد شد ۱– مرده ۲– جارو ۳– ملا که هیچ راننده‌ای اصلاً به ملاها نگاه نمی‌کردند آنها اینطور می‌خواستند مراجع تقلید را از بین ببرند و دیگر برنامه سنی و شیعه در آورده بودند می‌گفتند آنها سنی هستند اگر یک برنامه‌ای شود فردا حمله می‌کند و به خانه‌های

شما و مال و ناموس شما را می‌برند نه اینطور نیست بیائید بشهرهای مهاباد و سنندج و سردشت و بوکان ببینید برادران مجاهد شما چه کار می‌کنند آنها نیز مثل ما حکومت اسلامی میخواهند حتی آیت‌اله مفتی‌زاده خودش اعلامیه می‌دهد امام جمعه مهاباد هم همینطور و می‌گویند ما با شما هستیم و می‌خواهیم حکومت اسلامی حکمفرما باشد بله این برنامه است که می‌خواهند دین را از بین ببرند و گفته که من پائیز سال گذشته که بعتبات عالیه رفته بودم خدمت آیت‌اله خمینی با ایشان صحبت کردم و ایشان گفتند که میخواهند ملت مسلمان را به یک نحوی بدبخت کنند و از بین ببرند یادتان هست که در رادیوی ایران یک نفر بنام تقی روحانی قبل از عاشورا گفت ای ملت ایران ای وطن‌پرستان بدانید این عناصر کمونیستی می‌خواهند فردا در عاشورا خون بین شما بریزند و پرچمهای داس و چکش به شما نشان بدهند و یا تابوت خالی حمل نمایند به حرف آنها گوش ندهید مواظب باشید پس چی شد بحمد خداوند کشت و کشتار بوجود نیامد جامعه روحانیت و تمام مردم طوری شده بودند که هیچ فکر نمی‌کردند پدران و مادران وقتی می‌دیدند که فرزندانشان چند فرمول شیمی میخوانند میگفتند که از دین خارج شده و کافر است و در مملکت [ناخوانا] می‌گفتند که در بالای منبر از اسلام – قرآن – حج و جهاد – زکات بگو کارت سیاست نباشد بتوچه که در مملکت چه می‌کنند چی وارد مملکت می‌شود چی خارج چه قانونی لغو می‌شود و چه قانونی وضع می‌شود یک نفر نویسنده بنام مسعود انصاری میگوید روحانیت ایران باید از کشیشهای خارج یاد بگیرند که چطور در امور مملکت دخالت میکنند همه چیز بدون آنها قابل اجراء نیست ولی متاسفانه در کشور ما اینطور نبود و هدف این نهضت حکومت اسلام است نه اینکه کمونیستی آقای دکتر سنجابی خودش از طرفدارن دین اسلام است و در چندین جلسه دینی ایشان را دیده‌اند و چند نفریست که هدف و فکر آنها دیگر است که از احزاب میباشند سپس درباره عاشورای حسینی صحبت نموده و از شهدائی که با امام حسین شهید شده بود یاد نمود.

نظریه شنبه – بیان مطالب فوق صحت دارد.

نظریه یکشنبه – نظریه شنبه تائید میشود. نامبرده سیدعلی‌اکبر قریشی یکی از روحانیون افراطی رضائیه میباشد.

نظریه چهارشنبه و جمعه – نظریه یکشنبه تائید می‌شود.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰
ص۲۸۴

موضوع: اقدامات مخالفین در بعدازظهر مورخ ۵۷/۹/۲۳

عده‌ای از مخالفین دولت در جلوی مسجد اعظم رضائیه اجتماع و با انداختن نرده‌های پیاده‌رو و درختان اطراف در عرض خیابان راههای ورود بمسجد مذکور را مسدود و سپس بدادن شعارهای ضدملی و میهنی و شکستن شیشه و تخریب مغازه‌های اطراف مبادرت نمودند از طریق نیروی انتظامی به تظاهرکنندگان اخطار گردید متفرق شوند ولی تظاهرکنندگان توجهی ننمودند در نتیجه مأمورین به پرتاب گاز اشک‌آور و شلیک گلوله هوائی اقدام و بطوریکه عنوان گردیده از طرف مخالفین متقابلاً با شلیک گلوله و پرتاب سنگ و آجر بسوی مأمورین مبادرت می‌گردد و در نتیجه شش نفر باسامی محمد بهرامی، عبداله پرنیا معروف به خسرو، غلامحسین نیک‌فرجام و قربانعلی حسین‌زاده، و غلامحسین حاجی‌زاده و مختار مظاهری[1] کشته و عده‌ای مجروح میگردند.* نظریه شنبه: مراتب فوق صحت دارد. نظریه یکشنبه: مراتب فوق صحت دارد مراتب قبلا طی شماره پیروی اعلام گردیده است. عظیم نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تائید است. یکتا نظریه جمعه: نظریه چهارشنبه تائید میگردد.

پاورقی: * مطبوعات بعدها درباه فاجعه امروز (۵۷/۹/۲۳) ارومیه نوشتند: «در پی درگیری پلیس با تظاهرکنندگان در رضاییه که روز پنج‌شنبه ۲۳ آذر ماه گذشته انجام گرفت و به کشته شدن هفت نفر و مجروح شدن بیش از چهل نفر انجامید، سرتیپ شاکری رئیس شهربانی آذربایجان غربی از سمت خود برکنار شد. در پی برکناری سرتیپ شاکری، سرتیپ اسماعیل محمودیان به این سمت تعیین گردید.» (اطلاعات، «ضمیمه» ش ۱۶۶۲۲، ص ۳)

---

۱ – برخی از این اسامی با اسامی اعلامی روزنامه‌های وقت و بنیاد شهید مطابقت ندارد. عبداله پرنیا معروف به خسرو احتمالاً همان عبداله کیمیایی رضایی معروف به خسرو باشد. محمد بهرامی نیز احتمالاً از مجروحین باشد. نام نیک فرجام نیز مهدی می‌باشد.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰
ص۲۸۶

[۵۷/۹/۲۳] تلگرافات وارده با عطف توجه به گزارشات که قبلاً باستحضار رسیده نامبردگان زیر کلا از عوامل و محرکین اصلی در شهرستان رضائیه بوده و بطور مستقیم یا غیرمستقیم در ایجاد ناامنی موثرند بنابراین چنانچه نسبت به دستگیری آنان اقدام شود تا حدود زیادی از توسعه تشنجات و ناامنی جلوگیری خواهد شد لیکن با توجه به همبستگی‌های آنان و اینکه در جریان تحصن اخیر فرهنگیان شهرستان رضائیه عده زیادی از طبقات مختلف با آنان اعلام همبستگی نموده‌اند تردیدی نیست که اجرای طرح دستگیری پی‌آمدهای شدیدی بدنبال خواهد داشت کما اینکه دستگیری دو نفر در شهرستان سردشت منجر به کشته شدن ۸ نفر گردید مقرر فرمائید مراتب را در مرکز بررسی و نتیجه را اعلام نمایند. ضمنا چنانچه در هر حال دستگیری ردیف ۲ بمصلحت تشخیص داده نمیشود در صورت امکان ترتیبی داده شود از طرف حوزه علمیه قم نامبرده بمدت محدودی به قم احضار شود. ۱- امیر ماشااله بوزچلو وکیل دادگستری عضو جبهه باصطلاح ملی ۲- غلامرضا حسنی بزرگ‌آبادی واعظ افراطی ۳- پرویز سیروس رضائی دبیر افراطی مذهبی ۴- دکتر اسداله حیدری معماری استاد دانشگاه ۵- حاج محمد پیرپور بازاری افراطی مذهبی ۶- عباس نصراللهی بازاری ۷- علی نصرالهی بازاری ۸- محمدعلی احمدی دبیر ۹- خسرو سعیدی استاد دانشگاه ۱۰ - علیرضا خلیل اصل ملکی محصل ۱۱- مهدی اروی محصل

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰
ص۲۸۷

درباره: عباسعلی نصرالهی فرزند شیخ حاجی متولد ۱۳۰۸ دارای شماره شناسنامه ۶۲ صادره از رضائیه نتیجه تحقیقات معموله حاکیست از طریق یکی از روحانیون رضائیه بنام سیدعلی‌اکبر قریشی در منبر مسجد اعظم عنوان شده چنانچه بازاریان بعلت تعطیل بودن بازار احتیاج به پول دارند بنامبرده بالا مراجعه و بطور قرض‌الحسنه وجه مورد نیاز را دریافت دارند که این اجازه از طریق کانون خیریه انصار که سرپرست آن یکی از روحانیون بنام محمد فوزی میباشد بنامبرده فوق تفویض شده تا از آن برای رفع مشکل اصناف استفاده نماید ضمناً وجهی از طریق بازاریان

متعصب مذهبی جهت تهیه خوراک و میوه برای متحصنین در دادگستری جمع‌آوری گردیده است که نصرالهی در این زمینه نقش فعالی داشته ولی مبلغ آن بوضوح مشخص نیست. سرپرست سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان‌غربی - مبینی [۵۷/۹/۲۳]

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰
ص۳۵۰

[تلفنگرام] صبح روز جاری[۵۷/۹/۲۴] متعصبین مذهبی و روحانیون و عده کثیری از اهالی جهت تشییع جنازه که تعداد آنان تاکنون ۵ نفر میباشند از مسجد سیدجواد به قبرستان حرکت ضمنا در جریان برخورد روز گذشته ۱۳ نفر از مأمورین شهربانی و ژاندارمری مجروح شده‌اند که حال آنان رضایت‌بخش میباشد.* مبینی گوینده: عربیان گیرنده: [ناخوانا] ساعت: ۱۷۰۰ پاورقی: * در ادامه این تشییع جنازه، مردم به گورستان باغ رضوان می‌رسند. در مراسم تشییع جنازه شهدا ماشاالله بوزچلو برای گروهی از مردم سخن می‌راند و می‌گوید: «باید به هر نحوی که شده شاه را از سلطنت برکنار کنیم و برای مبارزه مسلحانه نیز آماده هستیم.» (پرونده ۱۰۶۹۷۰، ج ۶)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰
ص۳۵۱

گزارش خبر موضوع: مضروب کردن یک نفر در جریان تشییع جنازه و تدفین کشته‌شدگان حادثه روز ۵۷/۹/۲۳ رضائیه عده‌ای در گورستان باغ رضوان یک نفر را بعنوان اینکه مأمور ساواک میباشد شدیدا کتک زده و چند نفر نیز با چاقو ویرا مجروح و تصمیم داشتند این فرد را بقتل برسانند که با واسطه چند نفر از این اقدام جلوگیری شد. نظریه شنبه - خبر صحت دارد نامبرده استوار بازنشسته می‌باشد و در خیابان شاه‌بختی رضائیه بنگاه معاملات املاک دارد. نظریه یکشنبه. نظریه شنبه تائید میشود فرد مزبور استوار بازنشسته خلیل اسماعیلی‌لو می‌باشد و در حال حاضر در بیمارستان بستری است. ضمناً عناصر اخلالگر اخیرا در اجتماعات خود به هر فردی مشکوک می‌شوند و یا افرادی شاهدوست را مشاهده می‌نمایند مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند. نظریه چهارشنبه و جمعه - نظریه یکشنبه تائید میشود.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰
ص۴۲۵

تلفنگرام روز گذشته [[۱]] مختار مظاهری فرزند حبیب ۵۵ ساله که در جریان برخورد روز ۵۷/۹/۲۳ در جلو مسجد اعظم شهرستان رضائیه مجروح گردیده بود فوت نموده و قرار است در ساعت ۰۹۰۰ روز جاری وسیله عده‌ای از متعصبین مذهبی و مخالفین تشییع جنازه شود ضمنا ساعت ۱۷۳۰ روز ۵۷/۹/۲۴ شخصی بنام بهمن عباسی خوئی که در جلو بیمارستان شیر و خورشید مبادرت بدادن شعار ضد ملی کرده بود وسیله فردی که تاکنون شناخته نشده وسیله اسلحه کمری مضروب و در بیمارستان بستری است و ضارب متواری گردیده است. مبینی گوینده – عربیان گیرنده – غلامعلی‌پور پاورقی: ۱- منظور امروز (۵۷/۹/۲۵) است.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۰
ص۴۲۶

گزارش خبر موضوع: سیدعلی‌اکبر قریشی. محمد فوزی با نامبرده بالا تماس گرفت و گفت آن شخص که در مقابل شیر وخورشید تیرخورده پسر آقای خوئی می‌باشد و اضافه نمود یک نفر را بنام استوار رحمانی یادداشت کرده و جلوی مسجد گذاشته‌اند آقای رحمانی به منزل من آمده و اظهار میدارد که رحمانی استوار دژبان است و آن کسی که مرتکب آن کار شده استوار رحمانی ما نیست قریشی پاسخ داد به فامیل آن استوار بگوئید به مسجد برود و با زلفعلی صحبت کند اگر جلوی مسجد نوشته و نصب کرده باشند بردارند فوزی گفت من پیش آنها نتوانستم بگویم پسر حاج رحمان گفت نام آن شخص قنبر رحمانی می‌باشد که در دژبان خدمت می‌کند تقریباً ۳۵ ساله است و شاغل بوده و بازنشسته نشده است ولی یادداشتی که نوشته شده استوار بازنشسته رحمانی نام دارد احتمال دارد نامبرده را بزنند.

نظریه یکشنبه – ۱- مکالمه فوق صحت دارد. ۲- مورخه ۵۷/۹/۲۴ فرد ناشناسی یک گلوله به بهمن عباسی خوئی فرزند علی‌اصغر شلیک و متواری گردید متعاقب آن افرادی که در آنجا حضور داشتند شماره اتومبیل ضارب را ۵۸۳۲۴ – تهران (پیکان قرمزرنگ) یادداشت و بین خود توزیع نموده‌اند تا در صورت مشاهده تلافی این اقدام وی را بنمایند و با توجه به مکالمه فوق

ضارب از طرف روحانیون افراطی و عناصر مذهبی قنبر رحمانی شناسائی شده است. ۳- بهمن عباسی خوئی در حال حاضر در بیمارستان بستری می‌باشد ضمناً پدر وی علی‌اصغر عباس خوئی استوار بازنشسته و از متعصبین مذهبی است که با پسرانش در جریانات اخیر تظاهرات مخالف و تحریک مردم به تطعیل دکاکین فعالیت داشته‌اند.
نظریه چهارشنبه و جمعه - نظریه یکشنبه تأیید می‌شود. [۱۳۵۷/۹/۲۵]

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۱
ص۱۱۰
[تلفنگرام ۵۷/۹/۲۷] بمناسبت اعلام عزای عمومی صبح روز جاری عده زیادی از طبقات مختلف اهالی رضائیه در مسجد اعظم اجتماع و سپس عده‌ای از مهاباد و بوکان به رضائیه آمده بودند.* به اجتماع کنندگان در مسجد پیوسته و ملا کریم شهری کندی نماینده شیخ عزالدین حسینی و سنی‌های مهاباد در مسجد سخنرانی و ضمن بیان مطالبی علیه رژیم همبستگی کردهای مهاباد را اعلام و پس از وی نماینده اهالی بوکان (فعلا شناخته نشده) نیز در همین زمینه صحبت و در پایان محمدعلی احمدی از طرف جامعه معلمان و سیدعلی‌اکبر قریشی روحانی افراطی رضائیه از این همبستگی تجلیل و قرار شد روز پنجشنبه مورخ ۵۷/۹/۳۰ متقابلا عده‌ای بعنوان نمایندگان اهالی رضائیه بمنظور تشکل [تشکر] به مهاباد عزیمت نمایند. ضمنا فردی بنام حاج عباس خوئی نیز بعنوان نماینده شیعیان مهاباد با افراد فوق بود و اجتماع کنندگان در ساعت ۱۲۴۵ بدون اتفاق سوئی متفرق گردیده‌اند. مبینی گوینده= آقای قندالی گیرنده = کندری ساعت ۱۴۳۰ روز ۲۷ - ۹ - ۵۷

پاورقی: * از مهاباد و بوکان حدود ۲۰۰ نفر از فرهنگیان و کارمندان ادارات به ارومیه آمده بودند. (پرونده ۱۰۶۹۷۰، ج ۶)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۱
ص۱۱۱
گزارش خبر موضوع: عده‌ای از کارکنان رادیو تلویزیون مرکز رضائیه مورخ ۵۷/۹/۲۷ عده‌ای از کارکنان رادیو تلویزیون مرکز رضائیه به اسامی شاپور اجتهاد و همسرش فلورا حشمت، خانم

لنکرانی همسر محمود نساجی، عمر حیدری، جلیل آقداشی، محسن فرزاد، علی روشن، فیروز مهدی‌نژاد، حسن صمدزاده، رجب فنونی، حسن شیرپور، قهرمانی، عسکر حاتمی، سعید کلاهی، جهانگیر انتصاری، میرکریم علوی‌آزرم، اکبری، رجب‌پور، فیروز جبارزاده، خوئی معاون سازمان، ژوزف دانیل، علی نعیمی، جوادپور، جمشید یزدانبخش، فرهنگی افشار، بهمن عباسی، سمندی، ابراهیم معلم، اسلامی، رحمت عربلو به رهبری شکور آرین‌خواه، محمود نساجی، حمید ماهری در محل باشگاه رادیو تلویزیون مرکز رضائیه حاضر و سپس به اتفاق به مسجد اعظم رضائیه رفته و نوشته‌ای که قبلاً توسط سه نفر اخیرالذکر تهیه شده بود به مضمون «ما کارکنان رادیو تلویزیون مرکز ارومیه (رضائیه) همبستگی خود را به جامعه روحانیون و انقلاب خلق اعلام می‌داریم و اختناق و ظلم و بیداد حکومت ستمگر و آدم‌کش‌های آن را محکوم می‌کنیم توسط حمید ماهری قبل از سخنرانی ملاحسنی از افراطیون و مخالفین منطقه رضائیه با صدای رسا و شمرده پشت بلندگوی مسجد در حضور چند هزار نفر از اهالی رضائیه اعلام گردید و مشارالیه پس ازاعلام همبستگی از جانب شکور آرین‌خواه مورد تقدیر قرار گرفت و نیز در حین سخنرانی ملاحسنی، شعارهای ضد ملی و مملکتی از ناحیه کارکنان رادیو تلویزیون حاضر در مسجد داده می‌شد.

نظریه شنبه: خبر صحت دارد.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۱

ص۲۱۶

[گزارش] ساعت ۱۵۳۰ روز ۵۷/۹/۲۸ جلسه‌ای با حضور حدود ۳۰۰۰ نفر از آموزگاران و دبیران رضائیه و شرکت نمایندگان بازار، روحانیون و دانشگاهیان در دبیرستان مهر برگزار گردید. در این جلسه سیدعلی‌اکبر قره‌باغی واعظ افراطی، دکتر احمدزاده نماینده دانشگاهیان، ماشاءاله بزچلو وکیل دادگستری و نمانیده بازاریان مطالبی علیه رژیم عنوان، همچنین یکی از دبیران رضائیه بنام صدیق طبقات مختلف را بادامه اعتصاب دعوت نمودند در این جلسه چند نفر از دبیران در مورد کشته شدن افراد سردشت و رضائیه مواردی عنوان و یکی از دبیران بنام محمدعلی احمدی نیز اظهار داشت بانکی بنام بانک اسلامی تشکیل و قبوضی صادر خواهد شد

این بانک به کسانی که احتیاجات مادی دارند مساعدت مینماید آخرین سخنرانی جلسه پرویز سیروس رضائی دبیر دبیرستان که یکی از عوامل اصلی تحریک در سطح مدارس میباشد اظهار داشت از جامعه معلمان خواستاریم همچنان باعتصاب خود ادامه دهند. در خاتمه تصمیم گرفته میشود کلیه موسسات آموزشی تا روز سه‌شنبه آینده تعطیل و در مورد افتتاح مجدد در پایان تعطیلات تصمیم گرفته شود. با عطف توجه باینکه همبستگی بین طبقات مختلف و هماهنگی آنان در اجرای این تصمیمات در سطح استان در حال تکوین است و فعالیت آنان در تضعیف روحیه دیگر طبقات کاملا مشهود است مراتب جهت بررسی لازم اعلام، مبینی

ضمنا مدارس رضائیه در روز ۵۷/۹/۲۹ کاملا تعطیل و سایر شهرستانها مشابه روز ۵۷/۹/۲۸ میباشد.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۱
ص۳۳۱

[تلفنگرام] در ساعت ۱۵۰۰ روز جاری[۵۷/۹/۳۰] حدود ۲۵۰۰ نفر از اهالی رضائیه بمناسبت هفتمین روز کشته‌شدگان واقعه ۵۷/۹/۲۳ در مقابل مسجد اعظم این شهرستان تجمع و سپس در حالیکه چند تن از روحانیون آنانرا همراهی می‌نمودند به گورستان باغ رضوان رفته و پس از فاتحه‌خوانی مراجعت و در ساعت ۱۸۱۰ در خیابان سیروس پس از سخنرانی کوتاه یکی از روحانیون بنام سیدحمزه عجیب‌شیری متفرق گردیدند، ضمنا این افراد در مسیر رفت و برگشت شعارهای ضدملی می‌دادند و برخوردی نیز بین آنان و مأمورین انتظامی رخ نداده است.

مبینی پاورقی: در مسجد اعظم ارومیه نمایشگاه عکس با عنوان نهضت مردم مسلمان نیز برپا شد که از امروز (۵۷/۹/۳۰) آغاز گردید «که روزهای فرد را جهت بازدید بانوان و روزهای زوج را برای بازدید آقایان منظور نموده‌اند.» (پرونده ۱۰۶۹۷۰، ج ۶) قرار بود این نمایشگاه تا هشتم دی ماه برپا باشد. در مراقبتهای ساواک از اوضاع ارومیه معلوم شد که امروز یک نفر امریکائی که هویت او روشن نشده پس از حضور در شهر و دیدار با برخی از مخالفان و جمع‌آوری اطلاعات امروز (۵۷/۹/۳۰) شهر را ترک کرده است. (پرونده ۱۰۶۹۷۰، ج ۷)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۲
ص۸۰

[۱۳۵۷/۱۰/۲] گزارش روزجاری وضعیت آموزشی به شرح زیر به استحضار می‌رسد.
... به گزارش خبرگزاری پارس مدارس ارومیه «امروز نیز همچنان تعطیل است. تصمیم به تعطیل مدارس رضائیه بدون اطلاع قبلی دانش‌آموزان و از طرف جامعه معلمان رضائیه اتخاذ شد و دانش‌آموزانی که برای تحصیل به آموزشگاه‌ها رفته بودند با درهای بسته روبرو شدند. جامعه معلمان رضائیه در اطلاعیه‌ای که انتشار داده اعلام کرده که به خاطر وقایع اخیر شهرهای رضائیه، تبریز، سردشت، اصفهان، نجف‌آباد و مهاباد و برای پاسخگویی به تهدید دولت تصمیم گرفته‌اند که از رفتن به مدارس خودداری کنند و اعلام کرده‌اند که روز سه‌شنبه پنجم دی‌ماه جاری جلسه عمومی خود را در دبیرستان مهر رضائیه تشکیل خواهند داد.»

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۲
ص۱۱۳

[۱۳۵۷/۱۰/۳] [گزارش] ۰۹:۳۰ روز جاری عده‌ای از پزشکان رضائیه به اتفاق روحانیون افراطی، اصناف، فرهنگیان و طبقات مختلف که به تدریج حدود ۸۰۰۰ نفر شدند به عنوان اعتراض به واقعه بیمارستان شاهرضای مشهد با دادن شعارهای ضدملی و میهنی در خیابانهای شهر به راه افتادند و در ساعت ۱۲:۳۰ در جلو مسجد اعظم رضائیه اجتماع و یکی از روحانیون افراطی به نام غلامرضا حسنی مطالبی عنوان و از مردم به ویژه ارتشی‌ها خواسته که کار خود را رها نموده و به گروه مخالف بپیوندند در این تظاهرات ماشاءالله بوزچلو وکیل دادگستری، دکتر اسداله حیدری‌معماری، استاد دانشگاه رضائیه و علی نصرالهی نماینده بازار نقش رهبری را به عهده داشته‌اند. این تظاهرات در ساعت ۱۳:۰۰ بدون حادثه خاتمه پذیرفت.

مبینی در بولتن اداره چهارم درج می‌گردد. ۵۷/۱۰/۴

بخش ویژه خبرگزاری پارس در این باره نوشت: «امروز هزاران نفر از گروههای مردم رضائیه دست به یک تظاهرات و راهپیمائی آرام و بسیار وسیعی زدند. این راه‌پیمائی به دنبال اعتراض پزشکان رضائیه به واقعه بیمارستان شاهرضای مشهد از ساعت ده و سی دقیقه از محوطه بیمارستان شیر و خورشید سرخ رضائیه آغاز شد و راهپیمایان که در پیشاپیش آنان گروهی از روحانیون و پزشکان رضائیه حرکت می‌کردند از مسیر خیابانهای فرح، خیام، استاد برزگر و

پهلوی گذشتند و به طرف مسجد اعظم حرکت کردند. در این تظاهرات عظیم تظاهرکنندگان شعارهای مخالف دولت می‌دادند. در پایان تظاهرات... تظاهرکنندگان در مقابل مسجد اعظم اجتماع کردند و قطعنامه پزشکان رضائیه قرائت شد. در این قطعنامه پزشکان رضائیه حادثه بیمارستان شاهرضای مشهد و حادثه بیست و سوم آذرماه بیمارستان شیر و خورشید سرخ رضائیه را محکوم کردند. تظاهرکنندگان سپس با آرامی پراکنده شدند. در جریان این تظاهرات هیچگونه حادثه‌ای روی نداد.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۲
ص۲۳۰

[تلفنگرام] در ساعت ۳۰ ۱۴ روز ۵۷/۱۰/۵ مجلس ختمی به مناسبت کشته شدن یکی از شبگردهای نقده بنام محرم خورده‌آقائی [موضوع کشته شدن شبگرد مزبور طی شماره ۱۷۵۱۸/ هـ- ۰۳/۱۰/۵۷ به ۳۴۸ اعلام گردیده) با شرکت حدود ۵۰۰۰ نفر از طبقات مختلف مردم که عده‌ای از آنان از مهاباد عزیمت نموده بودند در مسجد جامع این شهر تشکیل گردید در این مجلس دو نفر از روحانیون افراطی رضائیه به اسامی سیدعلی‌اکبر قریشی و غلامرضا حسنی به اتفاق ماشاءالله بوزچلو وکیل دادگستری رضائیه نیز شرکت نمودند، مرتضی رضوی یکی از روحانیون نقده و غلامرضا حسنی و چند نفر از دبیران اهل تسنن مطالب تحریک‌آمیزی عنوان و حسنی مردم را به هم‌بستگی و آشوب و اغتشاش و مبارزه تحریک و اظهار داشته تا آخر قطره خون خواهیم جنگید. این مجلس بدون حادثه پایان‌پذیر نیست. مبینی ۱- بولتن ۲- عملیات فوری اسامی این افراد را در لیست مورد نظر منظور و با آدرس افراد ارائه نمایند. ۵۷/۱۰/۶ گوینده: [ناخوانا] گیرنده: مجتبوی ساعت ۴۵ ۱۰- ۵۷/۱۰/۶

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۲
ص۲۳۲

[گزارش] ساعت ۴۵ ۱۹ روز ۵۷/۱۰/۵ اخلالگران مبادرت به آتش‌سوزی در منزل متعلق به ستوان یکم ناصر رحیمی آلمانیه افسر سابق شهربانی رامسر که اخیراً به رضائیه منتقل گردیده را با استفاده از مواد نفتی و آتش‌زا و لاستیک نموده‌اند. حریق وسیله آتش‌نشانی و مأموران انتظامی

خاموش و خسارت وارده بیش از ۵۰۰/۰۰۰ ریال برآورد شده است. صحت دارد ۱۴۵۶-۵۷/۱۰/۶

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۲
صفحه۲۹۴

[۱۳۵۷/۱۰/۶] [گزارش] ساعت ۹ روز جاری تعداد ۸۰۰ نفر از دانشگاهیان دانشگاه رضائیه که از پشتیبانی عده کثیری از اصناف، بازاریان، روحانیون و کادر آموزشی و اداری آموزش و پرورش برخوردار بودند به عنوان پشتیبانی از تحصن استادان دانشگاه تهران در دانشگاه و وزارت علوم و به خاطر کشته شدن یکی از استادان دانشگاه پلی‌تکنیک در تظاهرات روز گذشته تهران اقدام به راهپیمائی و دادن شعارهای مضره در چند خیابان شهر نموده سپس به مسجد اعظم عزیمت و در مسجد ابتدا محمدعلی احمدی یکی از دبیران آموزش و پرورش در مورد همبستگی مردم و اوضاع کنونی صحبت نموده آنگاه سیدعلی‌اکبر قریشی یکی از روحانیون افراطی رضائیه ضمن حمله نمودن به حکومت نظامی و اظهار مطالب مخالف علیه رژیم و تشویق مردم به اتحاد، مطالبی سخنرانی و در خاتمه ماشاءالله بوزچلو نماینده بازاریان و اصناف مطالبی خلاف در مورد رژیم و همبستگی تمام ملت صحبت و اظهار داشت خوشبختانه کارگران صنعت نفت با دولت به توافق نرسیدند. کارگردان این راهپیمائی دکتر اسداله حیدری معماری و ماشاءاله بوزچلو بودند. این اجتماع بدون هیچگونه برخوردی خاتمه یافت. مبینی

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۲
صفحه۲۹۵ و ۲۹۶

درباره: [وقایع ارومیه] برابر اطلاع ۱ـ اخیراً در شهرستان رضائیه طی درگیری مخالفین با مامورین انتظامی و نظامی تعدادی به هلاکت رسیده و چندین نفر نیز زخمی گردیده‌اند و گفته می‌شود شخصی به نام آخوند حسنی از شهرستان مهاباد چند نفر از عشایر مسلح را به رضائیه آورده و در پشت‌بام مسجد اعظم مستقر و روز حادثه از همانجا اقدام به تیراندازی به طرف مامورین نموده‌اند. ۲ـ خانواده افسران شهربانی و پاسبان‌ها در جلو شهربانی استان اجتماع نموده و ضمن اهانت به رئیس شهربانی اظهار می‌داشتند که ما آمده‌ایم رئیس شهربانی را به قتل برسانیم چون

او باعث شده است که تعدادی پاسبان و افسر بیگناه کشته شود. ۳ـ چند روز قبل رئیس شهربانی به مرکز احضار گردیده است و از این موضوع سابقه‌ای در این اداره کل موجود نمی‌باشد. علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید نسبت به صحت یا سقم موارد بند ۱ و ۲ تحقیق و از چگونگی امر پیرامون بند ۳ این اداره کل را مطلع فرمایند، ضمناً چنانچه مسبب اصلی اخلالگری و آشوب در شهرستان مزبور آخوند حسنی می‌باشد در مورد دستگیری وی نظریه اعلام تا اقدام گردد. مدیر کل اداره سوم ـ طباطبائی

درباره: اظهارنظر مردم

خواهشمند است دستور فرمائید با توجه به نظریه یکشنبه با استفاده از کلیه امکانات و منابع موجود در آن سازمان با طراحی دقیق نسبت به اشاعه شایعه مزبور که چنانچه وضع موجود عوض شود کلیه زمینهای مزروعی کشاورزان و زارعین از آنان توسط اربابان سابق و خوانین باز پس گرفته خواهد شد نظر این افراد را جلب و به طور کاملاً غیرمحسوس با افراد با نفوذ و کشاورزان آن منطقه ایجاد رابطه گردیده و از نتایج حاصله مستمراً این اداره کل را آگاه سازند. مدیر کل اداره سوم ـ طباطبائی

۱ـ روزنامه مهر ایران به طور خلاصه نوشت که «در رضائیه نیز گروهی از مردم دست به راهپیمائی زدند و حادثه روز گذشته تهران را که موجب کشته شدن یکی از اعضای هیات علمی دانشگاه پلی‌تکنیک شده بود محکوم کردند.» (ش۴۶۶۳، ص۴)

۲ـ هر چند این شایعه را ساواک برای عقب راندن روستاییان از تظاهرات و اقدامات ضدحکومتی ترویج می‌داد، با این حال امام‌خمینی پاسخ این موضوع را به «کرک‌کروفت» استاد دانشگاه روتکرز آمریکا چنین داد: «هیچ یک از روحانیون مخالف شاه از زمین‌داران بزرگ نبوده‌اند، تا اصلاحات ارضی شامل زمینهای آنها بشود و من هم اعلام کرده‌ام که چون زمین‌داران بزرگ مالیاتهای اسلامی خود را نپرداخته‌اند ما زمین‌ها را از رعایا پس نخواهیم گرفت و مخالفت من و سایر روحانیون با شاه هرگز بدین خاطر نبوده است و این هم از تبلیغات سوء شاه است که دیگر رنگ خود را باخته است.» (صحیفه امام، ج ۵، ص۲۹۶)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۲
ص۵۱۳

روز ۱۳۵۷/۱۰/۹ تظاهرات مخالفی از طرف طبقات مختلف مردم در رضائیه برپا و به همین منظور اکثر ادارات دولتی و بانک‌های رضائیه به صورت تعطیل و نیمه تعطیل درآمده است و همچنین کلیه ادارات دولتی سردشت و مهاباد به استثنای دادگستری و فرمانداری تعطیل بوده و کارکنان ادارات پست نقده، پیرانشهر و اشنویه در اعتصاب بوده‌اند.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۳
ص۱۸

[...] الف- بعدازظهر روز ۱۳۵۷/۱۰/۱۱، گروهی از قشریون مذهبی در مسجد اعظم شهر رضائیه اجتماع نموده و در آن سید علی‌اکبر قریشی روحانی افراطی ضمن سخنانی تحریک‌آمیز مطالبی علیه رژیم کشور ایراد و در پی آن یک نفر کُرد حاضر در مسجد نیز با اعلام همبستگی، عنوان کرده می‌تواند به تعداد کافی اسلحه در اختیار قرار دهد. پس از خاتمه سخنرانی افراد مذکور، مجتمعین از محل خارج و ضمن متفرق شدن یک دستگاه موتورسیکلت یکی از ماموران شهربانی رضائیه را به آتش کشیده و سپس پراکنده شده‌اند.[[۱]] ب- به دنبال درگیری و برخوردی که بین چند تن از مسلمانها و بهائیان در شهر میاندوآب بوقوع پیوسته، بعدازظهر روز ۱۳۵۷/۱۰/۱۱، قریب به ۵۰ باب از منازل بهائیان شهر مذکور مورد حمله و غارت و آتش‌سوزی مسلمانها قرار گرفته است. متعاقب این حادثه شورای تامین منطقه تشکیل و تصمیم گرفته شده مامورین انتظامی در مقابل هر گروهی از هر فرقه یا مذهبی که باشند، با تجاوزات و تحریکات آنها بطور قاطع عمل کنند.

۱- «ساعت ۰۰۱۸ دو نفر از ماموران شهربانی به دستور دادستان رضائیه جهت انجام کاری به مطب دکتر مرتضی‌زاده پزشک قانونی رفته بودند ناگهان عده‌ای آنان را محاصره و یک دستگاه موتورسیکلت شهربانی را به آتش کشیده که مأمورین انتظامی به موقع به محل مراجعه و با پرتاب گاز اشک‌آور این افراد را متفرق و دو نفر پاسبان را نجات داده‌اند.» (پرونده ۱۰۶۹۷۰، ج ۷) اجتماع مردم ارومیه در مسجد اعظم به واسطه اعتراض به کشتار دهم دی مشهد بوده است. در شهر خوی نیز امروز (۱۳۵۷/۱۰/۱۱) تظاهراتی برپا شد. «تظاهرکنندگان با مراجعه به ادارات آموزش و پرورش، آبیاری، مخابرات و سازمان زنان شهر خوی تمثال‌های مبارک اعلیحضرت

همایون شاهنشاه آریامهر را از دیوار اطاق‌های این اماکن پایین آورده و آنان را پاره کرده‌اند.»
امروز (۱۳۵۷/۱۰/۱۱) مغازه‌های شهر ارومیه بسته بود. (پرونده ۱۰۶۹۷۰، ج ۷)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۳
صفحه ۹۰

از ساعت ۳۰۱۰ روز جاری طبقات مختلف مردم رضائیه در مقابل مسجد اعظم این شهرستان تجمع و از این محل در حالی که تعداد آنان در حدود ۸۰۰۰ نفر بود راه‌پیمائی را آغاز و پس از طی چند خیابان و دادن شعارهایی ضد ملی و همچنین شعاری تحت عنوان «بختیار بختیار نوکر بی‌اختیار» در مقابل مسجد سید جواد توقف و در آنجا پس از سخنرانی سید علی‌اکبر قره‌باغی روحانی افراطی که مردم را به آرامش دعوت می‌نمود در ساعت ۳۵۱۲ بدون اتفاق سوئی متفرق گردیدند[[۱]] ضمناً ساعت ۰۰۱۷ روز گذشته حدود ۲۰۰۰ نفر از اهالی مهاباد در چهارراه ورهرام اجتماع و به دادن شعارهای ضد ملی مبادرت که در ساعت ۰۰۱۸ بوسیله شیخ عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد بدون اتفاقی متفرق گردیدند. مبینی ساعت ۵۰۱۴ گوینده- آقای عادلیان گیرنده- پاکدل در بولتن درج گردید جهت هرگونه اقدام به استحضار ریاست دایره عملیات برسد. روحانی ۱۳۵۷/۱۰/۱۳

۱- روزنامه بورس که در آن زمان منتشر می‌شد و در اعتصاب مطبوعات شرکت نکرده بود و مواضع حکومت را منعکس می‌کرد، نوشت که دوازدهم دی‌ماه «حدود یکصد هزار نفر مردم رضاییه راهپیمایی کردند. این تظاهرات و راه‌پیمایی به آرامی صورت گرفت و هیچ حادثه ناگواری روی نداد.» (ش ۴۲۱۸، ص۱۶)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۳
صفحه۹۲

[گزارش] ۱- روز جاری [۱۳۵۷/۱۰/۱۲] ادارات دولتی رضائیه بصورت نیمه‌تعطیل و بانکها تعطیل می‌باشد. ۲- ادارات دولتی سردشت بجز فرمانداری و مخابرات تعطیل می‌باشد. ۳- ادارات پست خوی- شاهپور- نقده- اشنویه- پیرانشهر در روز جاری به اعتصاب خود ادامه داده‌اند. ۴- کلیه ادارات دولتی و بانکهای مهاباد- میاندوآب- بوکان باز و مشغول کار می‌باشند.

۵- بانکهای صادرات- ایرانشهر- بازرگانی نقده بعلت شکستن شیشه‌های بانکهای مذکور در روز گذشته روز جاری بصورت تعطیل درآمده است. مبینی

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۳
ص۷۸
... (۱۰) استان آذربایجان غربی - از بامداد روز جاری[۱۳۵۷/۱۰/۱۲] تظاهرات آرامی با شرکت ۵ تا ۷ هزار نفر رضائیه انجام گرفت. ...

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۳
ص۱۸۰
[گزارش] ۱- در روز جاری[۵۷/۱۰/۱۳] ادارات دولتی رضائیه باز و مشغول کار می‌باشند و بانک‌ها به صورت تعطیل و نیمه تعطیل است... مبینی

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۳
ص۲۱۷
[تلفنگرام] ۱- در روز جاری [۱۳۵۷/۱۰/۱۴]کارکنان سازمان تعاون روستائی رضائیه از مراجعه به محل کار خودداری نموده و کارکنان اداره راه و ترابری آذربایجان غربی (رضائیه) قبل از خاتمه وقت اداری حدود ساعت ۱۱۰۰ محل کار خود را ترک نموده‌اند. ۲- بانکهای رضائیه، خوی و شاهپور تعطیل می‌باشد. ...

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۳
ص۲۷۶
روز ۱۳۵۷/۱۰/۱۶، دو تن از روحانیون سرشناس رضائیه در تماس و مذاکراتی که بطور خصوصی با آیت‌اله سید کاظم شریعتمداری داشته‌اند، نظر ایشان را در مورد اعلام عزای عمومی روز ۱۳۵۷/۱۰/۱۷ جبهه ملی استعلام نموده‌اند که آیت‌اله شریعتمداری اظهار داشته: آقا (خمینی) نیز از این موضوع ناراحت شده البته نه از جهت شخصی، بلکه از آن جهت که اینها (جبهه ملی) حق دخالت در این کارها را ندارند و بایستی قبلاً اجازه می گرفتند مجدداً از شریعتمداری سئوال شده که بهرحال اینها (جبهه ملی) می‌خواهد این کار (سوگواری) را بکنند نظر چیست؟

شریعتمداری پاسخ داده: آنها (جبهه ملی) خودسرانه این کار را کرده‌اند، بنابراین مورد تائید ما نخواهد بود شما (روحانیون) هم تائید ننمائید، آنها و سایر گروهها که تازه به میدان آمده‌اند می‌خواهند کاری بکنند. جریان مبارزات را باید روحانیون در دست بگیرند، همانطوری که در مشروطیت هم روحانیون پیش‌قدم بودند و عده‌ای می‌خواستند آن را از دست انها خارج کنند، بهرحال باید مراقب بود. ارزیابی خبر: تماس و مذاکرات فوق صحت داشته و مطالب بالا عنوان شده است.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۳
ص۳۴۲

[گزارش] ۱- در روز جاری [۵۷/۱۰/۱۷] اکثر ادارات دولتی رضائیه باز و مشغول بکار می‌باشند ضمناً بطوری که عنوان گردیده اکثر کارکنان ادارات مزبور طی نامه‌هائی که در فواصل مختلف به مسجد اعظم رضائیه محل اجتماع مخالفین ارسال نموده‌اند همبستگی خود را با آنان اعلام کرده‌اند. ضمناً بین کارکنان شایع گردیده که مسئولین امر به منظور جلوگیری از آتش‌سوزی توسط مخالفین در ادارات دولتی از کارکنان خواسته‌اند که همبستگی خود را با آنان اعلام دارند. ۲- روز جاری بانک‌های رضائیه بصورت تعطیل آمده است ...

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۳
ص۳۸۷

[...] – ۳۰/۰۰۰ نفر از اهالی رضائیه به راه‌پیمائی و دادن شعارهای مضره پرداختند. - اعتصاب و کم‌کاری کماکان ادامه دارد. [۱۳۵۷/۱۰/۱۸]

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج ۲۳
ص۴۱۶

[تلفنگرام] ۱- صبح روز جاری [۱۳۵۷/۱۰/۱۸] طبقات مختلف مردم رضائیه در مقابل مسجد اعظم این شهرستان تجمع و سپس در ساعت ۰۰۱۰ در حالی که تعدادی از آنها متجاوز از ۴۰/۰۰۰ نفر بوده راهپیمایی را آغاز و پس از طی چندین خیابان و دادن شعارهای تند و ضدملی در فلکه بازارباش توقف در این محل اسداله جوانمرد یکی از روحانیون جهت آنان سخنرانی و

مجدداً راهپیمائی را ادامه داده و پس از طی چند خیابان دیگر به مقابل مسجد اعظم رسیده و در این محل غلامرضا حسنی بزرگ‌آباد روحانی افراطی رضائیه جهت آنان سخنرانی و اظهار داشت همانطوری که قبلاً اعلام کردیم ما حکومت اسلامی می‌خواهیم و شاه خودبخود خلع شده و این رژیم باید نابود شود و ارتش- استانداران- فرمانداران و سایر طبقات نیز باید هرچه زودتر همبستگی خود را با ما اعلام فرمایند. نامبرده اضافه نمود هدف ما این نبود که بختیار روی کار بیاید بلکه جمهوری اسلامی بوده و از مردم خواسته که از کابینه بختیار حمایت نکنند مشارالیه [ناخوانا] اعلامیه خمینی را که در مورد ادامه اعتصابات ادارات می‌باشد جهت مردم قرائت و سپس در حدود ساعت ۴۰۱۲ مردم بدون دخالت مامورین و بدون هیچگونه اتفاق سوئی متفرق گردیدند.[[۱]] ...

گوینده- قندالی گیرنده- صفارنیا- ساعت- ۱۵۱۴ اصل سند در پرونده شخصی موجود است.

۱- مردم ارومیه در حالی که سرمای نسبتاً ناراحت‌کننده‌ای در شهر حکمفرماست در مقابل مسجد اعظم در خیابان عسکرآبادی اجتماع کردند و لحظه به لحظه بر تعداد آنان اضافه شد و در ساعت ده بامداد روحانیان به مردم پیوستند و در پیشاپیش تظاهرکنندگان به حرکت درآمدند. راهپیمایان که پلاکاردهایی حمل می‌کردند با دادن شعار از طریق خیابان‌های عسکرآبادی، پهلوی، خیام و فرح به طرف مسجد اعظم حرکت کردند.» (بورس، ش ۴۲۲۳، ص ۱۶)

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۴

ص ۹۴

گزارش نوبه ای شماره ۴۳ (۱۳۵۷/۱۰/۲۵)

... ساعت ۱۲ اخلالگران با نارنجک دست از به یک دستگاه پیکان شهربانی رضائیه حمله و سپس متواری گردیدند. این حادثه تلفات جانی نداشته لکن به پیکان مزبور خساراتی وارد گردید...

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار۱۳۵۷/۱۰/۲۵

رضائیه - خبرگزاری پارس (پانا) دانشگاه رضائیه پس از مصاحبه دیروز رئیس دانشگاه که در آن گفته شده بود دانشگاه رضائیه فعالیت‌های آموزشی خود را از دیروز آغاز کرده است امروز اطلاعیه‌ای به این شرح منتشر کرد. اطلاعیه دانشگاه رضائیه شورای دانشگاه رضائیه با سپاسگزاری از همکاری دانشجویان عزیز در یک ماه تعطیل گذشته به اطلاع میرساند با برطرف شدن موانعی که در بازگشایی دانشگاه برای دانشجویان وجود داشت از تاریخ شنبه ۱۳۵۷/۱۰/۲۳ همزمان با هفته کارگشایی دانشگاهها امکانات دانشگاه جهت بحث و شور در مسائل علمی، اجتماعی، سیاسی، مجدداً در اختیار دانشجویان قرار می‌باشند. در حال حضار به علت کمبود مواد سوختی خوابگاه‌های پردیس نازلو و رستوران پردیس شهر دایر نیست. پس از رفع مشکلات نامبرده تاریخ شروع ترم و ثبت نام و همچنین دایر شدن تاسیسات نامبرده به اطلاع خواهد رسید.
۱۳۵۷/۱۰/۲۵ بولتن ۲۹۸ خبرگزاری پارس

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار۱۳۵۷/۱۰/۲۵

اعتصاب کارکنان رادیو و تلویزیون رضائیه رضائیه - خبرگزاری پارس (پانا) - کارمندان و کارکنان سازمان رادیو تلویزیون مرکز رضائیه از امروز [۱۳۵۷/۱۰/۲۵] دست به اعتصاب زدند. خبرنگار خبرگزاری پارس کسب اطلاع کرد که به دنبال اعتصاب کارکنان سازمان رادیو تلویزیون مرکز رضائیه از امروز پخش برنامه‌های محلی در این سازمان نیز متوقف می شود و تنها برنامه‌های رادیو تلویزیون تهران رله خواهد شد. قسمت اطلاعات اخبار رادیو تلویزیون نیز تنها به انعکاس اخبار به تهران بسنده خواهد کرد گفته می شود این اعتصاب تا زمانیکه سانسور اخبار رادیو تلویزیون به طور کامل برطرف نشده و خواستهای شورای موسس این سازمان برآورده نشده است ادامه خواهد داشت .

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار۱۳۵۷/۱۰/۲۵

وضع شهر رضائیه، خبرگزاری پارس (پانا) – وضع شهر رضائیه امروز [۱۳۵۷/۱۰/۲۵] نیز عادی است و بازار و مغازه‌ها به فعالیت خود ادامه می دهند و تنها تهیه نفت سفید برای خانواده‌ها در شهر نیز با مشکلاتی انجام می شود. و صف خریداران نفت سفید در مقابل شعب فروش تشکیل شده است .

بولتن خبرگزاری پارس عادی
تاریخ انتشار ۱۳۵۷/۱۰/۲۷

تظاهرات در رضائیه، رضائیه خبرگزاری پارس (پانا) – از ساعت نه بامداد امروز دانشجویان و دانشگاهیان رضائیه در محوطه تاسیسات این دانشگاه در خیابان دانشکده اجتماعی جمع شدند و ساعتی بعد دهها‌هزار نفر از گروه‌های مردم رضائیه به این اجتماع پیوستند و تظاهرات بسیار بزرگی را ترتیب دادند در این اجتماع حجت الاسلام آقای قریشی پیرامون نهضت اسلامی ملت ایران و ادامه انقلاب تا پیروزی نهایی سخن گفت سپس دانشجویان و اجتماع کنندگان به دادن شعارهای ضد رژیم و حکومت پرداختند این تظاهرات و سخنرانی در ساعت ۱۲ پایان یافت و مردم به آرامی به شهر مراجعه کردند. بازاریان رضائیه نیز با اطلاع از این اجتماع و تظاهرات مغازه‌های خود را تعطیل کردند و به تظاهرکنندگان پیوستند در پایان این تظاهرات گروهی در حالیکه سوار بر اتومبیل‌های روباز شدند به دادن شعار در خیابان‌ها پرداختند.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک جلد ۲۴
ص ۲۴۲و ۲۴۳

گزارش نوبه ای شماره ۴۸ (۱۳۵۷/۱۱/۲)

... در ساعت ۰۹۰۰ تظاهراتی بوسیله موافقین در شهر رضائیه انجام و همزمان تعداد زیادی از مخالفین در مسجد اعظم تجمع و بلافاصله شروع به تظاهرات ضد میهنی نمودند که منجر به برخورد بین طرفین گردید. در این برخورد بعضی از مخالفین مسلح به تفنگ کلاشینکف و اسلحه کمری بودند و شروع به تیراندازی نمودند. به منظور برقراری نظم و آرامش و متفرق نمودن آنان یک گروهان پیاده و چهار دستگاه تانک اسکورپین لشکر ۶۴ پیاده به شهر اعزام و

در اثر تیراندازی یک نفر درجه دار و یک سرباز کشته، یک افسر، دو درجه دار، دو سپاهی دانش، ۹ سرباز و ۶ غیر نظامی مجروح شدند و در ساعت ۱۴۰۰ حادثه به پایان رسید.
ساعت ۱۱۳۰ تعدادی از مخالفین بانک سپه خیابان پهلوی شهر رضائیه را به آتش کشیده و تا ۳۰ متری ستاد لشکر پیش رفتند. لذا به منظور متفرق نمودن آنان گردان ۱۳۶ پیاده لشکر ۶۴ پیاده با ۳ دستگاه تانک به طرف خیابان پهلوی و مسجد اعظم حرکت نمودند. ضمناً به دستور فرمانده لشکر و هموم سربازان پادگان به جنگ افزار سازمانی و مهمات مربوطه مجهز و تعداد زیادی تیر هوایی شلیک نمودند و تا ساعت ۱۳۱۵ تیراندازی ادامه داشته است. همچنین گروههای موافق با در دست داشتند تمثال های شاهنشاه آریامهر به دادن شعارهای ملی و میهنی مشغول بودند.
در ساعت ۱۴۰۰ فروشگاه اتکا ارتش واقع در خیابان پهلوی شهر رضائیه بوسیله اخلالگران به آتش کشیده شد که با تلاش مأمورین انتظامی حریق خاموش گردید...

اسناد، تصاویر و بریده جراید

همکاران عزیز – فرهنگیان رضائیه

دراین مرحله حساس از تاریخ وطنمان که قشرهای مختلف جامعه ایران برای کسب آزادیهای فردی و برای حفظ شرافت انسانی خود دراه برقراری (عدالت) اجتماعی و مبارزه با فاسدین وخائنین به بیت المال مبارزه می کنند و خواسته های مشروع خود را بوسیله اعتصابات و تظاهرات آرام خیابانی بگوش مقامات مسئول میرسانند وظیفه وجدانی و انسانی طبقه معلم که از قشرهای روشنفکر و آگاه و سازنده این مملکت است حکم میکند که همگام با سایر طبقات به پشتیبانی از خواسته های اکثریت ملت برخاسته و دین خودرا نسبت به جامعه ادا نماید لذا ضروری است که اعلام کنیم که خواسته های معلمین رضائیه عبارتند از:

۱ـ حضرت آیت الله العظمی خمینی بایران مراجعت و از معظم له رفع تبعید و تبعیض گردد.

۲ـ استقلال ـ آزادی و استقرار حاکمیت ملی خواست ماست.

۳ـ انحلال سازمان امنیت و انحلال ادارات رمز و محرمانه درسازمانهای مختلف دولتی را خواستاریم.

۴ـ دادگاههای نظامی باید منحل شود.

۵ـ حکومت نظامی در سراسر ایران لغو ومردم قهرمان تهران و اصفهان و تبریز و سایر شهرها از ستم پلیس رهائی یابند

۶ـ استقلال قوه قضائیه و تأمین قوای سه گانه از هم تفکیک گردند.

۷ـ مجلسین انجمنهای ایالتی وولایتی و شهری و شوراهای منطقه یی و اطاق اصناف و شورای داوری و خانه های انصاف باید منحل گردند و ملت درپای انتخابات آزاد نمایندگان واقعی خودرا انتخاب نمایند.

۸ـ آزادی بیان و قلم و اجتماعات باید تأمین شود.

۹ـ آزادی زندانیان و تبعید شدگان سیاسی بدون توجه به علت محکومیت آنان مورد تقاضای ماست.

۱۰ـ تشکیل دادگاه ملی و رسیدگی بجرائم متجاوزین به آزادیهای فردی و اجتماعی و حقوق ملی مورد تقاضای تمام ملت ایران است.

۱۱ـ برکناری مدیرکل و معاونین مدیرکل وروسای نواحی آموزش و پرورش رضائیه و انتخاب آنها با رأی معلمین ازمیان شخصیت های فرهنگی محلی (خواهان) می باشیم.

ضمنا از روز شنبه ۱۵/ ۷/ ۵۷ تا قبول درخواستهای معلمین از طرف مقامات دولتی در مدارس حاضر شده ولی از رفتن بسر کلاس خودداری کنیم و درروز یکشنبه ۱۶/ ۷/ ۵۷ پس از جمع شدن درمدارس درساعت ۱۰ صبح درمحوطه اداره کل آموزش و پرورش اجتماع نموده و بدین طریق خواسته های خودرا بگوش مقامات مسئول خواهیم رساند.

معلمین رضائیه

ص ۱

اطلاعیه شماره ۳ معلمان رضائیه

بنام پروردگارکه جهان راآفرید وانسان را .. تاجهان رابکاود ودگرگون کند ودگرگون شود تاخدائی خود را بشناسد وبستاید وبحد برای رسیدن به آرمانها وایده آلهای خود دیوارهای اسارت رافروریزد وباهم آوایی راه رهائی خود رابیابد وبندگی ورقیّت رابگسلد . اینک که ملت ایران برای احقاق حق خود برپاخواسته‌اند ما معلمان رضائیه ضمن تایید وحمایت وپشتیبانی ازنهضت مذهبی وملی وضمن تایید کلیه نیات مشروع وقانونی معلمان درسراسرکشورتاحصول بنتیجه کلی صفوف متشکل خودرا رهانساخته وتسلیم اعمال نظرهای مسئولان امرنخواهیم شد اینک باتوجه به پیشگفتارنتایج حاصله ازجلسات ونشست های متوالی رااعلام میداریم .

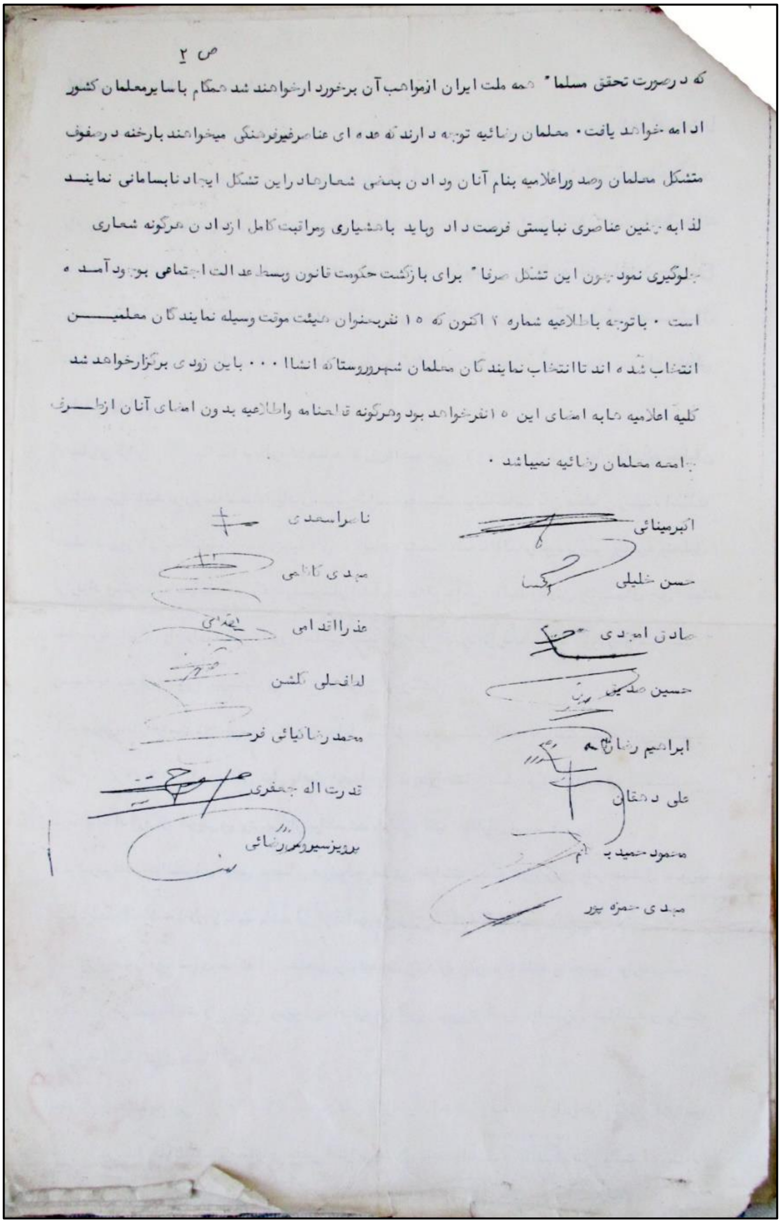
همکاران گرامی باآنکه دو فقره قطعنامه که روزیکشنبه مورخ ۵۷/۷/۱۶ دراجتماع باشکوه معلمان رضائیه مورد تایید قرارگرفت تعداد زیادی نیزدرخواست به هیئت موقت نمایندگان معلمان رسیده است هیئت درروزهای پنجشنبه، جمعه وشنبه طی ۲۲ساعت نشست همه مطالب رامورد بررسی وتجزیه وتحلیل قرارداد وباتوجه به سیاست کلی که درمسیرمبارزات آیات عظام مراجع عالیقدردینی وتلاشهای حق طلبانه ملت شریف ایران واجرای دقیق قانون اساسی ومتمم آن خواهد بود موارد قطعنامه هاودرخواست های رسیده به سه گروه بشرح زیرتفکیک وباطلاع مسئولان امررسید .

۱ــ درمورد درخواستهای ملی قطعنامه که شامل مسائل عمومی مملکت است خواسته شد که تاروزیکشنبه مورخ ۵۷/۷/۲۳ جواب منطقی توام باعمل اخذ ودرصورت عدم اخذ دراجتماع همان روزکه ساعت ده صبح درمحوطه اداره کل آموزش وپرورش برگزارخواهد شد باطلاع کلیه همکاران برسد .

۲ــ درمورد درخواستهای عمومی معلمان درسطح مملکتی خواسته شد که تاروزمزبورجواب مستدل بصورتیکه مورد تایید جامعه معلمان رضائیه باشد ازوزارت آموزش وپرورش اخذ که باطلاع همکاران برسد .

۳ــ درمورد درخواستهای منطقه ای معلمان رضائیه مندرج دردوفقره قطعنامه وهمچنین مواردی که ازنامه های رسیده استخراج شده ومربوط به اداره کل آموزش وپرورش آذربایجانغربی میباشد درخواست گردید که اقدام فوری بعمل آید .

البته تاروزسه شنبه مورخ ۵۷/۷/۲۵ که همچنان اعتراض ادامه خواهد داشت واگراقدام قاطع ازجانب اداره مزبوربعمل نیاید بانظرهمکاران محترم اعتراض تبدیل باعتصاب شده (آن اعتصاب) وتاانجام درخواستهای مناطق



ص ۲

که درصورت تحقق مسلماً همه ملت ایران ازمواهب آن برخوردارخواهند شد همگام باسایرمعلمان کشور ادامه خواهد یافت. معلمان رضائیه توجه دارند که عده ای عناصرغیرفرهنگی میخواهند بارخنه درصفوف متشکل معلمان وصدوراعلامیه بنام آنان ودادن بعضی شعارها دراین تشکل ایجاد نابسامانی نمایند لذا به چنین عناصری نبایستی فرصت داد وباید باهشیاری ومراقبت کامل ازدادن هرگونه شعاری جلوگیری نمود چون این تشکل صرفاً برای بازگشت حکومت قانون وبسط عدالت اجتماعی بوجود آمده است. باتوجه باطلاعیه شماره ۲ اکنون که ۱۵ نفربعنوان هیئت موقت وسیله نمایندگان معلمین انتخاب شده اند تاانتخاب نمایندگان معلمان شهروروستا که انشاا... باین زودی برگزارخواهد شد کلیه اعلامیه ها به امضای این ۱۵ نفرخواهد بود وهرگونه قطعنامه واطلاعیه بدون امضای آنان ازطرف جامعه معلمان رضائیه نمیباشد.

اکبرمینائی	ناصراسعدی
حسن خلیلی	مهدی کاظمی
صادق امجدی	عذرااقدامی
حسین صدیق	لطفعلی گلشن
ابراهیم رضائی	محمد رضانیائی فر
علی دهقان	قدرت اله جعفری
محمود حمید	پرویزسپهرپور رضائی
مهدی حمزه پور	

بسمه تعالی

اطلاعیه شماره ۴ معلمان رضائیه

۱۳۵۷/۷/۲۳

همانطوریکه در اطلاعیه شماره ۳ آمده بود عده ای عناصر غیرفرهنگی میخواهند با رخنه در صفوف متشکل معلمان و دادن بعضی شعارها ایجاد نابسامانی نمایند و با تمامی کوششی که بعمل آمده بود در روز یکشنبه مورخ ۵۷/۷/۲۳ گروهی ناشناخته در اجتماع معلمان وارد و خواستند که از احساسات پاک مذهبی و ملی دانش‌آموزان به نفع خود بهره برداری نمایند که خوشبختانه معلمان و دانش‌آموزان آگاه رضائیه بموقع متوجه شده برای جلوگیری از هرگونه ناآرامی و بخاطر اینکه فرصت طلبان نتوانند با برهم زدن تشکل فرهنگیان و ایجاد بلوا و آشوب بهدف نائل آیند با مختصر بیانی اجتماع معلمان را بوقت دیگری موکول کردند لذا از نمایندگان معلمان تمامی مدارس دعوت میشود که روز سه شنبه مورخ ۵۷/۷/۲۵ ساعت ۴ بعدازظهر برای تبادل نظر و تصمیم گیری در سالن دبیرستان رضاشاه با در دست داشتن صورتجلسه شورای معلمان که مؤید نمایندگیشان خواهد بود حضور بهم رسانند در ضمن مدارس روستاها و آن تعداد از مدارس شهر که تاکنون نماینده انتخاب و معرفی نکرده اند شورای معلمان آن مدارس نیز دو نفر نماینده معلمان خود را جهت شرکت در جلسه مزبور معرفی نمایند.

اکبر مینائی	محمود حمید بهنام
حسن خلیلی	مهدی حمزه پور
صادق احمدی	مهدی کاظمی
قدرت اله جعفری	عذرا اقدامی
حسین صدیق	لطفعلی گلشن گرانلو
ابراهیم رضازاده	محمد رضا کیائی فر
ناصر اسدی	پرویز شیرور رضائی
علی دهقان	

بسمه تعالی

اطلاعیه شماره ۶ معلمان رضائیه ۱۳۵۷/۷/۲۷

همکاران گرامی در اطلاعیه شماره ۳ که در تاریخ ۵۷/۷/۲۳ منتشر شد درخواستهای جامعه معلمان رضائیه به سه گروه تفکیک گردیده با توجه باطلاعیه مزبور در جلسات نمایندگان مدارس رضائیه که در مورخه های ۲۵ و ۵۷/۷/۲۶ در سالن دبیرستان رضاشاه تشکیل شد تصمیماتی بشرح زیر اتخاذ گردید.

۱ـ در مورد درخواستهای ملی قطعنامه ها که شامل مسائل عمومی مملکت است بخاطر پشتیبانی از نهضت مذهبی وملی وهمگامی با ملت مبارز ایران بجهت اجرای احکام عالیه دین مبین اسلام واصول قانون اساسی ومتمم آن وبسط عدالت اجتماعی بمعنای واقعی جامعه معلمان رضائیه تصمیم گرفت ضمن پی گیری مستمر مبارزات منطقی واصولی خود هرموقع که حضرات آیات عظام مراجع عالیقدر دینی باصدور اعلامیه ملت ایران را دعوت به اعتراض یا اعتصاب فرمایند معلمان رضائیه نیز باعدم حضور در مدارس اعلام همبستگی نمایند.

۲ـ در مورد درخواستهای عمومی معلمان در سطح کشور بخاطر استمرار مبارزه تا نیل بهدف تصمیم گرفته شد که معلمان رضائیه ضمن ادامه مبارزات خود بخاطر حفظ تشکل جامعه معلمان مملکت با آنان همگامی وهمراهی داشته باشند وهرموقع جامعه معلمان اعلام اعتراض یا اعتصاب نمود معلمان رضائیه نیز در همان موقع ضمن اعلام پشتیبانی مثل سایر معلمان کشور عمل نمایند.

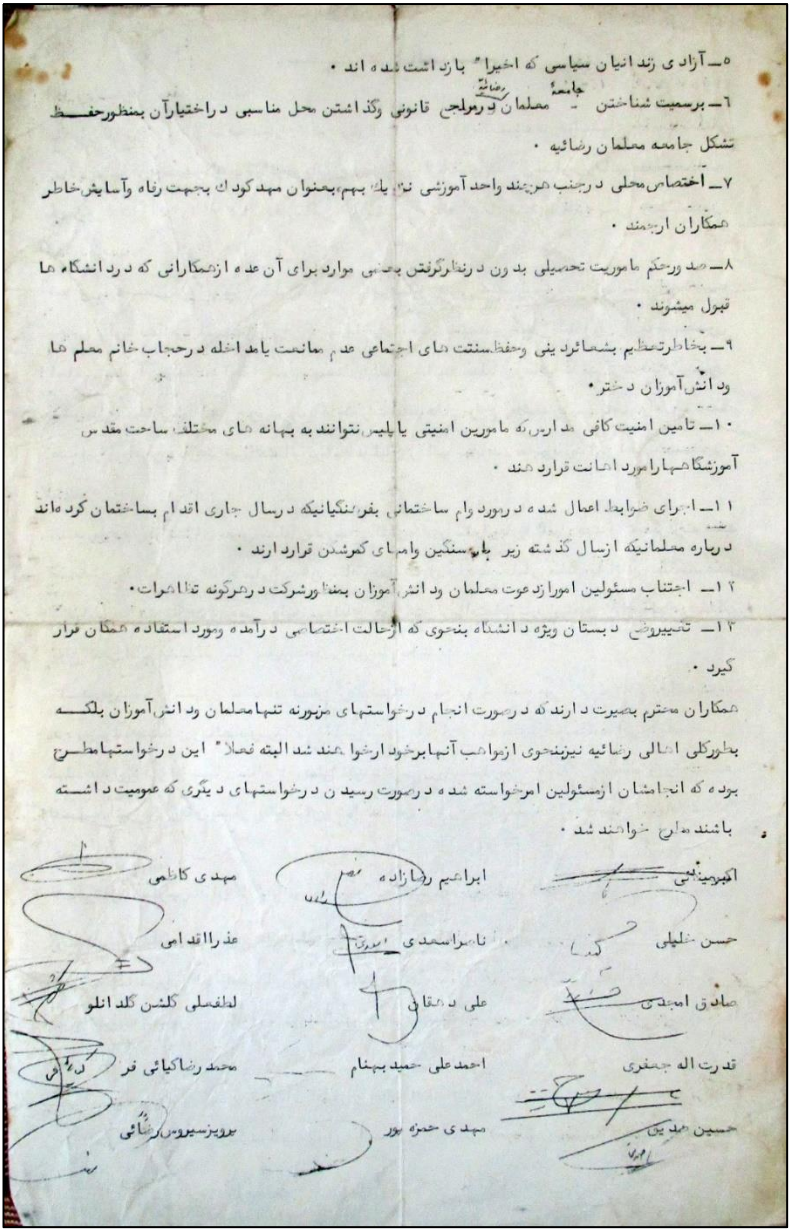
۳ـ در مورد درخواستهای منطقه ای تصمیم گرفته شد که از صبح روز پنجشنبه مورخ ۵۷/۷/۲۷ باشرط ده روز مهلت معلمان رضائیه در سر کلاسها حاضر ومشغول انجام وظیفه مقدس خود باشند اگر تا پایان مهلت ده روزه درخواستهای منطقه ای عملی نگردد از صبح روز یکشنبه مورخ ۵۷/۸/۷ معلمان رضائیه اعتصاب را شروع واز رفتن بمدارس خودداری خواهند نمود. درخواستهای منطقه ای بشرح زیر باطلاع عموم میرسد.

۱ـ برکناری تعدادی از مسئولین اداره کل ونواحی وگماردن فرهنگیانی که مورد تایید جامعه معلمان رضائیه قرار گرفته اند بجای آنان بخاطر رفع نابسامانیهای گذشته وحال ادارات آموزش وپرورش.

۲ـ انتخاب مدیران کلیه واحدهای آموزشی بانظر شورای معلمان هرواحد بجهت ایجاد محیطی آرام و بدور از هرگونه تبعیض که همکاران محترم بتوانند باخاطری آسوده ودلگرمی بیشتر به امر خطیر تعلیم وتربیت بپردازند.

۳ـ لغو برنامه تغذیه رایگان واختصاص اعتبار آن به ایجاد فضاهای جدید آموزشی وتعمیر وتجهیز مدارس فعلی

۴ـ شرکت دادن سه نفر نمایندگان معلمان از ابتدائی، راهنمائی تحصیلی ودبیرستان در شورای منطقه ای آموزش وپرورش.



۵ـ آزادی زندانیان سیاسی که اخیراً بازداشت شده اند.

۶ـ برسمیت شناختن جامعهٔ معلمان رضائیه در مراجع قانونی وگذاشتن محل مناسبی در اختیار آن بمنظور حفظ تشکل جامعه معلمان رضائیه.

۷ـ اختصاص محلی در جنب هر چند واحد آموزشی نزدیک بهم، بعنوان مهد کودک بجهت رفاه وآسایش خاطر همکاران ارجمند.

۸ـ صدور حکم ماموریت تحصیلی بدون درنظر گرفتن بعضی موارد برای آن عده از همکارانی که در دانشگاه ها قبول میشوند.

۹ـ بخاطر تعظیم بشعائر دینی وحفظ سنتت های اجتماعی عدم ممانعت یا مداخله در حجاب خانم معلم ها ودانش آموزان دختر.

۱۰ـ تامین امنیت کافی مدارس که مامورین امنیتی یا پلیس نتوانند به بهانه های مختلف ساحت مقدس آموزشگاهها را مورد اهانت قرار دهند.

۱۱ـ اجرای ضوابط اعمال شده درمورد وام ساختمانی بفرهنگیانیکه درسال جاری اقدام بساختمان کرده اند درباره معلمانیکه ازسال گذشته زیر بار سنگین وامهای کمرشکن قرار دارند.

۱۲ـ اجتناب مسئولین امور از دعوت معلمان ودانش آموزان بمنظور شرکت در هرگونه تظاهرات.

۱۳ـ تغییر وضع دبستان ویژه دانشگاه بنحوی که از حالت اختصاصی درآمده ومورد استفاده همگان قرار گیرد.

همکاران محترم بصیرت دارند که درصورت انجام درخواستهای مزبور نه تنها معلمان ودانش آموزان بلکه بطورکلی اهالی رضائیه نیز بنحوی ازمواهب آنها برخوردار خواهند شد البته فعلاً این درخواستها مطرح بوده که انجامشان ازمسئولین امر خواسته شده درصورت رسیدن درخواستهای دیگری که عمومیت داشته باشند مطرح خواهند شد.

اکبر میناتی	ابراهیم رضازاده	مهدی کاظمی
حسن خلیلی	ناصر اسعدی	عذرا اقدامی
صادق امجدی	علی دهقانی	لطفعلی گلشن گلدانلو
قدرت اله جعفری	احمدعلی حمید بهنام	محمد رضاکیائی فر
حسین صدیقی	مهدی حمزه پور	پرویز سیروس رضائی

دادستان محترم شهرستان رضائیه

۱۳۵۷/۸/۷

احتراماً از بدو اعلام فضای باز سیاسی مردم شریف رضائیه با متانت و [illegible]
خواسته‌های قانونی و حق طلبانه خود را با تشکیل اجتماعات و تظاهرات آرام در خیابانها مطرح
نموده‌اند که در بعضی موارد با دخالت بیمورد مأموران انتظامی منجر به خشونتهای [illegible]
گردیده که در یک مورد نیز جوانی بیگناه با گلوله پلیس بقتل رسیده که تاکنون نسبت به دستگیری و محاکمه
قاتل جوان مزبور اقدامی نشده اهالی رضائیه شاهد بودند که از عصر روز سوم تا ساعت بیست روز
پنجم آبان مسئولان امور انتظامی شهر اعم از استانداری، فرمانداری، شهربانی و با برگزاری و
فراهم کردن تظاهرات گدایی که از نظر سیاسی اجتماعی و اخلاقی در پست‌ترین درجه ممنوع بود

چند صد روستائی بی خبر و تعدادی اوباش را با تهدید و تطمیع مأموران با چوب و چماق و داس و تبر،
اره، شیشه، کارد و آنچه رود تشنه خون آلود بمنظور کشتار و غارت مردم رضائیه و بهم زدن تمام اصول انسانی بشهر
سرازیر کرده بودند از همین گونه اهانت بمقام روحانیت، معلم، دانشجو، دانش آموز، زنان و مردان و بطور
کلی تمام اصناف و طبقات در نظر داشتند در حالیکه از جانب مأموران انتظامی و مسئولان امر ضمن حمایت
شدید به اعمال ناجوانمردانه و خلاف انسانی تشویق میشدند و عملاً میخواستند روستائی زحمتکش
و تعدادی اوباش مست را که اجیر شده بودند روی اهالی محترم قرار دهند و جریان کرمان
و بعضی از شهرهای ایران را تکرار نمایند. اما مردم آگاه رضائیه با توجه به سفارشات روحانیت موضوع را
پیش بینی کرده و کمال صبر و شکیبائی و متانت را حفظ و با تدابیر خود جلو برادرکشی را گرفتند و نقشه
محرکین را نقش برآب کردند لذا امضاءکنندگان ذیل از طرف کلیه فرهنگیان رضائیه به اینگونه اعمال
خلاف قانون و اصول انسانی شدیداً اعتراض کرده و بعلت اینکه قاعداً:

۱- توهین بمقدسات دینی مبین اسلام و مراجع عالیقدر دینی ۲- بهم زدن نظم عمومی و تهدید مردم
۳- حمل چاقو و قمه و قداره و تهمائی با هرگونه اسلحه سرد یا گرم ۴- کشتار و کتک زدن مردم
۵- توهین بزنان و مردان و وادار کردن آنان به عنف و جبر برای شعار دادن و روشن کردن چراغ ماشین
۶- بوق زدن تا پاسی از شب در خیابانها و جلو بیمارستانها و سلب آسایش عمومی
۷- ورود هرگونه تراکتور و تریلی و لودر بطور دسته جمعی به خیابانهای شهر. ۸- حمله بمساجد و مراکز
دینی و منازل روحانیون ۹- کتک‌کاری دستگیرشدگان در مراکز انتظامی جرم بوده و قابل تعقیب
کیفری است بدینوسیله با تقدیم این بیانیه نسبت به عاملین و برپاکنندگان تظاهرات امنیت بربادده
فوق یعنی استاندار و فرماندار و رؤسای شهربانیهای آذربایجان غربی اعلام جرم نموده و تعقیب آنان
را خواستاریم و تا زمانیکه دست این عناصر که بنبه مه خود را در مقابل امنیت شهر غیرمسئول دانسته‌اند
از حکومت بر این مناطق و اهالی نجیب آن کوتاه نشده و تحت تعقیب قرار نگیرند بعلت نداشتن تأمین
جانی از طرف مأمورین انتظامی و اوباش از حضور در کلاس خودداری خواهیم کرد ضمناً از سه نفر وکلای
مجلس شورای ملی و یک نفر سناتور آذربایجان غربی که در این جریانات مهر سکوت برلب زده‌اند اظهار
تأسف نموده سلب اعتماد میکنیم امضاء کلیه معلمین بمقامات ذیصلاح ارسال شده است.
امضاء جامعه معلمان شهرستان رضائیه

اطلاعات
سه‌شنبه دوم آبان‌ماه
۱۳۵۷ـ شماره ۱۵۷۴۱
۲۲

۲۵ زندانی سیاسی دررضائیه اعتصاب غذا کردند

★ زندانیان سیاسی کرمانشاه دست ازاعتصاب غذا کشیدند .

رضائیه ـ ۲۵ تن اززندانیان سیاسی زندان رضائیه دستبه اعتصاب غذا زدند .

این عده باانتشار اعلامیه‌ای یادآور شدند ه ما زندانیان سیاسی زندان‌شهربانی رضائیه برای اعتراض به ۱۷ شهریور ونیز کشتار و اعمال فشار در شهر های دیگر و همبستگی باخاندان‌شهداو سایررزمندگان راه آزادی ملت ایران ازساعت ۸ صبح روز جمعه لغایت۲روز اعتصاب غذا می کنیم .

۲۴ صفحه
اطلاعات
چهارشنبه سوم آبان‌ماه ۱۳۵۷ ـ شماره ۱۵۷۴۲ تکشماره ۱۰ ریال

گزارش خبرگزاری‌های جهان درباره

مذاکرات تهران برای لغو خرید ۱۲ میلیارد دلار اسلحه

در صفحه آخر

تظاهرات خونین در قم، گرگان و همدان

همدان دیروز ۵ ساعت در آتش می‌سوخت

★ تیراندازی درحمله به ساواک گرگان

★ در تظاهرات قم عده‌ای مجروح شدند

رهبر جبهه ملی در مصاحبه با اطلاعات گفت در شرائط فعلی

مذاکره با آیت‌الله العظمی خمینی مهمترین اقدام است

اجتماع ۴۰ هزار نفری دانش‌آموزان و دانشجویان در دانشگاه تهران



دیروز هزاران دختر و پسر مسلمان نماز ظهر خود را در زمین چمن و دیگر نقاط محوطه دانشگاه تهران گزاردند. دانشگاه تهران تاکنون چنین صحنه‌ای بخود ندیده بود.

★ یک گروه شعار های مذهبی و گروهی شعار های دست چپی میدادند

★ درچند دانشگاه دیگردرتهران و شهرستانها نیز تظاهراتی انجام گرفت

★ اغلب مدارس تهران امروز نا آرام بود

مسکو در یک حمله شدید رادیوئی متهم کرد:

«سیا» میخواهد در ایران دولت نظامی سر کار بیاید

● سیاست شوروی همیشه بر احترام به حق حاکمیت و عدم مداخله در امور ایران بوده و هست

در صفحه آخر ستون سوم

اسامی کامل زندانیان سیاسی که امروز آزاد شدند

زندانیان سیاسی نحوه اعتراف گرفتن ماموران را شرح دادند

در زندان قصر برای صفر قهرمانیان قدیمی ترین زندانی سیاسی ۵ دقیقه کف زدند و هورا کشیدند.

★ شلاق و سوزاندن جزئی از شکنجه ها بود.

درصفحات ۲ـ آخر و ۲۱



دکتر کریم سنجابی

جبهه‌ملی معتقداست دولت نظامی خشونت‌را گسترش میدهد

اطلاعات | اخبار داخلی | سه‌شنبه نهم آبان‌ماه ۱۳۵۷ ـ شماره ۱۵۷۴۷ | ۱۷

کسب تکلیف در مورد وقایع رضائیه

● رضائیه ـ روحانیون رضائیه طی تلگرامی بحضرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری یادآور شده‌اند: روزهای ٤ و ٥ آبان بدستور مقامات محلی عده‌ای فریبخورده ازدهات اطراف رضائیه، با خنجرو چوب و چماق و کلنگ به شهر ریختهو با حمایت پلیس و دادن شعار های رکیکو اهانت به مقدسات مذهبی و مراجع دینی و ضرب و جرح عده‌ای بی گناه، امنیت شهر را بهم زدند. فروشگاهها و جان و مال مردم در خطر غارت و حریق واقع است. بدینوسیله اهالی متدین و مبارز رضائیه در انتظار اقدامات آن رهبر عالیقدر هستیم.

سید علی اکبر قرمباغی، محمد علی ملکی، سید علی اکبر قریشی، رضا ناصحی، سید جعفر صالحی، سید اسماعیل مولوی، حبیب مقدس، اکبر مولودی، سید عزیز محمدی، سید حسن انزابی، سیدحمید عدنانی.

اطلاعات

شنبه ششم آبان‌ماه
۱۳۵۷ــ شماره ۱۵۷٤٤

۴

تظاهرات موافقان

رضائیه ــ در چند روزگذشته به‌طرفداری‌از دولت‌تظاهراتی‌در رضائیه روی داد. تظاهر کنندگان را روستائیان اطراف شهرستان‌رضائیه‌تشکیل‌میدادند. این عده که با ماشین‌های‌باری، سواری و تراکتور به شهرآمده بودند در حالیکه‌در دستهایشان چوب و چماق و بیل دیده می‌شد ضمن‌گذشتن ازخیابانهای شهر به نفع دولت شعار می‌دادند. تاکنون هیچ‌برخوردی در جریان‌تظاهرات گزارش‌نشده است و پلیس مراقب اوضاع است

اطلاعات — اخبار داخلی — چهارشنبه دهم آبان‌ماه ۱۳۵۷ – شماره ۱۵۷۴۸ — ۲

گزارشی از وقایع رضائیه، آذرشهر و خرم‌آباد

در تظاهرات خونین آذرشهر ۱۲ نفر کشته شدند

اعلام جرم علیه استاندار

رضائیه ـ دیروز بیش از یک هزار نفر از فرهنگیان رضائیه سومین روز تحصن خود را پشت‌سر گذاشتند. این گروه که شبها نیز در محل تالار دادگستری رضائیه می‌خوابند اعلام جرمی علیه مهندس دهستانی استاندار آذربایجان غربی، جمال کامران فرماندار رضائیه، تیمسار سرتیپ افضلی و رئیس شهربانی استان تنظیم و به دادستان شهرستان رضائیه تسلیم کردند.

در میان معلمان رضائیه نمایندگان دانشجویان، استادان دانشگاه رضائیه، روحانیون، اصناف و کانون وکلا نیز که همبستگی خود را از آنها اعلام داشته‌اند دیده میشدند.

جالب اینکه به تعداد متحصنین دادگستری رضائیه روز بروز افزوده میشود.

ساعت دو بعدازظهر دیروز نمایندگان شهرستان خوی وارد رضائیه شدند و ضمن اعلام همبستگی با متحصنین، به اجتماع آنان پیوستند. در سومین روز تحصن معلمان رضائیه، پنج کمیته زیر نظر یک ستاد مرکزی تعیین و شروع بکار کردند این ۵ کمیته عبارتند از: کمیته‌های روابط عمومی، انتظامات، تدارکات انتشارات و تبلیغات و تعقیب پرونده و اعلام جرم.

همچنین از طرف دادستان شهرستان رضائیه، علی‌زاده بازپرس شعبه اول، مامور تحقیق و رسیدگی به اعلام جرم معلمان شد. متحصنین دادگستری رضائیه، صبحانه، ناهار و شام را در همان محل صرف می‌کنند و هنگام نماز به «نماز جماعت» می‌ایستند.

اطلاعات — اخبار داخلی — چهارشنبه دهم آبان‌ماه ۱۳۵۷ـ شماره ۱۵۷۴۸ — ۱۸

اعتصاب، تظاهرات و راه‌پیمائی در شهرستانها ادامه دارد

تحصن

● رضائیه ـ پس از اعلام همبستگی استادان و دانشجویان دانشگاه رضائیه: اصناف، استادان دانشگاه آزاد، وکلا و کارمندان دادگستری و کارمندان نواحی آموزش و پرورش ناحیه یک و دو رضائیه برای بست نشستن به تعداد متحصن شدگان تالار دادگستری آذربایجان غربی پیوستند.

«امیر ماشالله بوزچلو» یکی از وکلای دادگستری رضائیه طی پیامی گفت: از طرف احمد بنی‌احمد نماینده مردم تبریز در مجلس‌شورای ملی و رهبر اتحاد برای‌آزادی نیز اعلام همبستگی شده‌است، همچنین کانون وکلا و جبهه ملی نیز اعلام کرده‌اند که در مرکز پشتیبان خواست های متحصن شدگان در تالار دادگستری آذربایجان غربی هستند. همچنین نمایندگان علما و روحانیون طراز اول شهر رضائیه نیز با سخنرانی هائی اعلام همبستگی کردند و به متحصن شدگان پیوستند.

ساعت ۱۲ ظهر وکلای دادگستری با اعلام همبستگی، اطلاعیه‌ای مبنی بر محکوم کردن‌عوامل تظاهرات‌دستوری و ضد مردم صادر کردند.

این گروه اعلام کردند تا برکناری ۳ تن از عاملان‌حادثه روز های چهارم و پنجم آبان در رضائیه، دست ازتحصن برنخواهند داشت.

۴ پنجشنبه یازدهم آبان‌ماه ۱۳۵۷ـ شماره ۱۵۷۴۹ اخبار داخلی

شکایت خبرنگار اطلاعات به دادستان رضائیه

رضائیه ـ صمد صدیقی خبرنگار روزنامه اطلاعات در رضائیه که در جریان تهیه گزارش از واقعه آتش‌سوزی «کلوب ایران» رضائیه مورد اهانت و ضرب شتم قوای انتظامی قرار گرفته بود شکوائیه‌ای در این خصوص تسلیم دادستان این شهر کرد. درپی این واقعه خبرنگاران مطبوعات در شهرستان رضائیه نیز نامه شکایت آمیزی به سندیکای نویسندگان و خبرنگاران جراید کشور ارسال داشتند. با پخش خبر این واقعه از رادیو و تلویزیون رضائیه معلمین این شهر نیز که در دادگستری بست نشسته‌اند تنفر خود را ابراز داشتند. خبرنگار اطلاعات هنگامی که باتفاق کاظم نیکرفتار نماینده اطلاعات در رضائیه و مسعود نجاری آذر، خبرنگار خبرگزاری پارس برای تهیه گزارش عازم محل واقعه آتش‌سوزی بود مورد حمله ماموران قرار گرفت و مضروب شد.

اطلاعات
شنبه سیزدهم آبان‌ماه ۱۳۵۷ـ شماره ۱۵۷۵۰
۲

سانسورهنوز وجوددارد

رضائیه ـ بیانیه شماره سه جامعه هیات علمی رضائیه منتشر شد. در این بیانیه آمده است :

حوادث شرم‌آور نمایشی روزهای سوم و چهارم و پنجم آبانماه باعث شد تا جامعه هیات علمی دانشگاه رضائیه تمامی‌هفته همبستگی ملی را که سازمان ملی دانشگاهیان ایران اعلام‌کرده بود همپای برادران مبارز فرهنگی خود در دادگستری رضائیه به تحصن بگذرانند. دانشگاهیان رضائیه‌اعلام می دارند که با وجود پایان اعلام همبستگی‌ملی که‌ازروز ۶ تا۱۱ آبان بود ، تا حصول‌نتیجه قطعی‌به‌تحصن خود در دادگستری ادامه خواهند داد .

بنابراین در تمام مدت‌تحصن کلیه فعالیت های آموزشی‌و پژوهشی دانشگاه رضائیه کماکان تعطیل خواهد بود.

ما یکبار دیگر همگامی و همدردی خود رابابرادران فرهنگیمان‌خاطرنشان ساخته و مصمم هستیم تا پایان مبارزه همدوش آنان‌بجنگیم.

همچنین جامعه هیات علمی طی‌تلگرامی که رونوشت‌آن به کانون وکلا انجمن ملی نویسندگان ایران ـ کمینه دفاع از حقوق بشر ـ مطبوعات کشوروخبرگزاری پارس ارسال‌شده استمتذکر شده‌اند که هنوز سانسور وجود دارد و دلیل آن بازداشت به آذین نویسنده معروف است این جامعه همچنین خواستار آزادی وی شده‌اند .

کیهان
یکشنبه ۱۴ آبان ۱۳۵۷
٤ ذیحجه ۱۳۹۸ - شماره ۱۰۶۰٤

قطعنامه جامعه اصناف رضائیه

جامعه اصناف رضائیه طی صدور قطعنامه‌ای که به امضاء گروه کثیری از بازاریان رضائیه رسیده است ضمن اعلام انزجار از حوادث اخیر رضائیه که عده‌ای چماق‌بدست جامعه شهری را مورد اهانت قرار داده‌اند و خواستهای سیاسی خود را ۱۳ مورد اعلام کرده، و با اعلام پشتیبانی از جامعه روحانیت دانشگاهیان و جامعه فرهگیان کشور از مسئولان خواهان رسیدگی فوری به خواسته‌های خود کرده‌اند.

در قطعنامه بازاریان رضائیه که رونوشت آن به آیت‌اله شریعتمداری و جمعیت حقوق بشر، کانون وکلا، جمعیت حقوقدانان، اتحاد برای آزادی، جمعیت حقوقدانان فرستاده شده آمده است ما جامعه اصناف و پیشه‌وران رضائیه پیرو اجتماع پرشکوه مورخه ۵۷/۸/۷ با اطلاع کامل از اوضاع کنونی میهنمان قطعنامه زیر را اعلام و از کلیه مسئولان در سطح شهر و مملکت که بنحوی از انحاء میتوانند خواسته‌های مشروع و قانونی ما را فراهم نمایند در اسرع وقت اقدام نمایند.

۱- لغو حکومت نظامی در سراسر کشور

۲- آزادی کلیه زندانیان سیاسی بدون قیدوشرط.

پشتیبانی از جامعه روحانیت دانشگاهیان و جامعه فرهگیان کشور از مسئولان خواهان رسیدگی فوری به خواسته‌های خود کرده‌اند.
در قطعنامه بازاریان رضائیه که رونوشت آن به آیت‌اله شریعتمداری و جمعیت حقوق بشر، کانون وکلا، جمعیت حقوقدانان، اتحاد برای آزادی، جمعیت حقوقدانان فرستاده شده آمده است ما جامعه اصناف و پیشه‌وران رضائیه پیرو اجتماع پرشکوه مورخه ۵۷/۸/۷ با اطلاع کامل از اوضاع کنونی میهنمان قطعنامه زیر را اعلام و از کلیه مسئولان در سطح شهر و مملکت که بنحوی از انحاء میتوانند خواسته‌های مشروع و قانونی ما را فراهم نمایند در اسرع وقت اقدام نمایند.
۱- لغو حکومت نظامی در سراسر کشور
۲- آزادی کلیه زندانیان سیاسی بدون قیدوشرط.

۳- فراهم آوردن شرایط مساعد جهت بازگشت حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی.

٤- برکناری عبدالعلی دهستانی استاندار- رئیس شهربانی، فرماندار، فرمانده ژاندارمری.

۵- سلب اعتماد از نمایندگان رضائیه در مجلس(علی نظمی، غلامعلی قاسمی، توتونچی افشار و کریم ورهرام.

٦- انحلال اتاق اصناف رضائیه.

۷-انحلال ساواک.

۸- کلیه جامعه اصناف و پیشه‌وران رضائیه مراتب همدردی و کمال پشتیبانی خود را از خواستهای مشروع مراجع تقلید و جامعه روحانیت اعلام میداریم.

۹- با توجه و ارزیابی حوادث ننگین روزهای سوم و چهارم و پنجم آبان‌ماه سال ۵۷ در این شهر که عده‌ای از اراذل و اوباش محلی و با دستیاری مزدوران دیگر که به غلط در جامعه بنام کشاورزان عزیزمان معرفی شده‌اند با چوب و چماق و دشنه و کارد و داس و تبر جامعه شهری را مورد اهانت و ضرب و شتم قرار داده بودند تنفر شدید خود را اعلام و مصرا خواستاریم که کلیه مسببین و محرکین این حادثه را طبق قانون اساسی مجازات نمایند. ما جامعه اصناف به کشاورزان عزیز و آگاه یادآور میشویم ای برادر کشاورز دست اتحاد و اتفاق شما با دستهای برادران شهری قرنها بهم قفل شده‌اند و اعمال ناشایست گروهی کشاورزنما، نمی‌تواند بنام دهقانان عزیز و هموطن اعلام شود. ما میدانیم خواست شما برادران کشاورز با جامعه اصناف و روحانیت و تمام ملت ایران یکی است و بدین جهت مسببین و محرکین این حادثه را شدیداً خواستاریم.

۱۰- جامعه اصناف و پیشه‌وران رضائیه مصرا خواستار آنند که تمام دستگاههای مسئول

شده‌اند با چوب و چماق و دشنه و کارد و داس و تبر جامعه شهری را مورد اهانت و ضرب و شتم قرار داده بودند تنفر شدید خود را اعلام و مصرا خواستاریم که کلیه مسببین و محرکین این حادثه را طبق قانون اساسی مجازات نمایند. ما جامعه اصناف به کشاورزان عزیز و آگاه یادآور میشویم ای برادر کشاورز دست اتحاد و اتفاق شما با دستهای برادران شهری قرنها بهم قفل شده‌اند و اعمال ناشایست گروهی کشاورزنما، نمی‌تواند بنام دهقانان عزیز و هموطن اعلام شود. ما میدانیم خواست شما برادران کشاورز با جامعه اصناف و روحانیت و تمام ملت ایران یکی است و بدین جهت مسببین و محرکین این حادثه را شدیداً خواستاریم.
۱۰- جامعه اصناف و پیشه‌وران رضائیه مصرا خواستار آنند که تمام دستگاههای مسئول

برابر قانون اساسی و متمم آن و با احساس مسئولیت حافظ جان و مال و ناموس شهر علی‌الخصوص جامعه اصناف باشند و مسامحه و کوتاهی در این امر را شدیداً محکوم می‌کنیم

۱۱- جامعه اصناف رضائیه با توجه به مسئولیت میهنی خود مراتب پشتیبانی کامل و همبستگی خود و خواستهای مشروع قانونی و بحق جامعه فرهنگیان رضائیه را اعلام داشته و خواستارند که مقامات مسئول نسبت به برآوردن خواستهای جامعه فرهنگیان هر چه زودتر عمل کنند.

اطلاعات
یکشنبه چهاردهم آبان‌ماه ۱۳۵۷– شماره ۱۵۷۵۱
۲

متحصنین رضائیه اعتصاب غذا کردند

رضائیه– خبرنگار اطلاعات

روحانیون، فرهنگیان، دانشگاهیان و اصناف متحصن در کاخ دادگستری رضائیه اقدام به انتشار یک بیانیه مشترک کردند و طی آن طبقات مختلف مردم را دعوت کردند تا به آنها بپیوندند.

اعتصاب غذا

متحصنین کاخ دادگستری رضائیه همچنین تلگرامی به عنوان حضرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری مخابره کردند و رونوشت آنرا برای کانون وکلای دادگستری، کمیته دفاع از حقوق بشر، کمیسیون عرایض مجلس شورایملی و سازمان ملی دانشگاهیان فرستادند.

متن تلگرام بشرح زیر است:

بمنظور اعتراض به اعمال وحشیانه و غیرانسانی روزهای ۳، ۴ و ۵ آبانماه که در رضائیه رخ داده است و درخواست برکناری و مجازات مسببین حادثه، روحانیون، فرهنگیان، دانشگاهیان و اصناف رضائیه از تاریخ هفتم آبانماه در سالن دادگستری این شهر متحصن شده‌اند که متعاقب آن بیش از چهل سازمان دولتی و غیردولتی پشتیبانی خودرا از گروههای متحصنین اعلام داشته‌اند از آنجائیکه در مدت این هفته تحصن هیچ مقام مسئولی به خواستهای این گروه عظیم، مبارز و روشنفکر مملکت ترتیب اثری ندادند لهذا از تاریخ ۱۴ آبانماه (امروز) علاوه بر ادامه تحصن در سالن دادگستری بمنظور پیگیری مبارزات و تشدید اعتراضات بمدت ۴۸ ساعت اقدام به اعتصاب غذا می‌کنیم و درصورتیکه این‌بار نیز از طرف مقامات مسئول اقدامی در جهت حصول خواستهای ما بعمل نیاید دست به اقدامات شدیدتری خواهیم زد.

کاخ دادگستری: روحانیون، فرهنگیان، دانشگاهیان و اصناف رضائیه.

اطلاعات — اخبار داخلی — شنبه ۱۶ دی ۱۳۵۷ برابر با ۶ ژانویه ۱۹۷۹ ـ شماره ۱۵۷۵۲ — ۵



مهدی نیک فرجام — عبداله کمیائی رضائی — غلامحسین حاجی‌زاده — نبی جعفرزاده — غلامحسین رشیدی — مختارمظاهری — قربانعلی حسین‌زاده

قربانیان پنجشنبه خونین

✱ رضائیه ـ در پی بازداشت دو نفر از نمایندگان معلمین «سردشت» مهاباد مردم در خیابانها دست به تظاهرات زدند و در نتیجه دخالت ماموران ده نفر کشته و بیش از ۳۰ نفر مجروح شدند.

غروب روز شنبه یازدهم آبانماه در جریان تظاهرات خیابانی رضائیه جوانی بنام غلامحسین رشیدی کشته شد.

پس از مراسم تشییع جنازه این جوان به پیشنهاد جامعه روحانیت نام شهر رضائیه به «ارومیه» مهاباد به «مکریان» و شاهپور به «سلماس» تغییر یافت.

روز پنجشنبه ۲۳ آذر ماه را مردم رضائیه (ارومیه) پنجشنبه در خیابان عسگر آبادی حدود یکصد نفر چماق بدست که قصد آتش زدن مسجد اعظم را داشتند با مردم درگیر شدند.

چند لحظه بعد حسن زاده رئیس بانک بازرگانی شعبه مرکزی (پهلوی) از لای در بانک گلوله‌ای با تفنگ شکاری شلیک کرد و سپس گریخت. با شلیک گلوله از سوی حسن زاده ماموران ژاندارمری و شهربانی بسوی تظار کنندگان آتش گشودند که در نتیجه ۶ نفر کشته و بیش از ۴۰ نفر مجروح شدند.

قربانیان این درگیری عبارت بودند از:

قربانعلی حسین زاده ۲۶ ساله، غلامحسین حاجی زاده ۲۶ ساله، عبداله (خسرو) کیمیائی رضائی ۳۲ ساله، مختار مظاهری ۵۱ ساله، نبی حعفرزاده ۲۶ ساله و مهدی نیک فرجام ۳۰ ساله در جریان این تظاهرات بانک اعتبارات، بانک بازرگانی، بانک ایرانشهر و بانک صادرات شعبه پهلوی بکلی سوخت

در پی کشته شدن کامران نجات اللهی استاد دانشکده پلی تکنیک تهران و حمله ماموران انتظامی به بیمارستان شاهرضا (امام رضا) ی مشهد راه پیمائی و تظاهرات عظیمی از طرف طبقات مختلف مردم رضائیه (ارومیه) در خیابانها بر پا شد.

اطلاعات — درشهرستانها — دوشنبه ۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شماره ۱۵۷۶۶ — ۳

قتل با گلوله

ارومیه (رضائیه) ـ جوان ۲۶ ساله‌ای در خیابان «اقبالی» ارومیه (رضائیه) بضرب گلوله کشته شد.

وی حسین ساربان نامداشت و بهنگام میانجیگری در نزاع ماموران با چند ناشناس، هدف شدن اسلحه استوار فکری انتقال به بیمارستان جانباخت.

اطلاعات — اخبار داخلی — سه‌شنبه ۳ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ — شماره ۱۵۷۶۷ — ۲

فرمانده لشگر رضائیه :

نظامیان تندرو در غیاب من به خیابانها ریخته‌اند

ارومیه (رضائیه) خبرنگار اطلاعات :

دیشب تیمسار سرلشکر هومان فرمانده لشکر رضائیه‌در یک پیام رادیوئی که از رادیو رضائیه پخش شد اظهارداشت عده‌ای از نظامیان تندرو در غیاب وی که در ماموریت بوده به شهر ریخته و اقدام به تیراندازی کرده‌اند.

فرمانده لشکر رضائیه در پیام رادیوئی خود افزود:

در این درگیری یک نظامی کشته و ده نفر دیگرمجروح شده‌اند این خاطیان بطور قطع تعقیب و مجازات خواهند شد.

ساعت ٦ بعدازظهر دیروز با کشته شدن یک مرد ۲۳ ساله که بااتومبیل خود دریکی از خیابانهای شهررضائیه در حرکت بود تعداد قربانیان حوادث دیروز به ٥ نفر رسید.

وی حسین اعطائی نام داشت و در جریان تیراندازی از سوی ماموران بسوی مردم هدف گلوله قرار گرفت.

زدوخورد در رضائیه

روابط عمومی ستاد بزرگ ارتشتاران اعلام کرد: در ساعت یازده و سی دقیقه ۲ر۱۱ر۵۷ طی درگیریهائی که بین گروههائی از موافقین ومخالفین در شهرستان‌رضائیه بوقوع پیوست عده‌ای کشتهو مجروح شدند. در این حادثه مامورین انتظامی بمنظورایجاد حفظ نظم واستقرار آرامش مداخله نمودند که در نتیجه دوتن از ماموران نظامی‌کشته و۱۳ مامور دیگر زخمی‌شدند دراین حادثه همچنین ٦ نفر از غیرنظامیان مجروح گردیدند.

۲ نفر نظامی کشته شده در حوادث دیروز رضائیه یکنفر درجه‌دار و یک نفر سرباز بوده است.

از ۱۳ مجروح نظامی ، ۲ نفر درجه‌دار ، ۲ نفر سپاهی و ۹ نفر سرباز بوده‌اند.

سه‌شنبه ۳ بهمن‌ماه ۱۳۵۷
شماره ۱۵۷۶۷
۳

اسامی ۶۲ زندانی آزاد شده در شهرستانها

دیروز ۶۲ زندانی‌سیاسی در شهرهای مختلف کشور آزاد شدند. اسامی این گروه و شهرهائی که در آنجا زندانی بودند، بشرح زیر است:

اصفهان

حسن قمی-عباس‌یادگاری - مجید سید معلمی - اصغر کمفی - محسن اخباریه - سید محمود حسینی فروهر - اصغر باباشاهی -مسعود اوغانیان - محمدرضافقیهی - مصطفی مرتضوی -محمد رضا بهرامی- محمودقاضی - حسین طاهری.

مشهد

عبدالعلی قهرمان‌زاده - هوشنگ دلخواه - محمد جواد رضائیان - مرتضی توکل‌آشوری - محمدحسن زریف جلالی رودخانگی - محمود عطائی کاریزی - مسعود هاشمی نخعی.

رضائیه

اکبر فتورائی - رضاباکری- محمد تقی افشائی نقده - حمید گلدوست - علی‌نوری حسین - شاهین رشیدی - ابراهیم ابراهیمی - احمد ملائی - کریم خضری

شیراز

حسین خوشنویس - حسن فرزانه - علیرضا شکوهی - بهرام قبادی - عبداله قوامی کهکیلویه - احمد احمدی - ابراهیم‌آوخ - مسعود اسماعیل خانیان - عبدالنبی معظمی جهرمی

تبریز

احمد محمدی خلج - ابراهیم دین‌خواه - حسین علی‌نژاد محرمعلی - احمد گوارونی - فتح‌اله‌خامنه‌ای

بروجرد

محمد حسن دستپرورده

کرمان

محمد شیخ‌بیک گوهرریگی - امیرحسین ناصری

اهواز

محمد علی سماوات - عبدالرضا افضل‌اله -حسین علی - عباسعلی مومنی‌زاده شوشتر

کرمانشاه

محمد تقی سید احمدی - حیدر راشی - کیومرث شکری‌زاده- اردشیرشعبانی

سنندج

آنوره کریمی- سیدخلیل (شلیل) سید احمدیان

رشت

علی مظهری سرمدی

ضمنا آخر وقت هم اطلاع رسید که نادرزرکار هم آزاد شده است

اطلاعات
پنجشنبه ۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۷
شماره ۱۵۷۶۹
۲

درحمله نظامیان شورشی ۵ نفر از مردم ارومیه شهید شدند

ارومیه (رضائیه)- خبرنگار اطلاعات

در جریان حمله نظامیان شورشی در روز دوشنبه دوم بهمن‌ماه به مردم‌ارومیه ۵نفر از مردم شهید شدندو بیش از ۳۰نفر دیگرمجروح شدند.

نظامیان شورشی ساعت ۱۱ونیم صبح حمله خودرا آغاز کردند و ضمن پاره کردن عکسهای حضرات آیات عظام ، به ساختمان دادگستری حمله برده و همچنین گنبد مسجد «اعظم» را به توپ بستند.

نظامیان‌شورشی بامسلسل شیشه‌های اغلب مغازه‌ها و ادارات و منازل را درهم شکستند و طی آن مردم مسلح ارومیه نیز به مقابله با آنها پرداختند.

در این مقابله ۵ نفر که ٤ نفر آنها قهرمان‌جو ، محمدباقر لاله‌دوست ، بهبه سرگیزی و حسین اعطایی بودند، شهید شدند و بیش از ۳۰ نفر دیگر از مردم مجروح‌شدند وبه‌بیمارستان ها انتقال یافتند.

عده‌ای‌ازنظامیان شورشی نیز کشته و مجروح شدند.

دوشنبه ۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۷
شماره ۱۵۷۷۱
۷

هشدار لشگر رضائیه به دارندگان اسلحه

رضائیه خبرگزاری پارس لشکر ٦٤ رضائیه طی انتشار اطلاعیه‌ای موادی از قانون مربوط به تجدید مجازات قاچاق‌قانون اسلحه‌و مهمات‌و قاچاقچیان مسلح مصوب بهمن ماه ۱۳۵۰ آئین‌دادرسی وکیفر ارتش را انتشارداد. در این اطلاعیه گفته شده است اطلاعات واصله حاکی است که‌عده‌ای‌براثرتحریکات اشخاص مغرض ناآگاهانه و بدون اینکه از مجازات مربوطه آگاه باشند تعدادی اسلحه غیرمجازتهیه‌کرده‌اند. در این اطلاعیه ضمن‌تشریح مواد یک ودو قانون‌مربوط به تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات وقاچاقچیان مسلح گفته شده است با اعلام مراتب فوق آنچه مورد اطمینان و باعث خوشوقتی است این است که این اهالی محترم‌رضائیه نیستند که مبادرت به خریدو فروش و تهیه‌وحمل اسلحه مینمایند و این‌قبیل اعمال‌که بوسیله افراد غریبه و خارج از منطقه انجام میگیرد موجبات ناراحتی و نارضائی شدید آنان‌را فراهم نموده است .بهر صورت چون فرماندهی لشکر ٦٤ پیاده مسئولیت حفظ امنیت منطقه را بعهده داشته و تا سرحدامکان مایل به عمل خشونت‌آمیز نمی‌باشد بدین وسیله مراتب را اعلام و انتظار دارد که این تذکرخیر خواهانه مورد توجه عموم قرار گرفته و موجبات هیچگونه ناراحتی برای هیچ فردی بوجود نیاید .

[گزارش ساواک از هسته‌ی اصلی سازماندهی کنندگان تظاهرات در ارومیه]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

خیلی محرمانه
طبقه بندی حفاظتی

برگ خبر

درجه فوریت

شماره : ۲۰۲۱ــ۱۱۰ــ۰۴ــ۵۰۷

تاریخ : ۱۳۵۷/۸/۱۴

۱ ـ به :

۲ ـ از : ژ ـ کشور (سازمان ضد اطلاعات) ۳۰ژ ۷ ـ گیرنده ریاست ساواک استان آذربایجانغربی جهت

الف استحضار.

۳ ـ تاریخ وقوع :

ب تیمسار ریاست شهربانیهای آذربایجانغربی ـ

۴ ـ منشاء :

پ جهت استحضار.

۵ ـ شماره منبع :

ت

۶ ـ موضوع : تشکیل جلسه وتحریک مردم

ث

خبرواصله حاکیست.

اشخاص مشروحه زیرکه از اعضاء فعال حزب پان ایرانیست و جبهه ملی میباشند اخیراً باهم متحد شده ومبادرت به تشکیل جلسات نموده اند تا به تظاهر کنندگان آرایش دهند ودر مواقع لزوم آنان را تجهیز نمایند.

۱ــ اسمائیل الهخان بزچلو وکیل دادگستری ۲ــ رفیع تهرانچی مالک سابق ۳ــ جعفری دبیرزبان عربی دبیرستانها وبشغل اعضاء انجمن شهرستان رضائیه اشتغال دارد.

۴ــ رئیس شرکت مینو ۵ــ آقای طراحی ۶ــ ملاحسنی رئیس دفترخانه شماره ۱

در پرونده [illegible] ۸/۱۳

در پرونده [illegible] بایگانی شود.

خیلی محرمانه

ملاحظات حفاظتی

۲۷۵

ارزیابی خبر : احتمالاً صحت دارد.

فرم ۰۲۹۳ ژ ـ ك ۷۵۰۰۰ ب

خیلی محرمانه

طبقه بندی حفاظتی

برگ خبر

درجه فوریت

شماره : ۰۴۰ل – ۲–۰۶–۵۰۱

تاریخ : ۱۳۵۷/۸/۱۴

۱ ـ به :

۲ ـ از : ژ ـ کشور (سازمان ضد اطلاعات) ۲۰۳

۳ ـ تاریخ وقوع :

۴ ـ منشاء :

۵ ـ شماره منبع :

۶ ـ موضوع : تحریک وتهدید اهالی روستاها

۷ ـ گیرندگان : ریاست ساواک استان آذربایجان غربی جهت

الف استحضار ·

ب تیمسار ریاست شهربانیهای آذربایجان غربی جهت

پ استحضار ·

ت ر ـ ر ۲ ـ ۳۰۲ ژ جهت هرگونه اقدام ·

ث

خبر واصله حاکیست ·

اخیراً اشخاص مشروحه زیر تعدادی از دانش آموزان وافراطیون مذهبی را تحریک نموده اند به روستاها بروند وآنان را تهدید نمایند مبنی بر اینکه چنانچه نگویند استاندار وفرمانده ژاندارمری وسایر رؤسای ادارات ما را تحریک به آمدن شهر نموده اند کلیه اموال واحشام آنان را به آتش خواهند کشید وهمچنین کلمات تهدید آمیزی در دیوار روستاها به تحریک اشخاص مزبور نوشته شده است ·

۱ ـ آقای جعفری دبیر زبان عربی وانجمن شهر ۲ ـ ماشاالله خان بزچلو وکیل دادگستری

۳ ـ رفیع تهرانچی مالک سابق ۴ ـ ملاحسنی رئیس دفترخانه شماره ۱

۵ ـ حاجی قریشی ۶ ـ ملاقره باغی ۷ ـ تعداد زیادی از آموزگاران روستاها که

بحالت تحصن بسر میبرند ·

[illegible]

۸/۱۸

ملاحظات حفاظتی

خیلی محرمانه

۲۷۵

ارزیابی خبر : احتمالاً صحت دارد ·

فرم ۰۲۹۳ ژ ـ ك ۷۵۰۰۰ ب

[illegible]

فوریت

طبقه بندی

گزارش خبر

صفحه ...... از ...... صفحه

نسخه ...... از پنج نسخه

۱ ـ به: [illegible] اداره دوم (۳۲۲) ک ۴۲۲

۲ ـ از: (۱۱ز) ستاد [illegible] ۱۴ ساده

۳ ـ شماره: ۱۰۴/۱۱۶۶

۴ ـ تاریخ: ۱۳۵۷/۱/۲۱

۵ ـ پیوست

۶ ـ گیرندگان

۷ ـ منبع: ۹۷۸۶۱

۸ ـ منشاء: شهرستان رضائیه

۹ ـ تاریخ وقوع: ۱۳۵۷/۶/۸

۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۱۳۵۷/۶/۱۵

۱۱ ـ تاریخ رسید خبر به افسر عملیات: ۱۳۵۷/۶/۱۵

۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

بازگشت

پیرو

موضوع: اخلالگران

برابر اطلاع واصله آقای سیروس رضائی دبیر هنرستان صنعتی شهرستان رضائیه در مورخه ۵۷/۶/۸ در محوطه هنرستان صنعتی ضمن تحریک [illegible] و [illegible] تمثال [illegible] ۶۶ را پاره و به آن اهانت نموده است.

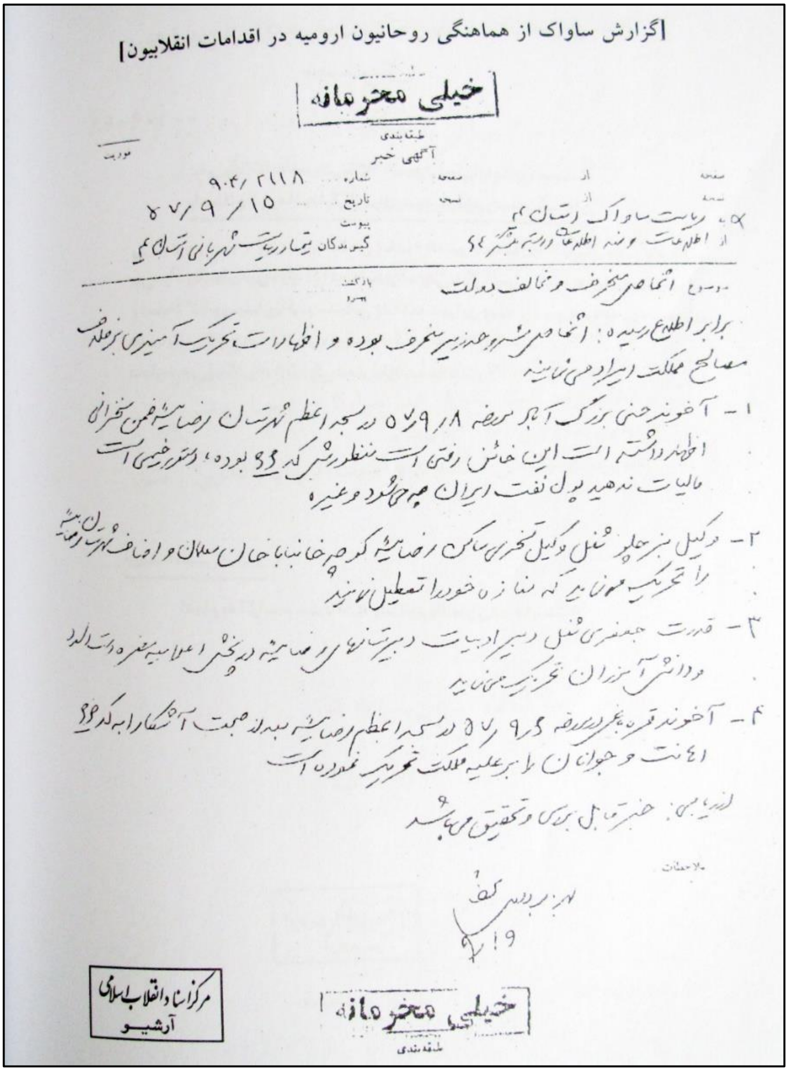
ملاحظات: خبر قابل بررسی است. در این مورد با ساواک و شهربانی استان هم‌آهنگی گردید.

ملاحظات:

[illegible] ۲۲/۷/۵۷

طبقه بندی

۱۱۶۲



[گزارش ساواک از هماهنگی روحانیون ارومیه در اقدامات انقلابیون]

خیلی محرمانه

طبقه‌بندی

آگهی خبر

شماره ۹۰۴/۲۱۱۸

تاریخ ۵۷/۹/۱۵

پیوست

به ریاست ساواک استان ۱۴

از اطلاعات و منبع اطلاعات ورشته ... ۲۶

گیرندگان تیمسار ریاست شهربانی استان ۱۴

موضوع اشخاص منحرف و مخالف دولت

برابر اطلاع رسیده: اشخاص مشروحه زیر منحرف بوده و اظهارات تحریک آمیزی برخلاف مصالح مملکت ایراد می‌نمایند

۱- آخوند حسنی بزرگ آباد در مورخه ۵۷/۹/۸ در مسجد اعظم شهرستان رضاییه ضمن سخنرانی اظهار داشته است این خائن رفتنی است منظورش که ۳۳ بوده، دستور خمینی است مالیات ندهید پول نفت ایران چه می‌شود و غیره

۲- وکیل منبر حلو شغل وکیل تجری ساکن رضاییه کوچه خانبابا خان سلطان و اضافه شهرستان رضاییه را تحریک می‌نماید که نماز خود را تعطیل نمایند

۳- قدرت جعفری شغل دبیر ادبیات دبیرستانهای رضاییه در پخش اعلامیه مضره دست دارد و دانش آموزان تحریک می‌نماید

۴- آخوند قره بگلو در مورخه ۵۷/۹/۶ در مسجد اعظم رضاییه بعد از صحبت آشکارا به ۳۳ اهانت و جوانان را برعلیه مملکت تحریک نموده است

ارزیابی: خبر قابل بررسی و تحقیق می‌باشد

ملاحظات

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

خیلی محرمانه

طبقه‌بندی

نخست وزیری

اداره حفاظت

از رضائیه ...... بتاریخ ۷/۹/۱۹ ...... ۱۳۵ شماره ۱۱-۴۰۰ ۵/م

تیمسار ارتشبد ازهاری نخست وزیر

طبق گزارش شهربانی ساعت ۱۲۵۰ روزجاری پس ازخاتمه برنامه مسجداعظم که محل تحریک جوانان است عده ای ازجوانان طبقات مختلف ضمن سوزاندن لاستیک وبندآوردن راه وتظاهرات باسنگ ومیله آهنی وشکستن شیشه شعبه راهنمائی قصدآتش زدن داشتندکه بوسیله آب پاش وگازاشک آورمتفرق میگردنددرپی همین عده افرادیگری هم به تظاهرکنندگان ملحق وبه مامورین حمله ورمیشوندکه دوافسرویک پلیس بوسیله سنگ مضروب وازبین تظاهرکنندگان صدای تیرشنیده میشود ومامورین به شلیک تیرهوائی مبادرت درنتیجه یک نفربچه ۱۳ ساله که ازطبقه دوم تماشامینموده دراثراصابت گلوله فوت و ۳ نفرزخم برمیدارند که به بیمارستان بستری وحالشان وخیم نیست مراقبت کامل درتمام منطقه طبق دستورادامه دارد .

۱۳۵۷/۹/۱۸ – م/۳۵۸۹ سپهبدکریم ورهرام – استاندار

از ــ (۹ ا ز) ستاد لشگر ۶۴ پیاده   شماره ۱/۳۵/۱۹/۰۲/۰۰۴/۵۰۴/۹۰۴

به ــ تیمسار ریاست اداره دوم (۳۳۲ د)   تاریخ ۱۳۵۷/۹/۱۶

موضوع ــ صورت اسامی محرکین و اخلالگران

بازگشت به مکالمه تلفنی مورخه   ۱۳۵۷/۹/

مقام عالی را آگاه میسازم:

بدینوسیله تعداد ۱ برگ صورت اسامی محرکین و اخلالگران منطقه استان آذربایجان غربی همراه یکبرگ نحوه استفاده از سلاحهای سرد و گرم وسیله غیرنظامیان و همچنین تهدیداتی که روی پرسنل نظامی انجام شده جهت هرگونه اقدام مقتضی بپیوست تقدیم میگردد. ص

ف ــ اطلاعات و ضد اطلاعات وابسته بلشگر ۶۴ سرگرد خلیل ــ لازم

رونوشت [illegible] فلاحیه

ردیف	درجه	اسم شهرت	نوع فعالیت و شدت فعالیت مضره			شغل	نشانی محل سکونت
			۱	۲	۳		
۱۴۶	غیرارتشی	رضا رضازاده	×	—	—		دبیر دبیرستان رضاشاه کبیر رضائیه
۱۴۷	=	فرمان مکاری	—	×	—		نفت فروش شعبه دروازه شاهپور رضائیه
۱۴۸	خانم	مونس قدوی	×	—	—	مدیر	دبیرستان دخترانه مهر رضائیه
۱۴۹	خانم	کتایون فلاحیت	×	—	—	دبیر	آموزش و پرورش شهرستان رضائیه
۱۵۰	=	ثریا نقی زاده	×	—	—	دبیر	= = = = =
۱۵۱	=	مهناز اقدمی	×	—	—	=	= = = = =
۱۵۲	=	حق باری	×	—	—	=	= = = = =
۱۵۳	=	کاظم نیما	×	—	—	=	= = = =
۱۵۴	=	دارائی	×	—	—	=	= = = = =
۱۵۵	=	اردلان	±	×	—	=	= = = = =
۱۵۶	غیرارتشی	سیامک طرزی	—	×	—	=	= = = = =
۱۵۷	=	حمیدی	×	—	—	=	= = = = =
۱۵۸	آخوند	بوشبو	×	—	—	واعظ	= = = =
۱۵۹	غیرنظامی	سیروس رضائی	×	—	—	دبیر	رضائیه هنرستان صنعتی رضائیه
۱۶۰	= =	سید عزیز محمدی	×	—	—	—	
۱۶۱	= =	مجید سلیمی	×	—	—	عکاس وخبرنگار	روزنامه اطلاعات رضائیه
۱۶۲	= =	اکبر داودی	×	—	—	—	
۱۶۳	= =	حبیب مقدس	×	—	—	—	
۱۶۴	= =	سید اسماعیل موسوی	×	—	—	—	
۱۶۵	= =	محسن غلامی	×	—	—	—	
۱۶۶	= =	عین اله حسنی	×	—	—	—	
۱۶۷	= =	محمدعلی طکی	×	—	—	—	
۱۶۸	= =	سید ابراهیم تبای	×	—	—	—	
۱۶۹	= =	ابراهیم ذاکری	×	—	—	—	
۱۷۰	= =	سید ابراهیم سعیدی	×	—	—	—	
۱۷۱	= =	محمدعلی شرقی	×	—	—	—	
۱۷۲	= =	رضا عباس زاده	×	—	—	—	
۱۷۳	= =	علی اقدم	[illegible]	—	—	—	
۱۷۴	= =	عبدالحسین رفائی	×	—	—	—	

صفحه ۲ از ۲ صفحه

به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان غربی	ملاحظات حفاظتی
از: مل ٦٤ ب ـ ر ۲	
شماره ۱۱/۱۱/۰۱/۰۰۱/ ...	گیرندگان:
تاریخ ۱۳۵۷/۹/۲۱	ف ۱۹ از جهت آگاهی و اقدام لازم
پیوست:	
موضوع:	عطف:

پیرو،

اشخاص مشروحه زیر که از طبقات مختلف (دانشجو ـ معلم ـ دانش‌آموز دبیرستانی ـ اصناف) شهرستان رضائیه هستند و ماهیت خود را در جریانات اخیر بظهور رسانیده‌اند بطورکلی مخالف دولت و رژیم سلطنت شاهنشاهی هستند و در موقعیت‌های مناسب فعالیت‌های شدید از خود نشان میدهند.

۱ـ علاقمند سنندجی ـ رئیس دانشسرای مقدماتی پسرانه رضائیه

۲ـ اسعدی بانهای دبیر مدرسه راهنمائی بزرگر

۳ـ صیادی " " "

۴ـ فریدنیا " " "

۵ـ زادمهر " " "

٦ـ بیژن صمدی ـ دبیر دبیرستان شاهدخت

۷ـ خانم عسگری " " "

۸ـ عبداله نجف‌آبادی

۹ـ محمدی سیرمای

۱۰ـ رحیمی افشار دبیر ریاضی فردوسی

۱۱ـ احمدی کردستانی ـ دبیر

۱۲ـ نشانی دبیر ـ دبیرستان شاهدخت

۱۳ـ یداله زواری ـ دبیرستان فردوسی

۱۴ـ خانم آزبر ـ (خود و خواهر)

۱۵ـ حسین رازپرز ـ پسر و دو نفر دامادش ـ شغل معلم

۱٦ـ حسین فیض‌پور

۱۷ـ حسن فیض‌پور

۱۸ـ حبیب صمدی تبریزی

۱۹ـ طاهر صرام ـ کوی باباپوف

۲۰ـ برهان الدین صدرمحلق

زادآل یاران

از :	
شماره	گیرندگان :
تاریخ	
پیوست :	
موضوع :	عطف :

پیرو ،

ص ۲

۲۱ـ شمس‌الدین صدر محقق بازنشسته

۲۲ـ عباس اکبری ـ دبیر بازنشسته کوی کیوان

۲۳ـ تقوی پور ـ مقیم پشت شیرخورشید

۲۴ـ عطار افشار

۲۵ـ یحیی احمد

۲۶ـ کوچک داوری افشار ـ بازنشسته اداره راه

۲۷ـ غلامحسین طریقی

۲۸ـ حسن زهانی

۲۹ـ سعادت کارشناس بودجه

۳۰ـ احمد کاظمی ـ کارمند بودجه اداره کل

۳۱ـ علاء‌الدین حکمت ـ کارمند حسابداری

۳۲ـ علی سلطانی سقزی کردستانی

۳۳ـ اکبر نوذری رئیس دبیرستان تجلی و پسرش ناصر نوذری دانش‌آموز

۳۴ـ مهدی کاظمی ـ معلم

۳۵ـ حسن خلیلی ـ =

۳۶ـ قدرت‌اله جعفری ـ عضو انجمن و دبیر

۳۷ـ عذرا اقدامی ـ آموزگار

۳۸ـ محمد صادق امجدی =

۳۹ـ اکبر خیاط مینایی عضو انجمن و دبیر

۴۰ـ حسین صدیق ـ دبیر رضاشاه کبیر

۴۱ـ مهدی حمزه پور ـ آموزگار

۴۲ـ ابراهیم رضازاده ـ دبیر

۴۳ـ لطفعلی گلشن گندانلو آموزگار

۴۴ـ حمید بهستام ـ آموزگار

۴۵ـ پرویز سیروس رضائی ـ دبیر هنرستان پسران

بقیه در صفحه ۳

خیلی محرمانه

طبقه بندی

فوریت

گزارش خبر

صفحه .... از .... صفحه

نسخه .... از .... نسخه

۱ ـ به تیمسار ریاست اداره دوم (۳۲۲) ۴۲۲

۲ ـ از (۱۹) ستاد لشگر ۶۴ پیاده

۳ ـ شماره ۹۰۴/ ۲۲۹۱

۴ ـ تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲

۵ ـ پیوست

۶ ـ گیرندگان

۷ ـ منبع پوسدل ۱۰ ص

۸ ـ منشاء شهرستان رضائیه

۹ ـ تاریخ وقوع ادامه دارد

۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع ۱۳۵۷/۹/۲۸

۱۱ ـ تاریخ رسید خبر به افسر عملیات ۱۳۵۷/۹/۲۹

۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

بازگشت

پیرو

موضوع اعمال خرابکاری [illegible]

[illegible]

ملاحظات [illegible] . [illegible]

اقدام کننده [illegible]

رئیس شعبه [illegible]

فرمانده [illegible]

۵۷/۱۰/[illegible]

طبقه بندی

خیلی محرمانه

طبقه بندی حفاظتی

سری / مستثنی

شماره: ۸۷۹ـ ۲ـ ۶ـ ۰ـ ۵۰۱

تاریخ: ۵۷/۱۱/۲۸

درجه فوریت

۱ ـ به:

۲ ـ از: ژـ کـ ش (سازمان ضداطلاعات) ۳۰۷ ـ گیرنده:

الف ـ ت ـ ف ـ لشگر ۶۴ رضائیه (ضد اطلاعات)

ب ـ شهربانیهای استان آذربایجان غربی

پ

ت

ث

۳ ـ تاریخ وقوع:

۴ ـ منشاء:

۵ ـ شماره منبع

۶ ـ موضوع: تعمیر جنگ افزار

خبر واصله حاکیست:

عناصر غیرنظامیانیکه جنگ افزار غیرمجاز فراهم نموده اند جهت برطرف نمودن گیر و یا هر نوع تعمیر پس از کسب اجازه نامه از گردانندگان مهدیه که آقایان رضائی ـ مشهدعلی رستمی راد پلو فروش ـ حاج سیفعلی یکانی و حسن افشار به مغازه شخصی بنام حسین معروف به حسین آلمانی واقع در خیابان پهلوی جنب سینما کریستال مراجعه مینمایند.

ملاحظات حفاظتی

ارزیابی خبر: احتمالاً صحت دارد.

سری / مستثنی

فرم ۰۲۹۳ ژ ـ ک ـ ش

سازمان رادیو تلویزیون نظامی ایران

هموطن

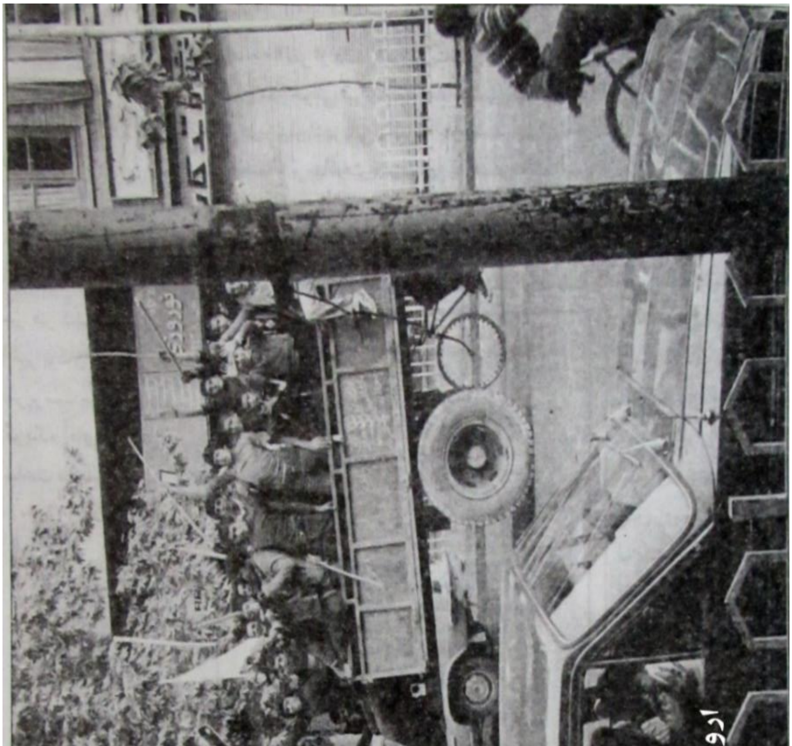
سازمان در اسارت نظامیان است.

رادیو تلویزیون خود را که صدای استبداد است

خاموش کنید.

باتشکر


ارومیه ۵۷/۸/۳



ارومیه ۵۷/۸/۴، گروه چماقداران طرفدار شاه



این عکس از روی فیلم تحصن فرهنگیان
مربوط به آرشیو صدا و سیمای مرکز ارومیه گرفته شده است



این عکس از روی فیلم تحصن فرهنگیان

مربوط به آرشیو صدا و سیمای مرکز ارومیه گرفته شده است

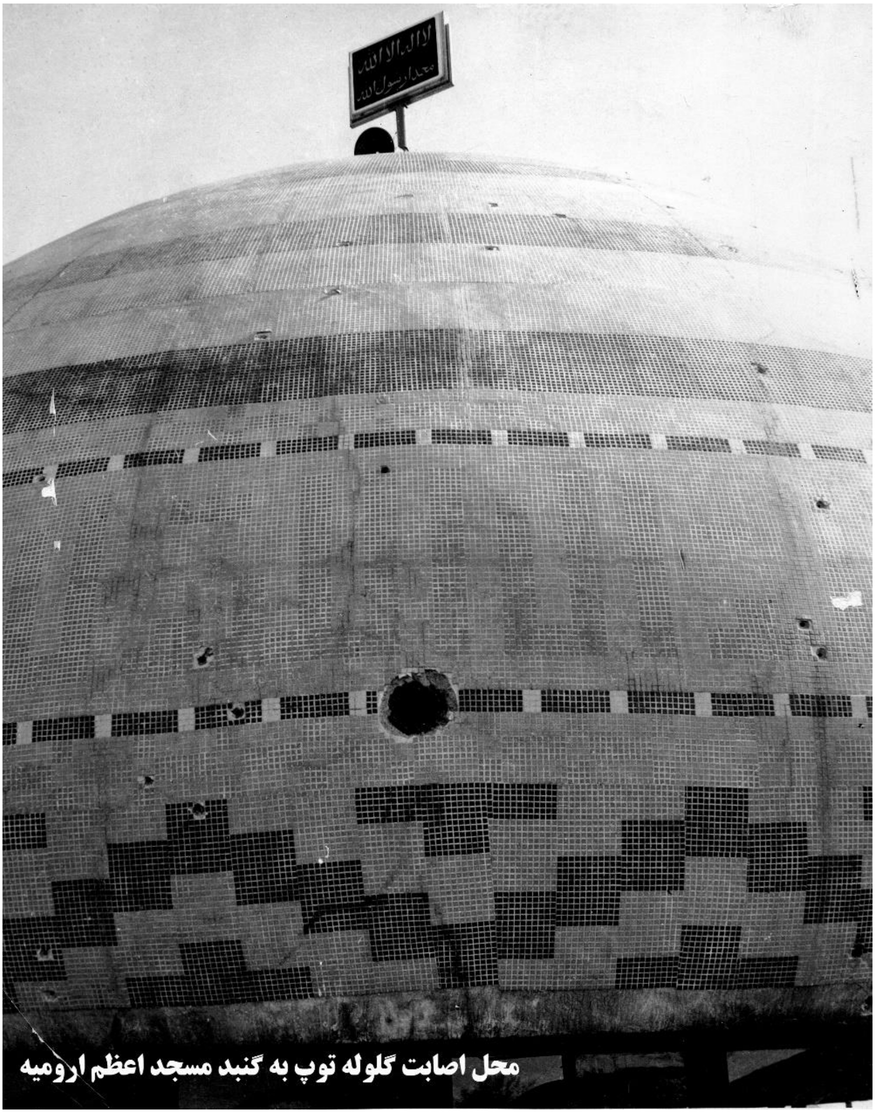


این عکس از روی فیلم تحصن فرهنگیان
مربوط به آرشیو صدا و سیمای مرکز ارومیه گرفته شده است



تظاهرات مردم ارومیه در بهمن ۱۳۵۷ در مقابل مسجد اعظم

(از آرشیو عکس‌های آقای خلیل مستوفی)



محل اصابت گلوله توپ به گنبد مسجد اعظم ارومیه در بهمن ماه ۱۳۵۷

(از آرشیو عکس‌های آقای خلیل مستوفی)



حجت الاسلام غلامرضا حسنی



حجت الاسلام علی صمدی



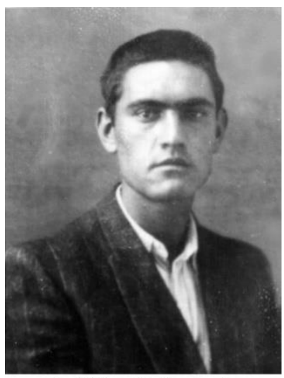
آیت اله قریشی



آیت اله قره باغی



آیت اله محمد فوزی



علی حقیقت افشار



حجت الاسلام عدنانی


بیت اله جعفری


محمدصادق امجدی


فریدون سید مصطفوی


حمزه امین الاسلامی


امیر ماشاءالله بوزچلو

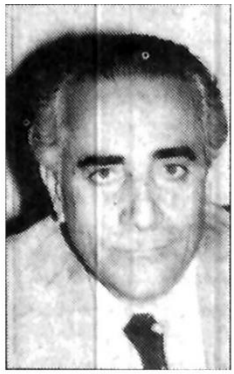

سرلشکر هومان



یداله توتونچی افشار



احمد بنی احمد



محسن پزشکپور



کریم ورهرام

اعلام

(فهرست اشخاص)

منابع

آرشیو روزنامه اطلاعات

آرشیو روزنامه کیهان

آسیوند زاده، مسعود، ***انقلاب اسلامی در ارومیه از ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱م تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۹ م.*** ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی، مهر ۱۳۸۴، دانشگاه اصفهان

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج. ۶ ، تهران : وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج. ۹ ، تهران : وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ، ج. ۱۰ ، تهران : وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ، ج. ۱۱ ، تهران : وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ، ج. ۱۲ ، تهران : وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ، ج. ۱۳ ، تهران : وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ، ج. ۱۴ ، تهران : وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج.۱۶، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ، ج. ۱۷ ، تهران : وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج. ۱۹، تهران : وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ، ج. ۲۰، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۵

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ، ج. ۲۱ ، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۵

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج. ۲۲ ، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۵

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج. ۲۳ ، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج. ۲۴ ، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶

بیگ باباپور، یوسف، غلامیه، مسعود، ***دیباچه بیاض شاهزاده امامقلی میرزای قاجار***، پیام بهارستان، فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون، دوره دوم ، سال چهارم، شماره چهاردهم، بخش اول، زمستان ۱۳۹۰

تاریخ انقلاب خراسان (گزارشی از حمله روس‌ها به حرم امام رضا علیه‌السلام)/ سروده میرزا رجبعلی تجلی/ به کوشش: فرشته کوشکی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

جباری، جلیل، ***گزارش زمستان ۵۷***، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سازمان عقیدتی سیاسی، دفتر سیاسی (ایران- تهران)، ۱۳۷۲

حسنی، غلامرضا، ***خاطرات حجه‌الاسلام حسنی امام جمعه ارومیه***، تدوین عبدالرحیم اباذری ، تهران : مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۴.

خادم علماء، علی، ***تاریخ آموزش و پرورش ارومیه از آغاز تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۹ م***، بهار ۱۳۸۰، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی

دهقان، علی، ***سرزمین زردشت، اوضاع طبیعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی رضائیه***، تهران: ابن سینا، چاپ اول ۱۳۴۸

روزشمار انقلاب اسلامی، ج۵ ، سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر،۱۳۷۸

روزشمار انقلاب اسلامی، ج۶ ، سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر،۱۳۷۸

روزشمار انقلاب اسلامی، ج۷ ، سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر،۱۳۷۹

سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، ج. ۱۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۶

سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، ج. ۱۹، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۶

شاهدی، مظفر، ***جاسوسان کا. گ. ب در ایران، وکیل جاسوس ـ احمد بنی‌احمد*** ، فصل نامه مطالعات تاریخی، پائیز ۱۳۸۶، شماره ۱۸

صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد۳، تهران ، ۱۳۷۸

صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد۵، تهران ، ۱۳۷۸

قاسم‌پور، داود، ***(مقاله)ارومیه در نهضت اسلامی امام خمینی***، از آغاز تا تبعید امام خمینی به خارج از کشور، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

قاسم‌پور، داود، ***انقلاب اسلامی در ارومیه***، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱

قاسم‌پور، داود، ***انقلاب اسلامی در ارومیه***، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲

قرشی بنابی، علی اکبر، ***خاطرات آیت الله سید علی اکبر قرشی***، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸

محمد قلی زاد، محمد رضا، ***آذربایجان غربی در آینه تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران***، ارومیه : حسام الدین چلبی، ۱۳۹۱

نیکبخت، رحیم، ***جنبش دانشجویی تبریز(به روایت اسناد و خاطرات)***، تهران ، سوره مهر، ۱۳۸۱

هاشمی، میر موسی، ***خاطرات یک سرباز***، سوئد- مالمو، چاپ اول، ۱۳۸۱

یاران امام به روایت اسناد ساواک ، جلد ۲۰ : (آیت‌الله سیدمرتضی پسندیده)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ، ۱۳۸۰

سایت ها

پایگاه اطلاع‌رسانی انقلاب اسلامی دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری □□.□□□□□□۲۲

پژوهشکده باقرالعلوم pajoohe.com

تاریخ ایرانی tarikhirani.ir

جامعه بازنشستگان آموزش و پرورش کرمان jbap.ir

خبرگزاری شفاف shafaf.ir

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری ۱۵□□□□□□□۴۲.□□

شبکه اینترنتی آفتاب aftabir.com

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ical.ir

مرکز اسناد انقلاب اسلامی www.irdc.ir

مرکز بررسی اسناد تاریخی www.historydocuments.ir

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ir-psri.com

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران iichs.org

ویکی پدیا فارسی fa.wikipedia.org